هو

کتاب تاریخ معاصر

ترجمه و تألیف

حضرت مستطاب اجل آقای میرزا ابوالحسنخان

فروغی ادام اقباله

رئیس دارالمعلمین مرکزی و معلم مدرسه علوم سیاسی

در شهر شعبان المعظم

۱۳۳۷

ترقیم تحریر شد

بنده درگاه

عبدالحسین

هو

کتاب تاریخ معاصر

ترجمه و تألیف

حضرت مستطاب اجل آقای میرزا ابوالحسنخان

فروغی دام اقباله

رئیس دارالمعلمین مرکزی و معلم مدرسه علوم سیاسی

در شهر شوال المکرم

۱۳۲۷

ترقیم تحریر شد

عتبه درگه

عبدالحسین

نخستین

تاریخ که حقیقتاً راهنمای بشریت تمثال ترقیات چراغ راه قافله است و در نزد اکثر ملل
رهنمون آزادی طلبان است بیدار کننده مردمان خواب است هشیار کننده غافل
مست است خواباننده وطن پرستی است عدالت خواه و حق است بیدار کننده راه
ها از مهلکه وحشت و بربریت است حاوی [illegible] های تاریخی است حائز اولین
مرتبه [illegible] تاریخهای گذشته است و دارای بسی مطالب سودمند است تاریخ
معاصر است چونکه سایر تواریخ نوع متعلق به دوره های مختلفه قدیمه است به خوانندگان
اوقات احوال و بنیان و سرچشمه و منابع اطلاعات اوضاع ترقیات ترقیات
گذشته عالم بفهمیم و شاید از تاریخ براتان مشابهی هم ممکن است در دوره معاصر ما اتفاق
نیفتد عبرت گرفته باشیم واضح است ما بدانیم که ملت خود و دستان ما در امور
معاصر ما است گذشته نباشد و لیس پس بدین علت تمام آنچه از تاریخ گذشته است
برای تاریخ معاصر آنها مبادی است برای این اهل حقیقی لذا ما حتی در این یک شش
از تمام آنها دقت کرده و مخصوصاً با عزم و دقت و تعمق زیاد مطالعه خود
و سرسری از آنها نگذشته هم چنین که داره و حقیقتاً سعادت سیاسی اداری اقتصادی
اجتماعی ادبی علمی صنعتی فنی در عالم بجز این تاریخ جمع است و دوا قاقا
دو ملت هر قومی هرگاه راه ترقی و سرفرازی تو برای خود یابد اگر
از آنکه این تاریخ و بعد از جهت بجای این تاریخ نماید گرد ... هم آن
گفت تا ... هم دیگر گذشته است ... هر چه گفته ... تو
گسسته و ... عالم و تمدن دنیا ...

تمام افتخارات و ... آنها به ... زیرپای خود ... قرار دادند قلعات
صد ساله کشف کرده متصرف شدند و تمام ... مهاجرین تاحدی ... قاطبه خود را تحت
خود قرار دادند بعد از ... بسط زمین و از سطح خاک تا اوج افلاک
... و در قبضه اقتدار خود گرفته اند و حقیقتاً ... اشرف المخلوقات
... هر گونه حقوق یک قوم در ... و حفظ خود را از آنها ... جلوگیری نماید ... چاره
ندارد جز اینکه چون آنها ... مثل ... خود آنها ... اگر ... خواهند
کنند ... نهاده ... توپ ... آسمان ... خود ... کوش
خواهند کرد و از این روشها چاره رفع احتیاجات و حفظ استقلال ... دست نداده
به ... جز ... ترقی ... آنها ... و ...
سعادت و ... این مطلب ... تاریخ معاصر ... باشد
در این رو اهمیت تاریخ معاصر خیلی بیش از شرح و وصف است خصوصاً موقعیکه ...
... آن حضرت ... آکرم ... اجتماعات ... دارالملتین
مرکزی ... ایام ... باشند و ... این کشف بزرگ ... قابل تقدیر
دانشنه ... در خور هر گونه ستایش ... باشند
... در این ایام ... آرام نشسته و ... خدمت ...
معارف و ... و تعمیم علوم و فنون بوده اند و ... از ترجمه و تالیف و تصنیف و تحقیق
در کتب ... تاریخ معاصر زبان فارسی ...
گذاشته ... کتاب ... و ... نمایند و ...
گشته ام ...
... خداوند ...

فهرست مندرجات

بسمه تعالی

مقدمه

مقدمات عهد انقلاب کبیر فرانسه

شورش کبیر فرانسه شورشی است که واقع شده است که آن وجهه هر جنبه هم [illegible] که آثار بیشتر از اوضاع
فرانسه [illegible] و دیگر بسته به سلطنت و در قرون عدیده تولید شده بود
این انقلاب را امور بسته [illegible] کرده است: اول حق آزادی طلبی که دهاتی (دهقانان عبید و رعیت)
در زمان [illegible] فرانسه [illegible] سلطنت بسته [illegible] که بود [illegible]
[illegible] معارف [illegible] مردم [illegible] ایشان [illegible] اوضاع [illegible]
ممکن است [illegible] شورش [illegible] قرار داده
[illegible] حق آزادی [illegible] تمام فوائد [illegible] داده بود
[illegible] بزرگان [illegible] ملکیت
[illegible]
[illegible] سیاست [illegible] سلطنت [illegible] قدرت [illegible]
[illegible] بزرگان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
موجب [illegible] طبقات مردم [illegible]
[illegible] انقلاب [illegible] آزادی
مساوات [illegible]
[illegible]
[illegible] معارف [illegible]

آن برای مردم شهر محسوس نگردید گذشته از ترقی علوم امریکه باعث بیداری مردم شده و الفی
بود و جنگهای مختلفه که نگردید چنانکه نتوانیم بگوئیم خیال اصلاح و تصورهای آزادی طلبی از انگلیس و امریکا
بفرانسه سرایت نکرد و درباب اوضاع بدبختیهائی که دیده ام حکما و نویسندگان فرانسه هم ترویج خیالات
بودند و از انگلیس اخذ کرده بودند مثل اصلاحات آزادی طلبانه و خیال انگلیس پرستی وارد فرانسه
بود و چون فرانسه ها بواسطه سابقه تمدن و تربیت و با ذکاوت در وحشی واقع شده بودند حکومت
بسته او و شاید آن برای قتال به محشر در رود و از طرف دیگر معارف و ادبیات ایشان هم اکثر ممالک
اروپا نشر اهمیت داشت در جامعه فرانسه گاه از نشر فلسفه سیاسی و آزادی و اصلاح طلبی گفتید
روز بروز بزرگ کند در جامعه بهم هم برای تمام اروپا اصلاحاتی در وضع هیئت چنانچه بعد خواهد شد است
این است که ترقی ها در تمام ممالک اروپا مصنفات نویسندگان و حکمای فرانسه ترجمه شده است و حتی بعضی از
سلاطین مشهور پادشاه روس (کاترین دوم) و امپراطور پروس (فردریک) و امپراطور اطریش ژوزف دوم
حکمای فرانسه شدند و برای اصلاح امور مملکت فرانسه اخذ کرده بودند اقدام بعضی اصلاحات کردند
و در آن مملکت ... اقدامات اصلاحات حقیقی است ترتیب سلاطین و وزراء
اول ... اقدام بعضی اصلاحات که در پرتگال بتوسط Pombal وزیر آنجا ... شده بود
مجری داشت کرده اقدام با فعال هیئت یسوعیین بر قتال ... و صنعت تجارت ترقی کرد
هم ... در اسپانیا که ... Floridablanca و در Dronela ... ضعیف کرد
روحانیون ... و هیئت ... کردند ... اسپانیا ... اصلاحات از قبیل
تزیین شهرها ... زارعین ... آن کرد در ایطالیا نیز در ...
شهرهای ... و Plaisance ... اصلاحات کردند ...
و ...) ... چهار کرد و ... و
... صنعت تجارت و ادبیات و ... ترقی شده ... مقصرین ... گردید ...

در دانمارک فردریک پنجم و وزرای او اقداماتی کردند نظیر اصلاحات و اقدامات کلبر و در عهد ...
اقدامات ترقی صنعت و تجارت بر وفق عقیده علمای فرانسه و بواسطه رفع موانع آزادی تجارت شد
اما مهمترین سلاطین اصلاح طلب ... فردریک دوم و در ... و کاترین دوم بوده اند
اقدامات آنها ... خوانده ام سلاطین ... اقدامات ...
حق ... و اصلاحات ... بعدها ... از این اقدامات چیزی ...
... ایشان ... داده ...
چنانکه ... اقدامات ... کردند اقدامات ایشان ... اهمیت داشت ...
احتیاج ... اصلاحات ... ممالک ایشان ... فرانسه ...
۱۸۱۵ ... محفوظ داشت
مملکت فرانسه چنانکه پیش اشاره کردیم ... در آخر ... ۱۸ ...
... فرانسه ... اصلاح ...
... و ... که ... در ... و ... ۱۶
... بعضی اصلاحات ...
Necker و Turgot و Malherbe ...
... چنانکه ... از ... فرانسه
... واسطه اصلاح ... و ... زراعت و رفع موانع تجارت ...
... از ... فرانسه ...
شد ... وزارت ...
اقدامات مهم ... آزادی تجارت ...
... مردم ...

کمر این شرح نه بوده به خصوصها در امور مالیه و معاونت شهری در بنگال (؟) دست داشت اصلاحات اجباری را
از اصلاح ترتیب مالیه کرده است و بعضی از امتیازات سابقه ترک کرد از جمله آنکه [illegible] اهالی [illegible]
حبس [illegible] موقوف است. به تمام خود تشریح نمود که دولت به توسعه بیشتر و قیمت [illegible] افکار ملت را
به صورت جمع و خرج دولت را به چاپ رسانید اول دفعه که [illegible] و این صورت به مناسبت آنکه جلد آن [illegible]
طرف انتشار و اعلام [illegible] Compte bleu مشتقه اند و بعد لفظ Compte bleu مستعمل شد
در مقابل Compte rouge از قصه‌ای [illegible] چون این اصلاحات پیشرفت نمود ناچار ملت
فرانسه اقدام به طلب اصلاح کردند و علت اجباری انقلاب فرانسه همین است

انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ در حالی شروع شد که ممالک اروپا اصلاحاتی که [illegible] پیش ذکر کرده
مشغول انجام آن بودند و در اتریش ژوزف دوم و [illegible] و پروس [illegible] کرده به جهت ترقی
آن مملکت را از هر جهت فراهم نموده و کمال بود [illegible] زمان [illegible] تمام رسیده بود
و از جهت اوضاع سیاسی هم مملکت روس و پروس و اطریش بوده مشغول تقسیم لهستان و ضعیف کردن
عثمانی بودند و آخرین تقسیم لهستان در ۱۷۹۳ یعنی در همین وقت شورش فرانسه واقع شد بنابراین
بی‌ضم ماندند [illegible] مرکزی و شرق اروپا مشغول [illegible] که برعکس شورش فرانسه بود
نه فکر [illegible] اقدام برای شورش فرانسه [illegible] زیرا اهل روس و پروس و اطریش [illegible]
تقسیم لهستان [illegible] ترقی [illegible] نداشتند [illegible] فرانسه [illegible] قوم [illegible]
اوضاع انقلاب فرانسه در تمام شروع انقلاب — اوضاع فرانسه در این موقع [illegible] اول [illegible]
مردم منقسم به طبقات ثلثه بودند روحانیون نجبا و طبقه ثالث روحانیون و اشراف
دارای امتیازات Privilège بودند یعنی [illegible] مالیات [illegible] و از [illegible]
[illegible] مالیات [illegible] طبقات زارعین و کشاورزان [illegible]
[illegible] اشراف [illegible] رعایا [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] حاکمیت [illegible] Droits féodaux [illegible]
[illegible] که رعایا [illegible] روحانیون نیز [illegible]
[illegible] اشراف و روحانیون [illegible] طبقه ثالث [illegible]
[illegible] اشراف [illegible]
طبقه ثالث [illegible] طبقه ثالث [illegible] روحانیون
و اشراف [illegible] امتیازات [illegible] طبقه ثالث [illegible]
[illegible] اشراف [illegible]
پادشاه و اشراف و روحانیون [illegible] طبقه ثالث [illegible]
طبقه [illegible] اشراف و روحانیون [illegible]
[illegible] اشراف و روحانیون [illegible]
[illegible] اشراف و روحانیون [illegible]
[illegible] طبقه [illegible] اشراف [illegible]
طبقه اشراف [illegible] gentilhommes de campagne [illegible]
[illegible] اشراف [illegible] رعایا [illegible]
رعایا [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اشراف [illegible] روحانیون [illegible]
[illegible] روحانیون [illegible] اشراف [illegible]
و ادارات [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] طبقه ثالث [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] اداره [illegible]

اشراف بوده از طرف دیگر در میان طبقات ثالث هم اواسط الناس حکم که طبقه حساب تجار بود داشته دربار
حالت هم گزاف داشت و در بعد در آن طرف نیز باید و شبهاتی پادشاه و حقوق اشراف در بارگاه [illegible]
بین پادشاه و تفرقین او و دو بعد حظه قوانین ملکی هر چه بخواسته میکردند چنانکه [illegible]
در ترقیات [illegible] (lettre de cachet بود) در طبقه کارگران [illegible] کسب گذشته
از تعدیات حالت ترقیات هم [illegible] از جانب خود آنها بود هم [illegible] عموم [illegible]
بسیاری از مردم [illegible] و [illegible] دیگر صنعتی و تجارتی [illegible]
[illegible] از [illegible] چنانکه پیش ذکر کردم
[illegible] آزادی [illegible] بود [illegible] (Parlement) [illegible]
[illegible]
[illegible] آن [illegible] تمام [illegible] چنانکه پیش ذکر [illegible]
[illegible] تمام طبقات [illegible] مجازات [illegible] پیش [illegible]
[illegible] گذشته [illegible]
[illegible] ادارات [illegible] زمان [illegible]
[illegible] آن اداره [illegible] احکام [illegible] سلطان [illegible]
ترقیات [illegible] (Provence [illegible])
[illegible] مملکت [illegible]
[illegible] ترقیات [illegible]
بجهت گذشته از عدم تساوی بین طبقات [illegible] مساوات نبود
[illegible]

[illegible] اول [illegible] مساوات [illegible] آزادی
[illegible] تمام انواع آزادی [illegible]
سیاسی و آزادی [illegible] و مطبوعات [illegible]
[illegible] آزادی [illegible]
[illegible] ادارات [illegible]
[illegible] مطبوعات
[illegible]
[illegible] اجازات [illegible]
چهارم مساوات در حقوق سیاسی و مدنی [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] اشراف [illegible]
[illegible] مملکت [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] دولت [illegible] مردم [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] چنانکه [illegible]
[illegible] شد

شروع [illegible] ماه [illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول

تاریخ داخلهٔ فرانسه

هیئت مؤسسه – مجمع نمایندگان ملت فرانسه در ۱۷۸۸ ترقی که در قرون جدیده دیده ام منتخب گردیده و در ۱۷۸۹ در ورسای جمع شدند ابتدا چند روز در مجلس لشکر اتاژنرو منعقد بود پس از آن مبدل بمجلس ملی و پس از چند روز دیگر مرسوم به هیئت مؤسسه گردید. تبدیل اتاژنرو به هیئت مؤسسه اول انقلاب کبیر فرانسه محسوب میشود

مجلس اتاژنرو در قسمتی از عمارت ورسای بود و جزو عمدهٔ آن عمارت عبارت بود از یک تالار بزرگ برای جلسات عمومی یعنی جلساتیکه تمام نمایندگان در یک اطاق جمع میشدند و بگونه جلسه برای تشریفات وقتیکه پادشاه بمجلس میآمد بود و سه اطاق مخصوص و هر کدام برای نمایندگان هر یک از طبقات ثلاثه معین کرده بود که باین وسیله در موقع کار نمایندگان طبقات ثلاثه از یکدیگر مجزا بودند سابقاً در اتاژنرو مرسوم بود که آراء نمایندگان هر طبقه را جمع نموده یک رأی میشمردند اکثریت از توافق رأی دو طبقه با یکدیگر حاصل میگردید در مجزا نمودن اطاقها نمایندگان معلوم میگردد در این مجلس هم میخواستند رسم قدیم را معمول دارند و باین شکل مضاعف بودن نمایندگان طبقهٔ ثالث را نسبت بهر یک از طبقهٔ دیگر بی‌اثر کنند نمایندگان طبقهٔ ثالث دانستند که از قدم اول باید تکلیف خود را معلوم دارند و راه مقاصد خویش را بدست بیاورند لذا از اینکه در موقع رسیدگی به اعتبارنامه‌ها یعنی در اولین قدم شروع بکار از تالار عمومی خارج شده باطاق مخصوص خود بروند امتناع ورزیده گفتند: ما وقتی به اعتبارنامه‌ها رسیدگی خواهیم کرد که نمایندگان دو طبقهٔ دیگر هم در یک اطاق حاضر شده باتفاق کار بکنیم. نمایندگان طبقهٔ ثالث در تالار عمومی ماندند و پاره از نمایندگان روحانیین و عدهٔ کمی از اشراف نیز بآنها ملحق شدند ولی اکثریت روحانیون و اشراف در اطاقهای خود قرار گرفتند. این کشمکش که در حقیقت بین نمایندگان طبقهٔ ثالث و دولت بود چند روز دوام داشت برای قطع مسئله از جانب دولت تصویب شد که یک جلسهٔ سلطنتی در اتاژنرو منعقد شود و پادشاه شخصاً بنمایندگان طبقهٔ ثالث امر کند که باطاق خود بروند و بر وفق رسم قدیم مشغول

کار گردند. ضمناً بعنوان تهیهٔ تالار عمومی برای جلسهٔ سلطنتی در آن تالار را بستند روزیکه نمایندگان طبقهٔ ثالث در موقع مقرر بمجلس آمدند در تالار را بسته دیدند در آنجا گردش کردند و تالار بزرگی را که مخصوص نوع بازی بود (Jeu de paume) یافته در آن تالار حاضر شده میزی را در وسط اطاق نهاده بمنزلهٔ کرسی نطق قرار دادند و قسم یاد نمودند (این واقعه معروف است به Serment du jeu de paume) و تا برای کشور ترتیب کنستیتوسیون نداده متفرق نشوند دو روز بعد رئیس تشریفات دربار از نزد نمایندگان فرستاده شد تا از جانب شاه امر بخارج شدن کند نمایندگان امتناع ورزیدند و میرابو جرأت فوق‌العاده و ... نشان داد در موقع جواب تاریخی از میرابو باقی گفته شده است این است: Allez dire à votre maître que nous y sommes par la volonté du peuple, nous n'en sortirons que par la force des baïonnettes. یا

Il me semble que la nation réunie ne peut recevoir d'ordre

یعنی ... نمایندگان آنروز ملت را از تعقیب ایشان منصرف کرد

بالاخره جلسهٔ سلطنتی واقع شده و لوئی شانزدهم بعد از قرائت نطق خود حرفهای تهدید آمیز بنمایندگان گفت و امر کرد هر کدام باطاقهای خود روند بعد از خارج شدن پادشاه نمایندگان طبقهٔ اشراف و روحانیین باطاقهای خود رفته ولی نمایندگان طبقهٔ ثالث با عده از روحانیین و اشراف که با ایشان همراه شده بودند بکار خود ماندند و پس از چند روز به تکلیف گذشت چنین رأی دادند که نمایندگان طبقهٔ ثالث چون نمایندهٔ اکثریت از ملت فرانسه هستند هیئت خود را به اسم مجلس نمایندهٔ ملت فرانسه نامیده بعنوان مشغول کار شوند و شروع برسیدگی اعتبارنامه‌ها کرده و در ضمن قوانینی وضع کردند بمضمون افراد ملت فرانسه نباید مالیات بدهند مگر بعد از تصویب مجلس ملی و در وقت هیئت نمایندگان مشغول کار شده بود هیئت خود را مجلس ملی assemblée nationale میخواندند و اتاژنرو را منحل میدانستند تدریجاً باز عده از نمایندگان روحانیون و اشراف بمجلس ملی ملحق شدند عاقبت لوئی شانزدهم باقی نمایندگان اشراف و روحانیون را نیز دعوت کرد بمجلس

ملی گردند و ایشان قبول نمودند بدین شکل اتاژنرو به مجلس ملی تبدیل شد و در ضمن این کنگره ها معلوم شد که در مجلس ملی

بین نمایندگان طبقات ثلاثه باید تفاوت گذاشته شود و رای ها نیز باید افرادی باشد

مجلس ملی اظهار کرد هر قدر از هر کار باید بهای ... دولت فرانسه داده شود و تکلیف برای گذاشتن قانون اساسی

منتخب گردند و از روزیکه این نمایندگان مشغول کار شدند مجلس ملی را هیئت مؤسسان Assemblée constituante

خواندند هیئت مؤسسه مدت دو سال باقی بود و در مدت دو سال قانون ها گذارده به شرح جزئیات در

نوشته و فرانسه را دارای اساس جدیدی نمودند در حالتیکه ... انقلاب ... از خدمت درباریان نتیجه

میشد و مهمترین آن انقلاب از این قرار است :

۱ - تسخیر باستیل و هم محبس بود و هم یکی از قلعه های نظامی پاریس

۲ - انقلابات ولایات و نسخ امتیازات فئودال از آن نتیجه شد

۳ - آوردن لوئی ۱۶ از ورسای به پاریس

۴ - فرار لوئی ۱۶ و برگرداندن او

۵ - شورش Vendée (یک حزب فرانسه) و مداوا حزب هیئت مؤسسه شروع شد و اداره هیئت این کار

از زمان کنوانسیون است

و در غیر این وقایع قبل از فرار لوئی یک کار بزرگ هم از جانب ملت فرانسه شد و هو حقوق بشر ... است

و در این تاریخ داخلی فرانسه از وقایع مهمه شمرده میشود

۱ - تسخیر باستیل - نفوذ ملکه و درباریان و نیز اقدامات اتاژنرو در وجود لوئی ۱۶ تأثیرات بد داد

برای روزانه از ورسای رفت تا ... پاریس را ... و او ... خود را برای ... حاضر کرد تا

حاضر کند و نظر باین مقصود ... افواج نظامی ... (...)

در ورسای جمع میکردند هیئت مؤسسه مرخصی افواج را از پادشاه تقاضا کرد لوئی ۱۶ از قبول این تقاضا

امتناع نمود بعلاوه نکر را از ... که وزیر ... اختیار نمود برخاست و دیگری را معروف کرد

تا بموقع کشمکش بین نمایندگان ملت و هیئت دولت بود از بموقع به بعد شهر پاریس هم در کار برای انقلاب حاضر شده بود

داخل در کار شد و میتوان گفت که شهر پاریس اسباب پیشرفت انقلاب فرانسه شده است یعنی عامل عمده انقلاب

شهر پاریس و اهالی آن بود

در پاریس باغ سلطنتی که عمارت تویلری در آن است گردشگاه عمومی بود در بین ایام همان باغ میتینگ محل اجتماع

شده مردم برای کسب خبر آنجا جمع میشدند و ناطقین نطق میکردند خبر عزل نکر دفعةً همان شهرت یافت

در روز ۱۲ ژوئیه جوانی در میان مردم به اسم Desmoulins در موضوع نطقی کرده گفت عزل نکر علامت قتل آزادیخواهان است

کمی بعد از این پاریس حالت انقلاب ... شد در عمارت دولتی که Hôtel de Ville میگویند جمع شده هیئت بلدی را مجبور

از جانب ملت فرانسه ... و برای ریاست این هیئت حکومت شهر را بدست گرفته منتخب شده بود

نمی قرار دادند و این هیئت بلدی municipalité قشون ملی گرد در عرض چند ساعت ... داوطلب آماده

برای قشون زیر اسلحه حاضر شدند ۱۴ ژوئیه روز تمام اهالی جمعیت کثیری که از مردم متفرقه تشکیل

طبقات از کسبه و صنعتگر و اوباش ... و ... تفنگ ...

و ... در کوچه ها گردش میکردند و یکی از ... های دولتی بیست هزار تفنگ ... ایشان افتاده ...

نیز بسمت باستیل رفتند و در آنجا اسلحه ... و در ضمن این جماعت رئیس باستیل ... توپ ...

اطراف باستیل ... زد و خورد بین ... قلعه و شورشیان در گرفت و بعد از چند ساعت

هم عده قلیل بودند مجبور به تسلیم شدند در صورتیکه از هجوم کنندگان ... ۲۰۰ نفر کشته و زخمی شده بودند

بعد از فتح باستیل لوئی ۱۶ نیز تسلیم ملت شد و مرخصی افواج را به مجلس اطلاع داد و چند روز بعد شهر پاریس آمده

و در بلدیه که هیئت بلدیه در آنجا بود رفت و از دست لافایت رئیس قشون ملی شعار جدید ... که ... از

رنگ سفید یعنی شعار سلطنت و هم رنگ قرمز و آبی یعنی شعار شهر پاریس گرفته بکلاه خود آویخت از بموقع ببعد

رنگ سفید شعار سلطنت و رنگ قرمز شعار انقلاب و سه رنگ قرمز و سفید و آبی شعار فرانسه جدید شناخته شده و این

جهت در مواقع ... بیرق سفید و در مواقع انقلاب بیرق قرمز و در سایر مواقع بیرق سه رنگ معمول ...

Le renvoi de Necker est le signal de la sainte-Barthélemie des patriotes

واقعهٔ تسخیر باستیل را یکی از بزرگترین وقایع انقلاب فرانسه شمرده‌اند زیرا که دیوارهای محکم آن آثار استبداد بود و ظلم قدیم فئودالیته
باستیل را از میان برداشتند و علاوه بر این واقعه ابتدای غلبهٔ انقلاب بود

۲ - نسخ امتیازات فئودال - از تسخیر باستیل انعکاس بزرگی در تمام مملکت فرانسه حاصل شد در همه جا انقلاباتی
پیش آمد در شهرها حکومتهای سابق را انداختند و حکومتهای جدیدی بجای آن معین نمودند در خارج شهرها رعایا و
دهاقین بخیال افتادند هر جا اشراف نشینها و امتیازات فئودال را بدست آورده تلف کنند
بنابراین گروه‌ها از تشر ظلم اشراف صدمه خورده بودند برای این مقصود به قلعه‌ها و قصرهای اشراف و ملاکین حمله میبردند و اسناد
مزبوره را بدست آورده میسوزانیدند در بعضی نقاط قلعه‌ها و قصرها غارت شد و گاهی آتش میگرفت بر این
ترتیب اغتشاش فوق العاده در ولایات درگرفت تا کار بجائی رسید که مجلس مؤسسان لازم دانست در این موضوع
مباحثه کرده راهی برای دفع این اغتشاش بدست بیاورند شب ۴ اوت در حالتیکه در این موضوع مباحثه میکردند
یکی از نمایندگان اشراف اظهار کرد ما باید علت اصلی این اغتشاش یعنی امتیازات فئودال را که نقطهٔ ضعف
انگیزی از فئودالیته باشد از میان برداشت این پیشنهاد را عموماً تحسین کردند و آن شب مجلس تا شش
ساعت از نصف شب گذشته دائر بود و در میان شوق و شعف فوق العاده همراهی عموم نمایندگان
امتیازات فئودال را یکی بیک منسوخ کرد تساوی حقوق تمام فرانسویان را از هر حیث اعلان نمودند حتی
از حیث بکار گماشتن در ادارات دولتی (تا آن زمان بعضی مشاغل مانند مناصب نظامی مخصوص اشراف بود)
این مجلس قانون نسخ امتیازات فئودال و برافتادن اشراف و روحانیون را در مجلس ملی از تصویب
گذشت و این واقعه یکی از مفاخر انقلاب فرانسه محسوب میشود

۳ - آوردن لوئی ۱۶ از ورسای بپاریس - موافقت لوئی ۱۶ با مجلس بعد از واقعهٔ باستیل اگرچه
اسباب محبوبیت او شده ولی این محبوبیت چندان دوام نکرد زیرا که از یکطرف بعد از چندی دسته
افواج جدیدی در ورسای آمدند و بعضی محرکان از رفتار مستبدانه دربار و ریاست پاریس ... از طرف دیگر
پادشاه قانون نسخ امتیازات فئودال را امضا ننموده بود و در پاریس هم گرانی اسباب اعلان عمومی گ...

روزی جمعیتی از زنان تقریباً ۶ الی ۷ هزار نفر از زنان فقیر تهی دستان از پاریس بسمت ورسای حرکت کرده در حالیکه
عده‌ای توپ را هم همراه داشتند در عقب سر زنان عدهٔ مردان مشغول از طبقات مختلف پشت سر این جمعیت گارد ملی
قراولان ملی در ازدحام جمعیت داخل شده بود حرکت نمودند جمعیت با این لشکر بورسای رسیده بهانه ... ساکنین قصر آن
دولتی حمله بردند و دست بکار زدند روز بعد لوئی ۱۶ مجبور شد با تمام خانوادهٔ سلطنتی همراه این جمعیت بشهر پاریس عزیمت
نماید مجلس مؤسسان نیز بشهر آمده و در آنجا ادارات دولتی و مجلس مؤسسان در عمارت تویلری و اطراف آن
قرار گرفتند

جشن فدراسیون Fête de fédération - از واقعهٔ ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ ببعد در تمام ولایات فرانسه آزادی طلبان شروع
بنظر اقدامات کردند و همه جا بتقلید پاریس قراولان ملی ترتیب دادند بعضی ولایات بعنوان حفظ آزادی و دفاع
مانع شدند که خود با یکدیگر اتحاد می بستند و این عمل را فدراسیون میگفتند بتدریج این کار رونق گرفت تا آنکه تمام ولایات
خواستند یک جمعیت اتحادیه واحده داشته باشند نظر باین مقصود از هر یک از ولایات جمعی از قراولان ملی
نمایندگی بپاریس فرستادند و قرار گذاشتند که روز ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰ سالگرد تسخیر باستیل و حصول آزادی جشنی بگیرند
در روز مزبوره جشن بزرگی در پاریس برپا شد قبل از وقت برای انجام این مقصود اول میدان مشق
Champ de mars موسوم بود باید قراولان ملی در آنجا حاضر شوند تمام محل را آماده ... کرده خود
... برای جشن ... روز ۱۴ پادشاه و مجلس ... نمایندگان مجلس مؤسسان و ...
قراولان و ولایات با عدهٔ کثیری از مردم هر یک جمعیت المجمع عدهٔ ایشان بیست هزار نفر ...
در میدان مشق جمع شده در وسط میدان ... ترتیب داده بودند پادشاه در جلو آن
خانه رفته قسم خورد که آزادی ملت فرانسه و قانونهای را حفظ کند پس از آن لافایت ...
از جانب قراولان ملی پاریس و ولایات هم در موقع نمایندگی ملت ... پادشاه آزادی
و قانون واحد فرانسه قسم یاد کرد موجب این قسم تمام ملت فرانسه بجای خود ... قانون واحد
دارند ...

و این نظر در جشن ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰ [illegible] هیئت [illegible] رفتار کرده‌اند در این روز در پاریس موقوف که فدراسیون
دولت و ملت را اتحاد از میان رفت شب آخر و مردم در میدان [illegible] جمع شده و جمعیتی [illegible] قسم و قول نمودند
۳ - فرار لوئی از پاریس - اقدامات [illegible] در پاریس و یک خطر بزرگ که هیئت مؤسسه را تهدید می‌نمود
[illegible] لوئی [illegible] از پاریس و دوام نکند حفظ هیئت مؤسسه [illegible] و [illegible] اولاد [illegible]
هیئت روحانی را نیز [illegible] امور دینی [illegible] در [illegible] ترتیب [illegible] برای [illegible]
ترتیب داده و به اسم Constitution civile du clergé بر قانون‌های فرانسه نظم نمود
[illegible] این قانون چنانکه می‌خواهیم [illegible] اعتقاد کاتولیک‌ها مخالف بود و پاپ [illegible] آن را منع کرد
اسباب مخالفت [illegible] کشیشان [illegible] گردیده [illegible] حقیقه [illegible] کاتولیک [illegible] گردانید
با وجود کشیشان [illegible] هیئت مؤسسه [illegible] اقدام کرد [illegible] خود مخالفت [illegible]
عقیده [illegible] در [illegible] و [illegible] برای [illegible] هیئت مؤسسه [illegible]
[illegible] کرده [illegible] سرحدات [illegible] در [illegible] از [illegible]
و امرا و [illegible] در [illegible] فرانسه [illegible] کند و در [illegible] مخالف [illegible]
جمع شده [illegible] و [illegible] مراجعت کند [illegible]
خارجه را [illegible] دولت فرانسه [illegible] سلطنت [illegible] کند [illegible] از فرانسه سرحدات
[illegible] بود اول آنکه در [illegible] این سرحدات [illegible] همراه [illegible] قرار گرفت [illegible]
[illegible] نزدیک [illegible] کرده [illegible] ([illegible]) [illegible]
حرکت [illegible] منزل [illegible] از حرکت [illegible] [illegible] راه [illegible]
شناخته [illegible] خود را [illegible] Varennes که در [illegible] و تحقیق [illegible] اطلاع [illegible]
[illegible] کرده [illegible] توقیف [illegible] پادشاه [illegible] همراهان [illegible] به پاریس مراجعت دادند [illegible]
[illegible] اول آنکه [illegible] و هیئت [illegible] سلطنت را [illegible] برد [illegible] هیئت مؤسسه [illegible]

را [illegible] تمام [illegible] دقیقت نماید
تا این زمان [illegible] جمهوری [illegible] جمهوری [illegible] هیئت [illegible] فرانسه [illegible] عقیده [illegible]
این بود جمهوری برای [illegible] قدیم [illegible] آن [illegible]
[illegible] ترتیب سلطنت [illegible] جمهوری [illegible]
[illegible] حکومت آن [illegible] پادشاه [illegible] جمهوری [illegible]
هیئت مؤسسه [illegible] جمهوری [illegible] خلع [illegible]
[illegible] وجود پادشاه [illegible] هیئت مؤسسه [illegible] عقیده [illegible]
در برای ترتیب سلطنتی [illegible] جمهوری [illegible] هیئت مؤسسه [illegible] خلع پادشاه [illegible]
جمهوری [illegible] ([illegible]) و جمهوری [illegible]
در میدان [illegible] جمع شده [illegible] جمهوری [illegible] متفرق شدند
اختتام هیئت مؤسسه - هیئت مؤسسه [illegible] قانون‌های [illegible] تمام [illegible] کار [illegible]
[illegible] قانون‌های [illegible] هیئت مؤسسه [illegible] سلطنت [illegible]
که در [illegible] از هیئت مؤسسه [illegible] قانون‌های [illegible]
[illegible] هیئت مؤسسه [illegible] قانون‌های [illegible] تمام [illegible]
[illegible] هیئت [illegible] انفصال [illegible] انفصال [illegible]
قانون‌های [illegible] انفصال هیئت مؤسسه [illegible]
در هیئت مؤسسه [illegible]
قانون‌های و کارهای تقنینی هیئت مؤسسه - هیئت مؤسسه [illegible]
[illegible] خارج فرانسه [illegible]
کار هیئت مؤسسه [illegible] فرانسه [illegible]

مراقب با اصول آزادی و مشروطیت برقرار نمایند اما [illegible] متذکر شده انقلاب شروع شد بسیار رو داد و چون در
جزئیات آن داخل نخواهیم شد همین قدر میدانیم تمام آن بسیار شکل و [illegible] رعب و وحشت زیاد داده است
و بالنتیجه از یک طرف اساس استبداد سلطنتی را از میان برداشت از طرف دیگر عادات قرون گذشته و نوع حکومتها
این مملکتها قدیم ترتیبات جدیده برقرار نمود

علاوه بر تمام این امور سیاسی و اجتماعی و اداری انقلاب [illegible] بر اصول عالیه و احدیث در امور
نیز لازم بود و هیئت مؤسسه بعد از اعلان آزادی و مساوات باید یک سیستم اداری جدیدی را از ناحیه
و امور داخله و ترتیب حکومتهای ولایات و غیره در آن نوع که اداره جدیده عوض دیگرگونی را نماید مقرر کند
و علاوه این امور در تحت قانونهای مرتب منظم و فروع و جزئیات آن بالنتیجه قوانین [illegible] ترتیب شود
لذا هیئت مؤسسه علاوه بر وضع قانونهای محکم ترتیب مجموعه از قوانین داد (Codes) ولی از آنها مجموعه
تمام قوانین مدنیه و اداری از نوع کلیه خود حاضر نمود ولی ترتیب بعض از قوانین را هیئت مقننه گذاشت چون از قوانین
اداری و جزائی مدنیه و [illegible] هیئت مؤسسه پیشنهاد نمودند و آن قوانین [illegible] وضع شد
حاصل آنکه در مدت چهار سال هیئت مؤسسه [illegible] دارای یک قانونهای محکم و یک مجموعه قوانین جدید گردیده بالنتیجه آن
مملکت بطرز جدید اداره شد

قانون اساسی — در چند ماه اول هیئت مؤسسه یک قانونهای ترتیب داده تقسیم و پاره پاره [illegible] بعد از اتمام
این قانون سایر قانونهای جدید جمع شده و ملحقات آن قانونهای الحاق کردند بالنتیجه هیئت مؤسسه در اواخر
مجبور شد ترتیب [صحیح] قانونهای سوء عقیده برگرداند آنها را بطور تازه مرتب کرد و این قانونهای تازه بود که
در ۱۷۹۱ در مجلس [illegible] آن قسم خورد و چون این قانون در ۱۷۹۱ تمام شد آنرا قانون اساسی ۱۷۹۱ میگویند
در این قانونهای مقدمه ترتیب دادند و [illegible] کلیات مقاصد خود با اسم اعلان حقوق
بشر که Déclaration des droits [illegible] در مقدمه قانونهای [illegible] کلیات با اسم
اعلان حقوق بشر قرار دادند [illegible]

نتایج بزرگ داده بود [illegible] ترتیب داده بود و حقوق بشر نافذ باشد ملکه حافظ آن حقوق باشد زیرا که مقصود
از حکومت [illegible] است حقوق بشر را محفوظ دارد

اصول عمده که از اعلان حقوق بشر استخراج میشود از این قرار است: اولا قوه ناشیه از مردم حکومت که خود مجری قانون
قانون عبارت است از بیان اراده عموم بنابراین حکومت عادلانه باید شکل حکومت ملی باشد برای اینکه حکومت
ملی باشد باید وضع قانون بتوسط هیئت ملت شود و چون در مملکت بزرگ ممکن نیست تمام افراد ملت برای جمع
قانون جمع شوند لذا [illegible] بتوسط نمایندگان منتخب ملت انجام بگیرد پس حکومت باید بترتیب نمایندگی
Representatif برای اینکه وضع قانون و اجرای آن و همچنین [illegible] انجام یابد باید [illegible]
مجزی باشند و تمام افراد آزادی شخصی و سیاسی و آزادی مطبوعات عقاید و بیان [illegible] بموجب قانون محفوظ باشد
مالیات باید اخذ شود مگر برای هیئت ملت [illegible] اصول که [illegible] اعلان حقوق بشر عبارت از
ذکر افراد آزادی و حکومت ملی و تجزیه قوا [illegible]
بموجب قانونهای ۱۷۹۱ قوه مقننه و مجریه و قضائیه [illegible] قوه مجریه و
با پادشاه و وزرای او و قوه مقننه به یک مجلس واحد باسم مجلس مقننه Assemblée législative و قوه
قضائیه را [illegible] انتخابات آن [illegible] نمایندگان مجلس مقننه [illegible]
دیگر [illegible] نمایندگان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] Election censitaire
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بجهت وضع قوانین مملکتی سابق باقی ماند

یکی از امور که تغییر کلی داده آن چه مربوط شد وضع حکومتهای ایالات بود تقسیمات ایالتی قدیم منسوخ گردید تمام مملکت
فرانسه را به هشتاد و سه دپارتمان (ایالت) تقسیم نمودند و هر دپارتمان به چند دیستریک و هر دیستریک به چند کانتون
و هر کانتون به چند کمون (که کوچکترین تقسیمات ولایات است) منقسم گردید و این ترتیب عیناً تا امروز فقط لفظ دیستریک به
مبدل به آرواندیسمان شد اما ترتیب حکومت در این ایالات و ولایات بکلی طرز تازه قرار گرفته بود با تمام کارهای
حاکم دپارتمان و دیستریک یک هیئت مدیره و مرکب از منتخبین قرار گرفت و در صورتیکه اعضاء این هیئت مدیره بایستی از جانب
اهالی تعیین میشدند و انجمن ایالتی و ولایتی نیز در نقاط آن هیئت معین میشد هم آن انجمنها نیز [illegible] ایالتی و
هیئت مدیره نیز [illegible] مجری بود داخله این انجمنهای حکومتی، مرکز حاکم و اعضاء لازمه تمام انجمنها را دارد هم
آنکه هر یک از این ایالات از فرانسه حکم یک جمهوری مستقل پیدا کرده و ترتیب مرکزیت تام در دولت جدید آن قرن سیزدهم [illegible]
رجعت بر قرار که او نیز از میان رفته بود این عدم مرکزیت بعدها باعث سستی [illegible] در کارهای دولت و حکومت شد
و چنانکه خواهیم دید یکی از موانع بزرگ برای انتظام مملکت تا زمان ناپلئون ایجاد کرد

مسئله مالیه ـ چنانکه ذکر کرده ایم اتاژنرو برای اصلاح امور مالیه منعقد شده بنابراین هیئت مؤسسه بعد از
وضع قانون های اول کاری که در جلو داشت اصلاح مالیه بود اول هر چه در باب طرف توجه شد عدم کسر
[illegible] هیئت مؤسسه [illegible] مختلفه از قرار جزئی در بودجه دولت و همچنین بعضی جاهای [illegible]
و جمعی تقاضای بر حقوق اما تمام این تدبیرات پیش از خیلی مؤثر واقع نشد عاید قسمت نمود در صورتیکه کسر سالیانه تجاوز
از خیلی جمع میلیون بود و قرض فوق العاده نیز از بیست و اند ملیون در عهده دولت بود بالاخره تدبیری که به نظر ناینده آن [illegible]
این بود که املاک روحانیت و املاک دولتی را بعنوان آنکه خود دولت عمومی است ضبط کند و آن املاک
به تمام [illegible] داده باعتبار آن قرض عمومی را بپردازد و مخارج لازمه را اداره کند لیکن مخارج اداره روحانیت
و تأسیسات خیریه را از قبیل مدارس و مریضخانه‌ها و دارالایتام و غیره آن بر عهده گیرد و املاک مذهبی را دارا گشته بعهده
گرفت و مبلغ معتنابهی برای این مخارج در بودجه منظور داشت در مقابل املاک مذهبی که تا آن زمان در تصرف

روحانیون بود فروش آنها باشد کرده و فراهم کردن پول نقد محض خود دولت ازین املاک فوراً ممکن نبود باعتبار آن [illegible]
ورقه بانک بطور پول کاغذی رواج داده و این [illegible] موسوم به assignat شد و لفظ اسکناس از آن مشتق شده
است اما ورقه اسینیا با اسکناسهای حالیه و رایج فرق دارد در حقیقت آن نوعی سهام شرکت‌ها بود و زیاده مشابه زیرا همچنین
فرض میکردند هر دارنده اسینیا بمقدار قیمت آن در املاک ضبط شده دولت شریک خواهد شد و باعتبار قیمت
آن املاک اسینیا خیلی مرغوب بود و رفته رفته چنانکه خواهیم دید بقیمت بعضی املاک مزبور
املاک مذهبی (املاک متعلقه بکلیسا) ضبط گردید و همچنین سایه نگذاشت که در حقیقت حکومت جدید اقدامات کرده
ممالک بعد از هیئت مؤسسه بعضی اعتبار اسینیا شکست زیرا که از یک طرف املاک ضبط شده به تدریج فروخته
از طرف دیگر برای مخارج جنگها و ورقه‌ها جدیدا انتشار اقتضاء اسینیا کرده چنانکه گفته شد که قیمت آن
از هشتاد و چهار درصد فراهم گشت و این ترتیب منتهی بر بحران اسینیا گردید (در زمان هیئت مدیره) از مسئله ضبط املاک
مذهبی و وضع اسینیا قرض سابقه دولت را بر طرف ننمودند و مالیه هم رفته نظم نشد و بعد از هیئت مؤسسه [illegible]
و اتفاقات عظیم پیش آمد روز بروز خراب تر گشته و مراتب بعد از زمان سلطنت شد

قوانین راجع بادارات مذهبی ـ هیئت مؤسسه در تحت نفوذ افکار فلسفه و بروان علمای ماده‌یین از طرف
طوعا و کرها گالیکن (کلیسای گالیکن) را با آزادی کامل مذهب تا چه درجه مشترک کرده بعد از آنکه قوانین مملکتی مذهب را برای
مذهبی از قوانین مدنی ترتیب دهند بعنوان هر روحانی میبایست و ادارات مذهبی و آنکه مملکت راجع
با آنها روابط داشت اما در تحت قوانین مملکتی در باب یک نفر کشیش قانون هایی برای ادارات مذهبی ترتیب
داده آنرا باسم کنستیتوسیون سیویل دو کلرژه (قانون اساسی مدنی روحانیون) نام کرده بموجب این قوانین تقسیمات قدیمه از جهت
ادارات مذهبی تغییر میکرد و کشیشان ناحیه‌ها و اسقف ایالات تعیین شده و مانند هر ناحیه یک کشیش برای آنکه کشیش
در شغل خود رعایت داشته باشد به آنها حقوقی از جانب دولت او تعیین شد و همچنین قوانین سابق الذکر در حدود
اختیارات پاپ و نماینده او در آن مراسم در حق کشیش ها ثابت شد ادای مراسم مزبور به کشیش ارکه
مهم راجع کرده و در صورت اختیار این کشیش مرحمت داده دادن شد کشیشان مذهبی که در مقابل آن مجمع نموده بود

عبارت از این بود که بموجب این قانون حکم رد ورت کلیه کشیش ها شناخته شده و باب کشیشان دیگر مراسم مذهبی را ادا کنند
ادعیه بجا آورده اند و اول قول نوشته باشند که همین حکم بود اعضاء و حاکم غیر کاتولیک باشند انتخاب داشته اند که
کشیش کاتولیک موظف هیئت پروتستان با این حکم بر قرار شود خانه ساخته شود که پاپ و اکثر کشیشان
با این قانون ضدیت کردند زیرا که هیئت نوشته در امور داخله کرده بود و در مذهب کاتولیک
اختصاص تعیین کشیش بپاپ داشت و از قید تعلقات مملکت از جهت ادارات مذهبی هم بیش کشیده بود
و تعیین تکلیف برای مراسم مذهبی در نزد کشیشان کشیشان ، بعلاوه کشیش های سیویل را مجبور کرده قسم بخورند عده قلیل
هم قسم خوردند ولی اکثر امتناع کردند قسم خورده گان را assermentés یا کنستیتوسیونل میگفتند و قسم
نخورده گان را insermentés یا Réfractaires میگفتند کشیشان قسم نخورده بمنزله تقصیرکار و یاغی محسوب
میشدند و از عواقب اینان مفاسدی تولید شد که بعدا خواهیم دید
مسائل و نواقص قانون اساسی — بعض عمده قانون اساسی نسبت بمواد حقوق بشر این بود که انتخابات بشرط
مالیات و ترتیب انتخاب بدو درجه بود و در تشکیل حکومت هم خانه بمنظور ... و این شد که حکومت ساده
بیاید قانون های مصوب اول ترتیب veto suspensif و تعلیق حق انفصال مجلس برای پادشاه
از این ترتیب نتیجه حاصل نمیشد نه پادشاه حق داشت معتقد خود بطوری قانون پیش برد و نه مجلس زیرا که
در صورت اختلاف نظر بین پادشاه و مجلس نه پادشاه حق داشت مجلس را منفصل کند نه مجلس میتوانست
پادشاه را مخلوع نماید از طرف دیگر این حق در نظر آزادی طلبان و عامه
مردم زیاد در دل ... مخالفت پادشاه را با مجلس در انظار جلوه میداد عامه
این ترتیبات این بود که در ... اعتقادات خود مردم ... ولی ... این ... بود
طوری قانون ... بیچاره ... که ... معتقد ... پیش برد و عامه مردم ... داده ام
تعیین ... داشته ... بیشتر اعتقاد باشند
... در حکومت های ولایات ... ضعف ... و مانع نظام ...

اعتقاد سیاسی اغتشاش کلی در وضع مالیه شده بود
سوم انتظام راجع به ادارات مذهبی هم سبب مخالفت اکثر کشیشان و عمال تمام متعصب مذهب کاتولیک گردید
انتخاب هیئت مدیره و ... و دستور مشترک انتخاب نماینده گان و قضاة مطابق انتخاب اداره و
مشروط بشرط مالیات بود و در ... که هر انجمن بلدی انتخاب عمومی به هر صلاحیت ... به مشروطه شخ
هر اعضا و حکومت ... و دستور ... ترتیب و ... و ... نماینده ... آن ... که ای
دیگر ... حکومت ... اعضاء و انجمن بلدی و حکومت ... حقوق ... طرفدار ... که ای
وازه آزادی طلبان ... ترتیب ... اختلاف ... حکومت های بزرگ ... حکومت های ... بود
شروع تشکیل احزاب سیاسی — در موقع ... احزاب سیاسی در فرانسه وجود نداشت زیرا که مردم
عقیده ... در ... مطالب ... عامه مردم ... اصلاح کلی در وضع ملت
داشتند ... در عملیات این اصلاح ... اختلاف نظر ظاهر ... در هیئت نماینده گان
... ترتیب ... انتخاب ... نزدیک ... نشسته ... طرفدار
... مخالفت ... نظر ... ظاهر شده ... نزدیک ... قرار گرفته ... این
مجلس ... ترتیب ... اعضاء نماینده گان ... یک عقیده ... خود را ... و لفظ
... که اعضاء نماینده گان ترتیب ... ترتیب ... خود ... دارند ولی در اداره هیئت ...
احزاب ... عنوان قانون ... تشکیلات حزبی ... وجود دارد ... هیئت ...
عبارت بود از یک ... طرفدار حکومت ... در هیئت ... قرار گرفته بودند ... patriotes ... آزادی
... طرفدار اصلاح و ترتیب مشروطیت ... طرفدار ... مشروطه ... کنستیتوسیونل
... Constitutionnel ... اصلاح ... ولی روش مخصوصی در نظر گرفته
بودند زیرا که ... داشته باشند ... impartial بودند
قانون های ... نظر ... ثروت داشتند

کلوب های انقلابیه - بعد از آنکه هیئت مؤسسه از ورسای به پاریس آمد از مجمعی که یک عده از نمایندگان برای مذاکرات

بین خود ترتیب داده بودند بعضی مجامع باسم کلوب انقلابیه تشکیل شد این کلوب ها نمایندگان مزبور برای جمع خود محلی در

خارج مجلس معین کرده بودند و بعدها اشخاصی از غیر نمایندگان نیز در جمع خود قبول نمودند و بصورت کلوب های انقلابی در آوردند

این ترتیب در اغلب شهرها برای مذاکرات سیاسی مرسوم شده در این کلوب ها انجمن های انقلابیه ساخته و افکار را

و در هیئت مؤسسه مطرح و در تحت مذاکره قرار میدادند و در آن موضوع ها نطق و مباحثه میکردند بعدها کلوب ها مرکز مبادله

افکار و اقدامات آزادی طلبان بود عده کلوب ها بسرعت زیاد شده ولی هر یک از کلوب های بزرگ دارای

شعب متعدد بودند اول کلوب معروف که ترتیب تشکیلات آن از همه فوق و مهم تر بود کلوب ژاکوبن ها بود - Jacobins

(مرکز این کلوب ها ابتدا در صومعه ای نزدیک تالار مجلس قرار گرفت و باسم آن صومعه معروف شد چنانکه ژاکوبن

اسم یک دسته از رهبانان نیز هست) این کلوب بزودی مشهور شد بقسمی که در اکثر شهرهای ولایات انجمنهای

بسیار از طرح کلوب های پاریس تشکیل شد و اکثر اوقات تعلیمات خود را از این کلوب تقاضا کرده و از شعب این انجمن شمرده میشدند

بعد از هیئت مؤسسه کلوب ژاکوبن در ولایات دارای هزار شعبه بود و این شعب کاملاً با مرکز مرتبط بودند

چنانکه در انقلابات ۱۷۹۲ بعد کلوب ژاکوبن و شعب آن مرکزیت در ولایات زیاد داشت قائم مقام تاریخ

این ترتیب در واقع فوق العاده مرکزیت یک جمع عزیزی را بعدم مرکزیت ادارات دولتی تعدیل میکرد

بعد از فرار لوئی، اختلاف بین بعضی اعضای کلوب ژاکوبن در پاریس فراهم شد زیرا اعضائی که غیر نمایندگان بودند

طرفدار خلع لوئی بودند و اعضائی هم از نمایندگان مجلس بودند با این رأی مخالفت داشتند لذا اکثریت نمایندگان

هم نمایندگان از سایر اعضای جمع جدا شدند و در صومعه دیگری موسوم به Feuillants کلوب دیگری

تشکیل دادند و کلوب فویان یکی از کلوب های معتبر شد و اعضای آن با مشروطه داری معتدل تر بودند. یک دسته دیگر

یک کلوب معروف دیگر کلوب ~~Cordeliers~~ Cordeliers (کردلیه) بود این کلوب هم تقریباً مجمع بود از انجمن های

ملت مرتبط که از آزادی طلبان بودند به رهبری موسوم به Danton تشکیل یافته در حقیقت هم کلوب ژاکوبن و

فویان هر کدام از طبقات بودند ولی این کلوب از قسمت کارگران این کلوب از صنعتگران و طبقات زیردست تشکیل یافته

و تمایل آن طرف جمهوری طلبی بود بلکه بعضی از اعضای آن جمهوری طلب صریح بودند چنانکه عریضه تقاضای خلع پادشاه را آغاز

آن ذکر کردیم از همین جا داده شد و منشأ واقعه میدان شان دو مارس شد بقدر اعضا این کلوب ترقی داده شد این کلوب در زمان هیئت مؤسسه

به این علت ضعیف برای جمهوری طلبان حاضر شد چنانکه در زمان هیئت مؤسسه ولی بعدها در دوره ای که مشکلات پیدا شد

مجلس خصوصاً در زمان مجلس مقننه نتیجه این کلوب ها بوده فرق احزاب سیاسی که هیئت تشکیلات مخصوصی داشته باشند در هر کدام

این کلوب ها برای یک حزب مرکز تشکیلات اداری بود. بعبارت دیگر هر یک از احزاب مجلس نماینده یکی از کلوب ها محسوب میشد

(باستثنای بعضی از آنها که تماماً با کلوب ها مرتبط نبودند)

مجلس مقننه - مجلس مقننه بموجب قانون اساسی، بنای حال منعقد شد ولی کمتر از یک سال دوام کرد و علت این ترتیب امور

فوق العاده بود که در ۱۷۹۲ پیش آمد و بالاخره مجلس مقننه مجبور شد که لوئی را توقیف کند و حکم بانعقاد مجلس

جمهوری برای تعیین تکلیف پادشاه و برای تجدید نظر قانون اساسی نمود

وضع فرانسه در موقع انعقاد مجلس مقننه - مجلس مقننه در میان مشکلات عمده افتتاح شد و در هیئت داخلی بعضی آن

مواجه با مشکلات افزون شد مجلس مقننه در حالی افتتاح گردید که قسمتی از کشیشان در ایالات کشیشان

سیویل که قسم نخورده بودند باعث هیجان در چند ایالت خصوصاً در جنوب و ایالات

واقع در غرب هیجان برپا کردند و در دو سه نقطه از آن منجر گردیده بود معروف جنگ وانده شورش

از طرف دیگر لوئی با وجود قسم رسمی و مشروطیت که برای حفظ قانون اساسی خورده بود و در باریان و ملکه

تحریک میکردند و در روی سلطنت بودند و در باطن اقدامات بر ضد قانون اساسی و مجلس میکردند

و عده زیادی از مهاجرین که در خارج بودند (که موسوم به کنت دارتوا برادر لوئی شارل) با عده دیگری

از اشراف و صاحب منصبان نظام عده ای در آلمان جمع شده از طرف تهدید قشون و حمله میکردند

علیه فرانسه را جمع کنند از طرف دیگر با دول خارج برای وعده تنبیه انقلابیان مذاکره و تدارکات

در آنکه مهاجرین از طرف لوئی و ملکه تحریک شده و در تحت حمایت دول بودند در دست مهاجرین

مخالفت جلوی سلطنت آزادی خواهان در صدد دشمنی روابط بین دول اروپا و تمام این امور

مشروطیت فرانسه و مجلس مقننه تهدیدی شمار میشد و مجلس مقننه و عموم آزادیخواهان را به حال [illegible] در نسبت به دولت [illegible]
و اسباب [illegible] بوده هموار مترصد اتفاقات فوق العاده بودند و خود را برای دفاع حاضر میکردند

احزاب در مجلس مقننه – کلوبهایی که سابقاً ذکر کردیم هر کدام دارای نماینده در مجلس بودند و احزاب را به ترتیب در
مجلس تقسیم کرده نمایندگان طرفدار پادشاه [illegible] کلوب فویان [illegible] در دست راست قرار گرفته نمایندگان
موافق با کلوب ژاکوبن [illegible] طرفدار [illegible] نسبت به دولت [illegible] در طرف چپ قرار گرفته جمعی هم
در مرکز جا گرفته [illegible] و اختلاف [illegible] گاهی با دست راست و گاهی با دست چپ همراه میشدند
در طرف دست چپ نیز مختصر اختلاف [illegible] نمایندگان ژاکوبن [illegible] طرفدار [illegible] بودند
و شهرهای [illegible] ایالات [illegible] پاریس [illegible] تمام [illegible]
را ترجیح میدادند و لازمه مرکزیت [illegible] پاریس را بر ایالات [illegible] نمایندگان [illegible]
ایالات بودند [illegible] ایالات نیز با پاریس [illegible] مساوی باشند [illegible]
[illegible] آن معروف به Girondins (زیرا نمایندگان ایالت ژیروند) [illegible] نمایندگان [illegible]
قرار داده [illegible] بالاتر از ردیف دیگر بود [illegible] نمایندگان [illegible]
دست راست [illegible] بالاتر واقع شده [illegible] (کوه) [illegible]
دست چپ [illegible] مونتانیار (کوه) [illegible] نمایندگان جوان [illegible] مخالف
با دولت [illegible] نمایندگان [illegible] مونتانیار [illegible] در مجلس مقننه [illegible] ولی
[illegible] در مجلس کنوانسیون [illegible] فوق العاده [illegible] این ترتیب در مجلس مقننه طرفداران [illegible]
قانون اساسی [illegible] پادشاه [illegible] طرفدار [illegible] کلوب [illegible]
قائم مقام [illegible] آزادی طلب [illegible] تمام [illegible]
[illegible] ژاکوبن [illegible] حکم [illegible]
[illegible] نسبت به پادشاه [illegible] از جانب [illegible] پاریس [illegible]

در همین آزادی طلبان [illegible] حزب [illegible] اکثر مردان [illegible] بودند
شروع کشمکش بین مجلس مقننه و دولت و اعلان جنگ با اطریش – لوئی [illegible] اعلام [illegible] قسم [illegible]
[illegible] قسم خورده بود [illegible] آزادی طلبان [illegible] آزادی و مشروطیت [illegible] مردم
را از این ترتیب متنفر [illegible] بر ضد [illegible] استبداد [illegible] پادشاه [illegible]
های مخالف [illegible] هم خوردن مشروطیت فراهم [illegible] استبداد [illegible]
[illegible] استبداد [illegible]
[illegible] استبداد [illegible] مشروطیت و آزادی [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] مملکت ترتیب آزادی اسباب [illegible] آزادی طلبان
[illegible] مملکت [illegible] مردم برای
[illegible] پادشاه [illegible] استبداد [illegible]
[illegible] آزادی و [illegible] استبداد [illegible] جنگ [illegible]
و آن جنگ [illegible] اسباب [illegible] مملکت فراهم کند [illegible] آزادی طلبان [illegible]
و ایشان [illegible]

لوئی [illegible] این جنگ [illegible]
[illegible] مجلس مقننه [illegible]
[illegible]
[illegible]
لوئی [illegible] این [illegible] ولی [illegible]
[illegible] لوئی [illegible]

امریکا از جهت روابط خارجی بجانب ترک مجلس مقننه شده بود اظهار کرده بود هم اطریش را پادشاه پروس با اتفاق در این
همراهی با پادشاه فرانسه کمک دهند و شرح این قضیه را در باب جنگهای انقلاب خواهیم دید بعضی امور دیگر نیز مثل حالت
جدید فرانسه و اطریش باعث بهم خوردن آشتی میان آنها بود در روابط فرانسه و اطریش [illegible] از طرف دیگر آزادی
طلبان و ژیروندن‌ها و طرفداران سلطنت و مخالفین به مصلحت فرانسه را دیدند که هم جنگ [illegible] ژیروندن‌ها متحد شده قوه
خارجی بسته بود را جهت دهند آزادی طلبان مخالف سلطنت می‌دیدند که بواسطه جنگ [illegible] دولت جدید پایه آزادی را در
فرانسه محکم کنند و جنبه حمایت آزادی طلبانه را در دنیا منتشر نمایند آزادی طلبان طرفدار سلطنت گمان میکردند که بواسطه یک جنگ
با موفقیت پادشاه میتوان یک دولت جدید قوی ایجاد کرد و اسباب محبوبیت لوئی را فراهم کرد با این نظر عموماً بجنگ تمایل
شدند در صورتیکه در اوایل انقلاب سلک آزادی طلبان در روابط خارجی مبنی بر حفظ صلح بود و این عقیده در قانون
اساسی نیز اشعار شده بود اما آزادی طلبان شدیداً طالب جنگ بودند و برای آنکه این مقصود را بهتر انجام دهند
لوئی را مجبور کردند که وزرای خود را تغییر دهد و [illegible] ژیروندن‌ها را بوزارت انتخاب نماید این وزرا
هم در آن زمان معروف بوزرای [illegible] که Ministry sans culotte [illegible] از جانب لوئی بلقب
مجلس مقننه اعلان جنگ باطریش دادند از این بعد [illegible] فرانسه هم مرتباً ترتیب جنگ [illegible]

تحقیق روابط بین پادشاه و مجلس مقننه — طرحها و نقشه‌هائی که در جنگ بنظر داشتند این بود که با یک حمله
سریع بلژیک را تصرف کنند و آن مملکت را به [illegible] تصرف آورند اما در ابتدای جنگ کاملاً معلوم شد که قشون
[illegible] قشون اطریش گردید و یکی از صاحب‌منصبان بزرگ این [illegible] از صاحب‌منصبان مهاجرت کرده‌اند
و عده زیادی نیز از روی [illegible] بجنگ میکردند [illegible] با دربار رابطه داشتند [illegible] صحیح دشمن [illegible]
میرفتند [illegible] این ترتیب و مغلوبیت قشون فرانسه در مقابل دشمن آزادی طلبان [illegible] مخالف [illegible]
طرف دیگر [illegible] ایشان را نسبت به پادشاه و دربار [illegible] کرد [illegible]
شد [illegible] مجلس مقننه [illegible] مخالفت میکرد آزادی طلبان [illegible] عده‌ای [illegible] در موقع [illegible]
عازم شدند [illegible] در شهر پاریس مجلس مقننه را مجبور [illegible] با مخالفت [illegible] لوئی [illegible]

تقارن این حال مجلس مقننه در مقابل خطراتیکه از جنگ متوجه شده و [illegible] ولایات غرب و جنوب هم [illegible]
بعضی احکام صادر کرد که یک فقره آن راجع به اخراج کشیشان مخالف بود و یک فقره دیگر راجع به تشکیل یک اردوی بیست هزار
نفری از قراولان ملی در نزدیکی پاریس [illegible] لوئی این دو حکم را [illegible] کرد در روز بیستم ماه ژوئن عده کثیری از آزادی
طلبان [illegible] قراولان [illegible] مخالفت [illegible] اعضای [illegible] حکم مذکور [illegible] مجلس مقننه [illegible]
داده بودند [illegible] در مقابل مجلس [illegible] و از [illegible] پادشاه [illegible] قرار گرفته [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] در موقع [illegible] تغییر [illegible] و وجود این حرکات [illegible] از جمله حکم [illegible]
این حرکات [illegible] عموم مردم [illegible] کرد [illegible] قراولان [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible] برای آنکه [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] از طرف دیگر [illegible] جنگ با فرانسه [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] Bronswick [illegible] قشون [illegible] آزادی طلبان
فرانسه [illegible] مجلس مقننه را مجبور کرده [illegible]
و این [illegible] مردم را [illegible] خارجی [illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] لوئی [illegible] مجلس مقننه — [illegible] روابط [illegible] اطریش [illegible] برای [illegible]
[illegible] روابط [illegible] بود [illegible]
[illegible] مردم [illegible] کرده بود [illegible] جنگ [illegible]
روز بروز [illegible] پاریس [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] قراولان [illegible] فرانسه [illegible]

marseillaise بخوانند (این سرود تازه ساخته شده بود و خیلی مناسب مردم به پاریز شده است و این دسته آوازخوانان
تا جنوب آن را به پاریس آوردند) از روز ۷ ماه اوت ۱۷۹۲ مقدمات شورش و ضدیت جمع آزادی‌طلبان با دربار
شروع شده در شب ۹ ما ۱۰ کار زنگ‌ها جمع و حمله شورشیان به عمارت تویلری کشیده روز دهم شورشیان بر قشون محافظ عمارت
که اکثر سوئیسی بودند غلبه کرده لوئی با خانواده خود به مجلس مقننه پناه برد شورشیان مجلس و اکثریت نمایندگان را مجبور کردند که توقیف
لوئی و خلع او را از سلطنت اعلان نماید مجلس مقننه تغییر وضع حالت و خلع قطعی پادشاه را به تکلیف مجلس ملی محول نمود لذا توقیف
و خلع موقتی لوئی را اعلان کرده تعیین رأی با انفصال خود و انعقاد مجلس جدیدی برای تجدید نظر در قانون اساسی داد
یکی از اولین کارهایی که شورشیان کرده بودند این بود که در دولت انتخاب شده هیئت حکومت جدیدی برای شهر پاریس
انتخاب نمودند و در تاریخ به اسم Commune insure etionnel معروف است مجلس مقننه قبل از انفصال کمیته
هیئت مجریه برای اداره کل امور کشور که اختیار امور را به آن هیئت مجریه تفویض کرد و این هیئت بین
مجلس مقننه و مجلس جدید مردم به Convention که اسم مجلس انقلاب گذاشته و اختیارات و اقتدار
حکومت انقلابی پاریس را به لوئی و خانواده او از دست به دست تحت نظر گرفتند
ایام آخر مجلس مقننه - بعد از توقیف لوئی مجلس مقننه و قوه مجریه برقرار شد حکم انتخابات جدید داده و تا زمان
افتتاح مجلس جدید مجلس مقننه باز دایر بود ولی در حقیقت و سلطه شورشیان مقتدرات و اقتدار اختیاری برای آن مجلس نمانده
بود اخبار پیشرفت دشمن در جنگ روز به روز رجال ایالات پاریس را بیم زده و این اسباب پیشرفت حکومت انقلابی شده
تا در ماه سپتامبر کارها به واقعات هیئت هولناک خونریزی کشیده در موقع حمله شورشیان به عمارت تویلری در هنگام غارت آن عمارت
کاغذها و سندهایی به دست آورده بودند که معلوم می‌کرد بعضی اشخاص از لوئی و ملکه و خانواده دستگیر شده این اطلاع اسباب سوءظن
نسبت به آن اشخاص شده با این مناسبت عده کثیری از مردم را به اتهام همراهی با خانواده سلطنت توقیف کردند در اوایل سپتامبر
به واسطه خبرهای دیگر از پیشرفت‌های قشون دشمن حکومت انقلابی پاریس و اداره زنگ کلیساها را زدند
و برای اخبار مردم شلیک توپ کنند و بیرق‌های رنگارنگ بر قله‌ها و روی آن این عبارت نگاشته شده بود
(وطن در خطر است)

این حال هیجان مردم را شدت داده و حرکات بعضی اشخاص هم اسباب وقایع گردید و مردم براثر نطق
Marat روزنامه‌نویس و به واسطه حرارت روزنامه‌ها سر دسته‌ها و جمعیت‌های حوتی انجام کردند و مشغول کشتن محبوسین گشته
به این عنوان که اینها سلطنت‌طلب و طرفدار استبداد و خائنین هستند و به استقلال وطن خدشه و شکست وارد آوردند
پاریس میدان جنگ بود این اشخاص با بیرحمت ضعفا شده بودند از این خطر خلاص شدند و این نظریه گفتند اول
دشمنان داخلی را تمام کنیم آنگاه به دشمنان خارجی بپردازیم
این کشتار و خونریزی چند روز طول کشید و در واقع ختم نشد مگر بعد از آنکه محبوسین تمام شدند این واقعه معروف به کشتار
سپتامبر است و در زمان کنوانسیون هم پیش آمده و معروف به دوره وحشت کبیر Grand Terreur شده است چون ماه
مجلس جدید در تمام سپتامبر حاضر شده بود از مجلس مقننه منفصل شده و روز بعد کنوانسیون منعقد گردید.

فصل دوم
کنوانسیون و تاسیس جمهوری

مجلس جدید هیئت نمایندگان تمام مجلس ملی معروف به کنوانسیون ناسیونال شده است لفظ کنوانسیون از انگلیسی اخذ
و در آن زبان اصطلاح شده است برای مجالسی که برای تصویب قانون اساسی یا حکومت و اصلاح آن تشکیل داده شده بود از قبیل
کنوانسیون هیئت نمایندگی گذشته است
این مجلس سه سال دایر بوده است از ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۵ و حوادثی که در آن زمان واقع شد یکی از مهمترین مراحل تاریخ فرانسه محسوب شود
و بعضی از صفحات این تاریخ به واسطه کشتن بین آزادی و استبداد و خطاهای هیئت نمایندگان اول نمونه‌ای از خونریزی
شمرده و اقدامات جدید کنوانسیون و جهات آن از این است
مجلس کنوانسیون تحت قدرت حکومت انقلابی پاریس بود و به واسطه غلبه مردم آن ایام و لشکر انقلاب با حاکم
و با ترتیب و ترتیبی برای نمایندگان کنوانسیون جمهوری ملی جمع شده است و کنوانسیون فقط خانواده آزادی‌طلبان را
قبول کرده خلع قطعی لوئی و خانواده او را از سلطنت و برقراری جمهوری را اعلان کرد و بلافاصله قبول نمود که لوئی
را در تحت محاکمه درآورد و آن محاکمه منتهی به قتل لوئی و اگرچه قتل او دولت‌ها و جنگ دولت‌ها را در ولایات غربی بر ضد

شهرت داد و دول اروپا را عموماً تهدید کرد . انقلاب جمهوری فرانسه داد از دشمنی [illegible] بر پادشاهان عموم دربار اروپا از هم
مجلس کنوانسیون را نیز مجبور به اقدامات فوق العاده کرد و کار را بجائی رسانید که کنوانسیون یک حکومت استبدادی برای تمام
مملکت ترتیب داد و جمهوری طلبان شدید و شخص شدید العمل و خونریز اختیار امور را بدست آوردند و در حین [illegible] استقلال
مجلس کنوانسیون و عموم آزادی طلبان و طرفداران آنها را [illegible] اقدامات سخت کرده [illegible] مردمان سفاک بی پروا
داده جمعی از متعصبین و شریر را بنام حامیان جمهوری طلبی و آزادیخواهی در آمده و [illegible] در حال حکومت کردند
عاقبت وضع فرانسه بجائی رسید که [illegible] از ایالات فرانسه در حال شورش و جنگ [illegible] با انقلاب جمهوری بودند
و تمام دول معظمه اروپا از انگلیس و روس و اطریش و غیره از دول کوچک بفرانسه حمله آورده و مرکز [illegible] تهدید [illegible]
با این همه این مجاهدات جلوگیری کند گرفتار terreur و وحشت شدید و با جنبش انقلاب [illegible] گرفته و آدمکشی
شنیع ترین اعمال بود و مجلس کنوانسیون و اکثر نمایندگان آن در آن حال [illegible] نبودند قدرت مخالفت با آنها
نداشت را نداشت ، بالاخره مجلس کنوانسیون تمام خطرات داخله و خارجه را رفع نموده حال امنیت را رجعت داد
و سعی بر وسعت مملکت فرانسه افزوده و بعد از [illegible] اقدامات جدید برای ترقی و پیشرفت فرانسه [illegible] تشریح خواهیم داد
عشق رفع ترس داخله و دشمنان خارجی را [illegible] و قتل [illegible] در [illegible] و قائم [illegible] برای [illegible]
و جهت ترتیب حکومت [illegible] اوضاع آمده [illegible] طبقه ترتیب احزاب کنوانسیون را ذکر کنیم
در مجلس نمایندگان عموماً جمهوری طلب بودند زیرا که در مجلس انقلاب سابق اکثر آزادی طلبان تمام
جمهوری شده بودند و [illegible] جماعت بودند از [illegible] ژیروندن‌ها و ژاکوبن‌ها و کوردلیه و از این [illegible]
ژاکوبن‌ها و کوردلیه‌ها مرام [illegible] شده در [illegible] جمهوری را اختیار کرده بودند و ژیروندن‌ها طرفدار عدالت و ترقی نظر
عاقلانه بودند (از [illegible] ژیروندن‌ها و ژاکوبن‌ها [illegible] گرم [illegible]) ژاکوبن‌ها و کوردلیه‌ها
از جهت انجمن معروف به مونتانیار [illegible] ژیروندن‌ها در دست راست و مونتانیارها در دست چپ
و جماعتی خارج از هر حزب [illegible] در وسط نشسته معروف [illegible] مرکز را اختیار کردند
partie de la plaine

اعلان جمهوری و قتل لوئی ۱۶ - در مدت بقای کنوانسیون از جانب آزادی طلبان پاریس تشکیلات مختلف
تقاضای تأسیس جمهوری شد کنوانسیون نیز بنا بر این تقاضای عمومی [illegible] خلع لوئی ۱۶ را از سلطنت اعلام کرد
و بعد از چند روز تأسیس جمهوری را نیز رسماً اعلام نموده و سال ۱۷۹۲ را مبدأ تاریخ جمهوری قرار داده حکم کرد
هر نوشته ای [illegible] ترتیب جدید تاریخ بگذارند یعنی [illegible] ۱۷۹۲ نوشته سال اول جمهوری . بعد از اعلام جمهوری
اعضای [illegible] آزادی طلبان شدید متعصباً [illegible] مونتانیارد تقاضا نمودند که تکلیف لوئی ۱۶ معلوم گردد
بالاخره مجلس کنوانسیون را مجبور کردند [illegible] محاکمه و مجازات او [illegible] در این [illegible] لوئی ۱۶
[illegible] آمده و این مسئله محاکمه او را مجری کرد) محکمه مخصوص برای محاکمه لوئی ۱۶ ترتیب داده [illegible]
رای او تحقیق کردند لوئی ۱۶ اتفاقاً از خوف زدن [illegible] کرد و با [illegible] محاکمه [illegible] ولی چون
وکلای او [illegible] از [illegible] و [illegible] در محکوم کردن
او بودند چنین موقع را [illegible] مجلس [illegible] محاکمه [illegible] بعد از
[illegible] و وکلای کنوانسیون [illegible]) در روز [illegible] ژانویه ۱۷۹۳ در میدان
[illegible] place de la concorde لوئی ۱۶ [illegible] از مقبول ترین [illegible] مردم [illegible]
ولی [illegible] در [illegible] حاضر [illegible] مردم [illegible] شدند [illegible] ضعف [illegible]
لوئی ۱۶ [illegible] (guillotine [illegible])
ترتیب [illegible] حکومت استبدادی - [illegible] فرانسه [illegible]
اکثر دول اروپا بفرانسه حمله کردند و دشمن خارجی قسمت بزرگی از شمال فرانسه را تحت [illegible] در آورد
در داخله [illegible] ایالات [illegible] کنوانسیون مجبور [illegible]
[illegible] مونتانیار [illegible] آزادی [illegible] قانون [illegible]
[illegible] مونتانیارد [illegible]
[illegible] ژیروندن‌ها [illegible] مرگ [illegible] قانون [illegible]

بعزل نکمی گردید زیرا که ژیرندنها تحت رهبری ... آزرده با جاهای خود از مونتانیاردها شر و فیروزی
شده بود تا آنها را Robespierre و دانتن و دنر ژیرندنها چون این شده بود ایشان را به پستی بعدام
آنها را محکوم نمودند و اقدامات خیلی رعیت‌پرستانه کردند و بیکرسته اقدام ایشان [illegible] رقیب توقیف آنها باشد لذا
این واقعه به مونتانیاردها عازم افنا و ژیرندنها شده و کشمکش بسیار سخت نظر به هم شورش کامیابی ژیرندنها
از جانب ایالات آرام مرفت از سر نو ساختن انقلاب را و [illegible] ژیرندنها را تعقیب میکردند
و این در درجه بود که در میان بهار ... مونتانیاردها و قوه ... را اصلاح کنند قرارات و ... شده و ...
مونتانیاردها و حکومت انقلابی پاریس را کاملا با خود همراه کرده بودند و به شورشی در پاریس ... کونوانسیون
مجبور کرده بودند [illegible] تا ژیرندنها را از مجلس خارج کنند و ایشان را تحت نظر قرار دهد بعد از اخراج ژیرندنها
از کونوانسیون اختیار مجلس به دست مونتانیاردها افتاد و این شکل مجلس کونوانسیون و حزب مونتانیارد و حکومت
انقلابی پاریس متحرک یک اراده شدند و توقیف ژیرندنها نزدیک بود حقیقتا شورشی در ایالات ساکت [illegible]
که کونوانسیون برای ساکت کردن ولایات یک قانون اساسی موافق میل ایشان در عرض سیزده روز ترتیب داده
خاطر آنها را مطمئن ... ولی از جهات دیگر کار [illegible] و لذا کونوانسیون اعلان کرد تا
زمان صلح قانون اساسی موقوف الاجرا خواهد بود و مجلس تمام اختیارات را به دست گرفت و آنگاه برای
امور هم کمیته مخصوص در مرکز و کمیته‌هایی در ایالات [illegible] حاکم انقلابی تشکیل داد مجموع این کمیته‌ها
و حاکم را حکومت انقلابی خوانند gouvernement révolutionnaire
کمیته مرکزی که مهم‌ترین کمیته‌ها بود کمیته نجات Comité du salut public و دیگری کمیته تأمین عمومی
Comité de sûreté général بود و کمیته‌ها ... کمیته تمام ... کمیته نجات
امور سیاسی و امور خارجه و دادن ترتیب جنگ را ... و کمیته تأمین عمومی امور تفتیش در احوال اشخاص
مظنون به مخالفت با آزادی و جمهوری ... و حاکم انقلابی ... Tribu-
naux révolutionnaires کمیته تأمین عمومی و حاکم انقلابی ... [illegible]

عده‌ای برای ... از جانب کونوانسیون برای تفتیش به ایالات و صفوف سپاهیان جنگ [illegible]
مأمورین ولایات که هرگونه اختیار بودند در [illegible] ژاکوبن نیز در ایالات حکم ... را کرده و ... کمیته
تأمین عمومی کار میکردند و از جهت حکومت انقلابی خیلی کمک میکرد و کمیته نجات تا به روزی که کمیته تأمین عمومی را هم در تحت
تبعیت خود درآورده مرکز حقیقی حکومت انقلابی شد و خود کونوانسیون در مقابل آن کمیته ... حکومت انقلابی پاریس
بودند چون اختیاری [illegible] و حکومت انقلابی در ایالات مرکزیت کامل [illegible] به جا آورد به ... کمیته نجات
میگذشتند و چون این کمیته مرکب از مونتانیاردها بود در حقیقت اختیار کلیه امور به دست این حزب قرار گرفته بود
کمیته نجات تا ... و ... حکومت انقلابی موافق میل مونتانیاردها ... اشخاص مظنون به ... را
... توقیف میکردند و در حاکم انقلاب ... حاکمه ... در آورده ... [illegible] و تمام ... حاکمه
... و قتل ... [illegible] این ترتیب ... در تمام ولایات حکومت انقلابی ...
... [illegible] رویه و ... آن در پاریس ... به ... گرفته ... برای انقلاب
... و ... [illegible] ... ایشان و ... [illegible]
آن ... ژیرندنها شد و از این حزب ... را ... آمده ... توقیف ... آنگاه ...
... سعادت ... در این حال تحقیق کافی ... اشخاص ... بسیاری از مردم را ... به تهمت
متهم کرده ... [illegible] ... و ...
تحت ... و ... ایشان ... [illegible] ... روبسپیر و ... [illegible]
داشته ... [illegible] ... داشته کمیته ... با ایشان مخالفت ...
کردن حادثه برای آنکه مقام بزرگی ... روبسپیر ... [illegible] ...
مونتانیاردها و حکومت انقلابی و مجلس کونوانسیون ... [illegible] ... روز به روز ...
ترتیبات ... و تحقیق ... [illegible] ... و ... متهم را ... تحقیق و ...
... [illegible] ... در ... ترتیبات ... و ... [illegible] ... مخالفت ... جمهوری

علمای حقوق مخالف مذهب کاتولیک اختیار کردند و شناختی هم با دیانات و حکمت ادیان و مذاهب شرق داشتند و روبسپیر
بعضی دیگر از : متفنن و بزرگان خراب اختیار کردند و بدون مذهب هیچ ملتی را ممکن نمی‌دانست با طرفداری عقیده
حکمت قرآن نیز را شناخته و ترتیب عبادتی اختیار کرد و در این عقیده مذهب خاص هم پرستش عقل Culte
[illegible] Enragés معروف به دسته‌ای که مجری خود در این دقیقه روبسپیر بوجب ... اختیار نمودند de la raison
مخصوصاً که دسته‌ای هم مردم را از پیروی مسیح باز دارند Déchristianisation این عنوان را نزاع
(و جنازات) کبرا الحت ... آوردند و لیکن بعداً این فکر نیز در کومیته نجات عمومی به مرحله خود ... و از مذهب تسلیم شوند و هم عقیده‌گان او
و هستند اول از جهت پیروی مذهب مسیح و هم از جهت بی‌اعتقادی کلی از زیرا که جاجریه اعتقاد ... تقصیر پرستش
عقل نیز بی‌بهره بودند می‌بینند هر گونه عقیده و مذهبی و ترتیب پرستش را رد می‌کردند بلکه انکار خالق نمودند و روبسپیر
در از میان بردن این جماعت هم فرق ... اراده کرد)

کارکنان ترور ... بعد از ... ما ... بلکه ... ایشان ... بزرگترین ... دانتون
دانتون بود با روبسپیر دانتون اگرچه با ترور ... موافق شده بود ... عاقل و وطن ... و
خواهان بود و ... تنها در مدت استعمال ... جمهوری طلبان بود و جنگ ... در جنگهای
و خارجی ... شرکت کردند ... ملکت ... دانتون و ... از همراهان او در کمال ... در صدد ختم ترور
روبسپیر در حفظ آن ترتیب ... دادن آن ... این ... محاکمه ... و ... روبسپیر ... آنها
و جنازات دانتون و همراهان او را ... گرفت ... دانتون ... کردند و او هم ... ملاحظه ... ها
و واسطه ... ترور ... خود را بر روبسپیر ... کند دانتون گفت ... بهتر از کشتن است ... او را
با ... کردند ... را همراه ... خود ... نمودن برد ... در صدد ... آمد ... خود
... خود ... شد ... کارکن بزرگ ترور ... مردم و مملکت ...
او را ... ترور ... کند ... روبسپیر ... شده
تا ... ناپلئون از این خونریزی ... اقدام ... ولی ... روبسپیر ... کارگر ...

زمین زده در واقع اختیار تمام امور را بدست آورده بود این عمل خشم دوستان سیاست وطن و ... و ...
کرد و حکم ... اول بود ... روبسپیر با همراهان خود در صدد مخالفت بر آمدند ولی ... حاضر نمودند روبسپیر با ...
... از همراهانش دستگیر شده ... و بعد از چند روز هم کنوانسیون ترور را از ... کارکنان آن
... داد و حال آنکه ... بعد از ختم ترور ... ولی ... گرفته و شروع ... جمهوری طلبان
نمودند و در بعضی جاها کار خونریزی ... این ترتیب را ترور Blanche گفته (در ... ترور بزرگ معروف
به ترور Rouge است) اما این واقعه اهمیت زیادی حاصل نکرد ... معروف ... دیگر ... از ...
ختم کنوانسیون و ... کنوانسیون قانون‌های سال اول جمهوری را از روی ... ترتیب داده بود
آن قانون ها ... از ... خود ... جنگهای داخلی و خارجی ... شرکت ...
و کنوانسیون ... گردید قانون‌ها را ... نمودند ... قانون ‌های ... ترتیب جمهوری ...
... قرار ... مردم ... هیئت ... است .

هیئت مدیره Directoire عبارت بود از یک هیئت پنج نفری ... آن را ... تشکیل شد و این هیئت
... مجلس ... جمهوری ... و ... هیئت ... و وزرا از جانب این هیئت معین شدند
... مجلس ... شده بود ... مردم ... دیگر ... مردم ... شورای Conseil
Conseil des Anciens و des Cinq Cents ... اول ... ولی ... نیز ...
... مجلس ... هیئت ... Corp législatif ... انتخاب ...
در واقع ... ترتیب انتخابات ... شرایط انتخاب ... بود

اما کارهای دیگر کنوانسیون عبارت بود از ترتیب جنگهای خارجی و داخلی ... شروع ...
... ترتیب ... و ... مدارس و ... و ... و ... برای معارف و علوم و صنایع ... اوقات
... : ... ترقی ... داده ... مخصوص برای ... ترتیب کردند
... ترتیب ... داده ... برای ... مجموعه ... ها ...

هیئت نوشته طرح آن را بچه قسمی دنبال کرده‌اند ولی در بکار بستن شرف حاصل نموده‌اند برای اصلاح میزان‌ها و
مقیاس‌ها و مقادیر مدت قرن از این اداره در ادارات مختلفه فرانسه میان چندین دسته کمیسیونی از بزرگترین
علماء ریاضی و هیئت معین کردند مدتها عمل برای میزان و مقادیر مرتب نمایند و این ۳۰ یک درجه از
نصف النهار را بدقت اندازه گرفتند و از این ربع محیط نصف النهار را معلوم نمودند آنگاه محیط را بچهل میلیون
تقسیم کرده هر جزء را مقیاس قرار داده متر خواندند و ترتیب سیستم متریک را گذاشته عدد و در اصلاح میزان و
مقادیر گذشته مقیاسهای زمان و ترتیب تقویم را هم اصلاح کرده و تقسیم جمهوری نیز آثار این اداره است در اول
سال روز و از ... تقویم جمهوری ترتیب دادند و ماه‌ها ۳۰ روز و ۵ روز هم کسر می‌کردند و برای آنها اسماء
خیلی مناسب روزی بنظر کیفیات طبیعی ... Fructidor (ماه میوه) و Floréal (ماه گل)
(ماه برف) و Brumaire (ماه مه) Vendémiaire (ماه انگور) و غیر آن ولی
این ترتیب تقویم و اسامی ماه‌ها چون مخالف تقویم سایر ملل اروپا بود دوام نکرد ترتیب مقالات و تمدید مقادیر
خصوصاً خیلی دقت کردند و ترتیب مقالات بسیار آسان نمودند ولی ... از این تاریخ گذشته لکن ربط آن هنوز باقی است
این امر را انجام دادند برای مقالات متوسطه مدارس متعدد دائر کردند مدرسه‌ها هر مدارس متوسطه جانشین
برای مقالات عالیه مدارس مخصوصه فراهم نمودند و امروز نیز بزرگترین مدارس عالیه فرانسه از همه جهت باید گفت اگر
مدارس عالیه درجه اول را ... کنوانسیون تأسیس شده یا طرح آن را ریخته ... بعد از آن ...
است که از جمله فرانسه عالیترین مدارس فرانسه است و میتوان گفت در دنیا هم درجه اول تحصیلات عالیه
خاصه خود را دارد ... دیگر مدارس مثل مدرسه السنه شرقیه و مدرسه صنایع و مدرسه حقوق و طب و مدرسه
معدن شناسی و مدرسه مهندسی که شعبه مهم فوائد عامه Ecole centrale des travaux publics مدرسه مرکزی
دار المعلمین Ecole normale supérieure مدرسه دار الفنون Ecole polytechnique و مدرسه نظامی
سن سیر saint-cyr و مدرسه مارس Ecole de mars و مدرسه‌ها که ترتیب آنها بعدها تغییر یافت عده زیادی از مدارس
مهم علمی دیگر نیز ترتیب دادند مدارس درجه اول هستند ... موزه لوور که امروز بزرگترین موزه‌های تاریخ طبیعی

مهم بسیار ... مدرسه موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ ... muséum ... و ... bureau des longitudes

هیئت مدیره — هیئت مدیره بموجب قانون اساسی سال سوم جمهوری بر قرار شد تا سال ... دوام کرد و جز امور خارجه
و مسئله جنگها این کارهای این هیئت برای جامعه ایران و اهمیت ندارد و چون ترتیب هیئت مدیره ترقی نبود و وقتی
بکار بکار حکومت مقتدر که در ... داشت هر کدام این هیئت را تشکیل داده بودند هر سنه
که عده ... کار میکند ... بزودی افراد شخصی مقتدر رسیده و مشغول اقدامات ... شده‌اند
تاریخ ... فرانسه دوره ... از این حکومت عاقبت از شرح کشمکش‌های هیئت مدیره و اهمیت ... سلطنت طلبان
در جمهوری خدمت نمودند دیگر جاهائی که از آزادی طلبان هم ... هیئت مدیره را زیاد بدبخت داشته و جمعی
موره تفتیش از هیئت تفتیش طلبان در مجلس و خود نکته یافته و در دوره دیگری خود آزادی
طلبان ... هیئت مدیره ... دوره گذشته خود را بر هم زده از مخالفین خود ... کرد تا نتیجه
انتخابات مجلس و اقدامات منتهی قانونی دیگری منتج ... بشکل از اقدامات ختم کند
هیئت مدیره جنگها و دو دعوی ... است که ... خود ... است عاقبت در موقع که دوره
جنگها که صحبت ... آمده و در ... امر و ایران ... شد ناپلئون ... اول
اول سر دار مقتدر ... میخواهیم و در این هیئت را هم زد و ... آورد
و در این ترتیب ... ناپلئون ... قنسول اول و ... نامبرد
اختیار در ... امور ... ناپلئون ... انقلاب هیئت مدیره کافی گذشته بود
هم خود ... خارج کردند ... در موقع اقدامات ناپلئون برای انقلاب هیئت مدیره
... شد ... هیئت مدیره ... در باب ... کردن آنچه
... ناپلئون را اگرچه ... جمهوری ... گمراه ... حقیقت
امپراطوری ناپلئون محسوب شود ... تاریخ ... را در دوره ... کرده ... جنگهای داریم
—۶

فصل سوم

جنگهای انقلاب فرانسه

انقلاب فرانسه ترتیبی را پیش آورد امر بزرگی بود و نه فقط پر انعکاسی در تمام دنیا بالاخص در اروپا باقی گذارد که
در مورد امر مهمی که تمامی عاقبت فرانسویان در امور داخلی سیاست و دیگران تنگ گرفتند [illegible]
و تغییر وضع حکومت تحت تأثیری واقع شود از حیث روابط خارجی نیز بنظر نمی آمد که اشکال بزرگی پیش بیاید
و از یک طرف آزادی طلبان فرانسه مسلک خود را در روابط خارجی ملی بر صلح جوئی قرار داده بودند
از طرف دیگر دول اروپا انقلاب فرانسه را در مرتبه منتقد نمی دانستند برای ایشان زحمت و خطری داشته باشد
حتی بعضی از دول مثل اطریش [illegible] را سبب گرفتاریهای داخلی برای دولت فرانسه و اسباب ضعف آن دولت
دانسته خوشوقت بودند [illegible] از این اتفاق خوشوقت بودند اما بزودی اهمیت حقیقی کار انقلاب و اقدامات
انقلابی را آنها دانستند که در دربار اطریش و اقدامات مهاجرین در تحریک دربارهای مهم اروپا امر را دگرگون
کرد و امپراطور اطریش و [illegible] فرانسه را تهدید نموده و [illegible] روابط [illegible] دولت فرانسه [illegible] گردید
علت و بهانه جنگ — نخستین [illegible] در فرانسه [illegible] این دولت و دولت امپراطوری
آلمان [illegible] در حقیقت با دولت اطریش [illegible] آن اشکال از [illegible] در قسمت شمال
شرقی فرانسه بعضی املاک [illegible] در اراضی آلمان تعلق داشت این امرا از حیث
دارائی آن املاک [illegible] فرانسه [illegible] و از جهت [illegible] که در آلمان [illegible] برای آلمانها [illegible]
چون دولت فرانسه حقوق این امرا را در املاک واقعه در فرانسه از ایشان سلب کرد امرای آلمان [illegible]
در جنب [illegible] دولت امپراطوری آلمان شکایت بردند و [illegible]
[illegible] دولت امپراطوری آلمان و دولت فرانسه [illegible] و اگر [illegible] [illegible]
تقاضا کند [illegible] اجتماع شاهزادگان و مهاجرین فرانسوی در آلمان [illegible] و قشون فراهم کردن ایشان
[illegible] فرانسه [illegible] تولید کرد [illegible] اگرچه دولت اطریش [illegible]

با فرانسه کرده بود و فرانسویان را به جمهوری پیشه ترسانید و از آن پس شاه کشور در پی این اوضاع باشد
اطریش و امپراطور آلمان باشد در یک معاهده با پادشاه پروس [illegible] پادشاه در جواب تقاضای مهاجرین اظهار
کردند که حاضرند با اتفاق سایر دولت اروپا اقدام نمایند ولی در ضمن این اقدام را مشروط به این قرار داده
که تمام سلاطین اروپا با ایشان موافقت کنند عبارت اخیر برای دفع الوقت بود و امر را متوقف
در حال کردند این اظهارات در شهر Pilnitz از بلاد آلمان واقع شد و معروف است به Décla-
ration de Pilnitz ولی فرانسویان خیلی اهمیت به آن دادند و سبب ایجاد هیجان عمومی گردید بعد از این اظهار
بود [illegible] مسئله اشکال [illegible] (امرای آلمان و مهاجرین) دولت فرانسه بعنوان جنگ با اطریش داد
[illegible] گذشت [illegible] دولت پروس [illegible] اطریش [illegible] جنگ شد و [illegible] شاهزادگان و سرداران [illegible] پروس
معروف به دوک برنزویک سردار [illegible] فرانسه [illegible] قشون پروس و اطریش [illegible] تقاضا [illegible]
اعلامیه [illegible] فرانسه [illegible] آزادی طلبان عموماً و [illegible] این اعلان برنزویک
فرانسویان را بشدت غضبناک [illegible] جنگ کرد و چنانکه در تاریخ داخلی دیده ایم محرک انقلاب [illegible]
[illegible] شد و [illegible] فرانسویان در حالی [illegible] جنگ [illegible] حال فرانسه از حیث
قوای نظامی خراب بود [illegible] صاحب منصبان عموماً [illegible] از اشراف بودند و عده کثیری از ایشان مهاجرت
کرده و قوای [illegible] نظم [illegible] بود و قورخانه [illegible]
[illegible] مهمات [illegible] و از [illegible] دولت [illegible] فراهم [illegible] لازم بود
[illegible] دول متحد [illegible] فرانسه [illegible] کثیری [illegible] فرانسویان
مجرب [illegible] قشون [illegible] آنکه آزادی [illegible] باشد [illegible]
تنگ [illegible] از [illegible] کار فرانسه [illegible] بود
[illegible] داخله [illegible] قشون در اول امر [illegible] بعد از [illegible]
خارجیان [illegible] دول [illegible] [illegible]

البته اهمیت بسیار دارد و دارای بهترین قشون دنیا بودند با فرانسه طرف شدند لیکن از جنگهای اخیر معلوم بود با
آلمانیها ملحق گردیدند . در مقابل تمام این تقویت که در سابق با پیشرفت فرانسه ایران وجود داشت دول متحد
تمام در واسطه عنوان آزادی و مساوات حیاتی نبرد با قوای تمام اشغال مملکت روس و اطریش رسیدند لیکن
زیرا که در موقع تعیین اول ایتالیا واقع شده و غنیمت تمام و تمام نیروی اتفاق افتاده بود و چون اهمیت روسها و
اطریش در پیشرفت دولتها با یکدیگر رقابت می‌ورزیدند

حمله جنگ با اطریش و روس — در ابتدای جنگ از ابتدای جنگ اطریش خواسته به صربستان ... در تصرفات
شخصی امپراطور اطریش بود حمله برند ولی در این جنگ پیشرفت نکردند و در اول قشون اطریش دچار خاک فرانسه شده
و بعد از ورود روس در جنگ در سرحدات شمال شرقی قشون اطریش و روس تنگاتنگ پیش رفته تمام بهاریها و
فرانسویان تا مدتی از هیچ طرف از عهده جلوگیری از قشون دشمن بر نیامدند و کار نظیر تحت ما سرداران
قشون فرانسه ... [illegible] از اشراف نظامی بود این سردار طرح جنگ در نظر گرفته بود مبنی بر اینکه از
قشون روس و اطریش در سرحدهای تمام در ناحیه آلمان argonne جلوگیری نماید ولی باید محدود
نگرفت یعنی زودتر از آنکه او نقشه کار خود را به نتیجه برساند از آنجا عبور کردند همه روزه کارهای آنها
قشون خود تقویت کرده در صدد راه بر بستن برآمد قشون طرف مقابل آنها پیشرفت و در نقطه
تپه‌های بسیار وجود دارد از جمله در آنجا که رابطه بین قشون روس را با ارتش سایر ... الزاس و لورن
تقویت قشون روس و اطریش قطع کند در نتیجه قشون روسها برای جنگ با همه برگشته مختصر
واقع شد و واسطه ریاست ... از سرداران بزرگ که یکی از آنها و ... جمعی از سرداران
قدیم و جدید همراه او روی قرار داشته‌اند ولی بعد از آن جنگ در زمان کسانی که
والی ... اتفاق افتاده بود و سپس گرفته و اشغال شده جنگ و الی در صورتیکه از جهت علامات نظامی قوه
قشون جدید اهمیت داشته در بیشتر شهرها مرتب شده و اولین جنگ بزرگ به عقب نشستند شهر از دیگر
هم از آن خارج شده . این است که قشون خارجی را داشته همکاران خود فرانسه جمعی از سرداران دیگر

همچنانکه گفته شد هنوز هم قشون منظم کاری داشته باشند و قشون ثابت و جنگ با اقتداری دارند و قوه روسها و
اطریش بطور خوابیده بودند و فرانسویان و دیگر ملت منظم ندارند و جمعی از سرداران و دولتهای خارج
کاسته شده‌اند و قوه نیکو حمله‌های جنگ با نیروی ارتش سربازها غارت جمع شده از جنوب قوه تنظیمی روسها شده
فرار کنند) علاوه بر این نتیجه نفوذ جنگ و الی قشون روس و اطریش به توقف کوه فرانسه را از خطر
دور نمایند و جنگ در واقعه سقوط او بود با فتح کوه لیمون و بعد از این ما بوده بیشتر پیشرفت کرده روسها
به جزیره کا ... به دریا رسید و جنگ در نظر گرفته بودند به جزیره کوچک حمله بردند و در آن مملکت پیشرفت نکرده
تا لندن رسید و آنجا را بدون تصرف آورد

جنگ قطع دریا اول — در حین این وقایع بود در دریا لیکن از همه جا بهتر رسید و قشون او که به دولت‌ها
رخنه انقلاب فرانسه وارد گردد دول متحد بسیار زده و نا امید در پرتغال و ایتالیا و روسها و انگلیس حتی در جنگ
شده و دخالت کلیه این دول در جنگ تنها از روی حس شرافت نیست ، بعضی خود عمده ملت انگلیس محرکی آنان
گردیده بود و اما ملت انگلیس از حیث آزادی و انقلاب ، فرانسه توافق نداشت بلکه همه تا آخر تمام
جنگ بیطرف بود و همیشه طرف توجه انگلیسیان بود تا آنکه بعدها آزادی جنگ در موقع بسیار جنگها از
رسمی شمال غرب واقع شده و به روی راسته از نواحی بحر انگلیس و از دیگر جانب مرزهای انگلیسیان
اهمیت زیادی داده در هر دو جهت از حیث اقتصادی و از جهت سیاسی و نظامی حیات بزرگ داشت ملت بزرگ هم بزرگی
تصرف این مواد برتری انگلیس را تهدید کند قبل از جنگهای انقلاب فرانسه و بعد آزادی در تصرف هم
اطریش بود ولی در صورتیکه اطریش ظاهرا اهمیت جغرافیایی بیشتری داشت انگلیسیان از آن جهت آنرا
چون اطریش را نه از جهت قوای بحری و نه از جهت امور اقتصادی رقیب خود دیده‌اند علاوه بر تصرفات اطریش
خیلی دور بوده و در نزدیک جنوب فرانسه نیست چنانچه تسلطی داشته باشد اما فرانسه در آن وقت بهار رقیب انگلیس
بشمار میآمد در حالتیکه از جهت قوه بحری خیلی برتری داشت و انگلیسیان از دریا بدین آزادی تصرف این
به اندازه ترقی شدند و تسلیم گردیدند و هر جهت تجارت و همه جهت قطع شده ملت فرانسه در همه

بعد از آنکه هم از دست باقی آنها دست برداری طلبی شد و وزیر انگلیس در وقت جنگ تمام بود و این جنگ ثبوت
تعقیب کردیم ما را در موقع، فرانسه شروع جنگ شد هیئت ائتلاف اول premièr coalition تشکیل
جنگ با هیئت ائتلاف اول پنج سال طول کشیده است و این جنگ سه قسمت است و دوره تقسیم کرده‌ایم دوره اول در این
تمام مدت سال، فرانسه مشغول جنگ بوده و پیروزیهای عمده جنگ عبارت بود از تسلط فرانسه و تصرف بلژیک و هلند
در آن دوره تمام شد (۱۷۹۵) سه دولت پروس و اسپانیا و هلند صلح نمودند و فقط انگلیسیان و اطریشیان باقی ماندند
جنگ با فرانسه (در این جنگ روسها هیچوقت دخالت حقیقی نکردند) پیشرفت قشون فرانسه در ابتدای امر در این
سهولت بوده زیرا که تهیه‌ای که برای جنگ دیده بودند کم بود و قشون دشمن از اطراف شمال و شرق ترقی
شهرها و قلعه‌های متعدد را گرفته بسهولت اطراف پاریس پیش آمده بود و این به ترتیب نزدیک شده بود در موقع بود
و تازه حکومت انقلابی ترتیب [illegible] شده اقدامات [illegible] داده [illegible] در [illegible]
ترتیب قشون گیری عمومی کشیده [illegible] قشون [illegible] ۷۵۰
هزار نفر شد و تا آن زمان هیچیک از ممالک اروپا قشونی باین کثرت نداشتند ترتیب جنگ [illegible] از
حکومت انقلابی مردم به Carnot شد و کارهای [illegible] ترتیبات [illegible]
[illegible] پیشرفت کار شد

پس از آنکه قشون خارجی نزدیک پاریس شده بود فرانسویان در Wattignies که فتح بزرگی بوده راه
پاریس را بر قشون اطریش بسته از هجوم [illegible] پیشرفت فرانسویان [illegible] علاوه بر [illegible]
فرانسه از تصرف دشمن [illegible] در آن زمان [illegible] را نیز [illegible]
و در زمستان [illegible] ۱۷۹۴ [illegible] قشون فرانسه در [illegible]
در حالیکه [illegible] روی [illegible] دریا [illegible] رفته و کشتیهای جنگی [illegible] گرفتار شده
[illegible] (در [illegible] Helder) از آن به بعد جنگ [illegible] واقع نشد تا در ۱۷۹۵
[illegible] که پیش ذکر کردم از هیئت ائتلاف خارج شدند

ابتدا [illegible] صلح، فرانسه [illegible] با آنها دولت [illegible] انگلیس متحد شده [illegible] وقتی که [illegible]
[illegible] دولت پروس و اسپانیا و [illegible] دیگری [illegible]
در [illegible] Bâle (در سویس) صلح نمودند [illegible] فرانسه [illegible] انگلیس متحد شده [illegible]
[illegible] (در [illegible] خانواده) [illegible] سردار [illegible]
[illegible] از این جنگ [illegible] حکومت [illegible] جمهوری [illegible]
[illegible] جمهوری [illegible] صلح [illegible])
[illegible] برای فرانسویان اتفاق [illegible] آزادی [illegible] آزادی
[illegible] و مردم را در
اختیار حکومت [illegible]
[illegible]
[illegible] اطریشیان و انگلیسیان [illegible]
خارج [illegible] فرانسه [illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] اطریشیان [illegible]
[illegible] آلمان [illegible]
[illegible]
انگلیس و اطریش [illegible] جنگ [illegible] Carnot [illegible]
آنگاه انگلیس [illegible] اطریش [illegible]
اطریش [illegible]
[illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] Hoche

دیگر کارها را هم به ناپلئون بناپارت داد، ناپلئون مشهور تاریخ هنوز جوان، بلند با آنکه هم رقابت داشته حقیقتاً تمام
سرکارها را هم بودند و هر کدام کارهای بزرگ کرده بودند مخصوصاً هوش و زرنگی و اراده را ترقی داد و هوش او
از سایر همه بالاتر بود که مردم را برای [illegible] ناپلئون را از نو تربیت کرده بود و همه دولت فرانسه ...
و دو و در حینیکه از آنجا و بر هم بود [illegible] از سرداران بزرگ ... شده
بودند و شکست خورده مجبور بازگشت شد و از دشمنان روگردان گشت ... تمام را به بناپارت سپرد و ...
این سردار بزرگ بیش از ۲۷ سال نداشت و جانب ... و سرداران در ایتالیا رفته ... قدم گذاشت
... ناپلئون ... در خیال مخالفت ...
این جوان ... و جانب ... روز و گرد ... تمام ...
ایتالیا ... ایتالیا ... در ایتالیا ... ممالک ... کرد
... برای ایتالیا یعنی ... چهل هزار نفر ... چهار هزار ... قشون در مقابل قشون
کثیر اطریش ... وضع ... نفر ... زرد ... و نقصان ... و آذوقه ...
بسیار ... بناپارت این قشون را ... مانند ... از دیگری ...
و جنگ خود را ... شروع کرد و ... در نقطه اطریشان ... را ... و ...
در ... ایتالیا جنگ کرد ... فاتح ... از توقف ... اطریش در ایتالیا ... و ...
جمهوری ... قشون ... کرده ... اطریش ... خود را ... و ... در ...
ناپلئون ... از سرداران ... اول در ... نقطه ... کار ...
... سرعت حرکت ... کثرت جمعیت ... را بنا ...
... قشون خود ... از ... نقطه ... نقطه ...
قشون خود را ... حرکت ... در آن زمان ... از یک نقطه به نقطه دیگر ...
و ... در قشون اطریش ... و ... نیز ... نکرد

... ناپلئون در پاریس ... شد ... در ... از ... آن ...
... دولت ... رقابت او را ... و جنگ را در آلمان ...
... صلح ... در آلمان از ... دو کار ...
... صلح ...
... آلمان را گرفته ... و مشغول ...
در مقابل بناپارت شد ... ولی ... از ... بناپارت
... که جنگ ... در ...
آمده ... صلح ...
ناپلئون در ... کار ... را ... صلح ...
صلح را گرفت و ... که ... صلح ... در ...
Campo Formio ۱۷۹۷ (در ایتالیا) این معاهده ... و ... جمهوری ...
... پادشاه اطریش و ... آلمان ...
... از طرف ... و ... در ایتالیا ...
... جمهوری ... جمهوری ... و ... جمهوری ...
جمهوری ... تمام ... در حقیقت تمام ... جمهوری ... و ...
... اطریش ... و ... ناپلئون ...
... جمهوری ... جمهوری ... ۲۶۰ ...
... ناپلئون ... مقصود ... فرانسه ...
... از ... تمام ...
... اطریش ... در ... نکنند

این عمل تمام مواد حقوق بشر و دعاوی آزادی طلبان فرانسه را فراموش کرد و در مقابل خدمت و امتیازهای
مشخصی برای او پیدا شده بود برای سایر فرانسویان نیز بیش از روشنی دست داد و هیچ اعتراض نشده و نیز
نشد که این مواد عهدنامه اینجا بوده و برای رفع مشکلات تا مقدمات اطریش و فرانسه برای مسئله [illegible]
آلمان و فرانسه مشغولیات داشتند (prima Sopossessione) کنگره‌ای [illegible] و برای آن
در Rastade منعقد شود و برای رفع مشکلات ایشان در جزو آلمان ترتیبی بدهند و در موقع عقده نیز [illegible]
[illegible] روس و ترتیب و فرانسه برای [illegible] (...) این جنگ در تاریخ معروف به Campagne d'Italie است
جنگ مصر - فرانسویان در خیال بودند که بعد از اتمام کار اطریش ها برای پیاده کردن قشون در جزایر
انگلیس فراهم شوند چون ناپلئون از جنگ ایتالیا برگشت این موضوع را سنجیده و مخفیانه طرح دیگری تشکیل داده بود
و آن عبارت بود از اینکه قشون به مصر فرستاده آن مملکت را بگیرند و بوسیله هندوستان را تهدید نمایند
که در صورت لزوم در صدد تسخیر هند برآیند زیرا که هندوستان در آن وقت بهترین مستعمرات انگلیس و دولت
دست رفتن آن باعث استقلال آنها [illegible] نقشه مخفیانه قشون و لوازم جنگ و [illegible] کشتیهای
جنگی حاضر کردند و بعد ناپلئون [illegible] قشون از فرانسه بطرف مصر حرکت کرد کشتیهای انگلیس [illegible]
خبر شدند و در دریا [illegible] رسانیدند قشون فرانسه در بندر ابوقیر پیاده شده اسکندریه را گرفتند
ولی در آن جنگ بزرگی با [illegible] از جانب سلطان عثمانی در مصر [illegible] و چون [illegible] دوام
نتوانستند جنگ معروف بجنگ اهرام است ۱۷۹۸ در این جنگ ناپلئون فصاحت [illegible] خود را بکار برده قشون خود
را با [illegible] معروف آن این است [1] چهل قرن است که از بالای اهرام نظر دارند تا بنگرند شما
امروز چه میکنید ناپلئون در مصر [illegible] قصر علما و خرابه‌های [illegible] و در آن مملکت [illegible]
[illegible] در روی [illegible] اوقات [illegible] از طرف Nelson
امیرالبحر انگلیس کشتیهای فرانسویان را در بندر ابوقیر گرفتار کرده [illegible] راه بازگشت
قشون ناپلئون را بوسیله قطع کرد و از طرف دیگر انگلیسیان سلطان عثمانی را وادار نمودند که از مصر [illegible].

[1] Du haut de ces pyramides les quarant siecle vous contemplent.

ناپلئون [illegible] و با شتاب کمک مالی و قشونی دادند اما کشتیهای فرانسه [illegible] در مقابل قشون ترکیه
عثمانی ناپلئون [illegible] با قوات و [illegible] گردید [illegible] عثمانیان [illegible]
از ایشان [illegible] کرده بشام رفت و در آنجا یک شکست بزرگی بقشون عثمانی داده [illegible] شام را تا
[illegible] تصرف کرد و [illegible] ولی [illegible] از آنکه [illegible] این شهر [illegible]
انگلیسیان [illegible] را از راه دریا [illegible] مراجعت کرده آنجا قشون [illegible]
[illegible] ۱۷۹۹ ناپلئون [illegible] در مصر بود و حال [illegible]
[illegible] شروع کرد و [illegible] کرده [illegible] و در [illegible]
[illegible] گردید [illegible] حکومت مصر را [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible] Kleber [illegible] قشون مصر [illegible]
[illegible] قشون انگلیس و عثمانی در [illegible]
[illegible] قشون [illegible] مصر را [illegible]
[illegible] قشون انگلیس [illegible] مراجعت کردند
ناپلئون [illegible] فرانسه [illegible] ترتیب [illegible]
[illegible] - انگلیسیان [illegible] در [illegible]
[illegible] در خارج [illegible]
[illegible] ۳ [illegible]
[illegible]
[illegible] واقع [illegible]
[illegible] قشون [illegible] دولت [illegible]
[illegible]) از طرف دیگر [illegible]

از قبیل اینکه پاپ را توقیف کنند متصرفات او را ابتدا بیک جمهوری رومی بدل نمودند و در سویس هم
انقلاب تجمهوریها را تجدید دادند و کلیه آن یک جمهوری واحد بطرز جمهوری فرانسه برقرار کردند روم به [illegible]
این رفتار دول اروپا را بواهمه انداخته و مجددا بنای تهیه جنگ . فرانسه در تزلزل و شروع این خدمت ، با [illegible] شده و پادشاه
ناپل از سکنه جمهوری روم متصرف شده ، امپراطور آلمان و پادشاه انگلیس و [illegible] پادشاه اطریش با یکدیگر
اتحاد بستند و اینجا هم دولت ، عثمانی با امپراطور روس که دشمن [illegible] جنگ نمودند
اتحاد شد (در جنگهای دوره اول و دوم امپراطور آلمان و پادشاه اطریش فرانسه را و پادشاه روس [illegible]
هم بودند و در جنگهای دوره اول کاترین امپراطوریس روسیه زنده بود و در این دوره پل اول پسرش جانشین او شده بود)
کمتر [illegible] فرانسه هم با این دولت جنگ کرد و نه از اطریشیان در ایطالیا بودند و اتفاق ۳۵۰ هزار قشون در سرحدات
فرانسه حاضر کردند (که این عده شصت و هزار نفر روسی بودند) سرکرده آن قشون هم نیز از مشهورترین سرداران
آن عصر بشمار میآمدند که بزرگترین سرداران غیر فرانسوی بود هر چه در اطریش آرشیدوک شارل معروفترین سرداران
آن دولت و فرماندهی قشون روس Souvarow بود در جنگهای قفقاز و لهستان در جنگ آزموده و کاردیده
همیشه در مقابل این دو قشون خارجی بی کفایتی نشان داده [illegible] نداشت و پاره از متصرفات را هم از دست داد
اطریشیان و روسیان از سه طرف بفرانسه حمله بردند اول از طرف ایطالیا دوم از طرف سویس سوم از طرف سرحدات
آلمان و در این قسمت جز اطریشیان شرکت نداشتند

در ایطالیا پیشرفت اطریشیان خیلی زیاد بود و فرانسویان را از آن مملکت بیرون کردند و جمهوریهای را که بنا کرده بودند
داشتند منحل کردند و متصرفات را آنها بردند ولی مقارن وقتیکه ناپلیون بفرانسه رسیده بود اختیار امور را بدست گرفت
اطریشیان نقشه اینکه در ایطالیا برای اقدامات خود [illegible] آزاد باشند روسیان را عقب داده نقشه سویسی را بر آنها
شناختند این ترتیب که قشون روسی هم در ایطالیا بود از راه سویس عبور کرده و قشون اطریش که در سویس بود برای
آلمان رفته تا در آن نقطه اقامت کند ولی این زمان موقع دیگری قشون فرانسه در سویس و روس و اطریش در جبال سویس روبروی
یکدیگر افتاده بودند اطریشیان قبل از رسیدن روسیان از ایطالیا بسویس حرکت کرده و سرداران قشون

فرانسوی ارتش malenaat هم از سرداران مشهور جمهوری و جانشین او در این وقت وضع قشون دشمن را تغییر داده قبل
از ورود روسیان بر اطریشیان حمله برده آن قشون را بکلی منهزم کرد آنگاه که سوارف با قشون اوده از ایطالیا
بسویس رسید ، اطریشیان را در آنجا نیافت و چون خود را از هر طرف در محاصره دید با کوههای آلپ پی تعقیب اطریشیان کرده
آمد روسیان که این واقعه بعد از جنگ خارج شهر و به اطریش تنها در مقابل فرانسه باز در این جنگ برود
تقریبا سه سال است و در جنگهای مشرق فرانسه اتمام جنگهای دولت را تعیین بودن مملکت فرانسه را از خطر آزاد
ناپلیون بعد از آنکه بمقام قنسولی اول برقرار شد بعضی اقدامات در راه صلح کرد و کاغذی برای این مقصود به پادشاه
انگلیس نوشت لکن انگلیس صلح را با شروط او مایل نبود و قرارداد ، فرانسویان را که در خارج از مملکت اروپا بودند قرار کند و
اطریشیان گفتند ما در صورتی صلح خواهیم کرد که انگلیس هم راضی باشد ناپلیون در صدد اتمام جنگ اطریش برآمده
دو سپاه تهیه دید موریو (Moreau) را با قشونی مأمور کرد به ایطالیا رفته قشون را امداد دهد و کار
فرانسویان را در مقابل حمله اطریشیان نگاهداری کند و تا ناپلیون با قشون کافی برسد مأموریت
خود را بخوبی انجام داده ، اطریشیان را در این مدت ناپلیون با ... قشون تهیه کرد و با ... از کوه
سختهای فرق ایتالیا گذشت ... از کوههای آلپ عبور داد ، غفلتاً وارد ایطالیا شد و جنگ او بر سر دادن
در آن جنگ معروف marengo جنگ سختی واقع شد و در اوایل کار قشون فرانسه بعقب نشست و ... برای ... راه قشون
اطریش مفتوح شده بود ناپلیون تقریبا مغلوب شده بود در همین حال یک قسمت از قشون فرانسوی در تحت
فرمان سرداری معروف به دزه (Desaix) که از حال ناپلیون مطلع شد خود را بمیدان رسانیده و دادار حمله به اطریشیان
کرد خود او در حمله اول کشته شد ولی فتح با فرانسویان گردید در ایطالیا این دفعه کار بزرگی اتفاق افتاد
و جنگ را پیشرفت نمود در آلمان هم کرد و این سردار فتح بزرگی در آلمان نمود و فتح او هم با سبب اتمام کار
شد در تاریخ مشهور است و سردار بزرگ شاهزاده اول ایشان قشون اطریش را غافل نمود و از راه
غیر از آنکه آنها انتظار داشتند بجنگ آنها رفت و در جنگ اهل ... پیش آورد و در مقابل در جنگ معروف
hohenlinden جنگ کرد و وضع این جنگ را نقشه ... کرده طرح جنگ جدید را که ما ... در ... داد

Moreau

Desaix

با نهضت سوم است. در قوت اطریش که منهزم شدند بعد از فتح بوناپارت [illegible] اطریشیان [illegible] مجبور بصلح گردیدند و عهد صلح در
Lunéville ۱۸۰۱ بسته شد و بموجب این عهدنامه رشته اتحاد دولت فرانسه در خارج داده و دولت اطریش آنها را
رسمیت شناخته و ایالت اطریش در شمال ایطالیا با تمام جمهوری سیزالپین را از آن تفکیک داده و [illegible]
برقرار شد بموجب قراردادها که فرانسه مقررات پاپ را با وجود داشته و فرانسویان حق داشتند قلعه‌های [illegible]
مملکت [illegible] در تصرف نگاه دارند. نتیجه این جنگ و صلح بروز [illegible] قدرت فرانسه در خارج [illegible]
زیرا که ایطالیا [illegible] دولت [illegible] در تحت نفوذ آن دولت قرار گرفت چنانکه بعد از صلح لونویل جمهوری سیزالپین
موسوم به جمهوری ایطالیا گردیده در تحت ریاست شخص ناپلئون درآمد (صلح لونویل در ۱۸۰۱ است)

وضع انگلیسیان در جنگ و صلح فرانسه و انگلیس — تمام دشمنان فرانسه منکوب شده غیر از دولت انگلیس که همیشه در
جنگها غالب بود زیرا که جنگ [illegible] بین انگلیس و فرانسه [illegible] در دریا [illegible] قوه بحری انگلیس [illegible] از
فرانسه بود بعلاوه انگلیسیان در امور جنگ اشتغال دیگر داشتند در صورتیکه فرانسویان در جنگها [illegible] با تمام [illegible]
اروپا بجنگند انگلیسیان از اوایل جنگ بر قوه بحری فرانسه فائق آمدند و کشتیهای [illegible] را تصرف نمودند
و روابط فرانسه را در دریا با ممالک دیگر قطع کردند [illegible]
[illegible] بر قواعد فرانسه [illegible] وضع [illegible] قوای بحری [illegible]
[illegible] با این غلبه بعد از اینکه تمام [illegible] صلح کردند برای انگلیس [illegible]
[illegible] آن دولت [illegible] برای [illegible] جنگ [illegible] برای انگلیس فراهم شده بود
[illegible] انگلیس [illegible]
جنگ [illegible] تجارت [illegible]
[illegible] وضع صنعت [illegible]
[illegible]
[illegible] از طرف دیگر [illegible] از جنگ خسته شده و برای انگلیس دیگر [illegible]

[illegible] فرانسه [illegible] انگلیس
[illegible] انگلیس [illegible] انگلیسیان [illegible]
سال جنگ [illegible] فرانسه [illegible] انگلیسیان [illegible] Amiens [illegible] صلح
[illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] فرانسویان در خارج [illegible] انگلیس
جمهوری فرانسه [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible]

علت [illegible] فرانسویان — [illegible] فرانسویان در جنگهای انقلاب [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] علت آن [illegible]
[illegible] روس و اطریش و روس [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible]
[illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] انقلاب فرانسه [illegible] فرانسه
[illegible] اطریش [illegible] فرانسه
[illegible]
انقلاب فرانسه [illegible]
[illegible] انقلاب [illegible] فرانسویان [illegible] انقلاب فرانسه در حقیقت [illegible]
[illegible] آزادی و مساوات [illegible] فرانسویان [illegible]
[illegible] انقلاب فرانسه [illegible]

چنین بنی آدمهای انقلاب فرانسه، جمال اروپا طرف گردید و فرانسویان استقلال مملکت خود را هم در خطر دیدند
عشق وطن خواهی ژاپنی نیز نسبت بهمان [illegible] نژاد را دارای حالتی کرد که برای هرگونه فداکاری و [illegible]
و اقدام بهر کار فوق العاده حاضر شدند تغییرات مهم که بواسطه انقلاب حاصل شده بود [illegible]
کار جنگ داشت اولاً حقوق آزادی و مساوات [illegible] شده بود و از تمام طبقات مردم داوطلب برای
جنگ پیدا شد و بواسطه عده قشون فرانسه باندازه رسید تا آن زمان هیچ دولتی قشون حاضر
نکرده بود بلکه [illegible] فرانسه طرف روسیه من حیث المجموع آن اندازه قشون در میدان جنگ حاضر نداشتند
عنوان مساوات و دیگر اصول کارکنان انقلاب را [illegible] کرده بود درجات صاحب منصبی را از [illegible]
و اشراف داشت خارج کنند و اعطای مراتب صاحب منصبی را مبنی بر لیاقت و سابقه خدمت قرار دادند این
[illegible] رای فرانسه عده صاحب منصبان و سرداران کافی تهیه کرد و باین معنی در میان قشون داوطلب
[illegible] ظاهر میرسید و استعداد مخصوصی برای جنگ داشتند این اشخاص لیاقت خود را در همان رتبه سربازی
یا صاحب منصبی پست ظاهر میکردند و به تناسب کفایتی که ظاهر کرده بودند به رتبه عالی صاحب منصبی [illegible]
مهم دیگر برای جنگ لازم است [illegible] کار فرانسویان کم داشتند مهمات جنگی و آذوقه و اسلحه و [illegible]
وسایل [illegible] لازم بوده است [illegible] و [illegible] عمومی تهیه لوازم جنگ و قدرت حکومت انقلابی [illegible]
داد چه تقریباً تمام کارخانه ها مشغول تهیه لوازم جنگ شدند بسیاری از کارخانه ها [illegible] اسلحه سازی [illegible]
مبدل به پارچه بافی و کارخانه [illegible] کفش دوزی [illegible] انقلاب فرانسه [illegible]
بهترین بهره ای که [illegible] علم [illegible] فرانسه مخصوصاً علماء بزرگ داشت علما ریاضی [illegible]
در کار جنگ مفید است [illegible] علما طبیعی [illegible]
جنگی کمک نمودند و از جمله کارهای [illegible]
[illegible] برای فراهم کردن [illegible]
آب کرده [illegible]

فراهم شد و قشون فرانسه به [illegible] زمانی که صاحب منصبان [illegible] لازم برای ژاپن تهیه شد [illegible]
[illegible] مدت یک سال [illegible]
[illegible]
رفتار ژاپن از حیث اطاعت صاحب منصبان و حفظ نظم و دسیپلین [illegible] از جهت روابط با مردم خارجی
[illegible]
دیده شده است با این کیفیات [illegible] قشون فرانسه بر قشون [illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب منصبان [illegible] ژاپن [illegible] لیاقت [illegible]
[illegible] برای جنگ استعداد مخصوصی
داشتند [illegible] لیاقت [illegible] جوان بودند [illegible] صاحب منصبان [illegible]
[illegible]
سرداران [illegible] صاحب منصبان و سرداران جوان [illegible]
[illegible]
جنگ [illegible] قشون دشمن [illegible]
شد ابتدا [illegible]
قشون دشمن [illegible]
فرانسویان [illegible] انقلاب فرانسه از حیث برقراری آزادی
و مساوات نتیجه شده است

رجال بزرگ در انقلاب فرانسه ـ در دوره انقلاب [illegible] فرانسه [illegible] رجال سیاسی
بزرگ نداشتند زیرا که کار بزرگ [illegible] رجال بزرگ ژاپن ظاهر گردد [illegible]

انگلیسان در طرفیت تحکیم ماند و فرانسه که در یک نظر و طرح سیاسی معین داشته و با جهت رجال سیاسی بنیان درآمده

اداره خالی از اهمیت هستند و سیر و قرینش ثبات بود و خیلی مهم است که جنگ در زمان وزارت او شروع شده و تصمیم

با فشاری در این جنگ را اظهار کرده و در مدت وزارت خویش کوشید از عهده برآمده است و حقیقتاً برای شرافت

انگلیس با فشاری در جنگ با فرانسه خالی از غرور نیست (در صورتیکه طرح جنگ را در دوره و مولفین را

طرح سیاسی معینی نداشتند) کار بزرگ هم رجال فرانسه که در انقلاب مشغول بوده‌اند همان دولت فرانسه از دو جبهه

رجال نظامی بزرگ را دیده هستند سیر و قرینش سرداران عظیم فرانسه مثل ناپلئون سردار بزرگ و از مشهورترین

سرداران سردار دلاور و برنادوت سردار دلیری بوده‌اند و آرشدوک شارل را در میان گفته سرداران عظیم

فرانسه مثل نظامیان بزرگ و مشاهیر رجال بزرگ در دوره انقلاب فرانسه همان کارکنان

و افسران هستند ما اینک رجال انقلاب فرانسه را مختصراً ذکر می‌کنیم

۱) رجال انقلاب فرانسه به چند طبقه تقسیم می‌شوند: اول رجالیکه برای پیشرفت انقلاب در درجه اول برای

اصلاحات و اداره کردن مملکت کار کرده‌اند دوم رجال نظامی و سرداران بزرگ بعضی اشخاص

دو هم این هر دو صفت را داشتند رجال طبقه اول را به چند طبقه تقسیم کرد از جمله یک طبقه خطبا و

ناطقین و یک طبقه وضع قوانین و یک طبقه اداره کنندگان مملکت و کارکنان در حکومت انقلابیه

و کمیته‌ها و مواقع انقلاب بوده‌اند

میرابو قرینش و بزرگترین خطبا در عهد فرانسه میرابو بوده است میرابو از اشراف بوده ولی چون در جوانی

بخوش‌گذرانی زندگی می‌کرده در میان اشراف اعتباری نداشته است در مجلس ۸۹ با اتاق سوم از

طرف طبقه ثالث انتخاب شد و در مجلس فصاحت فوق‌العاده او ظاهر گردید و نطقهای میرابو

نطقهای بدون سابقه بود این فصاحت کلام سبب اعتبار کلی او برای میرابو شد و ملت را طرفدار او

دشمن دربار را چندبار کرد و قدرتی یافت و چون او گوید میرابو قدرت دارد اجتماع هیئت مؤسسه در آن گذشت

و مردم نسبت بجنازه او احترامات فوق‌العاده بجا آوردند و هم بزرگی در تاریخ ظاهر کرده است

آنچه بعدها معلوم شد میرابو در اواخر عمر با دربار بستگی داشته و بلکه از دربار خرج خود را میگرفته است

بعد از میرابو ناطقین و خطبای زمان انقلاب بسیار بوده‌اند و از آن جمله مورو و malouet و

clermont tonnerre از خطبای اشراف و طرفدار سلطنت و با مشروطه talleyrand والا

ماتیه از خطبا و مشروطه طلب (جمعیت کنستیتوسیونل) و این سه نفر بسیار از جهات دیگر هم اهمیت فوق‌العاده

دارند و سه barnave از اعضای مؤثر هیئت مؤسسه و پتیون و دانتون از خطبای معروف ماشینه

اما سیه‌یس در وضع قوانین کار کرده از معروفین است زیرا که بعضی از کارکنندگان در وضع قوانین

هم از ناطقین یا کارکنندگان در انقلاب و اداره مملکت بودند یک نفر از آن اشخاص معروف

خارج معروف و او sieyes بود که در ترتیب اساسنامه و قوانین و طرح قوانین مجلس

مؤسسه خیلی دخالت داشته و بعد از آن که بعضی‌ها از اعضای هیئت مدیره شد و طرح انحلال هیئت مدیره

و حکومت کنسولی را با ناپلئون طرح کرده است و در هیئت مؤسسه و کنوانسیون بعضی اعضای بزرگ هم

عضویت داشتند از قبیل Condorcet فیلسوف و ریاضی‌دان مشهور و بالاخره سابق الذکر هم بسته و خود

ایشان در وضع قوانین دخالت کلی داشته‌اند

از کارکنندگان برای انقلاب از همه معروفتر سیه‌یس و دانتون ماشینه هستند دانتون هم در رابطه با انقلاب هم در کرده است

معروف شده‌اند و دانتون یک نفر وکیل و هم مسلک داشته مردم به de moulin هم معروف شده

مشهور بوده و در موقع گرفتاری دانتون با او کشته شده عبارت معروف در باب او نیکو خوب

بوده است بعضی از رجال انقلاب در امور داخلی و جنگ هر دو دخالت داشتند بزرگترین این

طبقه کارنو حاکم و هم او را پیش دیده ام که از اعضای حکومت انقلابیه بوده مرکز و وزیر جنگ فرانسه

شهرت گردیده و طرح نقشه جنگها را ریخته در بعضی موارد شخصاً در میدان جنگ حاضر شده و در پیشرفت طرح

خود کار کرده است در مدتی که نظامیان در زمان ترور و حتی بعد از آن کارنو را کنار زدند که از نابغگان آزاد

دفاع کرد گفت با وجود این کارنو ترتیب دهنده فتوحات Organisateur de la victoire نام گرفت

این جمله را برای کار زولف قرار داده

رجال نظامی یعنی سرداران و صاحب‌منصبان معروف که جمله از اول سرداران و صاحب‌منصبان قرن قدیم بوده و چون از آنها هم

به جمهوریت اوقتی سردار کل فرانسه و جنگ اطریش و روسیا و Kellermann فاتح جنگ والمی در ۱۷۹۲ و جمهوریت

بعد از فتح والمی موقع فرانسه شده در مملکت بلژیک فتح باشکوه بزرگ در محل Jemappes کرد و بعد از فتح ژماپ دو سه سال دیگر

جنگ نموده در یک واقعه مغلوب شده چون هم با فرانسه مخالفت کرده به حکومت ملی و سیاست نمو با اطریشیان پناه برد

هم سرداران و صاحب‌منصب بودند در دوره انقلاب و دارای این صفت شدند و این سرداران به استثنای ارتش

سرداران دوره انقلاب و دوره قنسول و امپراطوری ناپلیون هم که جانشینان او بودند که بزرگترین سرداران جمهوری

جنگجو بوده‌اند که بیش و کم با ناپلیون همراه بوده در جنگها ترقی کرده و مرتبت صاحب‌منصبی رسیده‌اند بعضی در جنگهای

سالیان دراز جنگ شده و از همان ابتدای کار ریاست صاحب‌منصبی یافته و آثار بزرگ از کفایت و شجاعت

خود ظاهر کرده است از جمله کارهای او جنگ‌ها داده است و در زمان دوره موقع جمهوری که از اطریشیان و روسیان

نموده و اثبات آزادی از بیرون که هست اما بزرگترین کارهای سردار هوش خوا به نام قشون و اندوخته

این قشون مملو فرانسه شکست ایالت و جنگ و اتفاق که شده بود تا او جز از زمان که ناپلیون استرداد نمود

و قشون زیاد و صاحب‌منصبان و سرداران معتبری را مشغول داشت این را به زودی که به محمد دین

گرفته بود ابتدا در کمال سرعت نظمی معتبر داده حزب شجاع با تأیید نموده و قوا آنها را به کار

برد و کرد آنگاه به مملکت روی آورده و جنگ بزرگ و تدبیر و لیاقت نموده شده را آرام

کرده و به این چنین تدبیر گذشت در آن حمله‌ها جنگید بر سر دو نقطه اتفاق افتاده و بعد از فتوحات جنگ‌ها او

طرف توجه گردیده است چنانکه خود همان قشون را واداده را به شهر آن چنین تدبیر تربیت نمود و بعد از جهت

جنگ واداده برای تربیت اتفاق بزرگ افتاده تا زمان جنگهای ناپلیون در ایتالیا در فتوحات اروپا از کارهای او

فرانسه و جنگ آن از اول و خاتمه کارهای را تمام داده و همه برقرار شده و در جنگهای جهانی موقع شیخ و در دوره نظیر بزرگترین سرداران عالم

شمار رفته و او در حقیقه با ناپلیون برابر نیست و در حقیقت هم از او بیش زنده بود ناپلیون خود شهرت یافته دوره قنسولی و امپراطوری

بیش از صد و بیست روز به خانواده ناپلیون از اهالی جزیره کرس بودند و تولد ناپلیون (۱۷۶۹) در همانسال

واقع شده که این جزیره به تصرف فرانسه گردیده است هم خانواده ناپلیون بناپارت است و به جهت قبل از امپراطوری

هم بناپارت معروف بوده در لفظ ناپلیون نیز اختلاف است ولی عالمان نظام پیش هم او بوده و در اوایل جمهوری و قنسولی

و تعیین لقب امپراطوری نمیدید و رسم سلاطین القاب خود را تغییر داده بجای بناپارت یعنی اسم خانوادگی ناپلیون

Napoleon که اسم شخصی بود انتخاب کرده است بناپارت تحصیل در مدارس شهر برین کرده است و به تحصیل خود را کرده

آنگاه داخل مدرسه نظامی پاریس شده و در سن شانزده سالگی از آن مدرسه خارج گردید و معلمین او تصدیق نموده‌اند

در شانزده اینچنین عبارت بود (اگر اتفاقات با او مساعدت نماید ترقی خواهد کرد) Ira loin si les

circonstances le favorisent بعد از خروج از مدرسه داخل توپخانه شده و چنین نظر تا مدت دو سال بر قسم جنگ

جنگ فرانسه نداشته است ولی انقلاب فرانسه حالات او را تغییر داده در جنگهای انقلاب خدمتها نمایان نموده

کرده و اولین کار بزرگ او گرفتن قلعه تولن بوده است در محاصره شهر تولن و در اینجا بکار برتبه سرتیپی رسیده است

در ۱۷۹۵ به تنزل ایش را جنگ وانده بفرستاده که دسته از توپخانه آن را به عهده بناپارت سپرده بودند

را برای خود لیاقت داشت و مرتبه تنزل رتبه داشت و از این رو خدمت را ابا کرده و از خدمت در توپخانه

استعفا داد و چون از این واقعه دلتنگ شده بود حاضر شد که خدمت در دولت عثمانی در آید تقاضای این جوان ترقی

نشد تا آخر سنه در سلطنت سلطان وقت گرفته بودند و در پاریس جمعیتی از ایشان دسته بندی کرده بنا به جمهوری را

بکشند ناپلیون فرا هم نموده بکمک انقلابیون فرمانده قشون پاریس را به ناپلیون داده و او به تجهیز قشون حاضره

به جهت ۲۰ هزار نفری حمله کنندگان را مغلوب و منهزم کرد و پنج ماه بعد از این واقعه بود که فرمانده قشون

ایتالیا را به او واگذاشته و او چنانکه می‌دانیم در ایتالیا فاتح شده جنگ اطریش را با خبر بانیه و پس از آن جهت

مصر رفته در ۱۷۹۹ برای آنکه اوضاع داخلی فرانسه را تغییر دهد بتنهایی از مصر مراجعت نمود ناپلیون که از آن

واحد یکی از بزرگترین سرداران عالم و یکی از بزرگترین رجال مملکت داری بوده است و قوه و مدارک شخصی او

تا ابتدای امپراطوری رو به تکمیل و تزاید بوده و در زمان قنسولی در امور نظامی و امور قانونی و جمع‌آوری اداری

ذوق تمام جوان هم عصر خود نظر می‌آید یعنی به تمام سائر ژنرالها و کشوریها غالباً بهتر از تمام ، اهل فن رأی بعدا [illegible] جنگ

مهارت و رشادت بسیار داشت ولی به هر طرح ریزی او مثل از رشادت و مهارت او زیاده است از حیث عاقبت و اقدام

و قیافه آدم متوسطی به نظر می‌آید ولی در چشمهای او شرر غریبی بود هر کس با یک نگاه مرعوب میگردید چنانکه معتبر

ترین سرداران مدارس ایطالیا هم جرأت مخالفت با او را نداشت میگوید : نمیدانم در چشمهای این جوان چه بود

هر امر [illegible] تسلیم کرد در ابتدای امپراطوری قوای دماغی ناپلئون طوری بود که [illegible]

بیهوده میکرده و هیچ وقت در شأن خودش برای او خستگی ندیده چنانکه در حق خود گفته است دماغ و ذهن من مثل دکان

عطاری دارد [illegible] برای هر امر قسمی مخصوص است و مطالب هیچ با یکدیگر مخلوط نمیشوند و هر وقت هر قسمت را بخواهم باز میکنم

[illegible] در جنگ و در [illegible] و احساسات [illegible] جنگهای بزرگ برای [illegible] نظام نامه

نوشته است از قوای غریزهٔ ناپلئون در اوایل امپراطوری [illegible] این است که خواب او فقط [illegible]

و هر وقت از روز و شب [illegible] میکرده بخوابد و هر موقع از روز [illegible] خسته نشود کار میکرده است

اما سرداران درجه دوم هم برای مواقع دیگر اکثر در ردیف اول از رجال نظامی شمار می‌آیند مستعد بودند و عموماً

در دورهٔ قنسولی و امپراطوری ناپلئون شهرت یافتند از قبیل [illegible] و murat و [illegible] و [illegible] ایشان

فصل چهارم

دورهٔ قنسولی Consulat و

دورهٔ امپراطوری Empire

کودتای ۱۸ برومر - فرانسه وضع داخلی فرانسه بواسطهٔ بیکفایتی هیئت مدیره و [illegible] در جنگهای خارجی بعضی از

رجال فرانسوی را بخیال چاره و تدبیر انداخته منتظر کرده بود که با هیئت مدیره وضع حکومت را تغییر

داده [illegible] این اشخاص سییس که از اعضاء هیئت مدیره بود و طرح مخصوصی برای این تغییر وضع نظر داشت

عقیدهٔ سییس [illegible] شده بود و صحیح این اوضاع باید بوسیلهٔ قدرت یک نفر سردار بزرگ انجام [illegible]

تر از ناپلئون [illegible] ناپلئون را مخفیانه از مصر [illegible] تا ناپلئون

قبل از آنکه پیغام سییس [illegible] اوضاع فرانسه چنانکه پیش دیده بود مغشوش [illegible] از مصر مراجعت کرد ناپلئون

سییس را ملاقات [illegible] طرحی برای انحلال هیئت مدیره حاضر کرد و قرار گذاشتند [illegible] از اعضاء هیئت مدیره و چند نفر از

وزراء و [illegible] وزیر امور خارجه و Fouché وزیر پلیس با او [illegible] مجلس شورای Conseil des

Anciens و رئیس مجلس پانصد نفری که Lucien نام برادر ناپلئون بود [illegible] ایشان [illegible]

این بود که اعضای هیئت مدیره [illegible] استعفا کنند تا [illegible] تعیین شود و کلای هیئت مدیره [illegible] قبول

موافقت [illegible] ولی [illegible] تعرض میکردند از جانب مجلس

پانصد نفری مخالفت اظهار شد [illegible] دادند و [illegible] بزرگ [illegible]

دفع فتنه را برای ناپلئون گرفته مجلس را [illegible] خارج شهر [illegible]

در هر دو مجلس [illegible] نمایندگان نسبت به ناپلئون اظهار مخالفت کردند و [illegible]

ایشان [illegible] مجلس رفت در مجلس شورای [illegible] نمایندگان [illegible] ناپلئون [illegible]

اساسی قسم خورده بود ناپلئون در جواب گفت : از این قسمها که [illegible] بسیار [illegible]

حقیقت آن را در خاطر ندارم . در مجلس پانصد نفری نمایندگان به ناپلئون حمله بردند و [illegible]

بقول آنان خواسته او را [illegible] ناپلئون [illegible]

[illegible] و در واقع کار او گذشته [illegible] نمایندگان [illegible]

او را از حقوق مدنی محروم سازند و حکم دفع او را بدهند و اگر [illegible] ناپلئون [illegible]

و لوسین ناپلئون [illegible] را دید [illegible] روی میز [illegible]

رفت و [illegible] را از ریاست انداخت و در خارج مجلس [illegible]

آمد [illegible] نمایندگان [illegible] ناپلئون را [illegible]

فرمان داد [illegible] نمایندگان را بیرون کنند نظامیان [illegible] نمایندگان را [illegible]

[illegible] اختیار [illegible] ناپلئون [illegible] آنروز مجلس شورای [illegible]

با نهضت عمومی و جمعیت داشته جمع شده بر علیه قانون مجلس را جمعیت داده و حرکت نظامیان سابق الذکر را تصویب کرده
انفصال هیئت مدیره را اعلان نمودند و سه نفر قنسول انتخاب کردند که یکی از ایشان ناپلئون و یکی دیگر سییس
سیی روژه دوکو بود و این سه نفر چند نفر را هم گماشتند که در قانون های اساسی تجدید نظر کنند که خود همه کاره
و اصلاح فرانسه تمام خود را به ایشان قرار دادند و چون بر علیه قانون های اساسی واقع شده معروف به کودتای ۱۸ برومر
گردیده است در صورتیکه این واقعه در ۱۹ برومر اتفاق افتاده (۱۰ نوامبر ۱۷۹۹) این کودتا در پاریس
تولید هیچ انقلابی نکرده و در ولایات با کمال خوشی پذیرفته شده است

دورهٔ قنسولی - دورهٔ قنسولی چهار سال و نیم طول کشیده (۱۷۹۹-۱۸۰۴) در این مدت ناپلئون در داخله فرانسه
چهار قانون اساسی را که معروف به قانون اساسی سال هشتم جمهوری است مدون کرده و طرح ادارات و
دوائر فرانسه را از هر حیث تغییر داده و تکمیل کرده است و علاوه در مجموعهٔ قوانین قسمت قوانین مدنی را تمام
رسانیده در صورتیکه تا آن وقت عنوان کار مهمی در فراهم کردن این قوانین نشده بود و یک قرارداد نیز با
پاپ بسته امور مذهبی و ترتیب ادارات مذهبی را مرتب و معین کرده است اما جزو عمدهٔ کارهای مهم
این قانون های دیگر وضع ادارات و ترتیبات حکومتی فرانسه است در عرض سه ماه اول از دورهٔ
قنسولی انجام یافته در حالیکه ناپلئون با تمام جنگ اطریش را نیز بر زد و پیاده روی آخری ناپلئون
در کمتر از چهار ماه به قدری کار کرده و برای یک مملکت کافی است و برای آنکه اهمیت کار او بهتر
محسوس شود باید ملاحظه کرد که چه اوضاعی وضع فرانسه در آخر زمان هیئت مدیره داشت
در دورهٔ هیئت مدیره تمام سیاستها را ملت جمع کرده و به واسطهٔ اعدام و برگشت دولت قدری از قوت خود
کاسته بودند ولی از خرابه وضع مالیه اهمیتی در صورت و خیلی از زمان لوئی ها بدتر شده بود در ادارات
امنیت نظم بر طرف گردیده راه ها محل تاخت و تاز دزدان و راهزنان بوده و به واسطهٔ عدم مراقبت
شوارع و شوسه ها خراب شده رفت و آمد مشکل گردیده بود در بعضی راه ها به واسطهٔ بدی راه و ناامنی کالسکه
راه در یک روز طی میکردند و چهار پنج مرتبه مجبور به توقف میشدند صنعت و تجارت بیجا تنزل کرده نصف ... اتفاق افتاده

در کارخانه های پاریس کارگر نیست یک عدهٔ کمتر از ۱۷۸۹ اشخاص کار پیدا نمیکردند و دولت هیچ قرضی نداشت
و دیگر از عمدهٔ اقدامات رضایت مردم و بر حسب قرض عمومی و آذوقه و مالیات بار زیاد ...
نبود وضع نظام از هر جهت در حالت پریشانی بود در بعضی از ولایات کار به قدری سخت بود که اهالی آرزوی
عودت ایشان را میکردند در موقع کودتا در خزانهٔ دولت فقط ۱۳۷ هزار فرانک پول حاضر بود در مقابل
چند صد ملیون قرض و مطالبات قرض هر کدام تمام این حقها مال اشخاص مردم بود از طرف دیگر عده از اشخاص
هیچ چیز نمانده بود کارکنان انقلاب کمی باقی مانده بودند بعضی ها از انقلاب را فقط وسیله پیشرفت
وضع شخص خود قرار داده بودند و بعضی از ایشان صریحاً میگفتند از انقلاب کافی است زیرا که تمام فوائد
از آن برده ایم و نظر ایشان فواید شخصی بود در حق وطن خواهی و غیرت ملی در این ملت دیده نمیشد
خونریزی باقی مانده بود ناپلئون با لیاقت در میان این اوضاع خراب یک چنین ملت خسته شده را جمع کرد
مردم خسته تمام اوضاع مملکت را در داخله تغییر داده اصلاح کند و در خارجه با دشمن قوی مثل اطریش و
انگلیس را دفع نماید وضع چند نفر مردم ولی قدرت ایشان امور سیاسی مملکت ولذا به شخصی تفویض کردند
هیئت مدیره پیشرفت ناپلئون را از حیث اقتدار شخصی جمع قوت نمود و به واسطهٔ این عمل خاتمه دوره پرانقلاب
انقلاب کبیر و آنچه کارهای بزرگ فرانسویان در زمان انقلاب و آزادی طلبی این مملکت فرانسه در تحت استبداد
نظامی یک نفر سردار در آمد ولی در عوض نباید فراموش کرد که همان یک نفر سردار یعنی ناپلئون تمام امور داخله
فرانسه را اصلاح کرده در حالیکه برای این اصلاح چهار سال مدت لازم است نه بیشتر و با لیاقت با بردباریکه
به واسطهٔ اغراض شخصی سبب کفایت لیاقت ایشان شده بود کار کنند

قانون اساسی - اساس حکومت در دورهٔ قنسولی تکمیل زمان انقلاب را برگشت کامل قرار داده شده از اصول
مشروطیت و حکومت ملی فقط آزادی شخصی و آزادی مطبوعات و عقاید در قوانین محفوظ مانده ولی بیشتر
اصول مشروطیت صورت ظاهر را فقط جزئی برقرار بود بر حسب قانون اساسی قوه مجریه و اقدام وضع
قانون با سه نفر قنسول بلکه تمام اختیارات قنسول اول داده شده قنسول دوم و سوم فقط نیز مشورتی داشتند

قنسول اول به تقویت آراء عامه ابتدا خود را قبول کند اما ترتیب قوه مقننه و وضع انتخاب اعضای آن هم ترتیب خاصی داده است انتخابات به این طور واقع میشد که اهالی فرانسه یک عده اشخاص را انتخاب میکردند و این اشخاص را اعاظم بلدی Notabilité communale گفته میشد و دولت اعضای حکومتی را برای کمون و کانتون ها لازم است از میان این اعاظم بلدی انتخاب میکردند اعاظم بلدی یک عده را از بین خود انتخاب نموده و این دسته دوم به اعاظم ایالتی notabilité départementale موسوم است از میان این اعاظم ایالتی اعضای حکومت ایالتی را انتخاب میکرد اعاظم ایالتی یک دسته ثالث از میان خود به اسم اعاظم مملکتی notabilité nationale معین می‌نمودند اعضای هیئت دولت و اعضای قوه مقننه از میان این اعاظم مملکتی انتخاب میگردید اما قوه مقننه در حقیقت چند مجلس مشورت برای قنسول اول بود منقسم بود به چهار مجلس:

اول مجلس شورای دولتی یا مجلس Conseil d'état که لوایح قانونی را مدون میکرد و علاوه بر این وظیفه محاکمه عالیه اداری را هم داشت دوم مجلس Tribunat که در قوانین بحث میکرد و سوم هیئت مقننه Corps législatif که بدون مباحثه قوانین را رد یا قبول میکرد چهارم مجلس سنا که قوانین مقننه را نگاهداری میکرد و ابتدا وظیفه آن تحقیق موافقت و عدم موافقت قوانین و احکام با قانون اساسی بود ولی بعدها قنسول اول و هیئت مقننه مقید گشته قوانین و احکامی که منظور ایشان بود با قانون اساسی مخالفت داشت به سنا رجوع کرده و سنا رأی میداد که قانون یا حکم با قانون اساسی موافق است و قانون اساسی را به عنوان تفسیر و تکمیل قانون اساسی به سنا حق داده شد که علاوه بر قانون اساسی قانون های جدید وضع کند و قوانین مزبوره را که به توسط سنا وضع میشد senatus consulte گفته میشد اعضای شورای دولتی و کلیه قضات (باستثنای قضات صلح) و وزرا را قنسول اول انتخاب میکرد و اعضای تریبونا و هیئت مقننه و مستشاران نیز از طرف سنا انتخاب مینمود اما اعضای سنا دفعه اول توسط قنسولها معین شده و عضویت این مجلس مادام العمری بود و جانشین اعضا را هم خود مجلس سنا واگذاشته بودند [illegible] قانون اساسی قنسول اول را ده سال رئیس هیئت مقننه نیز قانون اساسی [illegible] قنسول اول بود و بنا بر این قوه مقننه نیز در حقیقت!

نفس قنسول اول بود و اعضای مجالس سابق الذکر در وضع قانون چندان دخالتی نداشتند مدت اختیارات قنسولها ده سال بود و برای تجدید انتخاب ایشان حدی معین نشده بود قنسولهای ثلاثه اول را در قانون اساسی اسم برده و ناپلئون بناپارت قنسول اول معین شده بود قانون اساسی را به رأی عامه گذاشتند یعنی از عموم مردم در رد و قبول آن رأی گرفتند (plébiscite) ولی تمام این آزادی موقتی بود اگر گذشته دوره ای که از مردم رأی گرفته شود مثل رأی عامه قبول قانون اساسی شد سه ملیون رأی قبول و ۱۵۰۰ رأی رد

ترتیب ادارات و حکومتها — در ترتیب حکومتها و ادارات ناپلئون لیک زمان سلطنت رجوع نموده و بار دیگر ترتیب مرکزیت را اختیار کرد و تقلید سابق در انتخاب اعضای ادارات و حکومتها شد تقسیمات ایالتی و ولایتی ترتیبات هیئت گذشته بود با تغییر فقط لفظ ولی ترتیب متداول به آنها [illegible] برای هر ایالت یک حاکم معین گردید برای هر ولایت یک نایب الحکومه یا حاکم جزء معین کردند و در مقابل حکام انجمنهای ایالتی و ولایتی برقرار کردند حکام کلیه از جانب مرکز معین میگردیدند و در ایالات و ولایات [illegible] برای انجام از جانب مرکز برقرار کردند

ترتیب عدلیه و محاکم را نیز ناپلئون تغییر داد و محاکم صلحیه و ابتدائیه و استیناف و جزائیه قرار داده و فوق تمام این محاکم یک دیوان تمیز قرار دادند هر قسمت آن [illegible] قضات صلح را اهالی حوزه صلحیه معین میکردند سایر قضات توسط قنسول اول معین میشدند ولی بعد از تعیین معزول نمیشدند inamovibilité بالجمله باید گفت که تمام اصول اداری فرانسه که امروز دایر است از تأسیسات ناپلئون میباشد و نه تنها ناپلئون در چهار ماه اول قنسولی قانون های مملکت و قوانین اداری را مدون کرده بلکه این قوانین را به مجری داشته است به طوری که بعد از چهار ماه از قنسولی کلیه ادارات و حکومتهای فرانسه به ترتیب مذکور فوق ترتیب دادند

قوانین مدنیه — بعد از چهار ماه اول قنسولی ناپلئون به قوانین مدنیه و ترتیب کنکوردا و تأسیسات جدیده راجع به معارف و فواید عامه برده است برای وضع قوانین مدنیه کمیسیون مخصوصی ترتیب داده بود

هم ناپلئون شخصاً در آن تکمیل ریاست میکرد و دو عبارت او یکی دیگر از فرمودات او از اولیات عمر و بسیاری از کلمات
ناپلئون شخصاً هم در مباحثه میآمد و اظهار رأی میکرد و رأی او معقول میافتاد قوانینی هم که بر طبق اصول
آزادی و مساوات وضع شده و جاری بعضی از آن محکم بوده هم در خارج فرانسه نیز از آن تقلید شده است این
قوانین در دوره امپراطوری تکمیل شده یعنی قوانین اداری و جزائی و غیره آنرا بر آن افزوده شده است و مجموعاً
موسوم به قانون ناپلئون Code Napo. گردیده

کنکردا یا قرارداد با پاپ - ناپلئون معتقد بود مذهب از بهترین وسیله برای آرامی مردم و حفظ نظم
ملک است بهترین اسباب برای مطیع نگاه داشتن یک قوم وحدت مذهب است بنابراین لازم است در کلیه مملکت یک مذهب
رسمی و دارای تشکیلات وجود داشته باشد تا ادارات مذهبی و کشیشان در تحت نفوذ دولت باشند تا مردم را بطاعت
نسبت به دولت وادار نمایند و اسباب پیشرفت نفوذات دولتی شوند بهمین جهت بود که در صدد صلح با پاپ برآمده
و قراردادی بست معروف به کنکردا در ۱۸۰۱ بموجب این قرارداد پاپ ضبط املاک و اموال مذهبی را
قبول کرد و دولت در مقابل تعهد نمود که مخارج ادارات مذهبی (اوکها یا اسقف ها) از جانب دولت
پرداخته شود و لکن ریاست مذهب را با پاپ باقی نهاد ناپلئون بعد از تکمیل کنکردا مواد را باختیار خود بر
آن قرارداد افزود معروف به مواد آلی articles organiques و در این مواد نفوذ دولت
را در اداره آداب مذهبی نیز داخل کرد و هر چه پاپ اظهار مخالفت با این مواد نمود پیشرفت حاصل نکرد
مقصود از داخل کردن نفوذات دولت در آداب مذهبی این بود که احترام رئیس دولت و اطاعت از
او را در تکالیف مذهبی داخل کند چنانکه مردم از کنکردا مشعوف شدند و در دوره قنسولی و دوره
امپراطوری او ادارات مذهبی و کشیشان حقیقتاً مطیع قنسول اول بودند ولی در اواخر امپراطوری
کشمکش بین ناپلئون و پاپ پیش آمد و این وضع را تغییر داد و حال آنرا بعد خواهیم دید
کنکردا از جهت اهمیت دارد که اساس آن تا ۱۹۰۵ برقرار بوده و دولت فرانسه بموجب آن قرارداد
در هر سال مبلغ معینی به ادارات مذهبی میداده است و ادارات مذهبی کم و بیش رسمیت دولتی داشته

و از این جهت کشمکشهائی بین دولت فرانسه و ادارات مذهبی پیش آمده و عاقبت عملاً قطع روابط بین فرانسه و
پاپ شد (و این مسئله راجع به باب ده است)

تأسیسات راجع به معارف و ولایات و غیره آن - ناپلئون بعضی تأسیسات کنوانسیون را تکمیل کرده مدارس
متوسطه بسیار دایر نموده و ترتیب هائی برای قبول شاگردان با استطاعت در آنها مجاناً داده است
راههای مستقیم در اطراف کشور و پلهای چندی برای اتصال رودخانه ها بیکدیگر و غیره و در کشتیها معمول گردید
در این چند سال قنسولی و سلطنت ترقیات ناپلئون و بعهد نظم و امنیت صنعت و تجارت فرانسه ترقی کرد که
موجب وحشت انگلیسیان و موجب تجدید جنگ انگلیس و فرانسه شد بخصوص که فرانسه در زمان قنسولی
ناپلئون تسلط کاملی از هر اطراف دارا شده بود و هنگامی که فرانسه از اطراف بیک نگهبانی ترتیب معاهده
رواج داده با یک فرانسه تا تأثیر یک انگلیس گردید و یک انگلیس در آن زمان مهمترین بنگاه عالم ملکی بود
بکار برده هم بعد از آن که از تأسیسات ناپلئون legion d'honneur که نشان افتخاری است
و دارای درجات چند است و برای دارندگان آن درجات مستمری مقرری ترتیب داده از دهات و املاک
مناسب است آنرا لژیون دونور (دسته افتخار) میگفتند

تصرفات در قانون اساسی و دوام امپراطوری شدن قنسولی ناپلئون - ناپلئون شخصاً در صدد بسط اقتدار
خود و دوام قنسولی خویش بود بلکه میخواست تدریجاً قنسولی را مبدل به سلطنت کند در ترتیب [illegible]
پهلوی از اولیات احساسات و حق شناسی ملی بیشتر وسیله انتخاب ناپلئون برای یکدوره ده ساله دیگر قنسولی
داده بود استفاده کرده قنسولی خود را دوام امپراطوری کرد یعنی بمنظور آراء عامه در تصدیق قنسولی
باین عبارت نوشته اند: آیا قنسول اول مادام العمر باید برقرار خواهد بود؟ در جواب این سؤال
۳ میلیون و ۶۰۰ هزار قبول و هزار و کسری رد نوشته شد بدین ترتیب در ۱۸۰۲ قنسولی ناپلئون مادام العمری گردید
و حق تعیین جانشین او بنام هم کسی دادند که از اخراج بعید بود هم ناپلئون بنا بر سلطنت که عده‌ای بر این کار
در ۱۸۰۲ ناپلئون تغییراتی هم با موافقت سنا در قانون اساسی داد و در قسمت عمده آن راجع بکار

می‌شمرد انتخابات را بقدری تغییر داد و بنا بر این شد که انتخاب کنندگان به درجات چند یک طبقه نمایندگان انتخاب
کنند به دوام انجمنهای نمایندگی داشته باشند و این نمایندگان را از این جهت داده و برای انجمنهای مقننه
شاغلین مقننه هم بیکار بود مجلس سنا در مجلس قانونگذار و مخالفت آمده عدم شد مجلس تریبونال که
مخالف موانع بیجای ناپلئون مخالفت کرده بود لذا اول در ترتیب آن مجلس نیز تفرقه کرده عده اعضای آن را
نصف و مذاکرات مجلس را مخفی قرار داد

تاسیس سلطنت امپراطوری — در ابتدای کار ناپلئون سلطنت طلبان تصور کردند که میتوان او را وادار برجعت
دادن سلسله بوربن کرد و جمعی از این کار مأیوس شده در صدد تلف کردن او برآمدند مکرر سوء قصد به او
در انجمنها ولی موفق نشدند بلی از آن یک دسته بندی مخفی که برضد او منعقد شد باهم یکی از اعضای آن
موسوم به دسته بندی Cadoudal شده است و ژنرال مورو و پیشگرو نیز در این دسته بندی دخیل بوده‌اند
دسته بندی کشف شد و یکی از نتایج آن تیرباران duc d'Enghien از شاهزادگان بوربن بود که بیگناه
گناه بود کرده مرتکب دیگری را فرمان ناپلئون قشون فرانسه غفلتاً در خاک آلمان دستگیر کرده بپاریس آورده
تا که تلف می‌نمودند و قضیه پیدا نشد قتل این شاهزاده سلطنت طلبان از فرق العاده ترسانید و پاک کرد
اعضای دسته بندی کادودال هر کدام محکوم شدند و مورو اخراج گردید بعلاوه یکی از نمایندگان در مجلس سنا
تقاضا کرده در مقابل این سوء قصدها نسبت به ناپلئون که در انظار رفتار روانی از طرف ملت او خود داری
تقاضا نمود امپراطوری ناپلئون شد یکی از اعضای تریبونال تکلیف کرد که ناپلئون عنوان امپراطوری
بر خود و این عنوان را در خانواده او ارثی قرار دهند این مسئله را نیز مجلس برای عامه کردند
و با سه میلیون و پانصد هزار رای قبول در مقابل ۳ هزار رای ناپلئون امپراطور شد در ۱۸۰۴ ترتیب تاجگذاری
با شکوهی برای ناپلئون دادند و پاپ برای این وقت بپاریس آمد ولی ناپلئون خود تاج را بر سر گذاشت نه
آنکه پاپ بسر او گذاشته باشد

دوره امپراطوری ده سال دوام کرد (۱۸۰۴ – ۱۸۱۴) در خارج تمام این مدت را ناپلئون مشغول جنگ بود

و در داخل اقدامات مهمی کرده است و تأسیس Université یعنی هیئت تعلیمیه فرانسه و بعلاوه اساسهای جدید و
عمارات جدیده و بناها و راه‌ها و خوانین عامه تاریخ داخلی فرانسه در دوره امپراطوری گذشته از تأسیسات
سابق الذکر عبارت از اقدامات ناپلئون برای ازدیاد قدرت خود و بعضی اقدامات مهمی بر ضد او و اواخر
او بسط دوره امپراطوری شروع شد و برای ما قابل توجه نیست اقدامات ناپلئون در ازدیاد قدرت شخص خود
بطور خلاصه عبارت بوده است از تغییر در کنستیتوسیون دوره قنسولی و آنرا تبدیل بکنستیتوسیون جدیدی برای
دولت امپراطوری که معروف به کنستیتوسیون سال ۱۲ است بموجب این کنستیتوسیون برای دربار امپراطور بودجه
معینی شده با آن مبلغ دربار با شکوهی ترتیب داد و در دربار لقبهای ترتیب دادند و در مجلس قانونگذاری
مجلس تریبونال را بکلی حذف نمودند یعنی رئیس سنا امپراطور شد و به امپراطور حق داده شد هر عده از اعضای هر
تناسب باشد باب خود بآن مجلس بفرستد اعضای خانواده امپراطوری و صاحبان مشاغل مهمه بعلاوه
عضویت سنا یافتند و در امور راجعه قانونهای نیز مجلس رأی سنا را مرکز مقتدری امپراطور نمود
این مجلس برای قوه مقننه فرانسه دیگر هیچ اختیاری باقی نماند و خود بصورت بودجه

در امور مملکتی تدریجاً علائم آزادی شخصی و آزادی مطبوعات مختل گردید زیرا که عده روزنامه‌ها را خیلی
کم کردند و در عده کمی هم باقی گذاشتند تفتیش هر روزنامه راجع بدولت شد بعلاوه تفتیش سابق
هم در مطبوعات دائر بود آزادی شخصی از این راه مختل شد و دسته پلیس مخفی تشکیل دادند و مخالفین
حکومت را بدون محاکمه امپراطور دستگیر میکردند و قصد نسبت به امپراطور را هم جنایت ــ
lèse-majesté بزرگترین جنایات قرار دادند حاصل آنکه ملت فرانسه در امپراطوری ناپلئون یک ترتیب
بسته استبدادی رجوع کرد و مقاومت آن بر طبقات زمان سلطنت و بعضی اصطلاحات و لقب امپراطوری در انظار بوده است
کفایت شخصی ناپلئون و جریانات قوای مرموزه حاضر شده و از چیزهای که خیلی مورد توجه و تحقیق فرانسه گردیده
نشده و کتب و تشریفات دربار ناپلئون و کتب عنوان تشریفات و القاب تشریفاتی بوده است اما در
این کتب عنوان تشریفات که برای قدیم هیچ نفوذ نداشته و ناپلئون لقب تشریفاتی اعطا داد ولی مالی از خود

ظاهر کرده با خدمتی که به دولت نموده بودند اعضای خانواده امپراطوری نیز دارای عناوین اشرافی شدند
و عموماً با شاه و شاهزاده خطاب میکردند بعضی و ولایات نیز با بنی اشراف جدید بعنوان پاداش و کلیه سرکرده
شده و به تناسبت آنها را دوک و کنت و غیره میگفتند
از آثاریکه در کشور بیرون امپراطوری از اصول شورش و ملیت باقیمانده قسمی که مردم امپراطور را [illegible] کرده
عده‌ای مانند ناپلئون در این قسم حفظ مساوات در حقوق و آزادی سیاسی کاهش و دخالت زیادی [illegible]
هر از جانب دولت فرانسه [illegible] شده و اخذ کردن مالیات بر حذف ترتیب قانون بوده است و از این [illegible]
قسمی هم حتی [illegible] بوده قسم [illegible] مملکت [illegible] از ضبط املاک و اموال نجبا و [illegible] آن املاک
را بعنوان دارائی ملی تحت فروش در آوردند و بسیاری از رعایا آن املاک را خریدند
و نگاهداشتن آن عده خاطر کردند طوریکه در هر پیشرفت و تغییر سیاسی اول چیزیکه منظور مالکین آن املاک
بود همین نکته بود که مبادا اگر املاک قدیمه را بر گردانند بجهت مردم ناپلئون
و بعد از او [illegible] مجبور شدند که در حفظ آنکه از این حیث در زمان انقلاب واقع شده [illegible]
اما اونیورسیته [illegible] که کردم عبارت بود از ترقی که ناپلئون پیش آورد [illegible]
ترتیب [illegible] مردم را اهمیت دولت قرار داده زیرا که عقیده او این بود که برای اصلاح و تکمیل [illegible]
هیئت اجتماعیه باید آن هیئت اجتماعیه را [illegible] خاص ترتیب کرد [illegible] برای
[illegible] ترقی [illegible] مردم را [illegible] ترتیب [illegible]
[illegible] ناپلئون برای آینده هیئت اجتماعیه [illegible]
[illegible] تعلیمات عالیه [illegible] آن تعلیمات [illegible] است مردم را
با جهات [illegible] استعدادی خود عادت به هر حال ناپلئون برای آنکه مردم برای [illegible] خاص
ترتیب [illegible] لازم دانسته [illegible] در قسمت متوسطه و عالیه [illegible] اهمیت [illegible]
و برای [illegible] از جانب دولت [illegible] تعلیم و تدریس کنند [illegible] دارالمعلمین [illegible]

کیش [illegible] باشند از جهت تعلیمات ابتدائیه را کلیه کشیشان و دیگر اشخاص و در مقابل اعانه مختصری برای مصارف
آنها معین کرده مدارس متوسطه و عالیه را تماماً مخصوص دولت خود و در هر نقطه برای ایجاد آن [illegible]
متوسطه [illegible] بطرز نظامی مرتب کرده [illegible] که با زنگ [illegible] میزدند و در هر گرام فقط [illegible] کرده بودند و در
آنها [illegible] با تربیت علما [illegible] در علمیات [illegible] دارای
این حق بوده قسمت فلسفه و تاریخ آن [illegible] کم قرار داده [illegible] تحقیقات فلسفی و [illegible] لازم برای
[illegible] تعلیمیه است از پروگرام خارج کرده بودند
مجموع ادارات علمی را هم در تحت اداره دولت بود از مدارس متوسطه و عالیه اونیورسیته میگفتند و
تأسیس آن در ۸۰۷ اشاره است
کلیات اوضاع سیاسی اروپا در ابتدای امپراطوری ناپلئون ـ جنگهای انقلاب فرانسه و تقسیم لهستان در آخر
مائه هیجدهم تغییرات کلی در اوضاع سیاسی اروپا داده بود انگلیسیان [illegible] ضعیف کردن قوای
بحری فرانسه و هلند و اسپانیا صاحب اختیار مطلق دریاها شده جنگ [illegible] کلنیهای خود را اهمیت میدادند
و متصرفات خویش را در هندوستان و قطعات دیگر دنیا بدون سختی کمتری میافزودند در داخله انگلیس از
زمان پیت اول [illegible] Conservateur اکثریت داشته و اگر چه ترتیب پارلمان انگلیس [illegible]
ولی در باطن اختیار امور در دست دولت در آورده و از پیشرفت دموکراسی مانع بوده و این عدم [illegible]
دموکراسی [illegible] تأثیری بوده [illegible] شده بود در انقلاب فرانسه واقع شد در حال انگلیسیان [illegible]
انگلیسیان در جنگ خارج [illegible] صاحب اختیاری دریا قناعت نداشتند و مخصوصاً در اوضاع اروپا نیز دخالت
داشته باشند زیرا که موضع بزرگ [illegible] ایشان در جنگهای انقلاب بر طرف [illegible] بازار [illegible]
[illegible] دولت فرانسه [illegible] برای انگلیسیان [illegible] ناپلئون [illegible] دنیا [illegible]
فرانسه در تحت اداره شخص فوق العاده در آمده [illegible]
و علاوه بر ملاحظات سیاسی ترقی اقتصادی فرانسه برای انگلیس هم [illegible] صنعت و تجارت

اول مملکت اروپا بود و تنها رقیب بزرگ و بانفوذ انگلیسیان در همه جا ایستادگی در حقیقت قسمت عمده جنگ
برای تهیه قوه و فراهم کردن مناسبات جنگ جدید مصروف میشد و در جنگ [illegible] فقط دخالت خارجی
در یک سال در حال صلح باقی ماند در اروپا تحولات بزرگ جنگهای انقلاب منجر به آلمان و ایطالیا وارد شده بود
جنگهای انقلاب فقط قدری اوضاع داخله مملکت را تغییر داد، [illegible] قسمتی از آلمان جزو خاک
فرانسه گردیده و عده [illegible] و واقعهٔ آلمان برای [illegible] امرا [illegible] ایشان تسلیم شده بود
بعض تصرفات میکنند [illegible] ولی [illegible] اطریش دولت امپراطوری آلمان و امرای آن [illegible] شده بود
و سلطنت اطریش [illegible] در مقابل [illegible] از تصرف اطریش خارج شده
از یک طرف در تقسیم آخری لهستان قسمت از آن مملکت به دولت پروس از طرف دیگر و نیز نسبت
با طریش گردیده است. اما در ایطالیا قدری پاپ و [illegible] وارد آمده و یک
[illegible] ناپلئون شده بود [illegible] ایطالیا هم ایطالیا در تحت ریاست شخص او [illegible]
[illegible] تغییر عمده در وضع ایطالیا [illegible] یک جمهوری مستقل [illegible] در تحت تصرف اطریش در آمده
و یک قسمت دیگر از آن مملکت از اطریش مجزا و مستقل شده بود. دولت پروس [illegible]
در حال ترقی و پیشرفت بود و [illegible] خود را [illegible] دولت روس و [illegible] آنها [illegible]
[illegible] از جنگهای انقلاب [illegible] دولت [illegible] شد [illegible] در آن
جنگها نشده و در آن [illegible] لهستان [illegible]
قسمت [illegible] لهستان [illegible] تصرفات خود کرده و در [illegible]
در [illegible] دولت روس [illegible] بالکان و [illegible]
[illegible] بالکان و عثمانی کرد
[illegible] روس [illegible]
برای تقسیم لهستان [illegible] قشون روس [illegible]

نموده است. در حقیقت با وجود جنگهای انقلاب اروپائیان قشون خود را بهترین نظام اروپا میدانستند و باز
هم نیز قدری با ناحق میدانستند [illegible] در کار روس بوده و جود [illegible] گفتیم پادشاه آن مملکت بوده
که مردی متلون المزاج و قدری سست عنصر شناخته شده بود. این پادشاه سعی داشت [illegible] خارجه
روس را [illegible] در ممالک اروپا بیفزاید ولی تردید فوق العاده
و تغییر رأیهای سریع [illegible] او حاصل میشد مانع از این بود [illegible] تردد و تغییر
رأی گاهی با اتفاق انگلیسیان و زمانی با فرانسویان همراه میشد و هیچوقت اقدام [illegible] نکرد فقط
در زمان این پادشاه در دوره جنگهای انقلاب در مسئله تجزیه لهستان ممالک روس وسعت یافت
اعتبارات و پیشرفتهای دولت روس از زمان [illegible] مسئله مهم در ممالک آلمان [illegible]
رقابت بین اطریش و پروس است [illegible] مسئله [illegible] لهستان [illegible] رسیده است
و [illegible] رقابت را [illegible] خواهیم دید [illegible] امپراطوری [illegible] پیشرفتهای فرانسه [illegible]
روس و اطریش را [illegible] کرد.
دولت اطریش در تحت سلطنت فرانسوا دوم [illegible] اشاره کردیم با وجود شکستها [illegible] خورده
وسعت و [illegible] بوده و [illegible] برای [illegible]
ترتیب [illegible] اداره میشد [illegible] دولت [illegible]
استبداد و در آن دولت [illegible] قدرت داشت و حال سیاسی آن مملکت [illegible] استبداد و ارتجاع [illegible]
در [illegible] روان کرده [illegible] بالکان [illegible]
کشمکش اطریش و عثمانی و [illegible] اطریش [illegible] بالکان [illegible] ولی [illegible] عثمانی شده
پیشرفتهای روس در زمان کاترین [illegible] خیال [illegible] عثمانی [illegible]
داشته باشند و در [illegible] دولت [illegible] خاک [illegible] عثمانی [illegible]
روس [illegible] دولت [illegible] تقسیم [illegible] بالکان [illegible]

مصر را بهمین حال بی‌نتیجه واقع شد لکن فرانسویان از نظر منافع تجارتی [illegible] قراردادهای قدیم با عثمانی [illegible]
حاضر کرده و همچنین علاوه بر آنکه از زمان جنگهای صلیبی عده زیادی فرانسوی در شام ساکن بودند خود را ذی‌حق
در مسائل راجع به اماکن مقدسه میدانستند و انگلیسیان نیز از اوان زمان سلطنت الیزابت ملکه انگلستان [illegible]
حضور داشته، بعلاوه شام و مصر برای حرکت به هندوستان از نظر استراتژی اهمیت داشته [illegible] بنابراین نظر بحوادث [illegible] در
مسائل راجع به عثمانی دخالت میکنند بعد از انقلاب کبیر فرانسه و تقسیم لهستان مسئله [illegible]
دول اروپا را متوجه خود ساخت و مسئله شرق یعنی ترتیب تجزیه عثمانی بود و [illegible] فرانسه در [illegible] ناپلئون
حضور [illegible] امپراطوری او وضع را منقلب کرد [illegible] توجه دول اروپا را از شرق بمغرب جلب کرد

جنگهای ناپلئون با دول اروپا – انگلیسیان نفوذ [illegible] از پیشرفت فرانسه [illegible] موقعی [illegible] برای
آنکه [illegible] شروع بمحاربه با آن دولت [illegible] اقدامات ناپلئون برای ترقی تجارت و صنعت فرانسه
محاربه انگلیس و فرانسه را تسریع کرد، بنابراین ناپلئون ترتیب یک تعرفه گمرکی داد [illegible] برای تجارت
انگلیس [illegible] بود [illegible] تجارت انگلیسیان [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] مملکت از مصنوعات انگلیس [illegible] لذا ناپلئون یک تعرفه گمرکی ترتیب داد [illegible] مصنوعات انگلیس
[illegible] صنعت فرانسه ترقی نماید) انگلیسیان درصدد برآمدند [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] تعرفه گمرکی [illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] انگلیسیان درصدد برآمدند بهانه برای محاربه پیدا کنند [illegible]
راجع بمسئله تجارت [illegible]
ناپلئون [illegible] مذاکرات [illegible]
انگلیسیان [illegible] مذاکرات قطع روابط [illegible]
شروع [illegible] فرانسوی [illegible] محاربه و قطع روابط [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible] امپراطوری [illegible]

امپراطوری ناپلئون شروع شده بود و ابتدای امپراطوری انگلیسیان در مقابل اقدامات ناپلئون ائتلاف
[illegible] انگلیس [illegible] جهت ائتلاف [illegible] برای جنگ با فرانسه داد [illegible] ائتلاف
معروف به جهت ائتلاف ثالث است مرکب بود از انگلیس و روس و اطریش

جهت ائتلاف سیم – [illegible] روس و اطریش در جنگ با فرانسه [illegible] امپراطور
روس و اطریش [illegible] امپراطوری [illegible] ناپلئون [illegible] اقدامات ناپلئون [illegible] امپراطور
[illegible] از پیشرفت [illegible] فرانسه [illegible] امپراطور [illegible]
[illegible] را [illegible] با ناپلئون [illegible]
[illegible] از معاهدات بین فرانسه و اطریش [illegible] آلمان [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible] آلمان [illegible]
[illegible] ناپلئون واگذار کرد [illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] امپراطوری آلمان [illegible]
آلمان [illegible]
داده بود [illegible] روس [illegible] قرارداد [illegible]
این قرارداد را هم ناپلئون داده بود [illegible]
از میان رفت [illegible]
از این عنوان خارج گردید [illegible] فرانسه [illegible] آلمان [illegible]
[illegible] آلمان [illegible] تاریخ آلمان اهمیت
کلی دارد زیرا که تا آن زمان تجزیه [illegible] آن مملکت مانع از پیشرفت [illegible] سیاسی
آلمان بوده و اقدام ناپلئون این مانع بزرگ [illegible] آلمان [illegible]
آلمان را [illegible] تشکیل [illegible] امپراطوری [illegible] از این رو [illegible] ناپلئون [illegible]

سیاست قدیم فرانسه به ضعیف نگاه داشتن آلمان را اقدام کرده است اما دخالت این امر در رقابت بین انگلستان
اول و ناپلئون از این جهت نبود که آلمانها از طرز رفتار ناپلئون و بعضاً تدابیر و کشمکشات برای حصول
روی داده ناچار بهرحال [illegible] رفتار ناپلئون را برای خود خطر بزرگی دانسته و بالاخره متمم قدرتهای
و این نظر با انگلیسیان اتحاد کرده به دولت اطریش از فتوحات ناپلئون در آلمان و ایتالیا متعرض شده بود
سه با ناپلئون گذشته از اقدامات او در مسئله [illegible] در آلمان کرد و عقیده احتیاط دولت پروس را
هم از آلمان جهت [illegible] فرانسه را اشغال کردن نمودند [illegible] فرانسه تعقیب نمود و برای اتمام یک [illegible]
هم در [illegible] به آن شده رسید و را امور آن جمهوری مداخلت نموده جنگ داخلی را به وفق ترتیب جمهوری در
حکومت آن مملکت تمام نموده و حکم ناپلئون در این ترتیب جدید معروف به acte de médiation است
دقیق روی که در اکثر در خاک آلمان موجب قطع روابط بین فرانسه و روس شد و دولت روس چون در تصدد آن بود
هم با بهانه برای ناحیه‌ای فرانسه دست آورد و در موقع [illegible] قوت‌گیری گردد و قطع روابط بین انگلستان (اتریش)
انگلیسیان چون کار را چنین دیدند معاهدات جدید با دول روس و اطریش بستند اما دولت روس با خبر در جنگ شد
زیرا که هرگاه دولت روس و اطریش متحد شده ناپلئون را غافل گیرند و با قشون انگلیسها هم حمله کنند از هر
دستگاه تهیه کار بوده و چون قشون روس حاضر شد بر ضد اطریش نزدیک گردید و اطریشیان تنها جنگ
خود را با تمام [illegible] نقشه اطریش و دولت با دیگر جنگ با قشون فرانسه اتحاد کرده بودند حمله نمود
و با این نقشه داخل جنگ شد دولت روس مشغول بود و هم به همین ترتیب از قطع خوشی به دست آورده نقشه
داد در جنگ شود ولی فتوحات سریع ناپلئون نقشه [illegible] دولت را بر هم زد
گفتیم که اطریشیان نخواسته فرانسویان را غافل گیرند سرعت عمل ناپلئون کار را بالعکس کرد یعنی [illegible]
طوری شد که فرانسویان اطریشیان را غافل گرفتند ناپلئون برای حمله [illegible] کردن قشون انگلیس [illegible]
که منعقد در اطراف بندر بولونی فراهم کرده بود [illegible]
اطریش در جنگ [illegible] قشون انگلیس ترتیب [illegible] را تمکین کرده

Boulogne

سپس قشون را تقسیم نموده و به grande armée معروف به قشون کبیر [illegible] است این قشون کبیر در حدود ۲۰۰ هزار
نفر بوده ولی به مقتضای اوقات کم و زیاد شده است ناپلئون با این قشون با سرعت تمام از راه [illegible]
[illegible] اطریش شده و بعد از یک شکست قشون اطریش در شهر ulm در کنار رود دانوب رو به
پیش رفت و در شهر austerlitz در ۱۸۰۵ شکست بسیار بزرگی به قشون روس و اطریش وارد داد
[illegible] از حیث ترتیبات نظامی بزرگترین فتوحات ناپلئون شمرده شده و در این جنگ [illegible] سرداران ناپلئون
ظاهر گردید [illegible] بعد از جنگ [illegible] اطریش تمام درخواست صلح کرده و در شهر Presbourg
(۱۸۰۵) عهد صلح بسته شد و بموجب این صلح [illegible] اطریش ایالت ونیز [illegible]
و [illegible] اطریش را به swabe و تیرول و [illegible] واگذار نمود ناپلئون ونیز را به دولت ایتالیا
سلطنت آن [illegible] او بود منضم نمود و تیرول و [illegible] را [illegible]
فرانسه کرد و [illegible] و تیرول را متحد فرانسه در آلمان [illegible]
دولت روس و فرانسه صلح [illegible] نکردند ولی جنگ را نیز دنبال ننمودند
جنگ بحری ترافالگار — در زمانیکه ناپلئون در خشکی مشغول شکست دادن اطریشی‌ها بود در دریا
انگلیسیان قوای بحری فرانسه و اسپانیه را [illegible] فرانسه [illegible] حمله نموده و در مقابل دماغه Trafalgar
در اسپانیا [illegible] قوای بحری فرانسه و اسپانیه که [illegible] امیرالبحر بزرگ انگلیس نلسن [illegible] شد
فرانسویان و اسپانیولیان در موقع جنگ ۳۳ کشتی داشتند و نلسن با ۲۷ کشتی با آنان حمله برد
نلسن [illegible] در جنگ کشته شد ولی انگلیسیان غالب گردیدند و جنگ ترافالگار هم بزرگترین جنگهای
دریایی [illegible] آن زمان واقع شده انگلیسها را صاحب اختیار دریا کرد و دست فرانسه را از جنگ
[illegible] دریا کوتاه کرد ولی [illegible] فتوحات ناپلئون در خشکی [illegible] جنگ ترافالگار
و [illegible] اهمیت [illegible] بوده اند
هیئت اتحادیه چهارم — [illegible] اطریشیان [illegible] انگلیسیان [illegible] دولت روس [illegible]

را بگیرند اما ترس فردریک گیوم مانع از این بود که مقصود شان پیشرفت کند این پادشاه با آنکه در ترتیب جنگ
و قشون خویش با فلاسفه همعقیده بود در خیر جنگ شد چون پیشرفت ناپلئون را دید با فرانسه اظهار همراهی نمود
و بعد از فتح استرلیتز ناپلئون نیز یک قسمت از ممالک فردریک گیوم را خواست اختیار کند در حالتیکه روس را
شکست داده بود و منطقه ایرا که در تصرف خاک آلمان بود و ... اختیار نمیکند
و بنا بر این برای پیشرفت مقصود با انگلیس همراه شد یا با فرانسه در ایالات روس
شکست خورده بود و نه که بسته طرفدار همراهی با انگلیس و یک دسته طرفدار اتحاد با فرانسه و ... دربار
هستند تردید فردریک گیوم بیشتر شد با اینکه فردریک گیوم اورا دوست داشت و مردانه
صاحب اراده نبود متناقض با یکدیگر با روس و فرانسه و انگلیس سیاست انگلستان بالاخره در سنه ۱۸۰۵ و سیله
بدست آورد و فردریک گیوم را با خود همراه کنند با اینکه با فرانسه داخل مذاکرات صلح
شده بود و در همین مذاکرات تقاضا کرده بودند مملکت هانور به انگلیس رد شود (در ابتدای جنگهای
امپراطوری قشون فرانسه مملکت هانور را که متعلق به پادشاه انگلیس بود اشغال کرده بودند و در تصرف داشتند
ناپلئون پس از صلح پرسبورگ در آلمان کرد آن مملکت را به پروس واگذار نمود) ناپلئون در مذاکرات
شفاهی قول داده بود که هانور را از پروس گرفته به پادشاه انگلیس رد کند مشروط بر اینکه عوض به دولت
پروس داده شود انگلیسها فردریک را از این مذاکرات مطلع کرده بدون آنکه شرط آخری
را ذکر کنند فردریک گیوم از این رفتار ناپلئون بی اندازه متغیر شده فوراً مشغول تجهیز
شده با دولت روس و انگلیس و ساکس و برونسویک بر ضد فرانسه اتحاد کرد و باین ترتیب هیئت ائتلاف چهارم تشکیل یافت
و بطور تمام دربارهای و نظامیان بزرگ پروس طرفدار جنگ شدند و در دربار زنان و اشخاص
هر ورقه و جوانان نظامی پروس خواستند ناپلئون و قشون او را شکست دهند و میگفتند اکثر صاحب
منصبان لیاقت از ناپلئون کارهای بزرگتر انجام داده اند و نمی دانستند که پروس تمام کارها را
خود بر خواهد ... فرانسه بوده در صورتیکه ... پروس ضعیف شده اما ترتیب جنگ ... تغییر

داده شده بود و بجز ترتیب جنگ ایشان پروسیان نخواستند ناپلئون را غافلگیر نمایند و اولو ساطن ... عهد
بسته بتی که هنوز قبل از اینکه قشون روس حاضر کارزار باشند در پاکس ایشان را غافلگیر کرده و در دو تهاجم
auerstaedt et Jenat در دو جنگ بزرگ قشون روسی را بکلی منهزم کرد پروسیان طوری شکست خوردند
و خود را باخته که تمام پروس بدون مقاومت بدست ناپلئون افتاد و بعد از فتح تمام پایتخت برلن شد
و فردریک گیوم که به سرحد روسیه فرار کرده بود بجز ایالت دریای بالتیک جائی دیگر نداشت که ناپلئون را بدون
مقاومت در مراحل بیشتر حوالی مرزی نزدیک ... کنند ناپلئون بعد از تحقیر کردن دربار و اشراف
مملکتی پروس سر قبر فردریک کبیر (فردریک دوم) رفته مدتی کمال حیرت آن قبر را تماشا کرده آنگاه شمشیر
فردریک را برداشته گفت این مال منست
روسیان اتحاد داشته و قشون روس با ایشان متحد شد و تعقیب ناپلئون در جنگ روس برای این بود
که قبل از اتفاق روسیان و پروسیان نگذارند کار پروس را تمام کند ولی اتحاد روسیان مقداری تأخیر
کار کردند و بعد از اینکه تمام عملیات روس قشون ایشان لهستان روسی رسید و فردریک گیوم با ولایت پروس
کمی با سپاه روسیان در پروس شرقی جمع نموده ناپلئون خیلی زود قشون روس لهستان را قطع کرده با آنها جنگ
شاخت در جنگ Eylau که شکست بر روسیان وارد داد ولی در این جنگ روسیان مقداری مقاومت نمودند
که در ابتدای امر نزدیک بود ناپلئون مغلوب شود بعد از جنگ ایلو زمستان مانع از اقدامات جنگی شده
مدتی جنگ تعطیل شد و ناپلئون و فردریک گیوم و قشون روس در حدود دریای لهستان توقف نمودند
روسیان و ناپلئون هردو تهیه جنگ بهاری را دیده و در ابتدای بهار ناپلئون بسمت روسیه
پیش رفته در جنگ friedland شکست سختی بروسیان وارد داد جنگ ینا و اورستادت در
ساکس واقع شده معروف بجنگ ساکس است در سنه ۱۸۰۶ و جنگ ایلو و فریدلند معروف بجنگ لهستان است
و واقعه فریدلند در سنه ۱۸۰۷ واقع شده بعد از این واقعه شکست روس و فرانسه تغییر کرده
پس از آنکه در جنگ بین امپراطوریها ناپلئون و الکساندر اول در کشتی روی رودخانه نیمن در شهر Tilsit

با یکدیگر ملاقات کردند و ملاقات ایشان چند ساعت طول کشیده و فقط یک گوشه را در موقع راه دادند
و اسرار را ... در تمام مدت این ملاقات در کنار رود نیمن قشون هر دو امپراطور حاضر بود و در این ملاقات علاوه
بر قرار صلح بین دو امپراطور عقد اتحاد نیز با یکدیگر بستند در صلح‌نامه تمام ضرر و خسارت متوجه پروس شد
و دولت روس علاوه بر اینکه ضرری ندید بعضی منافع نیز حاصل نمود

صلح تیلسیت و اتحاد روس و فرانسه - ناپلئون برای آنکه از کشمکش با دول اروپا آسوده شود و از روی فراغت
مقاصد خویش را پیش برد در صدد بود که با یکی از دول معظمه اروپا عقد اتحاد صمیمی ببندد و دولت اطریش
را برای این کار مناسب نمیدانست چه اولاً رقابت قدیمی بین فرانسه و اطریش و منازعاتی که از زمان انعقاد
بعد فراهم شده بود مانع از این بود که این دو دولت از روی اطمینان و اعتماد با یکدیگر اتحاد کنند ثانیاً
دولت اطریش باندازه‌ای که ناپلئون میخواست قدرت و اعتبار نداشت یعنی آثار کفایت و اعتباری که از آن دولت
دیده نشده بود مناسب با همه خیالات ظاهری آن باشد لذا در عهد امپراطوری ناپلئون دولت
روس را نظر گرفته بود و با عجلت بود که با آن دولت بعد از او رقابت را پیش گرفت و از این جهت وقتیکه پروس
اظهار خصومت با فرانسه کرد ناپلئون مصمم شد که آن دولت را منهدم کند اما آنکه بعد از اول نیز مقاصدی داشت
همراهی و پیشرفت آن اتحاد با یک دولت مقتدر برای خود مفید میدانست (یک قسمت عمده از مقاصد او
در پیشرفت راجع به تجزیه عثمانی بود و دولت اطریش را در این کار رقیب خود میدید) لذا چنین دو امپراطور را
یک دولت مقتدر برای اتحاد یکدیگر رسیدند هر دو به این نکته متوجه شدند و میتوانند در موقع مقصود خود را
انجام دهند میتوانند با یکدیگر متحد شوند و لذا این اتحاد را منعقد نموده و میخواهند کشمکش را ترک نمایند ناپلئون که
صرف این امر شده دولت روس را دولتی ضعیف نماید و از دشمنی آن دولت دیگر هراسان باشد
نداشته باشد و ضمناً در عهدنامه بسته شود تمام خسارت جنگ را بر روس تحمیل کنند تا آنکه دولت روس و اطریش
نتوانند و فرانسه و روس بتوانند با یکدیگر مناسبات حسنه اختیار کنند

اما ناپلئون در ممالک آلمان بطور دلخواه رفتار کرده بود و در صلح تیلسیت و عهدنامه‌ها بر حسب

آنچه نفع خود میکرد هر یک نوع رفتار را با ایشان داد و بر حسب ماده تیلسیت هم بود که دولت روس
بسته شد مملکت را و تمام ولایاتی را که پروس در کنار رود الب داشت و آنچه در تقسیمات لهستان
باین دولت رسیده بود از پروس منتزع کردند و قسمتی از ایالت لهستان را برای آن دولت
باقی گذاشته و برای کشتی آن دولت در عهدنامه ذکر نمودند و ایالت بیالستک(?) بطور رسمیه به
روس داده شد و با وجود تجاوزات امپراطور روسیه بود که پروس را از میان بر نداشته و
از حیث فتح ... بهتر بود و یک قطعه از پروس را که در تصرف داشت خسارت جنگ کرده و چه آن را تحمل
و قشون فرانسه در پروس مدتی صد هزار نفر از زنها و خسارت آن مملکت وارد آوردند و هم این رفتار
ایشان از حیث کمی و ازدیاد شهرها تاریخ شده است و متبوع نیز قناعت آن را قرار میکنند و میگویند
هر یک ملت بزرگ و عداوت بین آلمانیان و فرانسویان از آن واقعه بوده است (این رفتار ناپلئون
که در قاره اروپا هر روز در آلمان کرده و اول جایی که بزرگ برای عداوت قوم آلمان و فرانسوی
شده و ظاهراً رفتار ناپلئون سخت‌تر بوده است) روسیان چند هزار میلیارد خسارت کشیدند و بعدها
وقتی بلاد دیدند و دولت روس در حقیقت دست نخورده ناپلئون شد و مجبور گردید هم بار ناپلئون
قشون خود را به او کمک کند لیکن خانه‌ای که بعد خواهیم دید تمام این فشارها و شکستها کاری که پروس
را متمکن کند موجب ترقیات آینده آن دولت شد

اما عقد اتحاد روس و فرانسه اتحاد دفاعی و تعرضی بود و در قرارداد‌ها که در ضمن این عهدنامه داده شد
آنکه بعد از اول تمام شرایط ناپلئون در اروپای غربیه و ایتالیا و آلمان داده و متحد او تصدیق میکرد
و متعهد شد هر وقت صلح بین فرانسه و انگلیس نشود هر گاه انگلیس قبول نکند در جنگ با آن دولت با فرانسه شرکت
نماید ناپلئون تعهد کرد هر وقت صلح بین روس و عثمانی نشود و هر گاه عثمانی قبول صلح نکند دولت فرانسه هم
در جنگ عثمانی با روس شرکت نموده و دولت سوئد نیز قرارداد دادند هر گاه آن دولت با فرانسه صلح نکند انگلستان
اول به فنلاند حمله برده آن مملکت را متصرف گردد این اتحاد اگرچه در آن تاریخ عنوان اتحاد فرانسه و روس

حساب قدرت بزرگ بود ولی حقیقةً ناپلئون فریب خورده و جزئی عمده عایداتی که انگلیسها از این راه بود
قسمتی از منافع را هم در نظر داشت عاید نمود لیکن ناپلئون ترتیب استفاده از آنها را برای خود داد و چون آنها
ترتیب ندانسته انگلیسها از رقابت خود را باطناً تشویق داد و شرح این مسئله را بعد خواهیم دید

محاصرهٔ بری Blocus continental — بعد از جنگ ترافالگار دیگر ناپلئون نتوانست بحریه داشته
باشد و در دریا نیز او با انگلیسها هیچ گونه قدرتی از آن جنگ هم بدست نیاورد جلوگیری فرانسه از انگلیس بدون
کارهای زمینی ممکن نبود و بهمین نظر در ابتدا او هم اطراف خود به جزیرهٔ ... را که متعلق به انگلیس بود به دولت
اتازونی فروخت و قوای اشغال حرکت فرانسه را انگلیسها بکلی کم کرده و خشکی‌ها عاید
و در حال بعد از جنگ ترافالگار دریاها تحت اقتدار انگلیس بود و دولت فرانسه هیچ راهی برای مغلوب
کردن انگلیس نداشت بنابراین انگلیسیان قرار شد جنگ را به نهایت استداد دهند ناپلئون پیشنهاد کرد
که چنانکه در مقابل انگلیسیان داشت این بود که مردم پشتیبان را تهدید کند و اول تهدید کند که نظر داشت بعمل آورد
خاتمه بجز وقت از خیال جنگ صرف‌نظر نموده راه‌های دیگر نیز از قبیل حمله به ایران، هرای هندوستان بخاطر آورد
انجام این مقاصد فوری ممکن نبود و مادامیکه انگلیسیان با فرانسه در حال جنگ بودند گذشته از آنکه راه
دریا بسته و تسخیر داخلی نیز از قبیل جنگ و اتفاقات مرزی از اهالی وسیلهٔ سریع‌تری برای شکست دادن
انگلیس کار برده انگلیسیان چون تجارت اختیار دریا شده خواسته از تجارت دریائی فرانسه جلوگیری کنند
ملکت فرانسه در محاصرهٔ انگلیس است جلوگیری کند این اقدام انگلیسیان [ناپلئون] را بخیال انداخت که از راه جلوگیری
از تجارت انگلیسیان با سایر ممالک این نظر را بانجام رساند و حکمی داد مبنی بر اینکه مملکت انگلیس
در محاصره و قدغن است بنابراین کشتیهای انگلیس را نباید در تمام بنادر فرانسه و ممالک متحده با فرانسه راه
دهند و باین ترتیب محاصرهٔ بری گفته میشد ناپلئون محاصرهٔ بری را به دول بیطرف نیز بسط داد
یعنی گفت هر دولت میخواهد با فرانسه در حال جنگ نباشد باید حکم محاصرهٔ بری را مجری دارد و خیال ناپلئون
این بود که محاصرهٔ بری را در اروپا مجری داشته و تمام آنجا و تمام ممالک دنیا را به اقتصاد تجارت قسم بسط دهد

محاصرهٔ بری کار انگلیس را خیلی سخت کرد و باشان خسارتهای وارد آورد ولی در نتیجه آن برای خلاص
شدن ناپلئون مجبور بود زیرا که این حکم تمام دول اروپا را بر ضد ناپلئون تحریک نمود بنابراین پس از چندی
احتیاج تجارت اروپا به اندازه‌ای شد که کلیهٔ ممالک اروپا محتاج تجارت با انگلیس بودند هم از برای صدور محصول
و از مال التجاره‌ها هم برای ورود بسیار از ممالک بنابراین محاصرهٔ بری تمام دول اروپا را خیلی در زحمت
و خسارت انداخت و مردم و اروپائیان بواسطه عدم اعتنا به این مشقت‌ها از دول بر ضد فرانسه و ناپلئون برخاستند
جنگ اسپانیا — نتیجهٔ محاصرهٔ بری این شد که ناپلئون مجبور گردید یک یک از ممالک اروپا را تصرف نموده
رجال را بجنگ و قوهٔ حربیه در اتحاد با فرانسه نگاهدارد مخصوصاً ممالک جزئی که باید بالاستقلال در هر جا قوه
ناپلئون مجری شود و برای انگلیس راهی برای ناپلئون در هر جا مداخلت مستقیم داشته باشد از جمله سیاست اسپانیا
مسبب جنگ اسپانیا شد که حمله به اسپانیا و به ناپلئون به وحدت تجارت آن مملکت را در تصرف مستقیم خود درآورد
که برای اجرای کامل محاصرهٔ بری دیگر برای بر داشتن آخرین شعبهٔ از خانوادهٔ بوربن هم در اسپانیا سلطنت
داشتند (پادشاه ناپل هم از خانوادهٔ بوربن بود و قبلاً بواسطه ازدواج سلطنت خلع کرده تاج را به برادر خود
ژزف داده بود و باین نظر جز پادشاه اسپانیا که یکی از خانوادهٔ بوربن در سلطنت باقی بودند) پادشاه ناپل
فرستاده بود و ناپلئون او را معزول نمود
حالت اسپانیا از اول جنگ انقلاب فرانسه بعد با حالت فرانسه در حال اتحاد با آنها بود و در تحت نظم
غلطی اتحاد در میدان پادشاه اسپانیا شارل چهارم نسبت شخص ناپلئون اعتقاد فوق العاده داشت و از او تمکین و
تبعیت میکرد بنابراین تصرف اسپانیا بر طبق سیاست ممکن نبود ناپلئون در صدد تدبیر و زور برآمد و لکن
خانواده‌ای داخلی در خانوادهٔ سلطنت اسپانیا فرصت داد که شارل چهارم مرد کامل و طبعاً بی‌کفایت بود و وزیری داشت
موسوم به Godoy که اختیار امور مملکت را در دست او بود که در سیاست خارجی طرفدار اتحاد ناپلئون را مراعات
میکرد بر خلاف رفتار شارل چهارم پسری داشت موسوم به فردیناند که او نیز جوانی شهوتی و احمق بود لکن
که به خدمت فوق العاده نشست و از این جهت بین مردم محبوبیت حاصل کرده بود و نفوذ داشت بالاخره فردیناند

با جنگ بهت شده در اسپانیا شورش برپا کرد و شارل مجبور باستعفا شد این وقایع در حالی واقع شد که

پرتغال نفوذ زیادی به انگلیسیان در آن دولت داشته از اجرای محاصره برّی امتناع کرده و ناپلئون با دو

اعلان جنگ نموده و از راه اسپانیا قشون به پرتغال فرستاده و برای اجرای مقاصد خود نسبت باسپانیا بعنوان

کمک برای قشون پرتغال murat را با عده زیادی از سرداران معروف و وزرا با یک دسته قشون معتبر باسپانیا فرستاده بود

در اینجا از استعفای شارل چهارم شورش اهالی مزبور تازه گردید ناپلئون تقاضا نمود که سرحد اسپانیا حرکت

کرده بود برای فردیناند را او و ورثه اش باستقبال او رفتند و شارل چهارم نیز همین کار را کرده و بعد

بیکدیگر در bayonne بحضور ناپلئون رسیدند ناپلئون از فردیناند را مجبور نمود و رفتار نسبت به پدر خود تهدید کرد

و فردیناند از ترس استعفا داد و شارل چهارم از ترک [illegible] اسپانیا اقناع نمود سلطنت اسپانیا را با ناپلئون واگذار

ناپلئون برای شارل سالی ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار فرانک خراج معین کرد و او را به یکی از شهرهای فرانسه

فرستاد و فردیناند را نیز تحت الحفظ نگاه داشته و ناپلئون سلطنت اسپانیا را بژوزف برادر خود

داد و سلطنت ناپل را از ژوزف گرفته بمورا داد مسلم است که در مذاکرات بین شارل و فردیناند اینکه

اختیار استعفا داده و ترتیب بیعت را ناپلئون و کاتش از پیش فراهم کرده بودند و تمام این ترتیبات

که [illegible] دخالت نموده است انتزاع در ۱۸۰۸ واقع شده است

اما ملت اسپانیا این ترتیبات را مخالف استقلال خود دانسته سلطنت ژوزف را قبول نکرد و در کمال شجاعت

با شاه جدید خود [illegible] و چون ناپلئون مجبور بود که ژوزف را بقوه قهریه قشون فرانسه بسلطنت اسپانیا

کار [illegible] جنگ بین اسپانیا و فرانسه شد اگرچه هم نظر آن تا آنوقت دیده نشده بود که جنگ اسپانیا

عبارت بود از دو جنگ دعوی یک ملت بلکه از این نقطه یک حرکت دیگر و بجهت جنگ اسپانیا نوع تازه

بحث شد اسپانیولیان عموماً از شهری و دهاتی و [illegible] و غیر نظامی و کشیش برای جنگ حاضر شدند

و بعده هم قوی انتشار پیدا گردید و یک نکته ملی یافته حضور حاضر با تمام آنچه از اسباب [illegible] و

غیره از قبیل دهی و سپر و امثال آنها و آنچه هم بکار برده و خورده و همه خود قرار داده بشکل جنگ گریلا

اسپانیولیان در موقع ترتیبی جنگ کرده فرانسویان را guerillas (یعنی جنگهای جزئی) در تنگ‌های مختلف

میگرفتند و بهمین جهت کار بر فرانسویان بی اندازه سخت شد تا اینکه عده فرانسویان را که واقع شده در کوه

[illegible] و دامنه میکردند بطوریکه در جلوی عده فرانسویان با یکی کوچه کوچه و خانه بخانه را بجنگ اقدام نمود و

در بعضی موارد نیز اسپانیولیان قشون منظم فرانسویان را متوقف میشدند و عجب آنکه با این ترتیبها

گاهی بر ایشان غالب میشدند و عاقبت که دسته هم از قشون فرانسه در bailen (Baylen) در مرکز اسپانیا

مجبور شدند با اسپانیولیان تسلیم شوند واقعه بایلن در اروپا انتشار یافت و اسباب وهن گردید برای قشون فرانسه

شد ناپلئون دانست که [illegible] اروپائیان را [illegible] و دقت [illegible] داده و [illegible] با [illegible] و در خواهد انگیخت

لذا از [illegible] برای انجام [illegible] و آرام کردن و اسباب [illegible] را آرام نگهدارد یک ملاقات در erfurt (ارفورت)

(در آلمان) با الکساندر اول کرده و بکمال خود [illegible] و در این ملاقات [illegible]

قرارداد [illegible] آلکساندر [illegible] که فنلاند را از روسیه [illegible] کند و بعد از ایالت [illegible]

و [illegible] عثمانی [illegible] و [illegible] و آلکساندر وعده داد که هرگاه اطریش بر ضد فرانسه حرکتی کند

روس با [illegible] حمله نماید بعد از این ملاقات ناپلئون شخصاً باسپانیا رفت و قهر و غلبه تا [illegible]

داخل پایتخت گردیده و در آنجا مشغول اقدامات برای تسکین اسپانیا بود [illegible] ملت اطریش

تجهیز قشون میکند و دسته جنگ میشود لذا ناپلئون عجله برای جنگ اطریش از اسپانیا مراجعت کرده و

اسپانیا بحال اول خود [illegible] و در ضمن این وقایع انگلیسیان به پرتغال از راه دریا کمک داده بودند

و با همین ملکت قشون پیاده کرده بودند اسپانیا نیز [illegible] ناپلئون [illegible] برای [illegible]

انگلیسیان گردیده و جنگ اسپانیا تا استعفای ناپلئون از امپراطوری در ۱۸۱۴ دوام کرد و [illegible]

کار ناپلئون شد

جنگ [illegible] پنجم و جنگ اطریش - در ۱۸۰۹ [illegible] از اوایل سال ۱۸۰۵ [illegible] جنگ مشغول [illegible]

شدند و از هر طرف [illegible] فرانسه حمله کردند [illegible] طرف باویر و [illegible] و [illegible] جنگ [illegible]

سرداران اطریش در آن جنگ که آرشیدوک شارل سردار معروف و دیگری آرشیدوک ژان بوده
ناپلئون بیشتر جنگهای قدیم بسرعت عمل و پیشدستی از اطریشیان جلوگیری کرد و بعد از یک جنگ پنج روزه در [illegible]
در واقعه تمام آن جنگ Eckmühl و یک پیشرفت هم [illegible] بخاک اطریش و در تخت آن Essling [illegible]
شد که از رود دانوب در تمام شرق [illegible] و اگرام جنگ بسیار سختی واقع شد و از جنگهای بزرگ ناپلئون است
Wagram
ناپلئون بعد از فتح واگرام توانست که خود را بوین برساند و عهدنامه صلح در وین بسته شد و بموجب این صلح با چندین
ولایت از اطریش منتزع گردید و از آن ولایات قسمتی که از لهستان [illegible] (Galicia) و قسمتی از [illegible]
[illegible] داده شد و قسمت های [illegible] و ولایات دیگر داده به ایالت ایلیری [illegible]
فرانسه قرار داده و ضمیمه گردید [illegible] این ایالت از اطریش [illegible] ناپلئون [illegible]
جمعیت آن دولت پنج کرور از رعایای اطریش کاست

در این جنگ با اینکه اطریشیان [illegible] خسارت [illegible] دیدند ولی ترتیب کار [illegible] که حاضر کرده بودند [illegible]
مردم اطریش در تهیه کار جنگ ساعی بودند [illegible] و در کمال سختی جنگ میکردند و بعد از فتح واگرام باز
قوه [illegible] اطریش باقی ماند و [illegible] آرشیدوک شارل توانست [illegible] قوای اطریش را عقب بنشاند که باز برای
جنگ جدید قوه داشته باشد

در جنگ واگرام ناپلئون خیلی بزحمت غالب گردید و کم مانده بود که کار معکوس شود این مقاومت اطریشیان
بواسطه تغییری بود که در عموم ملل اروپا از تعدیات ناپلئون حاصل کرده بود تا آنکه از اول با وجود قرار
دادهائی که در ملاقات ارفورت با ناپلئون کرده بود قبل از وقوع جنگ [illegible] اطلاع داده
دولت روس حاضر [illegible] اطریش [illegible] و اگر برای رعایت اتحاد با ناپلئون قشون به اطریش فرستد آن
قشون جنگ [illegible] اطریشیان [illegible] بعد از وقوع جنگ [illegible] نیز
روسیان [illegible] اطریش [illegible] دولت روس از فرستادن قشون
[illegible] اطریش استفاده کرده زیرا که جزئی از گالیسی [illegible] ضمیمه روسیه داده شد

امپراطوری [illegible] ناپلئون در اوضاع اروپا — یک علت بزرگ جنگهائی [illegible] این بوده
ناپلئون با امپراطوری فرانسه قناعت نداشت بلکه [illegible] تشکیل یک دولت امپراطوری برای اروپا [illegible]
چنانچه بعد از برقرار نمودن امپراطوری خود را جانشین شارلمانی خواند [illegible] اقدامات
که [illegible] باعث اسباب تزلزل [illegible] گردید

یکی آنکه در ممالک اطراف فرانسه از قبیل هلند و اسپانیا و ایتالیا سلطنت تختها کرده منسوبان و کسان خود را
عنوان سلطنت [illegible] داده است

دیگر آنکه هیئت اتحادیه آلمان را بهم زده یک هیئت اتحادیه جدید از ممالک غربی آلمان بنام هیئت اتحادیه رن
Confédération de Rhin تشکیل داده است

ممالکی که سلطنت آنها را ناپلئون بکسان خود واگذار نمود عبارت است از هلند که [illegible] جمهوری [illegible] سلطنت آن
مملکت را ببرادر خود لوئی واگذاشت و بعد [illegible] لوئی [illegible] اجرای آن
حکم کند او را معزول کرده هلند را با ایالت فرانسه منضم کرد

مملکت ناپل [illegible] پادشاه آن مملکت را معزول گردانید و ژزف برادر خود را و بعد مورا برادرزن خود
را پادشاه آن مملکت گردانید

اسپانیا سلطنت آنرا به ژزف داد

جمهوری ایتالیا را نیز بعد از امپراطوری تبدیل بسلطنت نموده [illegible] برادران خود [illegible]
آن برادر [illegible] عنوان سلطنت [illegible] آن سلطنت [illegible] مملکت وستفالیا در آلمان
از [illegible] و قسمتی از ممالک دیگر آلمان تشکیل داده Jérôme برادر خود را پادشاه آن مملکت
[illegible] امپراطوری ناپلئون [illegible] ممالک [illegible] در اروپا [illegible]
خصوصا بعد از [illegible] ناپلئون [illegible]
اطریش [illegible] ولایات [illegible]

بعد، وقت حاضر که بعد از جنگ پروس لهستان پروس را از آن دولت انتزاع کرد و دولت مستقل از آن ایجاد
هم گراندوشه ورشو تشکیل داد، پادشاه ساکس را گراندوک ورشو کرد

هیئت اتحادیه رن — از معاهدات و تصرفات سابق الذکر از همه مهمتر تشکیل هیئت اتحادیه رن بوده است
زیرا که از یکطرف تجزیه قطعی با بقایای معاهدات ناپلئون در آلمان و ملحق به تشکیل هیئت اتحادیه رن
شد مقدمه تشکیل جامعه امپراطوری آلمان گردیده است. در جنگ اول بین ناپلئون و دولت اطریش
(در زمان امپراطوری) ناپلئون به فرانسوا فهمانیده بود که از امپراطوری آلمان صرف نظر کند زیرا لزوم از عنوان
امپراطوری ناپلئون نفی آنکه ما را دوری امپراطوری آلمان از او منع شود. فرانسوا خود را امپراطور اطریش
و آلمان قرار داده بود از امپراطوری آلمان استعفا داد و بعدها خود را فقط امپراطور اطریش کرد
در عنوان امپراطوری آلمان این پادشاه فرانسوا و معاهده ناپلئون هیئت اتحادیه آلمان منعقد شد و چنین بود
که وقت ناپلئون قصد اتحادیه با پروس داشت، و در یک کلام قرار داده او هیئت اتحادیه از دول شمالی آلمان
هم هیئت اتحادیه شمال Confédération du nord و ناپلئون از دول غربی و جنوبی آلمان هیئت اتحادیه
رن را تشکیل دهد. ابتداء بعدها ناپلئون چندی از دول جنوبی و غربی هیئت اتحادیه رن را ترتیب
داده ناپلئون را ریاست آن هیئت منتخب کردند لیکن چندی نگذشت که هم خواست تشکیل هیئت اتحادیه
بود از ناپلئون برای او اشکال تراشی کرد و پروس با تمام ایستادگی از عهده نتوانست برآید و این مسئله جنگ
از عهد برنیامد. فردریک گیوم و از جمله مقدمات جنگ پروس و فرانسه شد بعد از این جنگ تمام ممالک
آلمان باستثنای پروس و اطریش داخل در هیئت اتحادیه رن شده و به این ترتیب ناپلئون رئیس هیئت اتحادیه
آلمان شد. فقط پروس و اطریش از آن مستثنا بودند در حالتیکه این دو مملکت نسبت بسابق خیلی کوچک شده بودند
این اقدام ناپلئون با سابقه اقدامات دیگر او از عده دول آلمان کاسته عده دول را در عده چهار
رسانیده آلمان را بشکل دولت مرکزی تقسیم عادت کردند زیرا که ریاست ناپلئون شبه امپراطوری ۹۲
خانواده هابسبورگ اسم و رسم بود، بلکه اختیار تمام امور خارجی و جنگ و صلح و ترتیب قشون با شخص ناپلئون بود

و علاوه بر این معاهدات هم در امور داخله دخالت داشت بمقصدی که امپراطور آلمان در خیال سیاسی آن
مملکت از ابتدای قرون جدیده به بعد در نظر داشته اول دفعه ناپلئون هم نسبت به آلمان یک شخص اجنبی
که دشمن آن مملکت بود ترتیب به کار در فوق انجام داد و بعضی از محققین سیاسی این اقدامات ناپلئون
را نظر به نفع شخصی و نه خط سیاسی میدانند

کشمکش ناپلئون با پاپ — در تمام مدت امپراطوری ناپلئون و جانشینی شارلمانی در کشمکش ها با پاپ
که خاتمه یافت این کشمکش بر سر حاکمیت روحانی و اختلاف با پاپ از حوادث آن عصر رسید وقتی ناپلئون
ناپلئون ریاست روحانی پاپ گردیده است با این مقام هم پاپ را بخلافت و خدمت خود دعوت
ناپلئون دعاوی خود را بالا برده تا بدرجه که اظهار داشت من جانشین شارلمانی هستم امپراطورم
حاکم و پاپ همچنانکه مرئوس شارلمانی بوده مرئوس من نیز هست. این کشمکش از ۱۸۰۵ شروع شده و در
۱۸۰۹ منتهی به دستگیری پاپ و ورود او به فونتنبلو و تک اسقف دهقان او در شهر فونتنبلو گردیده ولی با وجود
شخصاً چندی جلب مساعدت کاتولیکها نسبت به ناپلئون نداده و در ۱۸۱۱ ناپلئون کنسیل منعقد کرده
ترتیب اداره را به تصویب مجلس اساقفه رسانیده ولی چون کنسیل بحث آرا خود را ترک و تصدیق
پاپ ننمود از این کنسیل هم نتیجه حاصل نشد. بعد از جنگ ۱۸۱۲ وقتی که آنها کاتولیکها بعد خواهم دید پاپ
استخلاص پاپ گردید این پاپ برادرم به نهم و جمیع سر بود و در فونتنبلو نشست، دستگیری و پیروان خاتم
ساکن کرده ولی او در بقای و وقتیکه ناپلئون مستعفی شد در جزیره سنت هلن محبوس شد از دول
اروپا از ناپلئون شفاعت نمود و تخفیف مجازات او را درخواست کرد
کشمکش با پاپ شد تا جمله ارتجاعی خود و غلطهای ناپلئون شمار رفته و از امور است هم بجا است جزء
کارهای شده عمر آن کشمکش ها تا ترقی این کشمکش حقیقت طرفداران بودند بر ضد وی برانگیخته و مردم
را از طرف مذهبی نیز از او متنفر نمود و اگرچه در زمان قدرت ناپلئون اثری از این کیفیت
ظاهر نشده ولی چون از ۱۸۱۲ به بعد کارها در دولت گذشت جمعیت کشتی و سایر مردم نیز بر ضد او که قدم تخفیف داشتند

حال ناپلئون و دولت امپراطوری فرانسه در ۱۸۱۰ – جنگ ۱۸۰۹ آخرین جنگی بود که بمظفریت ناپلئون
ختم شد و اگرچه اسباب عمده ضعف ابتدائی دولت ناپلئون هم از این جنگ فراهم شده بود
(محاصره بری و جنگ اسپانیا و کشمکش با پاپ) در صورت ظاهر در ۱۸۱۰ دولت ناپلئون به اوج ترقی
و اعتبار خود رسیده و مقتدرترین رجال عالم شمرده میشد چنانکه گویا ناپلئون صاحب اختیار دنیا گشته
در این وقت دولت امپراطوری فرانسه شامل هلند و بلژیک و قسمت عمده از ممالک آلمان که در ساحل رود
رن واقع گردیده قسمتی هم از ولایات سابق اطریش و ایتالیا که در ساحل دریای آدریاتیک
است باسم ایالات ایلیری، و هم بعضی از خاک خود ولایات آن دولت مجزا شده و باین ترتیب فرانسه
شامل صد ایالت (دپارتمان) شده بود. ناپلئون علاوه بر امپراطوری این ممالک شخصاً پادشاه ایتالیا
یعنی قسمت شمالی ایتالیای حالیه و رئیس اتحادیه رن (ملقب به حامی protecteur) و در واقع رئیس
جمهوری سوئیس بوده (mediateur مصلح بین طبقات مختلف سوئیس) بوده است و تمام ایتالیا
در تحت تسلط او و ممالک متعلقه بمملکت پاپ سلطنت او را دارا در تحت قدرت او قرار گرفته و
اطریش و روس هم مجبوراً دولت روس اختیار را با او متحد بودند و بنابراین چنین بنظر میآید که تمام اروپا
بری مستقیماً یا بطور غیرمستقیم در تحت فرمان اوست از همه اروپا فقط انگلیس در حال مقاومت با
ناپلئون باقی بود ولی محاصره بری و استقلال امر تجارت و کثرت فوق العاده دریائی ... کار
انگلیسها را هم خیلی سخت کرده بود. ناپلئون زن داشت موسوم به ژزفین که بیوه یکی از سرداران
معروف بود و در جنگهای انقلاب کشته شده. ژزفین زن باتدبیر و باکفایتی بود و وجود او در پیشرفت کارهای
ناپلئون در زمان سرداری او دخالت تمام داشت ولیکن برای ناپلئون از آن زن فرزندی حاصل نشده بود و در
زمان امپراطوری ناپلئون از عدم عقب ماندن خود خیلی دلتنگ شده بود مایل گردید که از ازدواج جدیدی که
شاید برای او فرزندی پیدا شود و این لشکر از نسل خود او تشکیل سلسله داده شود و امپراطوری او بعد
از او دوام کند نظر باین مقصود ژزفین را طلاق گفته (۱۸۰۹) و دختر فرانسوا امپراطور اطریش را بزنی خواست

امپراطور اطریش، با وجود آنکه تازگی مغلوب ناپلئون شده بود و با آنکه در خیال تجدید مخاصمه بود این تقاضا
را قبول کرد و دختر خود ماری لوئیز را بزنی به ناپلئون داد و امپراطور اطریش پدر زن ناپلئون شد از حیث مرحمت بزرگی که
سلطنتی و خانوادههای سلطنتی در آمیختن مزاوجت ناپلئون با دختر امپراطور اطریش از مواقع دو عظمت
و جلال ناپلئون را بنظر تمام میرسید و این وصلت معلوم میکرد که ناپلئون بچه درجه از اقتدار و عظمت
رسیده است که امپراطور اطریش که از قدیمترین و معتبرترین خانواده سلطنتی اروپا بود ناپلئون را که تنها
از خانوادگان سلطنتی نبوده بلکه شرافت نیز از هم تنگ نداده را بدامادی خود پذیرفته است در ۱۸۱۱
از دختر امپراطور اطریش دارای پسری شد و از ابتدای تولد آن پسر را پادشاه رم Roi de Rome لقب داد
با وجود آنکه در سال ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ ناپلئون به اوج ترقی خود رسیده صاحب اختیار دنیا بنظر میآمد ولی در این
از حیث محاصره بری بعضی اسباب سستی کار او از هر جهت فراهم آمده و در داخله فرانسه آزادی طلبان
از رفتار استبدادی ناپلئون و متعصبین در مذهب که ترک از خدمت او با پاپ شاکی بودند جنگهای متوالی
و ترتیب قشون گیری که اکثر جوانان فرانسه را بمیدان جنگ برده بسیاری را بکشتن میداد عموم مردم را نا
راضی کرده بود در خارج هم این شکایات در کار بود زیرا که ناپلئون از ۲ سال هم در تحت اقتدار بود
ساکنین ... رن و ممالک متحده با فرانسه قرار گرفت محاصره بری و شاید آن نیز خاک دوم
اسباب خسارت مردم و انگلیس شکایت اروپا بر ضد ناپلئون ... های ناپلئون بر روسیه و جنگ
نسبت بدولت اسپانیا کرد و مقاومت روسها و اسپانیا را ... در جه ... داشته بود و با بروز جنگ
با انگلستان اول و عدم موافقت ناپلئون در بعضی از مخالفت بزرگ (مخصوصاً در تجزیه عثمانی) انگلستان
را نیز از اتحاد با فرانسه با اطلاع تمام آگاه بود وقتی روس نیز از ناپلئون متنفر شده زیرا که محاصره
بری تجارت روسها خصوصاً صادرات ... کتان و گندم و بعضی محصولات دیگر با انگلیسیان ... ضرر کلی وارد
آورده بود این بود حال ناپلئون و مناسبات او با دول اروپا و نتیجه جنگ روسیه پیش آمد و جنگ آن جنگ
در ۱۸۱۲ اتفاق شده خبر آن گفته زمان منتهای ترقی و قدرت ناپلئون فقط در ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ بوده است

از امور دانستنی این است که شارل سیزدهم پادشاه سوئد تا ۱۸۱۰ همیشه با ناپلئون اظهار مخالفت شدید کرد ولی در این
سال چون خود اولاد نداشت و مصلحت دیده خواست جانشینی برای خود معین کند که بعد از او تاج [illegible] بهتر دانست که
از سرداران ناپلئون را اختیار نماید تا ناپلئون با دولت سوئد خصومت نکند و آن دولت با استقلال باقی بماند
بجهت این از سرداران معروف ناپلئون را موسوم به Bernadotte جانشین خود قرار داد ناپلئون
در ابتدا تصور میکرد که برنادوت دست نشانده او خواهد بود ولی او اظهار عدم رضایت خود را از جمیع
اینها نمود لذا مجبوراً این ترتیب را قبول کرد و بعد از فوت شارل سیزدهم در ۱۸۱۸ برنادوت پادشاه سوئد شد

فصل پنجم

اصلاحات پروس

در مدت امپراطوری ناپلئون در داخله بعضی از ممالک اروپا وقایع مهمی اتفاق افتاده که اهم آنها اصلاحات
داخلی پروس بوده است و این اصلاحات در اثر شکست های [illegible] جهانگیری های ناپلئون بوده است نسبت به پروس
بعد از جنگ ۱۸۰۵ و [illegible] رجال پروس در [illegible] و [illegible] در [illegible]
[illegible] برای پروس پیش آمده [illegible] و [illegible] در [illegible] بدون [illegible]
و مخالفت [illegible] دشمن باشند [illegible] ناپلئون را [illegible] و [illegible] کنند تا [illegible]
که باقی مانده به واسطه خدمت [illegible] از جانب ناپلئون از میان رفته [illegible] این حالت
شکست های [illegible] وارد شده بر پروس سخت تر از آن است که [illegible] داشته باشد [illegible] جنگ سالمت
[illegible] آنچه از مملکت و حیثیت دولت باقی مانده نگاهداشت طبقه دیگر بدون آنکه [illegible] خدمت [illegible]
با ناپلئون [illegible] کند [illegible] شکستها [illegible] وارد شده بزرگ [illegible] اصلاح و [illegible] وارد
[illegible] و اقدام [illegible] حرکت پروس را دارای حقیقتی کرده و [illegible] قطعاً ترقی از برای
[illegible] گذشته [illegible] و برای [illegible] [illegible] است [illegible]
[illegible] که [illegible] گفتیم [illegible] حال [illegible] در [illegible] با این [illegible]

و اقتدار پادشاهی و ثبات [illegible] داده و وزرای با همت و اقوام خود را [illegible] نگاه دارد با این ترتیب
[illegible] از رجال سیاسی و وزراء و [illegible] سرداران برای اصلاح [illegible] مشغول کار شدند
[illegible] گذشته را تا [illegible] کردند و برای آینده [illegible] آن اصلاحات [illegible]
[illegible] پروس را [illegible] برای [illegible] کار ناپلئون [illegible] گذشت [illegible]
[illegible] در آینده برای [illegible] پروس [illegible] شد

اکثر رجالی که این اصلاحات را که اهم [illegible] پروس [illegible] از اهالی ممالک دیگر آلمان بودند
[illegible] پروس شده بودند و علت این امر آن است که آلمانیان در [illegible] جنگهای اول [illegible]
و اقدامات ناپلئون در آلمان [illegible] دارای حس ملیت شده [illegible] یک [illegible] آلمانی [illegible]
[illegible] در [illegible] این [illegible] و [illegible] ها [illegible] پروس کرده [illegible]
[illegible] ترقی و [illegible] آن [illegible] مقصود [illegible] باید لذا از اطراف رجال
کاری آلمان رو به پروس گذاشتند و [illegible] اقبال کردند [illegible] پروس نیز از وجود ایشان استفاده
کرد معروفترین این اشخاص [illegible] Gneisenau Stein و Scharnhorst Hardenberg
[illegible] (پروسی) و Schön و Blücher بوده اند

اصلاحات پروس به دو شعبه منقسم میشود: یک شعبه اصلاحات مدنی و [illegible] شعبه دیگر اصلاحات نظامی
در شعبه اول اصلاح کنندگان پروس اصول کار خود را از انقلاب فرانسه اقتباس کرده از نظر [illegible]
در تمام این اصلاحات [illegible] دادن [illegible] ولی از پیش آمدهای انقلاب [illegible] [illegible]
[illegible] شده بودند [illegible] و [illegible] حقیقی [illegible] برابر [illegible] با [illegible] خود
[illegible] کار [illegible] نکند و برای [illegible] در راه منافع [illegible] حاضر [illegible] مساوات
[illegible] که [illegible] حرکت [illegible] سیاسی و [illegible] در [illegible]
[illegible] مردم [illegible] خود [illegible] استعداد و [illegible]

بعد از مرور واقع شد لذا اصلاح کنندگان پروس مصمم شدند که در قوانین مدنی و اجتماعی پروس تغییراتی را
داخل کنند و اقتباس ایشان از انقلاب فرانسه همین یک نکته بود آزادی و برابری اصول انقلاب فرانسه
و حقوق بشر است تا میزانی توجهی نداشته بلکه عموماً طالب بودند و کمتر از سلطنت استبدادی دوری نموده از
اما این اصلاحات مبنی بر مساوات نیز جنبه کاملی نداشت و هیچ یک دهقانی امری را به موجب عدم مساوات
در بر طرف نمودند بلکه به خلاف میل اصلاحاتی نمودند و بالاخره از اصلاحات که بر ترقی امور اگر آغاز شده
نشد بلکه بعضی از آنها هم رسماً انجام شده بود بعد از ۱۸۱۵ متوقف شد بطوریکه اصلاحات کلیه تا
کامل امتیازات فئودال تا انقلابات نیمه قرن ۱۹ میلادی باقی ماند وزیری که اصلاحات را شروع کرد
اشتین بود که در سنه ۱۸۰۷ بوزارت رسید و مشغول کار گردید ولی در ۱۸۰۸ ناپلئون استنباط کرده
اشتین با فرانسه همکاری میکند و عزل او را از فردریک گیوم خواست اشتین معزول شد تا هاردنبرگ جانشین
او گردید لکن او نیز اصلاحات اشتین را دنبال کرده در پروس سه طبقه مختلف بودند:
اشراف بورژوا و دهقان و این سه طبقه هیچ جا نمیتوانستند با یکدیگر مخلوط شوند چه غیر اشراف
کسی حق نداشت ملک بخرد و همچنین از لحاظ حق نداشت بمشاغل غیر از زراعت بپردازد و بورژوا نمیتوانستند
بمشاغل حرفه‌ای داشته باشند دهقان علاوه بر اینکه نمیتوانستند ملک بخرند و کارهای غیر زراعتی
بپردازند تحت مالکیت اشراف حال بنده داشتند (serfs) بورژوا و دهقان اینکه نمیتوانستند
بمشاغل حرفه‌ای باشند حق داشتند از زراعت بپردازند مجبور بودند در زمین زندگی کنند و در جمیع امور
صنفی محدودیت داشته محکوم آن جمعیتها باشند بموجب حکمی در ۱۸۰۷ باشراف حق داده شد املاک خود را
بفروشند و به بورژوا و دهقان حق داده شد آن املاک را بخرند ضمناً دهقان را از حمل بیگاری و خدمت
اجباری برای مالک معاف کردند و ایشان حق داشتند در کارها بجز برای مالک با تمکن
توانستند برای خود عوض بگیرند) این حکم باقی ماند و چون اشتین با هاردنبرگ در وزارت خود حکمی
صادر کرد مبنی بر اینکه دهقان را از ادای کلیه حقوق فئودال معاف ساختند و مقرر شد از اراضی

در آنجا هر که هر زراعت کرده از ملک شخصی ایشان است این حکم بر ضد منفعت اشراف و رعایا هر دو بود
علت ضدیت اشراف ظاهر است اما رعایا از این جهت ناراضی شدند چون تمام املاک که در آنجا زراعت
میکردند مال خود میدانستند و واگذاری ثلث آنرا این حکم از حیث آزاد کردن ایشان از تکالیف مالکیت
داشت خفیف شد بهرحال در ۱۸۱۶ این حکم را نسخ نمودند

اصلاحات نظامی - اصلاحات نظامی هم جزو اهم از اصلاحات پروس است بقوام شارنهورست
و طرح ریزی او واقع شده در این اصلاحات ترتیب قشون پروس را تغییر دادند شارنهورست
خدمت اجباری را هم فردریک گیوم اول در نظر گرفته بود و برقرار کرد و حکمی نیز راجع باجباری بودن خدمت
ولی این مفقود و در دست متفرقه بود از این شارنهورست با قرارات عمومی ...
او ترک قول سربازان لزوم را بود و برقراری ترتیب جدیدی برای گرفتن صاحب منصب
موجب تمام قول ثروتمند و حق داد بورژوا و آنها هم در موقع لیاقت به مرتبه صاحب منصبی برسند و
این قسمت اصلاحات بود اما بزرگترین کاری که در اصلاح نظامی کردند و حقیقتاً قادر جرأت و تمکین است
ترتیبی است که در مقابل تضییقات ناپلئون نمودند میدانیم ناپلئون با پروس شرط کرده بود که
تا آنجا بیش از چهل و دو هزار نفر قشون نداشته باشند در صورتیکه قشون پروس نمیتوانست بمدافعه
کافی ... در هنگام جنگ تهیه خواهد و حالت کند شارنهورست ترتیبی کرد که اصول تعلیمات نظامی را
در مدت کمی درجه که برای سربازان لازم است بتوانند یاد بگیرند و در قشون تقریباً قرار داد بطوریکه
... این ترتیب یک جوانان پروسی ... از ... در قشون حاضر ...
ولی در حقیقت یک دسته ۵۵ نفری در عرض سه سال ... با این ترتیب
در ۱۸۱۳ در موقعیکه ملت پروس خواست با ناپلئون جنگ کند نزدیک به ۳۵۰ هزار نفر قشون زیر سلاح بردند
ترتیب را با اسم Krumper گویند ...
یک ... بزرگ ... در موقع این اصلاحات ...

شد ناپلئون از حقیقت اقدامات ایشان مطلع نشده و راه بهانه برای جلوگیری او نمانده

دارالعلم برلن - گذشته از اصلاحات نظامی و اجتماعی دولت پروس دیگر هم که ضعف خود یک اقدام بزرگ کرده است که اثرات بزرگ و فوق العاده برای آینده داشته است و آن تأسیس دارالعلم برلن است یعنی چون که از مدارس عالیه و ادارات علمی دیگر پروسیان قبضه برده بودند هم در تنها آن حالیه عالم مانده منظور برای پیشرفت علم و تربیت ملت و بخواسته قبل آنکه آزادی پروس را حرکت دهند و هم از طریق سیاسی و نظامی این اقدام برایشان ممکن نبود خواستند تا از طریق علم و معلومات در جنوب شهر برلن را مرکز علمی آلمان کنند و دارالعلمی تأسیس کردند هم در عرض مدت کمی حقیقة مرکز علمی آلمان شد در صورتیکه تا آن وقت آلمان تنها از حیث علم و حکمت در ردیف اول از ممالک اروپا یعنی در عرض انگلیس و فرانسه بودند علاوه از حیث عده کارکنندگان و سعی کنندگان در راه علوم و سعی در تحقیقات و قدرت و جدیدهٔ فوق العاده در کار بر انگلیسیان و فرانسویان خیلی برتری داشتند تا برای دارالعلم برلن با جمع فوق العاده از علما و دانشمندان دنیا سره باشند در این ترقی سریع آن دارالعلم گذشته از اهمیت مدت پروس حتی تا آلمان نیز خیلی دخالت داشته است چه از هر طرف علماء دانشمندان برای همکاری گرد هواهای معنوی مملکت مهم جهت برلن متوجه شده با پیشرفت او نمی رسیده بود لذا فهم کم ترویج نمودند نتیجه آنکه هم از دارالعلم برلن حاصل شد این بود هم این دارالعلم مرکز نمایندگان افکار برای طرفداران اهل علم گردید و مباحثات و مبادلات فکری هم در آن دارالعلم شد حتی تا آلمان از جایی تهیج میکرد نتیجه دارالعلم نیز در آتیه کمک فوق العاده ترقی علم و صنعت آلمان شده است بطوریکه آن این اوج در امور اقتصادی و نظامی آلمان ظاهر میشد

جنگ عمده آنکه خانوادهٔ هوهنزلرن در قرون هجده ... یک پروس ساخته و آلمانیان فقدان او را ... زده هم بدبخت ترین بر فقره برای ایشان پیش آمده در قهقری در ضعف ، حال نیز تقویت و جنگ چهارم نزد ناپلئون و بیلهٔ ترقی با پروس کرده از قسمتهای ترقی حرکت نگه خود را برای آینده فراهم کرد

فصل ششم

وقایع بین ۱۸۱۲ و ۱۸۱۵

جنگ روسیه و علت شکست ناپلئون - غرور ناپلئون و خبطهای او هم و نتیجهٔ این غرور از دو ناحیه شد چه کار او را خراب کرد و آن دولت امپراطوری را هم در ۱۸۱۰ منطقی و هم غیر طبیعی ساخت و در عرض مدت یکسال از میان برداشته و فرانسه را از حیث وسعت خاک نه تنها از حالیکه در زمان جمهوریت بوده تنزل داد بلکه از دو حدود مرزهٔ سلطنت نیز قدری کوچکتر کرد ناپلئون در دورهٔ قنسولی با وجود آنکه از هر حیث بر رجال معاصر خود ترجیح داشت و امور را بمشورت میکرد و یکی از بزرگترین آثار بزرگ او بود هم مردمان کافی و رجال بزرگ را هم دور خود جمع نموده بود اما بیشتر آنان رنجیده و اعتماد داشته در زمان امپراطوری او خاصیت این صفت و منش آن را از او سلب کرد و از طرف دیگر اکابر کمتر از طرف دیگر در سال بروز این استبداد او از طبیعت او سرچشمه گرفت تا تمام امور را او جمع شده هم از خود و رای رای نموده و اگر هم ناپلئون هیچوقت مردمان بکفایت و کاردان نبوده اند ولی در دورهٔ امپراطوری کارکنانی هم نتوانستند کمک فکری باو نمایند ... پیش ... کرده هم آزادی وکلای نه هرکدام مراقب شغل ... ناپلئون شدند و یکی از کسانیکه ... میکردند سابق او ... ناپلئون ... وزیر امور خارجهٔ او ... ناپلئون ... کند ... برای او ... بزرگ ... ناپلئون نسبت ... کند یک سردار بزرگ ناپلئون ... سلطنت ... ناپلئون ... برای خیانت ... حال ... نقشهٔ ناپلئون ... تمام ... هیئه ... در تمام مدت امپراطوری ... این نقشه حرکت کرده بود

از ۱۸۱۱ به بعد دیگر بین او و متحدین مخالفت حاصله پیش آمده بود که با اینکه ناپلئون در جنگ دائماً مظفر و منصور شده
با حریفان او غالب گردیده و دستگاه امپراطوری او را برچیده این حال بود که بعضی از وزرا و مخصوصاً [illegible]
نیز با جنگ خارجی او مخالفت کرده بود و شاید هم تالیران هم تا حدی نظر مخاطره‌ای از این راه برای فرانسه
در پیش رو دید بطوریکه هر چند ناپلئون شده باشد به هر حال رفتار این وزیر بصورت خیانت بوده چنانکه به خواهیم دید
مقدمات جنگ روسیه ـ آنکه در اول چنانکه پیش دیده‌ایم قبل از جنگ اتازیه تا جنگ سوم اطریش [illegible]
از ناپلئون رنجیده بود چنانکه در جنگ اطریش با او همراهی صحیحی نکرد و گذشته از این تخلف با اطلاع رفت روسیه هم
با انگلیسیان و ناپلئون ضدیت که داشته مکرر که مانع از تقویت [illegible] باب ضدیت روسیان [illegible] آنکه در
این ضدیت هم [illegible] از جانب اشراف و مالکین و در حقیقت ضدیت [illegible] اصول [illegible] فرانسه [illegible]
تا حدی [illegible] در میان [illegible] روسیان [illegible] فرانسه [illegible]
با ترکیه از تعصب [illegible] برای جنگ ناپلئون حاضر شده آنگاه در اوایل سال ۱۸۱۰ اشروع کرد
با انگلستان خود را [illegible] خانه [illegible] در تحت تخفیف [illegible] داده در [illegible]
روسیه با انگلیسیان تجارت کنند و حقوق گمرکی بعضی اشیاء را [illegible] فرانسه [illegible]
ابریشمی و [illegible] مدت [illegible] و شراب [illegible] آن زیاد کرد در رابطه بین فرانسه و روس در عرض ۱۸۱۰
و ۱۸۱۱ [illegible] در اوایل ۱۸۱۱ ناپلئون برای [illegible]
آزاد [illegible] و شهرهای [illegible] از [illegible] و [illegible] آن [illegible]
[illegible] آنگاه در تحقیق [illegible] فرانسه [illegible] آنگاه در [illegible] ۱۸۱۰ به بعد خود را برای
جنگ حاضر نکرد [illegible] اواسط ۱۸۱۲ [illegible] در [illegible] خود را حاضر داشت اولی [illegible] برای
ناپلئون [illegible] آلمان [illegible] ۱۸۱۲ [illegible] جنگ شروع و در این جنگ انگلیسیان
[illegible] روس [illegible] شده و [illegible] لشکر [illegible] آتش [illegible]
در این جنگ [illegible] ناپلئون با این حال مراجعت نکرد و آنگاه در [illegible]

با وعده داده بود [illegible] و او را اعلام [illegible] اول نیز [illegible] آنکه در اینجا
داده بود از جانب روس و اطریش در نهایت حقیقت با ناپلئون [illegible] شده
قشون کشی به روسیه Campagne de Russie ـ ناپلئون بدون آنکه [illegible] از حیث وضع
طبیعی و مناسبات دیگر بین روسیه و دول روس و اطریش در نظر آورد و این نکته [illegible] برای [illegible]
روسیه [illegible] دشمن [illegible] جنگ روس نیز همان کار را کنند در جنگهای سابق [illegible]
[illegible] حرکت سریع [illegible] دشمن را [illegible] و برای این مقصود قشونی حرکت
داد مرکب از ۵۰۰۰۰۰ نفر [illegible] از ایشان [illegible] روسیه ۲۹۰۰۰۰ نفر [illegible] زبان [illegible]
ناپلئون وارد خاک روس شده [illegible] قشون [illegible] بوده در تحت
حکومت [illegible] ناپلئون در آمده [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] ۱۸۰ هزار نفر [illegible] ۱۱۰ هزار نفر [illegible]
[illegible] هزار نفر [illegible] ۷ هزار نفر [illegible] روسیان قشون ناپلئون را [illegible]
[illegible] آنگاه [illegible] ۳ هزار قشون حاضر کرده [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible] خود [illegible] وارد آن مملکت شد [illegible]
[illegible] وضع طبیعی روسیه و سرمای زمستانی آن مملکت [illegible] روس [illegible]
[illegible] در حقیقت ناپلئون [illegible] سال [illegible]
[illegible] روز [illegible] روسیان [illegible]
[illegible] جنگ کردن [illegible] ناپلئون را [illegible] روسیه [illegible]
[illegible] روسیه نیز [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] آتش زدند [illegible] جاهای آن را

برگردند قشون ناپلئون وارد شده در یک صحرای بی سر و ته و خرابه‌های خیلی زیاد افتاده و برف فرو می‌ریخت
و خرابه‌های سوخته چیزی در آن یافت نمیشد با این حال در مسکو در عرض پنج روز اول یک ثلث
از سپاهیان ناپلئون یعنی معادل ۵۰ هزار نفر از قشون به واسطه برف یا از گرسنگی تلف شدند و بعد از آنها
به واسطه سرما تلف شدند و مجبور گردیدند چون عده زیادی را در راه رها کنند ناپلئون خود را مجبور دید که مسکو
را رها کند و از آن شهر عقب نشینی بنماید

قصه آنکه یکی از سرداران قشون او این بود که از جنگ با ناپلئون احتراز کرده فقط او را از اطراف پریشان
و سر او را با نقصان آذوقه عاجز کند ولی چون ناپلئون نزدیک مسکو رسید دید بدون جنگ نمیتواند که از
دشمن این شهر که مسکو بهترین شهرهای روسیه و محترم‌ترین در نظر روسیان شهر مقدس بود لذا در اطراف
در کنار رود مسکوا جنگ برپا شد با ناپلئون روبرو گردید سردار کل قشون روس در طرح این جنگ را گرفته
Kutusoff از سرداران بزرگ روسی بود و در جنگ مسکوا ۱۲۷ هزار قشون با ۶۴۰ عراده توپ
حاضر داشت اما ناپلئون با وجود تمام صدماتی که در راه دیده بود در این موقع نیز فاتح شد و فتح
مسکوا هم در ردیف فتوحات بزرگ او شمار می‌آید بعد از این جنگ ناپلئون و قشون او داخل و وارد
مسکو شدند لیکن حاکم آن شهر موسوم به Rostopchine قبل از خروج از شهر تمام محترمین را از شهر
بیرون آورده و تمام ترتیبات لازمه را برای آتش گرفتن تمام شهر داده و همینکه بعد از ورود
ناپلئون مسکو حریق عظیمی در آن شهر درگرفت و قسمت عمده شهر را با آذوقه و لوازم زندگانی
همگی در ظرف چند روز بکلی از بین رفت و آخرین امید ناپلئون را بر باد داد قشون ناپلئون از حریق
حریق را خاموش کردند ولی مقصود روسیان حاصل شده بود یعنی دیگر شهر مسکو قابل سکنی نبود و بعد از
آنکه مسکو را روسیان فدا کردند دیگر نقطه اتکائی در پیش نماند و ناپلئون چون آن نقطه را در نظر گرفت
برگشت از مسکو نیز نقشه کاملی نداشت او ده هزار راه در زمستان مسافت دور نیز ناپلئون مدت یک
ماه در آنجا ماند از مسکو مراجعت کند در انتظار صلح بسر برده بود دیگر طرف روس هم ابداً تن نخواهد داد

و در این مراجعت ممکن است مورد حمله گردد این مخاطرات او را خواست در مسکو بماند و از این جهت یک ماه
توقف کرد ولی این توقف جز تلف وقت ثمری نداشت بالاخره مجبور شد بکمال خفت راه مراجعت
پیش گیرد در مراجعت خواست راه جدیدی اختیار کند لیکن روسیان سر راه او را گرفته مجبورش
کردند همان طریق اول را اختیار کند که از اینراه آمده برگردد و در صورتیکه در آن راه از آذوقه و سایر لوازم
هیچ باقی نمانده بود در این موقع روسها نیز یکباره در عقب او رسیدند در حمله سختی حمله آورده بودند (۳۷ درجه زیر صفر) با این
حال قشون فرانسه در سر رود روس که از روی رود موسوم به Beresina بود عبور کند که از ایشان فقط ده هزار
نفر باقی مانده و از این عده بیست هزار نفر از تعاقب روسیان و بعد از عبور ناپلئون کاملاً روسیه تدریجاً قشون جدید
کمک او رسیده بود ولیکه بر رویهم عده تلفات قشون او در این موقع معادل با تمام قشونی بود که
وارد خاک روس شده بودند در این وقت یک دسته از قشون ۲۰ هزار نفری در رسیدن خود بسته مانع عبور فرانسویان
از رود شدند با این حال فرانسویان جنگ کنان از رود عبور کردند و این واقعه را که از طرف خود محسوب میدارند
در موقع عبور از برزینا ناپلئون شخصاً حضور داشت زیرا که قبل از این موقع با خبر رسیده و داده و بپاریس
... دسته‌ها برخلاف او شورش کرده بودند ... قشون فرانسه با آن حال بحث سر حد روسیه
رای ایشان شکست بزرگ تولید خواهد شد لذا ناپلئون فوراً از راه ... به پاریس
جنگ روسیه مهمات تهور و رشادت را نشان داده و ... با کمال افتخار خاتمه یافت
با ظاهر از مصر بفرانسه مراجعت کرده بود از روسیه نیز رجعت نمود یعنی از قشون خود جدا شد
قشون فرانسه سرحد روس رسیدند در حالیکه جنگ روسیه در واقع قشون کهنه ناپلئون را تمام کرده بود
یعنی از قشون کهنه معروف فقط کمی جز باقی بود در واسطه استقلال در اسپانیا جنگ روسیه جاری بود
و آن قشون هم تا آخر کار ناپلئون دیگر فایده نداد زیرا که ناپلئون بتازگی از اسپانیا
نظامیه وجود آنها در اسپانیا در حقیقت بیهوده بود و بواسطه استقلال طلبی اسپانیا در جنگهای بزرگ هم از
قشون کهنه روسیه در آلمان و ایتالیا فرانسه پیش آمد ناپلئون مجبور بود قشون جدید گرد آورده و جوانان تازه کار را بجنگ

انفصال عهد و پیمان با انگلیس منجر شد و لشکرکشی به روسیه در ۱۸۱۲ و جنگ در روسیه در تاریخ ۱۸۱۳ واقع شده)
هیئت اتحادیه ششم — عقب‌نشینی قشون ناپلئون به مرحمت روسها رسید شکست و بدبختیهای جبران‌ناپذیر بسته شد
و روز خسارت از جانب روسیان گردید و مجبور شد که پکمره تا پاریس را به جانب پیش رانده نمی‌توانسته
در روس توقف کند اقدام نشد نتیجت با فرانسه از جانب حدت روس ترخیص شد و لهستان و پروس
نیز همراه گردیده با دولت روس متفق شد و در بهار ۱۸۱۳ ناپلئون مجدداً مشغول جنگ با روس و
روس شد در موقع جاری آلمانها حضرتها با روس برای جنگ آلمان دعوت نموده و ادله علم بر آن نمودند
و schelling حکیم بزرگ آلمانی هم قبل از وقت در بیانات خود در آنجا نطقها و خطابه‌ها در جنگ
و زبان و بیانات برای بیدار کردن حس ملیت کرده و قبل از آنکه حرکت و جنگ شود در خود را
قطعی نزده تا گردان خود وعده عده در میدان جنگ داد از ناپلئون با وجود سعادتی که در زمان
وارد شده وعده کثیری به روز فرانسیان در رابطه جنگها با او همراه بودند با این همه نیز از قشون بهتر
فرانسه کم و در بهار ۱۸۱۳ با ۶۰ هزار نفر و قشون روس و پروس را در هم شکست lutzen (نزدیک لیپزیک)
و Bautzen در پای کوه شکست داد ولی قوه آنکه کار را از خود تمام کند metternich
وزیر اول دولت اتریش) اتریش هم از این زمان بعد در امور سیاسی اروپا دخالت کامل حاضر کرده
نقشه آنکه ولی برای اتریش دست آورده چنانکه ناپلئون را در انظار اروپا به شکل مسئول دولت
جنگ قرار دهد تشکیل کرده به دولت اتریش و انگلیس جمع گرده و کنگره در پراگ برای این مقصود
منعقد شده و شرایط سخت را برای صلح با ناپلئون تنها ذکر کرده در انظار اروپا به کلی از ناپلئون
جلب نمودند ولی در حقیقت برای ناپلئون قبول آن خیلی سخت بود ناپلئون تقویت قبول آن
را تعقیب نمود و به واسطه این عدم تسلیم دست تدارکات جنگ بر آمده و همین سر آمدن هیئت
اتریش نیز حاضر کار شده بود با ناپلئون اعلان جنگ داد آنگاه هیئت ائتلاف روسیه و پروس و انگلیس و
پادشاه سوئد را نیز وعده آنکه نروژ را او بدهند و از برخیزند و به اتحاد پیوسته، هیئت ششم

مرکب از انگلیس و روس و پروس و اتریش و سوئد تشکیل یافت قشون کشی فاتحین از هر طرف به
جلو رفته و سرداران سابق ناپلئون (برنادوت و مورو در موقع لزوم از آنها مراجعت کرده بود)
و سرداران متحدین دیگر نیز جلو رفتند سردار اتریش و قشون پروس و روس به سرداری
فرمان داشت و schwarzenberg فرمانده قشون اتریش و متحدین با قشون متفقه حمله
ناپلئون شده قشون متحدین بیست قشون ناپلئون روانه کردند ۳۰۰ هزار نفر بودند و ناپلئون هم
وقت ۱۴۰ هزار نفر بیشتر در میدان جنگ نداشت زیرا که چپاول کرده بود و ذخیره ممکن
است پیشرفت کند و قلعه‌های متعدد آلمان را نگاه داشته بود تا در موقع لزوم از آنها استفاده کند
با تمام این تدارکات ناپلئون باز در جلوگیری از قشون اتریش در حرکت فرمان سردار بزرگ را
نیامد و در درسده کیفیع کرد ولی در همان وقت سرداران او در نقاط دیگر آلمان شکست خوردند و او
مجبور شد برای جلوگیری از پیش‌آمدهای سخت‌تر در لیپزیک با قوه فوق‌العاده متحدین روبرو شده بجنگد
در جنگ لیپزیک با وجود قلت عده ناپلئون چهار روز مقاومت کرد و تا وقتیکه مهمات جنگی داشت
دست از جنگ نکشید ولی بالاخره به واسطه تمام شدن مهمات جنگی مجبور به بازگشت شد و جنگ لیپزیک اولین
شکست بزرگ او گردید و در واقع همین جنگ کار او را تمام کرد
جنگ قشون به طرف در موقع حرکت از هم متفرق شده و جنگ لیپزیک موسوم به جنگ la guerre
des nations) شده است در ضمن این جنگ قشون ساکس و کمک و دیگر آلمانها در این جنگ
ناپلئون را خیانت ورزیده از ناپلئون برگشته به قشون متحدین ملحق گردیدند و بعد از رجعت ناپلئون از لیپزیک
تمام آلمان بر او شوریده و برای او زوال سلطنت کمتر فانه ناپلئون مجبور شد که جنگ را به خاک فرانسه بکشد
جنگ فرانسه — Campagne de France بعد از عقب ناپلئون از لیپزیک قشون متحدین هم در عقب
عده زیادی به طرف سلطنت او رفته تمام آلمانها ناپلئون را در خاک فرانسه تعاقب کردند
ناپلئون بیش از ۷۰ هزار نفر قشون نداشت در حالیکه متحدین ۲۵۰ هزار نفر داخل خاک فرانسه

در این وقت قشون فرانسه در اسپانیا نیز شکست خورده، قشون انگلیسی در تحت فرماندهی Duc
de Wellington سردار معروف انگلیسی از طرف جنوب داخل خاک فرانسه گردید. متحدین هم از طرف
شمال وارد فرانسه شده بودند عازم بودند که خود را به پاریس برسانند و تصرفش بکنند. ناپلئون هم در این موقع با
جوانانه شده ناپلئون طرح جنگی را که در جنگ ایطالیا بکار برده بود اختیار کرد که خود را بوقت
با حمله های قشون ایطالیا را خواهم رسانید. برای این طرح نزدیک ۷۰ هزار نفر قشون خود را در حرکت
و همان سیستم خویش را گرفته بسرعت بین اردوهای مختلف دشمن حرکت میکرد و تاخت و تاز در خاک شمالی مملکت
میداد. این دوره کارهای ناپلئون در زمستان ۱۸۱۴ و بهترین نقشه جنگی اوست ولی از وصول متحدین به پاریس مانع
ولی عاقبت چند دسته از متحدین خود را به پاریس رسانیدند در حالیکه آنجا مستحفظ کافی نداشت و بعلاوه
یک روز جنگ، پاریسیان تسلیم شدند بعد از تسلیم شدن پاریس ناپلئون با یک جنگ سخت نموده تا بتواند
رابطه بین قشون متحدین را هم از اطراف بنمایند با قشون خود در پشت دشمن قطع کند لیکن سرداران دیگرش
او را همراهی نکردند و او را مجبور باستعفا نمودند و در فونتن بلو استعفانامه سلطنت امپراطوری فرانسه را به
نزد خود ناپلئون هم مقرر کرد

در موقعیکه ناپلئون این استعفا را میداد در پاریس رجال مخصوص او اقدام کرده مجلس سنا حکم عزل او
را داده تشکیل حکومتی موقتی داد و همچنین متحدین هم تا با برقراری خانواده ناپلئون بامپراطوری
فرانسه موافق نمودند عاقبت ناپلئون مجبور شده بدون هیچ شرطی استعفا کند متحدین لقب امپراطور
را به ناپلئون باقی گذاشتند و سلطنت جزیره کوچک الب را واقع در دریای مدیترانه بود بگذار
نمودند بعباره اخری ناپلئون محکوم شده در جزیره الب منزوی گردد تا اوین از یک خداحافظی
خیلی مؤثری با قرا و ... مخصوص خود و قشون که برای او باقیمانده بود همراهی دسته قشون
مختصری بجزیره الب رفت و همان ایام هم در امپراطوری فرانسه کار میکرد، بعلاوه کردن
آن جزیره و آبادی و تاسیسات جدیده پرداخت

رجعت اول بوربنها و معاهده اول پاریس — لوئی ۱۸ برادر کوچک ... سلطان او را پادشاه
فرانسه معرفی نمود و بجهت لوئی ۱۷ حساب نمیکنند که لوئی ۱۷ در حبس مرده و از خانواده بوربن دو برادر
لوئی ۱۶ باقیمانده بودند هم که بترتیب ارث جانشین او گردند از این دو برادر بزرگتر بود و
اسم موسوم به لوئی بود (کنت دو پرووانس) و دیگری موسوم به شارل (کنت دارتوا)
لوئی و شارل از اوقتی که در انقلاب فرانسه مهاجرت کرده لوئی از ابتدای مهاجرت
خود موسوم به اینکه برادرش لوئی ۱۶ در حکم محبوس و اسیر است خود را نایب السلطنه فرانسه خوانده
باین عنوان با همه دول اروپا مذاکرات رسمی نمود ولی از دول اروپا تنها انگلیسیان با او و برادرش
آن احترام همراهی کردند ... در آن زمان هم لوئی و شارل با انگلیسی
رفتار تا عزل ناپلئون در آن مملکت بودند از زمانیکه لوئی ۱۷ درگذشت ... خود را
پادشاه با استقلال فرانسه دانسته لوئی ۱۸ امضا میکرد و در موقع ورود متحدین به فرانسه در بعضی جاها دسته
قشون کوچک ترتیب دادند و لوئی و شارل از جانب خود نماینده هایی باردوی متحدین فرستادند
و با تفاق متحدین و لوئی و شارل در جنگ با ناپلئون دخالت کردند

در واقعه فرانسه با رتبه سلطنت طلب که بر طرف نشده بود یعنی در اواخر امپراطوری ناپلئون جماعت
زیادی هم به رفتار او و نسبت به پاپ بر عقیده سلطنت طلبان افزوده شده تالیران وزیر امور خارجه ناپلئون
هم از مرتع صدمات در فرصت مناسب با خیانت میکرد و همچنین فوشه هم وزیر اول فرانسه با تفاوت
اتفاق دو شو به برقراری خانواده ناپلئون بر امپراطوری راضی نمیشد و بعضی هم بعد مدتی تشکیل داده بود
هم روی نسبت او باز با این تفصیل سلطنت طلبان آنچه شده برای خانواده بوربن کار میکردند و جمعیتی از طرف
خانواده هم تخریب شده بیرق قشون خارجی بعد از سلطنت رسماً منفصل شد فرانسه در همه حال از
یک طرف بعد از فتح پاریس سه پادشاه اروپا هم با فرانسه در حال جنگ بودند و نمایندگان متحدین قشت
سر قشون خود وارد پاریس شدند و پاریسیان با حضور قشون خارجی و سه پادشاه ... انگلیسی ... اول

و فرانسه را در یک گام نتوانسته با آزادی حرکت کنند و ... اختیار نماید از طرف دیگر در پاریس مخالفین
ناپلئون سلطنت طلبان زیاد بودند لذا اقدامات تا این حد پیشرفت نمود عده از اجزای سنا متفق گردیده
... و نیز بر ضد فرانسه قانون جمع شده حکم را رسمی کرده عزل ناپلئون را اعلان نمودند آنگاه بر ضد قسم
خود رفتار نموده و طریق ... اعلان کرده و این قبیل اقدامات همین قسم (مقصود
از همین قسم رفتار سخت ارادی ناپلئون بوده با قسم او در حفظ های آزادی مخالفت داشت در باب
مالیات هم اراده‌ای ... و وارد ... از این راه بوده در ... آخرین هنگام عقب نشینی روسیه ...
راه ... مجلس ... جدی داشته بود) بعد از عزل ناپلئون ... ترتیب حکومت جمهوری داده
شود برای حکومت جدید انگلیسیان سلطنت بوربنها بود برای دیگر از ... مخالفت داشتند
تنها آنکه در اول با بوربنها مخالف بودند زیرا که این هم ... با آزادی زیاد مخالفت نمایند
سلطنت این ... شده بود ... فرانسویان بعد از انقلاب کبیر فرانسه و آنچه ... هم
در لوئی هیجدهم ... آزادی و حکومت ... خانواده بوربن ... برای قدم را
درست دارند با ... جدید ... موافقت ... فرانسه ... [illegible]
که با انقلاب ... گرفتارهائی ... انقلاب و امپراطوری ناپلئون برای اول
اروپا ... آنکه ... ایران ... [illegible]
... ناپلئون ... آنکه ... او ... [illegible]
سلطنت بوربنها ... [illegible]
لوئی ... به عنوان سلطنت ...

لوئی ... [illegible]
... سلطنت ... [illegible]
فرانسه ... سلطنت ... [illegible]

... فرانسه ... تا ... در ۱۷۹۲ ... قبل از ... انقلاب کبیر ...
و از ... آن ... ناپلئون ...) ...
فرانسه ... ترتیب ... فرانسویان ... فرانسه ...
... فرانسه از ...
... انگلیسیان ... فرانسه ...
... ایطالیا ... داده ...
... ناپلئون ... آزادی ...
... کنگره ... گنگره ...
... (۱۸۱۵)

بعد از ... فرانسه ... ناپلئون ...
کنستیتوسیون ... فرانسه ... پاریس ... کنستیتوسیون ...
... کنستیتوسیون ... ملت ...
کنستیتوسیون ... کنستیتوسیون ... انقلاب را ...
... آزادی ... Chart Constitutional ... لوئی ...
... شده ... اساسی ... داده ...
... پاریس حرکت کردند ...
... کنگره ...
...
...
...

رفته رفته دوباره دچار ضدیت شدند و با این حال متفقین از بابت اقداماتیکه بر ضد فرانسه در زمان
انقلاب کرده بودند حقوق دادند دعاوی از این قبیل کارها کردند و در نگاهداری مملکت بی‌کفایتی
نشان دادند مردم را نسبت به خود متنفر کردند و حکومت جدید در صورتیکه همان بابای
خیالی از حیث امپراطوری ناپلئون حتی بر آزادی را محفوظ داشته گردید

وقایع صد روزه Cent jours — ناپلئون در جزیره الب نیز از وقایع فرانسه و جنایات
اطلاع یافته مطلع گردید و معتقد به خطر شده بود زیرا متوقع بود [illegible] در کنگره وینه کار بکنند [illegible] را
وادار به توقیف ناپلئون و حبس او در یکی از جزایر دوردست کنند ناپلئون از خطر این اطلاعات متوحش شده
خود را ناچار دید دفعةً از جزیره الب حرکت نمود در یکی از سواحل کوچک فرانسه پیاده شده و بنای حرکت
به پاریس داد [illegible] توقیف او در جزیره الب برده بودند دسته‌های قشون مختلف که بجلوگیری او فرستاده بودند تمام آنها
بجای آنکه با او جنگ کنند در تحت فرمان او درآمده قشون او در اندک زمانی زیاد شد و کم کم
با عجله پیشرفت ناپلئون را [illegible] داده در رفته غالب [illegible]
ناپلئون [illegible] حرکت [illegible] به ناپلئون رسید [illegible] قشون او برای
الحاق بقشون ناپلئون [illegible] اثر کرده او نیز قشون ناپلئون گردید ناپلئون [illegible]
پاریس شد و مردم با شوق و شعف فوق العاده او را در عمارت تویلری [illegible] کردند و در صورتیکه شب پیش
لوئی هیجدهم مخفیانه از آن عمارت خارج شده بسمت انگلیس رفته بود

چون ناپلئون بپاریس رسید فرانسویان عموماً او را با شعف بامپراطوری فرانسه شناختند ناپلئون برای جلب
از مردم [illegible] acte additionnel را با قانون اساسی امپراطوری اضافه کرد و [illegible]
در آزادی سیاسی و اختیارات جدید برای مجلسین [illegible] و برای [illegible] دول اروپا را آرام و ساکت کند
تصمیم گرفت که به [illegible] داده اظهار کرد عهدنامه پاریس را تغییر نداده و با تمام دول حال صلح را نگاه
خواهد داشت لیکن دول از پذیرفتن تقاضای او نیز امتناع کردند و اعلام نمودند ناپلئون یاغی و متمرد

نظام عمومی در عالم [illegible] حرکت داد به [illegible] او را از میان برداشت [illegible] و نمایندگان دول در وینه
جمع بودند ترتیب فرستادن قشون بفرانسه نمودند و قشون کثیری از طرف اطریش و آلمان و انگلیس
حرکت نمودند ناپلئون باز مجبور [illegible] جنگ کار خود را پیش برد و برای نقشه‌های قدیم
خود باز خواست از [illegible] متحدین [illegible] کند و نگذارد آنها وارد فرانسه شوند لذا بطرف بلژیک که
جنگها [illegible] مرکزیت هم داشت حرکت نمود قشون متحدین هم در بلژیک بودند شماره ۲۲۵ هزار نفر و تقسیم
بدو دسته بود یک دسته قشون انگلیس در تحت فرمان ولنگتون دسته دیگر قشون پروس در تحت فرمان بلوخر
ناپلئون با مقدار ۱۲۴ هزار نفر داشت در جلگه Waterloo ناپلئون با ولنگتون روبرو شد در حالیکه
یکدسته از قشون خود را بجلوگیری از قشون پروس فرستاده بود [illegible] انگلیسیان و پروسیان
[illegible] ناپلئون بقشون انگلیس حمله برد و جنگ سختی درگرفت ولنگتون این ضربت را تحمل کرده
از عزم خود [illegible] و در مقابل تمام حملات فرانسویان از جای خود هیچ تکان نخورد این ثبات
و پایداری ولنگتون قشون فرانسه را خسته کرد [illegible] کار فرانسویان سخت شد منتظر کمک [illegible]
در این حین یکدسته قشون از [illegible] فرانسویان منتظر [illegible] اتفاقاً قشون [illegible] وارد
[illegible] شدند لیکن [illegible] معلوم شد سردار [illegible] که بجلوگیری پروسیان رفته [illegible] و دسته
کاری از پیش نبرده و این دسته قشون جدید ۳۰ هزار نفر [illegible] در تحت فرمان سرداری [illegible]
Beulow [illegible] انگلیسیان [illegible] کار قشون فرانسه را تمام کرده فرانسویان [illegible]
[illegible] شدند ناپلئون [illegible] شد [illegible] قشون دشمن پیش رفت [illegible] گلوله‌های [illegible]
کشته شود ولی [illegible] از میدان جنگ بیرون بردند بعد از شکست واترلو
[illegible] ناپلئون [illegible] کار او [illegible] پیشرفت [illegible] جنگ [illegible]
حاضر شد ناپلئون در فرانسه [illegible] بودند [illegible] ناپلئون [illegible]
در پاریس [illegible] ترتیب [illegible] تسلیم [illegible] آمده [illegible] انگلیس [illegible]

متزلزل کرده و یک حکومت موقتی بریاست فوشه وزیر نظمیه فرانسه تشکیل یافت و استعفای ثانی ناپلئون
هم اینجا نیز بهمان طوری را به پسر خود منتقل کرد قبول نشد ناپلئون چون از همه جا مأیوس گردید
خواست به آمریکا برود و اتفاقات جاریه پیش آمد در بندر Rochefort وارد یک کشتی انگلیسی شده و
خود را در جنگ انگلیسیان و دیگر کابینه نزدیک نیابت السلطنه انگلیس نوشته که بدولت شما پناهنده شده
(پادشاه انگلیس در آنوقت مجنون بود و پسر او را نایب السلطنه معین کرده بودند) اما انگلیسیان که از او
وحشت کرده بودند با او معامله اسیر نمودند باین ترتیب ناپلئون در دست انگلیسیان گرفتار شد و او را بجزیره
دوردست سنت هلن در اوقیانوس اطلس بردند و در همین جا پنجسال زیست اهل جزیره با ناپلئون حیات بگذشت فقط
جنازه تن گردش او را مدفون کرده بودند بعد از واقعه و قرن نوزدهم پیش انگلیسیان وجود
و اطفالشان در بیابان و بعض ملل دیگر برد و دار و فرانسه شدند و در جمعیت حکومت موقتی بتجربه قرار گذاشته
جنگ داده رو بطرف پاریس رفته در ضمن ترتیب تجاوز از یک قرن قشون خارجی داخل خاک
فرانسه گردیده برد اینها دفعه ثانی بفرانسه برگشته و لوئی را یک مقام ثانی با تجربه تر بجای پیشرفت
بهانه به تسلیم پاریس موجب این عهدنامه ایالت ساوآ نیز با نظام معین از آنجا در سرحدات آلزاس
ولن را هم آلمان از فرانسه جدا شده صرف هم آن مملکت قدری از اوج عظمت لوئی دوم که حکم کرده
محکمترین جنگهای آخر خود با ناپلئون همدستان کرده بودند با فقط با شخص ناپلئون بجنگیم و نخواهیم
شرافت را هم برای فرانسه و ملت را برای جلای بزرگ شده بر طرف کنیم و این اظهار خود را اول با
تکرار میکردند لیکن چون ناپلئون را از بین بردند در صدد ضعیف کردن فرانسه برآمدند چنانکه
در هر صورت ماده پاریس معلوم میشود و قرارداد های کنگره وینه نیز همین فکر را میخواستند در ضعیف
کردن فرانسه درست اطراف و بعد از آن مرکز پاریس پس از هر طرف روزنه مرحله را با آمده
ملت در این موضوع مخالف بوده و انگلیسیان نیز بعد از آنکه مقاصد خود را حاصل نمودند بهمین ملاحظه
حاضر کردند هم فرانسه دیگر نتیجه‌ای هرچه که و بعد از آنرا بدست نیاورند تا از ضعیف کردن

فرانسه متصرف شدند که با وجود کابینه‌های پیشین روس و انگلیس از دول دیگر در این موضوع جلوگیری
میکردند اما اثر وجود ناپلئون برای فرانسه هم خوب و هم بد بوده است خوب آن ترتیبات اداری داخلی
و امور اقتصادی و آبادی مملکت. از این حیث ناپلئون به اندازه‌ای خدمت کرده
آن مملکت را که در دوره انقلاب مخصوصاً در زمان هیئت مدیره بی‌اندازه خراب و غیر منظم
شده بود مجدداً مرتب و منظم و آباد کرد و بقسمی آبادی و نظام آن مملکت را بجائی رسانید
که تا آنزمان نظیر آن دیده نشده بود و تمام عزمات ناپلئون مخصوصاً در ترتیبات اداری
و قوانین مملکتی و مدنی هنوز باقیست. قسمت خوب دوم سیاست خارجی او بوده در سیاست خارجی و اعطاء
فتوحات فوق العاده ناپلئون افتخارات بزرگ برای فرانسه حاصل شده و صدای فرانسه
اول دولت عالم شمار آمده و ملت به این اعتبار و شان و شوکت فوق العاده اگرچه موقتی
بوده در هم و اهمیت فرانسه دخالت کامل دارد لیکن همین سیاست خارجی ناپلئون مبنی بر
خیالات شخصی و جهانگیری بوده بمصلحت واقعی مملکت کمتر منظور میشده و با وجود هوش و کفایت
فوق العاده ناپلئون باعث خونریزیهای بزرگ شده و نتیجه آن جنگ چنین شده که
فرانسه بعد از تحمل خسارتهای زیاد تمام فوائدی را که در جنگهای انقلاب حاصل کرده
بود از دست داده نسبت بزمان لوئی در حقیقت تنزل کرد با وجود این ضرر که
ناپلئون بفرانسه زده یادگار رشادت و شوکتی که فرانسه در زمان او داشته و تسخیر پایتختها
و در زمان محبوبی او در سیاست بین ملت یادگاری که از نابغه‌ترین جنگجویان عالم نسبت
ناپلئون یکنوع حس محبت و احترام دارند و نعش او را در اول ردیف مفاخر خود میشمارند

فصل هفتم

کنگره وینه (۱۸۱۵)

کنگره وینه یکی از بزرگترین کنگره‌هائیست که در عالم منعقد شده و در تاریخ جدید اروپا اهمیت کامل دارد

زیرا که نقشهٔ سیاسی اروپا را از حیث تقسیمات مملکتی تغییر داده است و سیاسیین عصری که این کنگره
را اهمیت داده‌اند بعضی از ایشان ابتدای دورهٔ معاصر ۱۸۱۵ را قرار داده‌اند
انقلاب فرانسه و جنگهای امپراطوری ناپلئون در اروپا اوضاع آن قطعه را تغییر داده و
نقشه را از کنگرهٔ وینه این دوره هر یک از دولتها که در جنگها و معاهدات با ایشان ضرری وارد
آمده بود حق خود را اخذ کنند بنابراین ترتیبات کنگرهٔ وینه باقی اوضاع اروپا را که قبل از
انقلاب کبیر بوده رجعت کند لکن برای پیشرفت این امر دو مانع در جلو بود یکی آنکه تمام دول
یک درجه قرارهای کم و بیش داده‌اند ملکه تا او جز کارها فرانسه و ناپلئون متحد بودند لهذا متحدین نمیخواستند
با انگلیسها دول از زمین متحدان خود رفتار کنند دیگر آنکه دول اروپا خصوصاً دول معظمه روس
و انگلیس و اطریش و پروس از قدیم مقاصد و منافع مختلف داشتند هر چه را و هر یک آن سالها بودند
و این مرتبه را هم در رفع دشمن بزرگ مشترک یعنی ناپلئون ترک کرده بودند برای انجام آن مقاصد تغییر
موقع میشمردند بنابراین در کنگره نزاع اغراض سیاسی منافع دول با همدیگر در تنازع درآمده
کار را اصلاح مشکل کرد نتیجه چنین شد که نقشهٔ اروپا وضع سابق برگشت بلکه نقشهٔ جدیدی کار آمد
ساخته هم بعضی نواقص و گنگی شده بسیار بوده است ولی در ابتدای امر سه مسئله عمده خوب توجه
گردیده: اول مسئله ساکس که چون پادشاه آن مملکت از متحدین ناپلئون بود پروس خواست
آن مملکت را تماماً متصاحب کند دوم مسئله لهستان که روسیه آن مملکت را تماماً بگیرد سوم
مسئلهٔ ناپل که مورا داماد ناپلئون پادشاه آن مملکت با متحدین همراه شده بود و از جهت
متحدین باقی سلطنت او را باقی گذارند ولی در مقابل خاندان پادشاه سابق ناپل حق خود را
اعاده میکرد و برای این هر دو مسئله آخر در نظر بود باقی خود را حق داده بود
این کشمکش قدری از وقایع صد روزه در کار بوده و سبب اختلاف بین دول معظمه گردیده و تا اندازه
از آن اختلاف استفاده کرده فرانسه را ... در ردیف دول معظمه آورده با طالع خود تالیران

و انگلیس در مقابل پروس و روس بسته بود لکن وقایع صد روزه تمام ترتیبات را بهم زد و دول
اروپا را از ترس مراجعت ناپلئون متحد نمود و اختلافات ایشان را مبدل به اتفاق کرد
بعد از وقایع صد روزه هر یک از دول سابق الذکر بجزئی از تقاضای خود راضی شدند
روسیه قسمت عمدهٔ لهستان را با شهر ورشو به موجب تقاضات لهستان جزو لهستان روس گرفت
پروس قسمتی از ساکس را متصرف شد و در باب ناپل حق را با پادشاه سابق ناپل دادند و
چون مورا خیانت کرده ناپل را ترک کرد و او را دستگیر و تیرباران شد
اما ترتیب کنگره از این قرار بود که در ماه اکتبر ۱۸۱۴ رسماً مفتوح شد و در ژوئن ۱۸۱۵ ختم
گردید ولی در مدت حقیقةً کنگره منعقد نشد بلکه از ابتدا کمیسیونها ترتیب دادند از نمایندگان
دول مختلفه و آن کمیسیونها مشغول کار شدند و در واقع دول معظمه یکی یکی با هم قراردادها
داده عهدنامه‌ها منعقد نمودند در موقع ختم کنگره این عهدنامه‌ها را یکجا منتشر نموده این مجموعه
موسوم به آخرین کنگرهٔ وینه نامیدند برای کنگرهٔ وینه از تمام دول اروپا نماینده فرستاده بودند
جز از عثمانی که دول عیسوی اروپا آن دولت را داخل در جرگهٔ خود ندانسته دعوت نکرده بودند
نمایندگان معروف در این کنگره از این قرار بودند: مترنیخ صدر اعظم اتریش nessel_
rode صدر اعظم روس ... humboldt و ... از وزرای پروس castle_
reagh و ولینگتون نمایندگان انگلیس ... نمایندگان دول آلمان ... اول و فردریک
گیوم و فرانسوا نیز از جهت ... در وینه حضور داشتند از نمایندگان فرانسه هم تالیران بود
در مدت انعقاد کنگره در وینه مهمانیهای رسمی بسته دائر و جشنهای زیاد دیگر شد چنانکه گفته
اند کنگرهٔ وینه در میان تآترها و مجالس رقص و جشن و مهمانی دائر بوده است
اصول ترتیباتی که در کنگرهٔ وینه داده شده است برای معاهدات وینه و ترتیب اروپا از
حیث تقسیمات سیاسی از قرار ذیل شده است:

هم شده بود عثمانیها بازگشت نمود معذلک سال ۱۸۰۰ [illegible] هزار نفر به عده قشون روسیه افزوده بر بروم هم [illegible]
روسیه نسبت به سابق [illegible] در جنگ کرده و معاهده‌ای هم منعقد داشت [illegible] حاضر نمود در حالیکه هم [illegible]
روسیه زمان با فرانسه هم خاک شده و از جهت دریک [illegible] جمعیت بزرگی حاضر کرده با بقیه
قوه مقاومت با فرانسه داشته باشد

اما ترتیب حال جزو از این قرار گردید هر جزیره را علیحده کرده از محو ایشان و مملکت [illegible]
را در تحت سلطنت خانواده اورانژ تشکیل دادند و جمهوریهای متحده [illegible] را [illegible]
سه ناحیه تازه [illegible] را به آن دولت ضمیمه کرده و بیطرفی آن دولت را ضمانت نمودند
ایالات ساوا و آوش و نیس و ژن را با جزیره ساردنی به پادشاه ساردنی [illegible] سلطنت [illegible] را نیز داشت
و اگر چه شده و [illegible] دولت [illegible] ساردنی [illegible] و گاهی هم [illegible] شده
و مقتدرترین دولت ایتالیا اتریش [illegible] تشکیل داده شد [illegible] دولت [illegible]
[illegible] روسیه [illegible] ترتیب حال و قواعد داده شده [illegible]
هم از [illegible] آن دولت [illegible] امپراطوری ناپلئون [illegible]
اوضاع را برای [illegible] ناپلئون تشکیل داده
[illegible] پادشاه انگلیس [illegible]
ناپلئون برای [illegible] از قید اسیر [illegible] مرگ [illegible] عنوان سلطنت [illegible] پادشاه
انگلیس را هم عنوان سلطنت [illegible] (در صورتیکه [illegible] بود) [illegible] را
تحت [illegible] اتحادیه آلمان را در تحت ریاست امپراطور اطریش برقرار نمودند
لکن نه [illegible] امپراطور اطریش دیگر [illegible] امپراطور آلمان [illegible] و قدرت او در آلمان خیلی کمتر از سابق
در ایتالیا [illegible] مستقله سابق را [illegible] و مملکت [illegible] بصورت اول
شاهزاده [illegible] و اگر [illegible] شده [illegible] شاهزادگان آلمان

[illegible] منعقد گردید: انگلیس و روسیه و اطریش و پروس و روسیه از این ممالک [illegible]
هر جزیره‌ای حاضر [illegible] دریاها [illegible] تمام ممالک [illegible] حاضر کرده بودند
به [illegible] مملکت خویش [illegible] ملحقات خود افزودند

انگلیس [illegible] دریای [illegible] جزیره مالت و جزایر ایونی و در
[illegible] (در [illegible]) را و [illegible] کاپ و جزیره [illegible]
[illegible] و در آسیا جزیره سیلان را [illegible] متصرف گردید [illegible]
[illegible] و جزایر دیگر از فرانسه و اسپانیا [illegible] شده)

اطریش در [illegible] آلمان ایالت salzbourg و در ایتالیا [illegible] و ونیز و در [illegible]
ایالت [illegible] raguse را متصرف شد

پروس [illegible] که از او [illegible] شده بود ([illegible] در معاهدات ناپلئون با [illegible] داده)
[illegible] از تصرف اطریش خارج گردید [illegible] جمعیت ممالک اطریش
افزوده شد ([illegible] جمعیت اطریش [illegible] ۳ میلیون بود)

دولت روس [illegible] بالطبع [illegible] را متصرف شده قسمت عمده
لهستان هم [illegible] ناپلئون [illegible] ورشو را تشکیل داده بود هم دولت لهستان در تحت سلطنت
امپراطور روسیه قرار داده شد [illegible] لهستان را [illegible] پادشاه آن مملکت امپراطور
روس را قرار دادند [illegible] ترتیبات [illegible] از [illegible] شده
روس قسمتی از لهستان را [illegible] قسمت [illegible] شرقی و جنوب [illegible]
آن ممالک گردید و [illegible] خاک پروس [illegible] قسمت گردید یک قسمت بزرگ در سمت شرق
[illegible] آن مملکت [illegible] قسمت دیگر [illegible]
[illegible] Prusse Rhénane گردید [illegible] ناپلئون [illegible] آن مملکت

همچنین در همین اوان و در این بین به رابطه تنگ یافتن شاهزادگان اطریش در حقیقت تابع اطریش
بود هم ایطالیا رابطه تنگ با اسپانیول و نیز با اطریش و تبعیت [illegible] نسبت با تجزیه دولت
و دولت نفوذ اطریش قرار گرفت و در اسپانیا و پرتقال نفوذ دولت در ضمن سواحل [illegible] [illegible] شده در ملک
شاه لهستان و پروس را از دانمارک مجزی کرده بودند تفویض نمودند و در عوض پادشاه دانمارک
شاه هم شده نیز holstaine lauenbourg schelswig را [illegible] آلمان بود و [illegible]
این بود مجموع کارهائی که در کنگره وینه انجام یافت این ترتیب جدید [illegible] ملل [illegible]
وینه را ترتیب داده بودند برقرار ماند ولی لازم بود [illegible] زیاد [illegible]
که طرف [illegible] تمام تقاضاهای خود را حاصل نموده بودند از طرف دیگر بسیاری از این ترتیبات
مخالف [illegible] و [illegible] بسیاری از [illegible] گردید [illegible] انقلاب [illegible] داد.

فصل هشتم

نتایج انقلاب کبیر در اروپا

انقلاب کبیر فرانسه سال‌های [illegible] چند در اروپا تولید کرد و از کنگره وینه ببعد در تشکیلات اروپا و اوضاع
داخلی ممالک و ملل تمام حاصل کرد و [illegible] سال‌های عمده تاریخی اکثر [illegible] از انقلاب کبیر
تولید گشته و در اروپا انتشار داد و [illegible] انقلاب کبیر [illegible] واقع شد اول
نتایج آن آثار [illegible] استبداد دولت [illegible] آزادی
و مساوات [illegible] تولید [illegible] که [illegible]
خارجی [illegible] وقایع [illegible] از آزادی در
امور سیاسی [illegible] داخلی و خارجی [illegible] مساوات [illegible]
[illegible] آزادی [illegible] آزادی ملی [illegible]
[illegible] مساوات [illegible]

آزادی ملی. — نظر جنبش آزادی ملی تولید یک جنگ بزرگ نمود اهل هر مملکت که به همین هم مشتق از
اهل هر مملکت هم اکثرشان از یک شعبه ملت و [illegible] و [illegible] [illegible] استبداد
دولت شده جمعیت دیگری [illegible] کشورها [illegible] آزادی
[illegible] ملی [illegible] اول [illegible]
طالب امنیت و آرامی بودند ([illegible] امنیت برای [illegible] اهمیت داشت) و [illegible] انقلاب
فرانسه واقع شد آزادی ملی را [illegible] انقلاب [illegible] داده و انقلاب را [illegible]
[illegible] استبداد [illegible] عقیده را در میان مردم [illegible]
[illegible] آزادی [illegible] میشد
[illegible] انقلاب کبیر [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] légitimist [illegible] عقیده [illegible] سلطنت [illegible]
و آن سلطنت [illegible] تاریخی و [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] ترتیب سلطنت [illegible]
légitime بخوانند و [illegible] ترتیب [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible] عقیده [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] انقلاب کبیر [illegible] عقیده [illegible]
در واقع [illegible] حقوق [illegible] قائم [illegible]
[illegible] تفاوت [illegible] ترکیب [illegible] کنگره وینه [illegible] عقیده [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] قرار کردند
[illegible] آزادی [illegible] سلطنت استبدادی [illegible] عقیده [illegible]
در اروپا [illegible] اروپا [illegible] انقلاب [illegible]

و شروع این انقلاب‌ها از این جهت شد که اکثر سلاطین مستبد از قبیل امپراطور اطریش و پادشاه پروس در موقع جنگهای ناپلئون برای آنکه رعایای خود را با خود همراه کنند، به آنها وعدهٔ آزادی و مساوات با طور اتفاق وعدهٔ کنستیتوسیون داده و چون از جنگها فراغت حاصل نمودند و بر ناپلئون غلبه کردند وعده‌ها را فراموش نموده بلکه اقدام کردند و گذشته از جلوگیریهائی که در داخلهٔ ممالک خود میکردند به کمک اتحادی هم برای رفع آزادی طلبان و جلوگیری انقلاب بطور عموم داوطلب شدند و شرح این اتحاد را در موقع به تفصیل مقدس است چنانکه خواهیم داد

مسئلهٔ ملیت ـ مسئلهٔ ملیت ناشی از حکومت ثابت هر دولت است تا باید حکومت موافق میل ملت باشد و تابع هوس حاکمی نباشد در دست یک حکومت واقع شود هم اجنبی، جماعت از آن حکومت باشند و دسته حاکم رعایا، جماعت از یک حکومت و دولت باشند و خود را یک ملت شناسند بنابراین عقیده نظامی به شمار و گفته هر یک ملت باید یک حکومت و دولت مستقل فارغ داشته باشد و این عقیده معروف مسئلهٔ ملیت nationalité است و از مسئلهٔ ملیت جنگهائی تولید شده معروف گشت ملیت‌ها طرفداران های ملیت حکومتهائی را که از قرن هجدهم تا قرن نوزدهم بدون رعایت میل و ارادهٔ مردم تشکیل یافته مبنی بر ظلم دانسته‌اند و فقط در مواردی این حکومتها را مشروع میدانند که یک ملت واحد بودند و به میل خودشان تن به اختیار یک حکومت مشترک داده و شعار حکومت فرانسه و اسپانیول و پرتغال را موافق با اصول ملیت میدانستند ولی در اروپا های ملیت منتفی شده بود که در جزو مملکت اطریش و عثمانی ملل مختلف را که دارای نژاد و السنه و عادات مختلف بودند در تحت یک حکومت واحد نگاه میداشتند و دیگر در ممالکی مثل ایتالیا و آلمان تا هر یک ملت واحد بودند لیکن به دول متعدد تقسیم شده و بعض قسمتها نیز در تحت حکومت اجنبی بود (مثل لهستانی‌ها روس و هر نژاد و ایتالیائی‌ها که در تحت حکومت اطریش قرار داشتند) مسئلهٔ ملیت در زمان کنگرهٔ وینه هنوز کاملا ظاهر نشده بود بلکه در این کنگره به کلی بی‌اعتنا ماند و بعد از مدتی ظهور آن در نتیجه وقایعی که کنگره پدید آورده بود

رفته این ها را پس برده است

اول بروز اینکه از مکاتبات مهم کنگرهٔ وینه شد مبنی بر آزادی طلبی بوده و اسباب شورش در چند ممالک گردیده است از آن جمله در ممالک آلمان و اطریش و ایتالیا مسئلهٔ ملیت با مسئلهٔ آزادی طلبان ترکیب شده، بدین معنی که بعضی از آزادی طلبان طرفدار ملیت نیز بودند و بعضی از طرفداران ملیت مخصوصاً به آزادی نظری نداشتند برای پیشرفت مقصد خود با آزادی طلبان همراه شدند

بدین ترتیب در نیمهٔ اول مائهٔ نوزدهم وقایع عمده در اروپای غربی و مرکزی انقلابات در ممالک بوده و این انقلابات کم و بیش تمام شده و در عقب چند دوره پیشرفت آزادی و چند دوره ارتجاع گردیده است و بر روی هم برای پیشرفت آزادی بی‌اثر بوده لیکن جز در یک دو مورد (بلژیک و یونان) مسئلهٔ ملیت از این انقلابات هیچ پیشرفتی حاصل نشده است از نیمهٔ مائهٔ نوزدهم ببعد بعضی از دول اروپا (دولت پروس و دولت پیمونت در ایتالیا) مسئلهٔ ملیت را وسیلهٔ پیشرفت مقاصد خود قرار دادند و چون مقاصد سیاسی دول با مسئلهٔ ملیت ترکیب شد تا حدی این مرتبه پیشرفت حاصل نمود

گذشته از اروپای مرکزی و غربی یک قطعهٔ دیگر از این قطعه از اوایل مائهٔ نوزدهم ببعد مرکز انقلابات شد، واقع شده و آن ممالک بالکان هستند و تمامی در تصرف عثمانی بود در ممالک بالکان کاملاً مثل اروپای غربی و مرکزی پیش آمده بود یعنی در آن ممالک (منتها برخی) انقلابات مسئلهٔ ملیت بوده است و پیش آمد شور و ملیت و آزادی از پیشرفت مسئلهٔ ملیت بوجود آمده یعنی در ممالکی که از عثمانی گسسته و بالنتیجه انقلابات آن ممالک که از تجزیه از عثمانی بوده است ترتیب شور و ملیت برقرار شده است در ممالک بالکان قضایای استقلال طلبی را نمیتوان تنها مسئلهٔ ملیت هم در اروپا، در مرکز و غرب ظاهر شده که دیدیم هم در اروپای مرکزی و غربی مسئلهٔ ملیت چنانکه اشاره کرده‌ایم از آثار اصول انقلاب فرانسه شده است در ممالک بالکان مدتی قبل از ابتدای تسلط عثمانیان بر خود آزادی داشته و دین و عادات تاریخی و نژادی حفظ کرده از ظلم و بدرفتاری عثمانیان حاصل شده با کمال ملاحظه بوده است و در مائهٔ نوزدهم به اتفاق

و مجارها، بکار انجمن در آورده صنف حرکت شانها و تحریکات باطنی دول اروپا خصوصاً روسیان تبعات
و عقاید آزادی طلبانه بین اهالی و ارتباط انقلاب فرانسه منتشر شده در بین اهالی کمتر اثر داشته است انگلیس
انقلابات، بلکان در تبع اروپا یا ان دیگر و روز بروز پیشرفت انقلابات اروپای مرکزی با خلاف نمودها
کلیات اوضاع عالم از نگفته و به نیمه تحت بنابراین باید وقایع فوق و وقایع عمده اروپا را از نگفته دیده
بعد بجنبه شعبه تقسیم میشود: ۱ اول انقلابات داخله ممالک برای حصول آزادی ۲ دوم مسئله ملیت ۳ سوم
مقاصد سیاسی دول و منفی بر ارزش اروپا …

این مسائل هر یک که کمتر مرتبط شده است انقلابات آزادی طلبان با مسئله ملیت و مسئله ملیت با مقاصد سیاسی
دول در اغلب جاها این مسائل را بهم وقایع … شده است به طوری که باید هر وقت تقسیم شود: ۱ وقایع
اروپای مرکزی و غربیه دیگر وقایع بالکان که در تحت عنوان مسئله شرق Question d'orient
در نتیجه وقایع اروپای مرکزی و غربیه مختصراً راجع به امور داخله اروپا است اما مسئله شرق غیر
از این است که همیشه یک عنصر بزرگ در مسئله شرق سیاست انگلیس بوده است و مداخله انگلیسیان
در امور بالکان نظر سیاست انگلیس در خارج اروپا یعنی برای حفظ تسلط آن دولت در هندوستان
و با مخصوص جلوگیری از دست درازی دول دیگر به هندوستان تمام دیگر نیز هر کار بالکان توجه داشته
یعنی روس و اطریش تعقیب شان از مداخله در ممالک بالکان فقط بدست آوردن قسمتی از آن ممالک
نبوده بلکه بیشتر به نفوذ در بالکان مخصوصاً در اطراف دست یافتن بر قسطنطنیه راه مهمی
برای خود باز کنند که در دریا و خارج اروپا دست یابند (توجه به قسطنطنیه بیشتر مخصوص به روسها بوده)
اما در مائه نوزدهم وقایع عمده عالم منحصر به داخله اروپا نیست زیرا ممالک خارج اروپا نیز مثل ممالک
امریکا و آسیا اهمیت حاصل کرده در وقایع سیاسی عالم دخالت میکنند و این اهمیت هم برای ممالک خارج
اروپا حاصل میشود البته از راه جنگ خارجی اروپا یا … در خارج این قطعه دارای تمرکز
شوند و در جنگ … که با یکدیگر رقابت میکنند در ضمن در امریکا ممالک متحده تشکیل هم وجود آن تحت جنگ استقلال

اروپا و در مائه هجدهم حاشیه اهمیت حاصل نکرده بود بلکه در نیمه دوم مائه نوزدهم با دول اروپا هم برابری گردید
و در آسیا جنگ استقلال تا اروپا پایان تمدن اروپایی را تا حدی منتشر ساخته اول … از این هم حاضر
میشود به طوری که اروپا … است و تا آخر مائه نوزدهم خود را … بر دیگر ممالک با دول معظمه اروپا برابر
بین یکدیگر مائه نوزدهم با این حال شروع میشود مرکز تمدن و سیاست عالم اروپای غربیه و مرکزی است
و مائه بیستم شروع میگردد در همین حال هم مرکز تمدن و سیاست عالم از شرق اقصی تا امریکا بسط یافته است بلکه
ممالک او قانونی نیز جزء ممالک متمدنه دنیا بشمار میآیند

از شرح فوق معلوم میشود که بهترین تقسیمات برای … در تاریخ معاصر این است که وقایع عالم را به پنج قسمت تقسیم کنیم
اول وقایع اروپای غربیه و مرکزی دوم مسئله شرق سوم مسئله جنگ استقلال امریکا و شیوع آن در
تمدن و اوضاع سیاسی عالم

برای تقسیمات باید تاریخ تمدن و علم و صنعت وغیره آن و بعضی امور که از حیث اهمیت نیست، هم باید
الذکر در درجه دوم قرار بگیرد مثل استقلال ممالک امریکای مرکزی و جنوبی و از هم شد
در کتابچه این امور … تقسیم بزرگ نیز از حیث زمان متمایز … و آن تقسیم به نیمه اول و نیمه دوم مائه نوزدهم است

فصل نهم

اروپای غربی و مرکزی در نیمه اول مائه نوزدهم

پیش ذکر کردیم که دول اروپا برای جلوگیری از انقلابات تشکیل اتحادی دادند این اتحاد و تعقیب نمودند
کنگره‌ها و تا مدتی این اتحاد در امور اروپای غربی و مرکزی حکمفرمایی داشته است زیرا که دول
متحد اتحاد مقدس از انقلابات جلوگیری میکردند تا اینکه همیشه در انقلابات اروپا مؤثر بوده
پس آنهای داخله فرانسه بوده است که در ممالک دیگر انعکاس حاصل میکرده خاتمه دوره ارتجاع
و حکومت … فرانسه مقارن با … ممالک دیگر میشود همچنین دوره‌های بحران و انقلاب فرانسه با بحرانها
در ممالک اروپا مقارن میگردد و این وضع تا ابتدای نیمه دوم از مائه نوزدهم یعنی تا … ادامه داشت

دوام دارد و این مدت در تاریخ اروپا زمان آرامی است از حیث جنگهای بین دول و زمان انقلابات
است از حیث انقلابات داخلی در غالب ممالک مهمه اروپا که بعد از جنگ ناپلئون شد ملیت و انقلابات
داخلی را تابع خود نماید مخصوصاً این امر توسط دو ختم جنگ ناپلئون تشکیل شده عهد و قرار از آن
جنگ نکرده اند بعد حال وقایع اروپا را از نظر گذرانده و چنانکه گفتیم این دوره را میتوان تقسیم
کرد: اول دوره اتحاد مقدس و رجعت و ارتجاع در فرانسه دوم دوره آشتی دول انقلابات مقارن
است با سلطنت ژوئیه (سلطنت لوئی فیلیپ) و جمهوری دوم در فرانسه

سلطنت ژوئیه یا سلطنت لوئی فیلیپ در نتیجه انقلاب ۱۸۳۰ که خانواده اورلئان را از میان برداشته روی
کار آمده است و جمهوری دوم در نتیجه انقلاب ۱۸۴۸ تأسیس شده و شامل نهضت انقلابات اروپا
مقارن با انقلاب ۱۸۴۸ میباشد.   دوره اتحاد مقدس و رجعت ارتجاع در فرانسه

اتحاد مقدس ـ جنگهای ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۵ آلکساندر اول امپراطور روسیه را در اروپا دارای اهمیت و نفوذ
کامل کرده بود همچنین چند نفر از رجال در نتیجه غلبه بر ناپلئون دارای اعتبار و نفوذ کامل شده بودند
این قبیل رجال در نتیجه شکست ناپلئون بعد از جنگهای ناپلئون داخل در رجال سیاسی اروپا شده و چند
او دخالت کامل در اوضاع سیاسی اروپا پیدا کرد و همچنین نیز وزیر اول انگلیس و مترنیخ وزیر اطریش
هم تقریبا اختیار مطلق مملکت شده تا مدتی سیاست اروپا را در دست داشت

آلکساندر اول جوانی بود با روش و مهربان و در اوایل سلطنت با آزادی مخالف نبود بلکه نسبت به آن
این عقاید داشت چنانکه لهستان را پس از تجزیه مجدد و ملحق نمودن به روسیه آزادی و مملکت داد
لکن بعد از جنگهای ناپلئون که از زمان ... آلمان و ایتالیا رفتار انقلاب فرانسه بود و آن
انقلاب را از نتیجه دین مسیح سیاستی در وجود آلکساندر و تأثیر سیاست فاتحانه درباره او و خرافی و عوام
و دینی گردیده میخواهد نفوذ کامل حاصل کرده نفوذ این زن آلکساندر را متعصب و متوجه با جرأت و ادب
مسیح و او داشت و بنظر تاریخ او از آزادی نسبت به مردم بی توجه شد

اما مترنیخ سردسته مرتجعین آن زمان بود و خصومت فوق العاده با آزادی و انقلاب داشت آزادی را مرادف هرج و مرج
میدانست و انقلاب را بزرگترین بلیه میشمرد و مرض مسری خوانده با آن مبارزه میکرد تشکیلات انقلاب اروپا را
مرض مسری خوانده برای جلوگیری از این بلیه بزرگ لازم میدانست دول اروپا دست بدست یکدیگر داده
از هر خیال جدیدی جلوگیری کنند تا کار به انقلاب و اختلال نظم عمومی نرسد بعبارة اخری بعنوان حفظ نظام عالم
و رفع انقلاب با آزادی و هر خیال جدید و هرگونه اصلاح و تغییری در اوضاع قدیمه خصومت میورزید و ساعی بوده
که اوضاع قدیم را از هر حیث نگاه دارد

آلکساندر تحت تأثیر عقاید دینی که در فوق شرح دادیم در صدد بر آمد بین سلاطین اروپا روابط برادری دینی
مسیح فراهم کند بعبارة اخری کاری کند که سلاطین اروپا یکدیگر را حقیقةً برادر شناسند و طبق اصول دینی قرار
کنند و در حفظ صلح و نگاهداری رعایای خود بطور خیر و سعادت رفتار نمایند برای این منظور اتحادی تشکیل داد و بنا بر
ترحم و اخوت از اصطلاحات و احکام دین مسیح و بهمین جهت آن اتحاد را امپراطوران روسیه و اطریش
و پروس عهد اتحاد مقدس نامیدند بعدا دول متحده اروپا باستثنای انگلیس یک یک داخل اتحاد
مقدس شدند و بدین شکل اتحاد مزبور شامل تمام اروپا گردید و انگلیسیان هم تقریبا در آن اتحاد و قرارات
آن داخل شدند و بطور موافقت رفتار کنند اما مترنیخ مخالف انقلاب را در نظر آلکساندر جلوه داد
جلوه داده او را مرتجع تر از انقلاب از موافقت با آزادی و آزادی طلبان منصرف کرد و در آخر هم
هم اتحاد مقدس را آلت جلوگیری از انقلاب قرار داده بایستی گفت بزرگترین مرتجع هم عهد
یکدیگر و عالم ساخت تقویت کنند این است که در جلوگیری از انقلاب هم کمک نماید و این مسئله را قضاوت
دنبال کرده با وجود مخالفت دول برای حفظ استقلال خود در ... از نظر گذرانده هم بموجب اتحاد مقدس تشکیل
شده بود این مطلب را مطرح کرده دول برای جلوگیری از انقلاب در عین حال صلح را حفظ کرده ملک
یکدیگر قرار داده خواستند و بدینوجه این مسئله با وجود مخالفت ها با استقلال عموم دول داشت با جرأت مترنیخ در آن
بموجب اتحاد مقدس، بتی گاه گاه گفته مرکب از نمایندگان دول متحده برای مذاکره در سیاست مشترکه

با قرار داد مساعدت بلکه گاه تشکیل شدند و بالاخره اقدامات تدریجی کنگره‌های متعدد در عرض چند سال تکمیل
شد و مجرای جلوگیری از انقلابات بود

اتحاد مقدس تا موقع انقلاب ۱۸۳۰ باقی بود لیکن از حدود ۱۸۲۸ به بعد بواسطه مخالفت انگلیسیان در بعضی
موضوعات و سیاست روس‌ها راجع به یونانیان در عثمانی متزلزل بوده بود بعبارة اخری بواسطه تشابه منافع
دول در بعضی مکان‌ها با وجود تمام جدیت‌ها و جهدهای تدریجی اتحاد مقدس سست شده تدریجاً بواسطه خارج شدن دول
از آن اتحاد متزلزل گردید بطوریکه در موقع انقلاب ۱۸۳۰ اتحاد مزبور دیگر وجود نداشت بهره‌ای اتحاد مقدس
بهره مشاهده‌ای ترقی کرده است هر چند که آزادی طلبان اروپا آن را متحرک نمودند بلکه نتیجه ارتجاع از
این جهت بود که از انقلابات تقویت اتحاد مقدس و اقدامات کنگره‌ها که از اول مرحله تشکیل می‌شد از انقلابات
جلوگیری می‌شد

آثار باقیمانده از انقلاب فرانسه - گذشته از فایدت آزادی طلبانه و بواسطه انقلاب فرانسه در کلیه عالم
منتشر گردید بعضی آثار خاصه نیز از انقلاب کبیر و دوره امپراطوری ناپلئون باقی ماند که تدریجاً در خود فرانسه
با وجود اهتمام کنگره هم در برطرف کردن آثار انقلاب داشتند با دوام و ورود آن ترقی نشد و آن
آثار از این قرار بود: در ممالکی که مستقیماً در تحت اداره فرانسویان در آمده یا تحت ریاست ناپلئون قرار
گرفته بود مثل ممالک آلمان غربی و شمال ایطالیا قوانین ناپلئون مبنی بر اساس مساوات و آزادی شخصی بود
معمول شده بعد از ۱۸۱۵ نیز باقی ماند بعضی از ممالک کوچک آلمان و در آلمان غربی و جنوبی دارای یکنوع مشروطیت
شدند هم آن نیز با وجود جدیت و جهدهای تدریجی نگذاشت از میان برود در این مشروطیت ممالک آلمانی که مختصر
کمی بود و در ترتیب انجمن‌های ولایتی هم از قدیم داشتند) فقط یک درجه تقلیل داده شد در ترتیب مشروطیت موجود
تقویتی که ناپلئون در ممالک آلمانی کرده بود جزئی تغییری باقی ماند (این ترتیب ممالک
آلمانی تشکیل مرکزیت نزدیک گردید در فرانسه دیگر ممکن نشد به هیچ وجه اداره مطلق باز برقرار گردد
هیچ هم در ممالک اروپا به هیچ وجه از ناپلئون جلوگیری شد ولیکن بعضی آثار و هم آن آثار نیز رفته‌رفته بیشتر

آزادی و اصول ملیت کمک کرد از این قبیل بود وجود بعضی مجامع مخفی مخصوصاً که شبیه مجامع مخفی در ایطالیا که در
در زمان ناپلئون برای استخلاص ایطالیا از دست فرانسویان تأسیس شده بود و آن مجامع مخفی در جستجوی
اتحاد و ارتباط اهالی ایطالیا با نام Carbonari معروف شده بودند و اعضاء مجامع کاربوناری جماعت بود
از یک سلسله انجمن‌های کوچک مخفی که همه به هم مربوط بودند لیکن هیچ کدام اعضای انجمن‌های دیگر را
نمی‌شناخت بعد از ۱۸۱۵ و در ۱۸۲۱ یک مجمع نیز از این انجمن‌ها تقلید کرده مخصوصاً در فرانسه به لفظ کاربوناری را
تلفظ فرانسه Charbonnerie گفتند

بعد از ۱۸۱۵ استیلای بزرگان قدیم مرتجع که از هر حیث با آزادی و آثار انقلاب و زمان
ناپلئون مخالفت کردند تا اندازه‌ای هم بناهای ناپلئونی را هم نخواستند خراب کنند هر چند که گذشته از جنبه بعضی
تأسیسات راجع به فواید عامه و بعضی راه‌های شوسه) آثار سیاسی سابق الذکر و بعضی آثار جزئیه دیگر
از انقلاب فرانسه و امپراطوری ناپلئون باقی ماند بنای دنیای بعد از ۱۸۱۵ غیر از دنیای قبل از انقلاب
بود و معتقدات اوضاع جدیدی برای سیاست و ترتیب اجتماعی دنیا فراهم بود و بعضی از آثار مختصر آن
ظهور داشته و بعضی بطور مخفی بود و نظام مقدس نتیجه معتقد از اندیشی اجتماعات هر فرد و افراد مردم آن
دوره رجعت در فرانسه - از خانواده بوربن بعد از ۱۸۱۵ فقط لوئی هیجدهم را در لوئی ... که سابقاً
ذکر کرده‌ایم یعنی لوئی ۱۸ و شارل ۱۰ در فرانسه سلطنت کردند و شارل ۱۰ جانشین لوئی ۱۸ شده و در
زمان سلطنت او انقلاب ۱۸۳۰ اتفاق افتاد و هم خانواده بوربن را از سلطنت انداخت و یک
از شاهزادگان را موسوم به لوئی فیلیپ هم از خانواده اورلئان که سلطنت بیانیه بوده سلطنت
لوئی ۱۸ و شارل ۱۰ را Restauration des Bourbons گویند و ما باقی برقراری
آنها در اینها رجعت نمود و دوره سلطنت لوئی فیلیپ را هم از انقلاب ژوئیه ناشی است monarchie de juillet سلطنت ژوئیه گویند
سابقاً دیده‌ایم هم در اینها که ترتیب مجدد و عهدنامه ... و چگونه زمان ... ها از ... فرانسه
اساسی بعد از رجعت آنها نیز باقی ماند و بموجب آن تشکیل پارلمان را داده شد

قانون اساسی فرانسه یعنی کنستیتوسیون شارت که برای حفظ و تحکیم ترتیب داده شده بود تقلیدی بود از کنستیتوسیون
انگلیس زیرا که در آن زمان انگلیس تنها مملکتی بود که با داشتن یک پادشاه مبنی بر آزادی و رفاه ملت و آسایش
عامه بود و به جهت تنها کنستیتوسیونی مبنی بر آزادی و آسایش و امنیت عمومی دانسته می‌شد [illegible]
کنستیتوسیون انگلیس [illegible] و در آن وقت قریب صد سال بود در انگلیس [illegible] حزب [illegible]
روی کار آمده و از جهت کنستیتوسیون انگلیس چنین ساخته بود آزادی فوق‌العاده [illegible] عبارت از حقوق انگلیس تأمین [illegible]
در حال ارتجاع بود و به جهت ارتجاع او چنین مجبور شدند که قول کنستیتوسیون [illegible] تقلید انگلیس [illegible]
بنابر شرح فوق در فرمان‌های آزادی شخصی و سیاسی و آزادی مطبوعات و جز آن [illegible] ذکر شده و [illegible]
نیز قید گردیده بود لکن آزادی سیاسی و آزادی مطبوعات [illegible] بودیم [illegible]
[illegible] در فرمان‌های ذکر شده بود برای مطبوعات و انتخابات تا زمانی که [illegible] گذاشته شده و آزادی
سیاسی و آزادی مطبوعات در حقیقت وسیله‌ای باشد و قانون هم [illegible] (آزادی سیاسی [illegible]
نمایندگان [illegible] در قانون انتخابات [illegible] آزادی سیاسی
هیئت مقننه از دو [illegible] تقلید انگلیس [illegible] شاهی [illegible] بود که یکی مجلس
Chambre des Pairs شاهی نمایندگان ملت و دیگری مجلس اعیان Chambre des Députés
[illegible] انگلیس بود و [illegible] nobles [illegible]
[illegible] از جانب پادشاه داده [illegible]
در فرمان‌های [illegible] و وزرا [illegible] تقلید کنستیتوسیون انگلیس [illegible]
[illegible] رفتار [illegible] وزرا [illegible] مجلس باشند [illegible]
مجلس انتخاب [illegible] در زمان [illegible] گفتگو [illegible]
[illegible] وقایع [illegible] رجعت [illegible] وقایع [illegible]
اصول [illegible] حال [illegible] ارتجاع [illegible] آزادی [illegible]

وحتی وقت نیز اعمال [illegible] و [illegible] در آن [illegible]
[illegible] رفتار [illegible] ارتجاع [illegible]
آزادی‌طلبان [illegible] کشته شدند و [illegible]
[illegible] در تحت [illegible] شد و به جهت [illegible]
نمایندگان [illegible] ارتجاع [illegible] مجلس [illegible]
[illegible] مجلس را Chambre introuvable [illegible] مجلس [illegible]
شده بود [illegible] تکلیف خود را در انفعال آن دانست و [illegible]
[illegible] ultra (outre) royaliste
(plus royaliste que le roi) یعنی آن در واقع سلطنت‌طلب‌تر از پادشاه بودند
[illegible] سلطنت‌طلب [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] سلطنت‌طلب‌تر از پادشاه [illegible]
[illegible] نمایندگان [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] فرمان‌های [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] پادشاه
[illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] Congrégation [illegible]
[illegible] کنستیتوسیون [illegible] سلطنت [illegible] فرمان‌های [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]

سیم حزب لیبرال (آزادی طلب) هم آنرا مینامیدند indépendant (مستقل از احزاب دیگر) میگفتند
این حزب در ظاهر برخلاف آن ادوار اولیه تمکین فرمان‌های نوشته شده و در باطن برضد رژیم بودند و بعضی از آنان
جمهوری طلب بودند و چون اکثر از متمولین و تجار بودند با قدرت و نفوذ کششان با مناصرت داشته اعم
طبقه متوسطه و بعضی از سرمایه‌دارهای متمول و تجار و صنعتگران شهرهای بزرگ

اموریکه بین این احزاب موضوع مباحثه و کشاکش بود بیشتر از قرار ذیل است: اول ترتیب انتخابات که در فرمان
های مجمع مبلغ معینه مالیات مستقیم [باید پرداخت] را قدر شده بود و ارتجاعیون میخواستند در قوانین انتخابات لازم
تمام اقتدار را بدست آورند و آزادی طلبان سعی داشتند از این امر کاسته شود

دوم قانون مطبوعات هم بموجب فرمان‌های بعدی برای جلوگیری از سوء استعمال در آزادی مطبوعات
وضع شده و ارتجاعیون با جمیع آنها میخواستند که آزادی مطبوعات را از میان بردارند

سیم ترتیب بودجه که در فرمان‌های قید شده بود که توسط پارلمان باید تصویب شود ولی در ترتیب
آن از حیث تنها وضع و وضع مشخص نشده بود

چهارم قشونگیری Conscription هر دولت رضایت خاطر مردم را حاصل کرده بود که قشونگیری اجباری را
ترک خواهد کرد ولی ترتیب جدیدی نگذارده بود [illegible] قشونگیری اجباری را نخواسته ترک کنند لکن
ذوق اهالی داده بود مردم از رفتار ناپلئون در وضع قشونگیری داشته در حقیقت این شکایت از ترتیب قشونگیری
نبود بلکه کثرت قشونگیری و زیادی جنگها بود که اغلب مردم را از زیر پلو [illegible] بیزار کرده بود
با وجود وعده دولت در ترک قشونگیری اجباری ملاحظات مجبور شده بصورت دیگری این ترتیب را برقرار کنند
قانون انتخابات و قانون مطبوعات در واسطه کشمکش هم در سر آن چندین مرتبه تغییر کرد یعنی هر وقت در
مجلس عده آزادی طلبان بود قوانین فرمولی برای سهل [illegible] وضع شده و هر وقت ارتجاعیون غالب میگردید
آن قوانین را تغییر میدادند بلکه در بعضی مطبوعات گاهی حالت برضد قانون ترتیب تفتیش با انسداد را مکرر
و از هر جهت منع آزادی مطبوعات میکردند و در ۱۸۲۰ [illegible] بعد جنبشهای ارتجاعیون کاملاً [illegible] پایان نمیرسید

از کارهای مهم لوئی ۱۸ در سلطنت خود در امور خارجی فراهم کردن تمهیدات برای اخراج قشون خارجه از فرانسه بود
که فرانسویان آنرا liberation de territoire گویند و خیلی آنرا اهمیت میدهند چونکه قشون
خارجیکه بفرانسه آمده بودند خارج شدند لوئی ۱۸ گفت حالا دیگر با کمال قیام میمیرم زیرا که خاک وطن خود را آزاد می‌بینم
در امور داخلی کارهای مهم لوئی ۱۸ انحلال مجلس نمایندگان بود که سلطنت طلبان شدید را تا حدی آرام
نموده و در مدت سلطنت لوئی ۱۸ اکثریت غالباً با اعتدالیون بود و وزرا هم از آنها انتخاب میشد
لوئی ۱۸ بمرد در ۱۸۲۴ و برادرش بسلطنت شارل دهم رسید چنانکه قبلا اشاره کردیم ارتجاعیون قبل از
فوت لوئی ۱۸ اختیار را بدست شارل برادرش شارل با سلطنت طلبان و ارتجاعیون همراهی میکرد و سابقه
او بواسطه [illegible] نمایندگان سلطنت طلب زیاد شده بود تا در سال فوت لوئی ۱۸ اکثریت با سلطنت طلبان شده
و او نیز آنرا کمک میکرد [illegible] چنانکه [illegible] که گفته مجلس نمایندگان [illegible]
نیز آنرا مجلس Chambre introuvable از زمان انتخاب مجلس [illegible] سلطنت شارل دهم آزادی
طلبان در مقابل ارادات [illegible] حالت کشمکش [illegible] در کار انتخابات که با وجود آنکه قانون انتخابات
[illegible] و حکام [illegible] در انتخاب نمایندگان ارتجاعی اهتمام فوق العاده میکردند تا که عده
نمایندگان آزادی طلب زیاد شده [illegible] در انتخاب یکمرتبه ایشان از هم شکسته تا در ۱۸۲۵
اکثریت با آزادی طلبان گردید از این اکثریت شارل دهم در صدد برآمد مسئولیت وزرا را منظور
نداشته بطوریکه غیر قانونی بسته او خود را برقرار دارد [illegible] مخالفین [illegible] در سال ۱۸۳۰ کرده
انقلاب در اروپا و [illegible] در ممالک دیگر — در این اروپا و [illegible] انقلابات در ممالک مختلفه
اروپا [illegible] بواسطه جلوگیری [illegible] مذاکرات [illegible] این انقلابات در آلمان
از جانب مشروطه‌طلبان ترویج گردید و [illegible] ایتالیا و اسپانیا و پرتغال [illegible] حقیقت بر ایشان
انقلاب آلمان یک انقلاب [illegible] بلکه [illegible] ایشان [illegible] از جانب مشروطه‌طلبان هم ترویج آنرا
[illegible] یک انقلاب [illegible] داده [illegible] جلوگیری داده است

محصلین آلمانی در آلمان غالباً بجمعیتهای آزاد ورود نمودند زیرا که بعضی از این ممالک چنانکه پیش اشاره کردیم
دارای یکنوع کنستیتوسیون بوده مخصوصاً در مملکت بادن و باویر مطبوعات آزاد بوده و محصلین را هم با آزادی
تربیت نموده تشکیل مجامع و انجمن کمکی در ممالک آلمان از طرف محصلین بطور اتفاقات ایالتی داشتند در ۱۸۱۳
در ینا مجمعی از محصلین تشکیل شده و طرفدار مرکزیت آلمان بودند در واقع این محصلین یکی از اولین جمعیتهای که
طرفدار ان جمعیت در آلمان بشمار میآیند اما واقعه مهم تاریخی منزله انقلاب محسوب داد جشنی بود هم جمعی از
محصلین و معلمین و دیگر جوانان از شهر ینا بودند در قلعه وارتبورگ بیادگار تأسیس مذهب پرتستان و جنگ
لیپزیک (۱۸۱۵) گرفته در این جشن [illegible] ... بعضی کتابها و کتابهای کهنه پرست را آتش زدند
وهمچنین در همین آن بعضی [illegible] نسبت نظام اطریش ورود کردند و مترنیخ نیز از اظهارات برخلاف استبداد
این جمعیت شناخته شده در آلمان انتشار یافت مترنیخ کراونس کارلسباد و بادن مجبور شده آزادی مطبوعات
را منع کرده تشکیلات مجامع محصلین را موقوف نمود بعضی از محصلین در مقابل این اقدامات تشکیل انجمن مخفی
داده و یک نویسنده آلمانی را که جاسوس امپراطور روس شناخته شده بود به قتل رسانیدند از محصلین تعقیب
سیاسی مترنیخ نیز برای جلوگیری از انقلاب کنگره‌ای در شهر کارلسباد (در اطریش) مرکب از نمایندگان
سلاطین و امرای آلمان تشکیل داد (۱۸۱۹) در این کنگره قرار دادند هر دولت امپراطوری آلمان
و حکومتهای مختلف از اقدامات آزادی طلبانه سخت جلوگیری کند و احوال محصلین همه تحت نظر باشد
حقوق و آزادی مترنیخ جلوگیری از انقلاب داشت نه بود در سرحدهای جنوب روسیه اکثر جمعیتها در اسپانیا
و ایتالیا انقلابات و اقدامات نظیر روسیه و انقلابات جنوب مملکت با قیام قشون و صاحب منصبان قدیم
یعنی صاحب منصبان زمان ناپلئون وقوع یافت چون در اسپانیا هم پادشاه اسپانیا و دیگران [illegible]
[illegible] طرفدار رتبه اول قشون شده در پاریس اسپانیا کار را اختیار و در فرانسه واقع شده بود
مخصوصاً در ادوار حقوق قشون که این جمعیت انقلابی اسپانیا این انقلاب شروع شده همه تسلیم قشون های
فرستادن ، پادشاه حاضر گردد و در ایتالیا از زمان ناپلئون انقلابات تولید شده و دنبال آن را اتخاذ ملتزم

مدام داشت و مخصوصاً با استقلال مملکات ایتالیا (مخصوص) این قشون از روی قانون با پادشاه اجتماع نموده برخلاف سلطان
کردند وانقلاب را بدو گرفت و در اسپانیا مجبور شد تسلیم آزادی طلبان گردد در ۱۸۱۲ در زمان جنگهای
اسپانیا پرتغال با قشون فرانسه مجلس کرتز که همان مجلس عالی و نمایندگان ملت اسپانیا بوده بنا به
ادعای مجلس ایشان بنا بر آثار رسوم قدیم و قانون کنستیتوسیون تحت اسپانیا ترتیب دادند و باسم کنستیتوسیون
۱۸۱۲ معروف است و در اسپانیا مجبور شد که برطبق آن کنستیتوسیون قسم خورده مجلس ملی اسپانیا را بعنوان اصطلاح
قدیم مجلس کرتز گویند منعقد کند

در پرتغال از اسپانیولها تقلید که [illegible] صاحب منصبان شورش نموده و پادشاه را که از ۱۸۰۸ در اثر مداخله
قشون فرانسه مجبور شده به برزیل رفته و در آنجا اقامت نمود مجبور به مراجعت گرده و کنستیتوسیون تقلید کنستیتوسیون
اسپانیا ترتیب داد (۱۸۲۲) همچنین مملکت پرتغال در تحت نفوذ انگلیس بود و اتحاد مقدس در آنجا اقدامات
موقتی آن زمان آن مملکت مربوط به انگلستان بود و انگلیس و کابینه های آن مملکت در محافل اروپا
انگلیس کابینه لندن و انگلستان در کار پرتغال و در پرتغال نیز از لحاظ غلبه انگلیس در زمان هم کابینه لیبرال
برقرار شده در پرتغال آزادی طلبان پیشرفت نمودند

اما برای کار اسپانیا مترنیخ حمله را در اتحاد مقدس پیشنهاد داده و اول دو تشکیل کنگره در شهر [illegible]
[illegible] در شهر ورونا و در این کنگره بود که اول اقدام نظامی را در ممالک ایتالیا برای جلوگیری از
انقلاب قبول کردند

همین در اثر ترتیب شروع حلقه های که در کنگره ترپو از مذاکره رسمی با آن دولت اجتماع کرده بودند
پادشاه ناپل را شخصاً احضار کرد و کنگره را به لایباخ (در دولت کارنیول) بردند و تجاوزات
خود در ناپل برقرار شده اطریش بنام قشون نوشته

و چنانکه کنگره لایباخ بخواهش نفوذ و تفوق ... و در ایتالیا انقلاب شروع شده و این انقلابات
ایتالیا در ... نقطه در ... ایالات دیگری در ... [illegible] مترنیخ باب تشکیل کنگره جدیدی قوام آورد

در شهر وین و در ایالت وِرُن نیز کنگره‌ها تشکیل شد اولی راجع به انقلابات ایتالیا و دومی راجع به انقلابات اسپانیا
جلوگیری کند دولت اطریش که بموجب قراری که در کنگره‌های سابق بسته بود در ... و بموجب قرار کنگره ... انقلاب
اسپانیا و ایتالیا را دفع نمودند اما دولت اسپانیا دو ماه بعد از این انقلابات هم ... اسپانیا ...
چنانکه ... و در قشون فرانسه بشجاعت فوق العاده از ... دولت اسپانیا ... آن مملکت ...
برگشت و ... خود اظهار ... میکرد

خاتمه کار اتحاد مقدس - کنگره ورن آخرین کنگره بود که توسط اتحاد مقدس تشکیل شد و از آن
تاریخ ببعد اتحاد مقدس و طریقه مترنیخ رو بضعف گذاشت (اما طریقه فوق را در ممالک دیگر برای
جلوگیری از انقلاب طریقه مترنیخ یا systeme ... میگفتند) لکن اثر این ضعف اتحاد مقدس
در ... ۱۸۳۰ ... اتحاد مقدس در ... انقلابات ...
و ... کار ... آورد

اما ضعف و انحلال اتحاد مقدس نتیجه اختلافات سیاسی دول بود نسبت بممالک بالکان و امور خارجی اروپا
توضیح آنکه پیش آمدهای بالکان مخصوصاً روس و پیش آمدهای امریکا مخصوصاً انگلیس را ... مقاصد
اتحاد مقدس و طریقه مترنیخ وادار نمود
در بالکان چنانکه ... دیدیم یونانیان شروع باقدامات بر ضد دولت عثمانی کرده ...
... مترنیخ ... بالکان ... انقلابات ...
... [illegible] ...
مرتع کنگره ورن ... نمایندگان ... برای ... مترنیخ ...
... نمایندگان ایشان را در کنگره ... دولت روس ... بالکان ... دولت
تحریک میکرد ... بالکان ... آن مملکت ...
... دولت روس ... اتحاد مقدس ... ۱۸۲۶ ... آن ...

در صورتیکه کاملاً ... بر ضد آزادی و انقلاب بود در موارد بالکان برای پیشرفت مقاصد خویش
از هواخواهی ... یونانیان و ... جنگ عثمانی خودداری نمیکرد این مسئله قطعاً باید امپراطوری
و مترنیخ را ... اسباب ... شد ... دولت روس از اتحاد مقدس خارج شد
مسئله امریکا چنین ... دیگر ... مستعمرات اسپانیا ... و حال آن ...
اسپانیولیان ... امریکا ... خود را ... آن ممالک را فقط ...
... اسپانیولی ... تجارت ...
اسپانیا ... مستعمرات ...
... [illegible] ...
... Creole ...
... [illegible] ...
... اسپانیولیان ... ممالک
... [illegible] ...
... اسپانیا ... اسپانیولیان ...
... سلطنت ... اختیار ...
... دولت ... اسپانیولیان ... آن مملکت ...
... انقلاب ... ممالک ...
... انقلاب را ... Bolivar ...

کلنی و مونرو) بر ضد انقلاب تقاضای آزادی برای اسپانیولیان مقیم در امریکا و پادشاهی در ترقی
حق ملیت برای حرکت شده بود از ۱۸۱۴ و در قرون سابق فقط در تحت سلطنت اسپانیا کار مستعمره‌گیری نبود
در دولت اسپانیا و اعلان استقلال ممالک مستعمرات اسپانیا با این ترتیبات امریکا قریب ۲۰ سال زد و خورد
و بالاخره امریکائیان غالب شدند و کلنیهای امریکائی اسپانیا از امریکای مرکزی و جنوبی تماماً مستقل گردید
(برزیل هم در همین وقت از پرتقال ترقی و بالاخره ... مستقل شد) اما امریکه در انقلاب امریکا مربوط
با عدول اتحاد مقدس شده بود و دولت انگلیس هم نمیخواست آزادی ممالک امریکای جنوبی و مرکزی را تا کند
و نگذارد با آن ممالک معاهدات بکند و میخواست استقلال آن ممالک را رسماً بشناسد و این ترتیب در وقتی بود
که کاسلری اول نیز درگذشته بود و وزیر اول انگلیس شخص دیگری موسوم به Canning حرکت انگلیس اتحاد
مقدس در مقابل اظهارات ایشان بر ضد امریکائیان جواب داده و یکی از معاهدات ۱۸۱۵ دولت انگلیس را
مجبور میکرد هر چند بر ضد ایشان اقدام کند مگر آنکه دولت خود را ذیحق بداند و از اقدام دیگر در این قسمت
مداخله و جلوگیری کند عبارة اخری انگلیسیان در مقابل طریقه ترتیب را اظهار نمودند و چنین دولت را کمال
بر سر کار بیاوردند، اتحاد مقدس ... شده بود که ... آنکه در اول سازش کرده و خاتمه در ... ترقی
خواهیم دید انگلیس و روسیه با اتفاق ... از اسپانیا ... اتحاد مقدس را
ضعیف و بی اهمیت کرد ... از آن اتحاد خارج شدند و ... و روسیه ...
باز هم عده اتحاد مزبور کمتر شد و در موقع انقلاب ۱۸۳۰ در فرانسه و شرکت ...
انقلاب ... و جنگ انگلیس و فرانسه در ... اتحاد مقدس ...
سست شده است

— انقلاب اروپا از ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۰ —

انقلاب فرانسه در ۱۸۳۰ — چنانکه پیش دیدیم از زمان مجلس نیابتی آزادی طلبان فرانسه ...
نمایندگان خود را در مجلس ... کنند تا ۱۸۳۰ اکثریت با آزادی طلبان گردید در این سال ...
مجلس ... شارل دهم پادشاه ... از ... وزرا و ... اولیا ... کرد

ظاهر کرد و از جانب مجلس نیز جوابی به او داده شد و لزوم مسئولیت وزرا را ... در ...
وقت بیان کرده این مطلب را بعنوان پاسخ نطق تخت نمود در ۱۸۲۹ کابینه معروف به پولینیاک
(اسم رئیس آن) مرکب از وزرای آزادی طلب روی کار آمد شارل این کابینه را ...
و بدون رعایت اکثریت مجلس و احساسات عمومی آن هیئت را معزول کرده یکی از نزدیکان خود را
موسوم به پولینیاک بریاست وزرا اختیار کرد و کابینه مرکب از سلطنت طلبان شدید ترتیب داد این
کابینه بنوعی مخالف احساسات فرانسویان بود که ... شارل ... نصیحت کردند
این انتخاب وزرا عاقبتی وخیم خواهد داشت وقتی ترتیب از تشکیل آن کابینه متوحش شد
این کابینه بر ضد ... ملت شده و ... اولین مذاکرات مجلس با دولت
که از ۱۸۳۰ ترتیبی که در فوق گفتیم واقع شد، شارل در مقابل اظهارات نمایندگان مجلس اقدام
از آنکه شروع بکار کرده باشد منفصل نمود و در انتخابات جدید باز عده آزادی طلبان و مخالفین
کابینه ... شارل این ... را ... منفصل کرد ... این حال ... قشون
فرانسه ... جنگ ... الجزایر رفته الجزایر را فتح کرده بود شارل و وزرا تصور کردند
این فتح مردم را مشعوف کرده ... از مخالفت ایشان ... خواهد شد این موقع را برای ...
تقاضا مستعد دانسته ... فرمانهای ... و احکام ...
برای اجرای قوانین و امنیت و صلاح دولت ... که مقصود از این عبارت ...
حکم ... از جانب پادشاه ... پادشاه ... بر ضد ...
داد و وزرا ... صلاح وقت عبارت سابق الذکر ... حکم صادر کردند ...
آن احکام آزادی مطبوعات ... شده و قانون انتخابات نیز ...
نشر احکام ... عموم مردم را ... مخالفت واداشت ... کارها
انقلاب گردید ... این احکام ... و ادارات ... تعطیل ... و ... تعطیل ...

شورش و انقلاب پاریس گردید، بی‌کفایتی عملیات سلطنت؛ و بناهای پا کار شده بودند در کوچه‌ها و خیابانها گروهی
زده مردم را تهییج به انقلاب کردند، چنانکه دسته‌دسته در همه‌جا شورش شروع شده و کار جنگ با قوای دولتی
رسید و سه روز شورشیان با قوای دولتی جنگیدند (این سه روز در فرانسه معروف است به Trois jours
glorieux) شورشیان بالاخره غالب شدند و شارل دهم از پاریس فرار کرد و استعفا داد و سلطنت را
به نوادهٔ خود هانری که طفل ده ساله بود منتقل کرد (این طفل بعدها به اسم کنت دو شامبور خوانده شد) ولی از این استعفا شارل
چیزی نتیجه حاصل نکرد [illegible] از قوا و دولت روگردان شده بودند و از آنجا با انگلیس فرار کرد
اما آزادی‌طلبان هم در موقع انقلاب شده بودند [illegible] خانوادهٔ اورلئان [illegible] محرکین انقلاب
ولی نه همه ترتیب کار را پیش آوردند و نه جمهوری‌طلب بودند و خواستند جمهوریت را برقرار کنند لیکن
یکی از شاهزادگان سلسله بوربن موسوم به لوئی فیلیپ ملقب به دوک دورلئان در میان مردم خصوصاً بورژوازی
مقبولیت عامه داشت لوئی فیلیپ پسر یکی از شاهزادگان معروف بود موسوم به فیلیپ که در زمان انقلاب
کبیر با آزادی‌طلبان همراهی کرده و در جنگهای انقلاب به موافقت آزادی‌طلبان رفتار کرده [illegible]
معروف به فیلیپ Égalité شد لوئی فیلیپ هم [illegible]
چندی در زمان انقلاب مهاجرت [illegible] گذرانده بود و در زمان سلطنت لوئی ۱۸ با وجود آنکه
لوئی فیلیپ به واسطه عقاید [illegible] آزادی‌طلبان [illegible]
[illegible]
هم دولت از آزادی‌طلبی [illegible] و آزادی‌طلبان و این قبیل مردم معاشرت داشت
و برخلاف سایر شاهزادگان منزل او جای رفت و آمد عمومی بود و لوئی در موقع انقلاب ۱۸۳۰
نایب‌السلطنه شده بود و اگرچه بعد از انقلاب برای آنکه طرف سوءظن نشود از پاریس خارج شده
ولی در پایان کار [illegible] انقلاب بعضی طرفداران داشت از قبیل [illegible] از رجال معروف
و [illegible] در آن وقت روزنامه‌نگار بوده طرفداران لوئی فیلیپ [illegible] مردم [illegible]

سلطنت آن شاهزاده گفته آنگاه [illegible] رفته او را به شهر آوردند و نمایندگان مجلس عنوان نیابت
سلطنت به او دادند بدون آنکه سلطنت تصریح شده باشد او را رئیس حکومت قرار دادند lieutenant
général بود لوئی فیلیپ سواره [illegible]
آمد و در حالتی که مردم [illegible] زنده باد آزادی [illegible]
آمده با بیرق سه رنگ [illegible] مردم برای او [illegible] شادی کشیدند
آنگاه [illegible] جمهوری‌طلبان [illegible] برای استقرار جمهوری مساعد [illegible]
ایشان را تقویت و از طرف دیگر [illegible] و از جانب مردم نسبت به خانوادهٔ بوربن [illegible]
و رفتار را نسبت به لوئی فیلیپ که منزه [illegible] قبول سلطنت و از جانب عموم ملت [illegible] مجلس تا سلطنت
لوئی فیلیپ را اعلان کرد لوئی فیلیپ از خانوادهٔ بوربن محسوب [illegible]
[illegible] سلطنت از شارل دهم [illegible] لوئی فیلیپ [illegible] خانوادهٔ
و آل بوربن [illegible] شاخه آن)

انقلاب ۱۸۳۰ سلطنت لوئی فیلیپ در ماه ژوئیه اتفاق افتاد و به این جهت دورهٔ سلطنت لوئی فیلیپ
را سلطنت ژوئیه گویند این دوره تا ۱۸۴۸ دوام کرد دوره [illegible] حکومت آزادی‌طلبانه و قدرت
یافتن حزب جمهوری‌طلب است و منتهی به تشکیل جمهوری [illegible] شده است
[illegible] اشراف و کارکنان اواسط اهالی [illegible] بوده
سلطنت ژوئیه دورهٔ [illegible] اواسط الناس [illegible] طبقات دیگر [illegible] آزادی عموم طبقات
[illegible] لوئی فیلیپ [illegible] سلطنت خود با اواسط الناس [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] آزادی‌طلب بود [illegible] قانون اساسی را
[illegible] در انقلاب ۱۸۳۰ ترتیب داده شد
اما قانون اساسی ۱۸۳۰ [illegible]

وضع قانون اساسی تر به سلطنت شده بود دیگر تخفیف یافته و لیکن مع‌ذلک انتخاب آن محدود به طبقه ثروتمند بود
دیگر نیست، بنیه مستبد تا حد زیادی کم شد و در زمان سلطنت او اول نیمی ترقی حکومت ملت را با نمایندگان ملت داد
ملکه تر ان گفت این ترقی ها در کار دوم انقلاب ۱۸۳۰ اروپا حصول آن واقع شد

با وجود اینکه مردم به قانون اساسی ۱۸۳۰ قانع بودند لوئی فیلیپ نیز محبوبیت عامه داشت جمعی خیال تربیت مردم
به ترقی تمدن آزادی و دموکراسی گردیده و انتخابات رأی عمومی را تقاضا کردند لوئی فیلیپ
شروع به مخالفت کرد و روز به روز از محبوبیت او کاسته شد تا کار به انقلاب ۱۸۴۸ رسید و در جمهوری سلطنت او
از هم شکسته به حزب سوسیالیست دموکراتیک است و در قسمت انقلاب ۱۸۴۸ خواهیم دید

تأثیرات انقلاب ۱۸۳۰ در ممالک دیگر اروپا

انقلاب ۱۸۳۰ در فرانسه تولید کرده انقلاب در اروپای مرکزی و غربی شده و این انقلاب هم دو دوره گردید
است یک دوره اول و محرک آن همان انقلاب ۱۸۳۰ شده و بعد از چند سال موقتاً آرام یافته است و یک دوره
دوم به قانون ۱۸۴۸ شروع گردیده و در حدود ۱۸۵۰ بطور کلی خاتمه یافته به ارتجاع منتهی شده است و در هر دو دوره اول الاحکام
در این دوره انقلابات بالنسبه در بلاد شمالی واقع شده: سویس، اسپانیا، پرتقال، ایتالیا و جزء لهستان
و ایتالیا و در اکثر نقاط مزبوره به نتیجه رسیده است

انقلابات ایتالیا در حقیقت مقدمه انقلابات ۱۸۴۸ است و به جهت توضیح از ذکر آن در اینجا صرف نظر کنیم

انقلاب سویس ـ اولین اثری که از انقلاب ۱۸۳۰ در خارج فرانسه ظاهر شد انقلاب سویس بود و هر چند
روز فاصله از انقلاب پاریس اتفاق افتاد انقلاب سویس اولین ظهور مهم از مسئله ملیت است زیرا که سویسی‌ها
از زمان انقلاب کبیر فرانسه ترقیات مشروطیت داشتند ولی جمهوری بود و سویس را یک مملکت محروب داشتند هر کدام را
در تحت یک حکومت قرار داده یک اتحاد مشترک در عهد برای حل مملکت منعقد کرده بودند سویسی‌ها خود
را لیکن با این نظام مساعد نبودند و استقلال خود را موقتاً محرز نموده گذشته از مسئله ملیت و این که سویسیان با یکدیگر
با جاه خود در سلطنت نسبت بلندی نیز تکیه بر حق نمودند زیرا که جمعی سلطنت ... در هر کدام ... دو طبقه ... بلاد

به سویسیان ترجیح داشته و رفتار دولت سویس این حکومت مخصوص بود
انقلاب سویس ـ در شهر برن شروع شده و محرک آن خبر انقلاب فرانسه بود و به وسیله آن عید ولادت پادشاه
جشن خبر انقلاب فرانسه مردم تقلید فرانسویان شده و جمعی اجتماع کرده بودند عید ولادت پادشاه را جشن گرفته
جشن و اجتماعات در ضمن آن واقع شد ... انگار ... در ضمن اقدامات مختلفه ...
انتشار دادند و در آن ... لشکر ... از ملاحظه لزوم عید و انقلاب منتشر شد با وجود اجتماعات ...
عید پادشاه ... شب بعد از عید شورش شروع شد با ... جمعیت کثیری در حال خارج شدن از شهر
سالار ... و کشته شدند ... شورش در شهر ... گرفته ...
حاکم شهر محصور شد از شهر خارج شود و بعد ... کار ... شهر ... مملکت ... کشیده
... مدت ... سویسیان ... آمده ...
... بعد ... آن ... سویسیان ...
با مشروطه سویسیان ... و چنین انگلیس و فرانسه ... لذا فرانسه و انگلیس ...
از سویسیان حمایت کرده ... در مخالفت با مسئله ملیت در ...
سویس ... تن در داده ... نمودند ... اقدامات نظامی سویسیان ...
را از ... انقلاب ۱۸۳۰ در فرانسه و ...
فرانسه و انگلیس و در سویس ... و در اینجا ترجیع در اروپای غربی
در تاریخ ... مشروطیت ... و ایتالیا شد
و ... سویس ... اهمیت داشت ...
... از ... و ...
اما در سویس در ضمن ... استقلال ... فرانسه و از همان زمان مشروطیت سویس
... و ... رأی عمومی ... ترتیب ... مردم ... آن
۰۶

و ترقی است و هنوز آن باقی است) در فرانسه ۱۸۱۵ به بعد طبقه بزرگ تقسیم شده بودند یک طبقه هم در اروپا
Carbonari و خارج شهرها دست داشته تحت نفوذ کاربوناری بودند طبقه دیگر هم مرکز آنها
... و شهرها بیشتر بوده آزادی طلب بودند ... آزادی طلبی را ... کاربوناری مقدم بعد اشخاص
این ترتیب ... شده بود در فرانسه و ... حزب ... کاربوناری دیگری حزب آزادی طلب ... آزادی
از اعضای آن حضور ... معروف به فراماسونری بودند و این جماعت در فرانسه ... فراماسون و آزادی طلب
که ... کاربوناری با آن جمع و اعضای آن جماعت ... حال ... آزادی ... قدر از
استقلال فرانسه وجود داشته و با یکدیگر ... بودند لکن شده استقلال مملکت آنها و با یکدیگر ... کوشش
از انقلاب و جمعیت استقلال ... این جمعیت ... شده ... ایتالیا ... و بعضی ... در ... دیگر ...
انقلاب لهستان ـ چنانکه پیش اشاره کردیم لهستان روس را ... شده بود و ... آن ... شده بود ...
... روس ... آلکساندر آن مملکت ... استقلال داخلی ... constitution داده
Constitution داده عنوان امپراطور روس و پادشاه لهستان اختیار ... نایب السلطنه ... آن مملکت معین نمود این
رقابت در زمان ... آلکساندر ... با آزادی طلبان بود لکن از یک طرف ... این امپراطور
با ... از انقلاب ... کرده او را از خلافت ... از طرف دیگر نایب السلطنه
برادر آلکساندر ... گراندوک کنستانتین ... و شدید ... و ... بخصوص ... جماعت
کنستیتوسیون لهستان ... و اگر ... لهستان ... لکن ...
حکومت ... امپراطور ... اول برادر آلکساندر ... امپراطور ... با ...
کنستیتوسیون ... جمعیت ... استقلال داخلی لهستان ... و شد در ۱۸۲۵
امپراطور ... ۱۸۳۰ ... لهستانیان ... از ...
... لکن ... حزب ... و ... و ...
با ... کنستیتوسیون ... از ... استقلال لهستان ... و ...

... دیگر معروف بحزب ... مرکب از جوانان و محصلین و صاحب منصبان ... با انقلاب ... آزادی
سیاسی کامل ... کرده لهستان را که ... قدیم خود رسانند ... آزادی و استقلال کامل برای لهستان
قوم ... انقلاب ... در ۱۸۳۰ ... آزادی طلبان ... همان ... کاری ...
و کنستانتین مجبور شده ... از ورشو خارج شود ... ورشو ... وزرا ... خود مانده با آزادی طلبان ... لکن ...
... اظهار ... نیست ... اقدامات ... وزرا ... و در ... لهستان ...
اشان ... نمودند و در لهستان ... یک حکومت موقتی ... ولی این حکومت موقتی ... کامل ...
... آزادی طلب ... حزب ... احمد ... و مشغول ... در رقابت با یکدیگر شدند و ...
... طرفداران انقلاب ... خلع ... از سلطنت لهستان ... کرده ... لهستانیان ...
روس طرف شده جنگ ... طرفداران انقلاب ... لکن ...
... لهستانیان ... این ... فرانسه ... لهستانیان در ... روس
... ۳۴ هزار ... ۸۰ هزار ... سپاهان
... ۱۱۵ هزار نفر جمعیت ... و ... و ...
... سردار جنگ ... ۸۵ هزار
... و ... آن ... ۱۸۳۱ ... مملکت ... استقلال ...
... ورشو ... آزادی طلبان ... ۱۸۳۱ ... حکم ... داده
... (...) ... لهستانیان
... آن گفته است: اگر ... استقلال لهستان ... آرزو ... کوشش
در ... ساخته ام و ... ورشو ... و ...
... نایب السلطنه لهستان ... (...) ... استقلال لهستان را ... داشته ...
روی ... (...) لهستانیان ... ۱۸۳۲ ...

انقلابات اسپانیا و پرتغال - چنانچه در انقلابات بعد از ۱۸۱۵ پادشاه پرتغال مجبور به مراجعت از برزیل شده ۱۸۲۱ لیکن در
برزیل مانده پادشاه بعد از سلطنت برزیل معزول که برادر Don pedro بود، امپراطور برزیل انتخاب کردند و
ترتیب گذاشتند که بعد از سلطنت خود را به دختر بعد از فوت پادشاه مزبور، با دن میگل پادشاه پرتغال شود ولی
او در ترقی قول امپراطوری برزیل عهد کرده بود و سلطنت پرتغال را ترک کرده از برزیل به پرتغال آمده سلطنت آن مملکت را
به جز خود نداری ... و سلطنت داری غصب نمود دن miguel ... از شاهزادگان پرتغال نایب السلطنه شده
دن میگل در حکومت ترتیب استبدادی اختیار کرد - در اسپانیا بعد از فوت فردیناند هفتم سلطنت بموجب وصیت
نامه او (sanction pragmatic) سلطنت به دختر او ایزابل دوم و نیابت سلطنت به زن او ماریا
کریستینا ... برادر پادشاه مرحوم به دن کارلس ... بود، نایب السلطنه طرفدار حکومت مشروطه و دن
کارلس طرفدار استبداد شد و جنگی از ۱۸۳۳ ... ایالات شمالی ... طرفدار ... اسپانیا بودند ... امتیازات
... بدون ... fueros ... امتیازات ... که در ترتیب مشروطه ...
با دن کارلس همراه شدند - چون لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه و انگلیس ... در اسپانیا ... همراهی کرده بار ...
پرتغال ... دن میگل ... دن پدرو ... ترتیبی ... امپراطوری را ...
دن پدرو ... پرتغال برگشت ... آزادی طلبان ...
بعد اسپانیا و پرتغال ... انقلاب بزرگ ... در اسپانیا دن کارلس ... دن کارلس ... سلطنت ...
... مشروطه ... و انگلیس و فرانسه ... پرتغال و اسپانیا ... مشروطه ...
... سلطنت ... اسپانیا ... کارلس ... ترتیب مشروطه ...
... آزادی طلبان اسپانیا و پرتغال ... moderator (معتدلین) دیگری مردم به
(افراطیون) exaltados ... دولت ... سلطنت ...
در اسپانیا ... اینجا ... در پرتغال ...
در پرتغال ... سلطنت ... پرتغال ...
با ... دن ... آزادی ...

برای شرح دادن از انقلابات ۱۸۴۸ و نتیجه‌ای که از این سنه ۱۸۴۸ واقع شده مملکت قسمت ... کرده از ...
منقسم شده و اسپانیا و پرتغال ... هر کدام ... مشروطه ثابت گردیده‌اند ... در اروپای غربی و مرکزی
فقط مملکت ایطالیا و اطریش و آلمان ... تا اندازه‌ای ... خود رسیده و ...
... در نظر ... آزادی ... ملیت ... و آزادی طلبان
... ملیت ... آزادی ...
... طرفداران ملیت آزادی ... آن ... و آزادی طلبان
ملیت ... خود ... دانستند

در ایطالیا بعد از انقلاب ۱۸۳۰ ... انقلابات ... ایطالیا ...
... ملیت ... انقلاب ... اهمیت ...
در ... نفوذ اطریش ... mazzini ... مردم به ...
انجمنی ... برای ایطالیا ... ترتیب داده ...
... ایطالیا ... دولت واحد ...
... ایطالیا ... مردم ...
... عقیده ... بزرگ ... اطریش را ...
... ایطالیا ...
... ایطالیا ... Risorgimento ...
... ایطالیا ... سلطنت ...
... پادشاه ساردنی ... ایطالیا ... آزادی طلبان
... ایطالیا ...
... در ایطالیا ...

به نهضت پاپ کند پی نهم در ابتدای امر بعضی اصلاحات برای ملیون و آزادی‌طلبان در حکومت رم کرد
در بعضی نقاط دیگر آزادی‌طلبان و ملیون مخفیانه از حکومتها ترسیده و بیرون هم تا حدی آثار هیجان ظاهر شده
و تظاهرات بر ضد نفوذ اتریش در ایتالیا فراهم کرده بود. پادشاه ساردنی و همچنین شارل آلبر اظهار آزادی کرد که
می‌خواهد رهبری ملیون و جنگ با اتریش را آماده کند و هم کار را با پاپ و حکومت کند. این انقلابات فوریه ۱۸۴۸
انقلاب ۱۸۴۸ در ایتالیا — از انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ انقلاب پیشرفته در ایتالیا ... تقلید و نمایان کار
یک وقت در ۱۸۴۸ اقدام از ایتالیا شروع شد و از آن مملکت به سایر نقاط سرایت کرد که تعداد انقلاب در وقت ...
و نه تنها بر ضد حکومت و نفوذ اتریش شروع شد و انقلاب در سیسیل بر ضد فردیناند پادشاه ناپل پسید و ... گردید
گردید و کنستیتوسیون ۱۸۱۲ را برقرار کند. پس از آن سیسیل ... ساردنی ... را قوت ... داد و هم ...
کند و ... شارل آلبر کنستیتوسیون Constitution Statuto گرفته و ... ایالات
... کنستیتوسیون شد ... با وجود آنکه اقتدارات خود را ... کنستیتوسیون را ... حکومت
رعایا و ... خود داد ... آنکه کنستیتوسیونها برقرار شد ... ایتالیا در صدد آن بر آمدند که تمام ... این
مملکت به اتفاق یکدیگر اتریش را وادار کنند و ... تعداد ... تظاهرات در ونیز و میلان در واقع ... قسمت عمده از این
ولایت ... دست اتریشیان خارج کرد

با وجود اینکه در اوایل امر جنگ بین ایتالیائیان و اتریش شد و در آن موقع پاپ به عنوان آنکه تمام ... باید
یک چشم ... و وظیفه او با جنگ با یک ملت مسیحی ... مخالف ... از ... اتباع کرد ... رفتار
این رفتار مخالفت آزادی‌طلبان و ملیون ... او گردید و ... پادشاه ... ناپل ... ، ... شد
شد آزادی‌طلبان روم در حال شورش در آمدند ... قوشون خود را ... اختیار ... در ...
اتریشیان ... ایتالیا ... ماند ... شارل آلبر در ... کار جنگ با اتریش ... که ... آن
... پادشاه ایتالیا ... به عنوان شارل ... اتریشیان ... شد ... از ... خود ...
... ... اتریشیان ... قوشون شارل آلبر ... در ... ۱۲ ... از ...

اتریش قرار گرفت. اتریشیان بر شارل آلبر غالب شدند و قرار متارکه جنگ بین اتریش و آن پادشاه داده شد
و اتریشیان با پادشاهان وابسته تحت نفوذ خود قوت قلب دادند. ملیون و آزادی‌طلبان شروع به مخالفت کردند از این
وضع ... جمهوری تولید کردند ... پادشاه ... فرار ... در رم ملیون ... کردند و Rossi وزیر پاپ را
... ... و ... پاپ ... و با ... ... دیگر ...
... ... پاپ ... فرار ... طرف ... گفت پی نهم ... ... شد ... ...
... آزادی‌طلبان حکومتی ... جمهوری ... روم درست کردند. اسم جمهوری ... ... نیز ...
برقراری جمهوری ... شد ... ایتالیا ... قسمت ... شد ... در ... ...
... ... و ... ... اتریش ... در ... جمهوری ... و رم ... ...
انقلاب فرانسه در ۱۸۴۸ — در جمله ... انقلاب ۱۸۴۸ در فرانسه ... ... حزب ... و کاتولیک
... حزب ... انقلاب ... حزب کاتولیک ... انقلاب ... ...
... حزب کاتولیک ... و در فرانسه ... ... مذهب کاتولیک با آزادی ...
... ... بعضی از کشیشها ... و فرانسه ... ... با آزادی مخالفت کرد
و ... ... مذهب ... ... کرده
کاتولیک با آزادی مخالفت ... ... و آزادی ... ...
... مذهبی ... ... سیاسی ... ... مذهب کاتولیک ... ... آزادی
... ... در واقع لازم ... ... جمع کرد این
... ...
... ...
... ... آزادی ... ...
... آزادی ... ...

کسانیکه در فرانسه این عقاید سوسیالیستی را بیان کردند Bazard از قبیل متفکرانی چون Lamennais و [illegible]
مردم [illegible] Cabet و در مقصد پیشرفت این عقاید روزنامه‌ئی که در [illegible] این اشخاص [illegible]
آزادی خواه شده بودند هر گونه گفتار و اعمالی را که برای اداره‌ی امور جمهوری حکم [illegible]
جز از جانب حکومت به دولت نمی‌داده شده و در مخالفت سعی کردند به عقاید ایشان را [illegible] لامنه با وجود
ردیه بر عقاید خود ثابت ماند و [illegible] کلیسا [illegible] شد بلکه عاقبت لامنه [illegible]
عقیده سوسیالیستها گردید اما [illegible] و از [illegible] نظر خود و نظریات
مذهب کاتولیک بود . دولت [illegible] آن ترویج کرده آزادی [illegible] بود [illegible] مانع [illegible] در
[illegible] جمیع مردم را به مذهب کاتولیک [illegible] حزب [illegible] دولت
مذهبی تشکیل یافت و [illegible] عقاید [illegible] بعد از انقلاب [illegible]
[illegible] در [illegible] اتفاق [illegible] دولت [illegible]
[illegible] مذهب کاتولیک توجه نمود

طرفداری سوسیالیست در زمان [illegible] gracus babeuf [illegible] و عقاید [illegible] انقلاب .
گردید و [illegible] هیئت [illegible] که عقاید سوسیالیسم در سیاسات داخل [illegible] بعد از انقلاب ۱۸۴۸
Organi- [illegible] Louis Blanc [illegible] در سیاسات دخالت داد این شخص کتابی [illegible] موسوم به
-sation du travail [illegible] آن کتاب [illegible] در هیئت اجتماعیه [illegible] تحت نظام و ترتیب
[illegible] و [illegible] این نظام [illegible] و [illegible] حقوق [illegible]
[illegible] حقوق [illegible] در هیئت اجتماعیه [illegible]
[illegible] کارها [illegible] نظام [illegible] کارخانه‌ها [illegible]
[illegible] کارخانه [illegible] کند و [illegible] ثروت [illegible]
[illegible] کارخانه‌ها [illegible] اداره [illegible] کارخانه‌ها [illegible] کارخانه‌ها

و اداره‌ات [illegible] و [illegible] ثروت [illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] جمیع طرف [illegible] و [illegible] آن [illegible] و [illegible] جمهوری طلبان ، کارگران [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] کارگران [illegible] وسیله [illegible] نظریات سوسیالیستها [illegible]
کارگران [illegible] داد و [illegible] جمهوری طلبان [illegible] کارگران [illegible] کارگران [illegible] سوسیالیسم
[illegible] و [illegible] ترتیب [illegible] سوسیالیست [illegible] نظریات سوسیالیستها [illegible]
[illegible] در سیاسیات [illegible] اصلاح [illegible] جمهوری [illegible]
[illegible] آزادی [illegible] و اصلاح کیفیات اجتماعی [illegible] آن
[illegible] ترتیب [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] موقوف [illegible] اصلاح [illegible] عمومی [illegible]
و [illegible] این مقصود [illegible] جمهوری طلبان و [illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] طریقه [illegible] این مقصود [illegible] ترتیب داده [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] سال [illegible] [illegible] عالیه [illegible] و بعضی [illegible]
[illegible] در ۱۸۴۸ [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] ترتیب [illegible] مردم [illegible]
[illegible] حقوق آن [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] مردم [illegible]

بجهت شبانه عموم اهالی پاریس بحرکت درآمدند و تمام روز بعد شورش شدت گرفت در مقابل استعفای لوئی فیلیپ شد
لوئی فیلیپ به نفع نواده‌اش کنت دو پاری از سلطنت دست کشید ولی شورشیان پاریس اعتنا نکرده ترتیب یک
حکومت موقتی دادند و لوئی فیلیپ [illegible] به انگلیس رفت

جمهوری دوم فرانسه — جمهوری دوم فرانسه بیش از سه سال دوام نکرده و دوره انتقال از [illegible] شده بود
طرفداری سوسیالیسم با ارتجاع [illegible] جمهوری و سوسیالیسم هم بوده است حکومت موقتی هم در اعلامیه ۲۴ ۱۸۴۸ [illegible]
[illegible] جمهوری طلب بود و هم [illegible] سوسیالیست نیز فشار کارگران و سوسیالیستها در آن [illegible]
[illegible] ولی حکومت [illegible] طلبان [illegible] شاعر مشهور و [illegible] گان [illegible] هم [illegible] جمهوری [illegible]
[illegible] سوسیالیستها که [illegible] بودند [illegible] حکومت موقتی [illegible] حکومت
موقتی جمهوری را اعلان کرد رأی عمومی را در انتخابات برقرار کرد و اعلان نمود [illegible]
[illegible] قانون های منعقد [illegible] لیکن [illegible] فشار سوسیالیستها مجبور [illegible]
[illegible] گفته [illegible] جمهوری سوسیالیست [illegible] ۸ [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] حکومت موقتی را [illegible] نتیجه [illegible]
شورش [illegible] کارگران پاریس [illegible] حکومت موقتی [illegible]
و در [illegible] پاریس [illegible] کارخانه‌های [illegible] کارگران [illegible]
در پاریس هجوم آوردند [illegible] و [illegible]
هم [illegible] کارخانه‌های [illegible] نشد و در حالیکه [illegible]
[illegible] نیست

اعلامیه ۱۸۴۸ [illegible] در امور اقتصادی [illegible] سوسیالیستها و [illegible] مردم [illegible]
[illegible] کارخانه‌ها [illegible] عامه مردم
[illegible] کارگران [illegible] سوسیالیستها [illegible] اقتصادی [illegible]

[illegible] شورش در پاریس [illegible] سوسیالیستها [illegible]
آوردند و [illegible] سوسیالیستها [illegible] حکومت موقتی [illegible]
و [illegible] حکومت موقتی [illegible] یک [illegible] executif [illegible]
موقتی [illegible] کارخانه‌های [illegible] کارخانه‌ها [illegible]
[illegible] سوسیالیستها شورش [illegible]
[illegible] Cavaignac [illegible] جنگ [illegible] سوسیالیستها
[illegible] سوسیالیست [illegible] جمهوری [illegible]
[illegible] رأی عمومی [illegible] انتخابات [illegible]
[illegible] ریاست [illegible] جمهوری [illegible] ریاست [illegible]
[illegible] لوئی ناپلئون [illegible] ناپلئون
[illegible] ناپلئون اول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] حزب [illegible]
[illegible] لوئی ناپلئون [illegible]
را [illegible] لوئی ناپلئون [illegible] لوئی ناپلئون [illegible]
[illegible] ۱۸۴۹ [illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] جمهوری [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] جمهوری [illegible]
آنگاه لوئی ناپلئون [illegible] ریاست [illegible] جمهوری [illegible]

از طرف چپ همراهی نشد و بعضی کنگرههای ملی و رئیس جمهوری ناپلئون رسید. بعد در ۱۸۵۱ لوئی ناپلئون چپ را
دور کرد تا منقرض کرد آنگاه مرتباً مشغول و آنهم کشتن مقدمات برای امپراطوری خود شد و یک جزء مهم از
مقدمات او دنبال کشتن جمهوری طلبان و آزادی طلبان بوده با وجود [illegible] که نظر میشود [illegible]
انقلابات آلمان - در آلمان نیز انقلابات ۱۸۳۰ تأثیراتی کرده ولیکن این تأثیرات بصورت [illegible]
و انقلاب در نیامد و مهمتر مقدمات آنهم که [illegible] انقلابات ۱۸۴۸ که در انقلاب ۱۸۴۸ اعظم بود قسمت مهم
یا سرچشمه انقلابات در دو ناحیه آلمان برای حصول آزادی و نفوذ انقلاب روس تا [illegible] جهت دیگر انقلاب
عمومی در آلمان برای تشکیل یک دولت مرکزی آلمان بعبارت اخری سرچشمه انقلاب داده بود یعنی یک آزادی [illegible]
و انقلاب که آلمان از همه آثار [illegible] قبل از ۱۸۴۸ ظاهر شده بود سرودی است [illegible] le Rhin
allemand و در مقابل [illegible] آلمان شعر [illegible] ساخته شده است نزدیک ۱۸۴۰
[illegible] جوانان آلمان [illegible] و برای آلمان نیز با این حال [illegible] از جانب سلطنتی
[illegible] نیز برای [illegible] تشکیل [illegible] شد و [illegible] آلمان [illegible] آزادی طلبان
[illegible] آزادی طلبان روسی [illegible] حاصل شده است در ۱۸۴۸ [illegible] آلمان [illegible] آزادی طلبان
[illegible] جائی که [illegible] ترتیب [illegible] و اقدامات [illegible]
تمام آلمان [illegible] از نمایندگان تمام آلمان [illegible] از [illegible]
آلمان [illegible] تشکیل [illegible] از [illegible] تشکیل [illegible]
[illegible] آلمان [illegible] آلمان شده ترتیب [illegible]
آلمان [illegible] انقلابات [illegible] در ۱۸۴۸ واقع شد [illegible]
[illegible] آلمان [illegible] مخالفت [illegible] آمدند [illegible]
آلمان [illegible] آلمان لازم است [illegible]
عمومی آلمان ترتیب داد [illegible] نمایندگان [illegible]

[illegible] نمایندگان [illegible] آلمان [illegible] و [illegible] آن [illegible]
[illegible] طرفداران آلمان [illegible] دیگر [illegible] آلمان [illegible]
[illegible] طرفداران [illegible] آلمان [illegible]
[illegible] طرفداران آلمان [illegible] partie de la petite allemande [illegible] طرفداران آلمان [illegible]
اطریش [illegible] طرفداران آلمان [illegible] ریاست پروس بودند [illegible] ترتیب داد
[illegible] طرفداران آلمان [illegible] امپراطوری [illegible] پروس [illegible] پروس [illegible]
[illegible] امپراطوری [illegible] عنوان آنکه [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] امپراطوری [illegible] حقیقی [illegible]
[illegible] اطریش نیز از انقلابات [illegible] پروس [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] انقلابات روس [illegible] در ۱۸۴۸ [illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] آزادی [illegible] آزادی [illegible]
[illegible] انقلاب [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] کند
[illegible] آزادی طلبان [illegible]
[illegible] ترتیب داده [illegible] parlement [illegible]
[illegible] اصطلاحات [illegible] آنکه [illegible] آنگاه [illegible]
[illegible] آلمان landtag [illegible]
[illegible] در ۱۸۴۷ [illegible] افتتاح [illegible]
[illegible] نمایندگان [illegible]

ولی منحل نمود و قرض دولتی را حتی راه آهنهای به دیگری فروختند ولیکن لاتانگ از تصرف آن امتناع کرد و قرض
هم قرض بود شروط مقرری را شان حمایت لهستان کرد) روی داد بعد حال در دو انقلابات ۱۸۴۸ در کنگره لهستان [illegible]
در انقلابات ۱۸۴۸ در واقعه روی [illegible] که [illegible] نمود و [illegible] یک لهستان [illegible] تقلید [illegible]
هم [illegible] تقلید کنستیتوسیون فرانسه ترقی داد و [illegible] روی کارها [illegible] لهستان و کارهای در
حال [illegible] کار [illegible] تا [illegible] ارتجاع [illegible] (۱۸۴۹) شروع شده پیش آمد

انقلابات اطریش ـ در اطریش تدریج ترقی مرکزیت دوم در زمان [illegible] شرف [illegible] داده شده بود
[illegible] مانع حفظ [illegible] و از نشر عقاید آزادی طلبانه در کمال سختی جلوگیری داشت و گذشته از اینکه
مطبوعات داخله عموم آزاد نبود از کتب و روزنامه های خارجی هم جلوگیری میشد ادارهٔ [illegible]
[illegible] زیرا که تمام احکام و نوشته ها را [illegible] بستند [illegible] امپراطور [illegible] (در واقع [illegible])
امپراطور [illegible] و تدریج [illegible] این وضع باعث ترقی و تقدم [illegible] در کار [illegible]
[illegible] ادارهٔ [illegible] و [illegible] داشت ولی این وضع [illegible] ترقی تمام [illegible]
اول نیم سال ۱۸۴۸ دوام داشت از آن تاریخ به تدریج آزادی [illegible] رابطه [illegible]
[illegible] ترقی استبدادی دولت هم [illegible] شده [illegible] روزنامه و
کتب خارجی داخل مملکت کنند و عقاید آزادی طلبانه را انتشار دهند

وضع مملکت اطریش از حیث اختلافات نژادی و این وضع استبدادی دولت دست بهم داده کار را بوضع [illegible] کرده بودند
زیرا که در آن واحد [illegible] تمام ممالک آزادی [illegible] استبداد دولت [illegible] شده بود
هم اطریشیان اصلی قسمت [illegible] و [illegible] هم در [illegible] ملل دیگر [illegible]
[illegible] داشتند انقلابات ۱۸۴۸ کلیهٔ ممالک اطریش [illegible] آورده [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible] تدریج [illegible] یک [illegible] انجمنهای [illegible] تقلید [illegible] انقلاب [illegible]
انقلاب [illegible] آتش [illegible] لیکن [illegible] خارج [illegible] و [illegible]

[illegible] شدند و این [illegible] در حقیقت [illegible] ارتباط [illegible] دولت [illegible]
در کار ممالک اطریش اختلاف نژاد و رقابت نژادی تولید عیب بزرگی کرده [illegible] مشرف [illegible]
[illegible] در اطریش [illegible] آلمانی نژادان و [illegible] و در مجارستان [illegible] قبل از این [illegible]
رقابت و [illegible] انقلابات مجارها [illegible] مجارستان [illegible] کرده [illegible]
کنستیتوسیون [illegible] مجلس [illegible] مملکت [illegible] مجلس [illegible] نژاد [illegible]
کنستیتوسیون این مملکت [illegible] کنستیتوسیون واقع شده [illegible] لهستان [illegible]
[illegible] مجارها تقاضاهای [illegible] حکومت اطریش و مجارها [illegible]
[illegible] حال [illegible] تقاضاهای استقلال [illegible] وضع تولید اختلاف [illegible]
مجارها [illegible] کشته [illegible] ممالک اطریش [illegible]
[illegible] امپراطور اطریش [illegible] کنستیتوسیون
[illegible] کرده [illegible] امپراطور [illegible]
[illegible] امپراطور [illegible] از تقصیرات امپراطور [illegible]
[illegible] تقاضاهای مجارها [illegible] انقلابات هم در اطریش و هم در ممالک دیگر
[illegible] حال [illegible] کرده [illegible]
[illegible] آزادی طلبان [illegible] این حال [illegible]
اطریش [illegible] آزادی طلبان [illegible] اختلاف نژادی [illegible]
[illegible] ثابت [illegible] شدند [illegible]
نژادی استفاده کنند [illegible] امپراطور [illegible] کلیهٔ [illegible] اطریش و
مجارها [illegible] آزادی طلبان اطریش غالب شده
[illegible] (۱۸۴۹) [illegible] مجارها [illegible]

و یک ضربت هم حکومت [illegible] به هنگری ها زدند لکن کار آن [illegible] تمام شد [illegible] واقع در [illegible] (حکومت هنگری)
رو Theiss ( ) رفته [illegible] ... [illegible] و کار جنگ [illegible] اطریش با هنگری ها
تمام شد [illegible] اطریش [illegible] دیگر هم [illegible] داده [illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible]
ارتجاع [illegible] جنگ با هنگری ها [illegible]
[illegible] هنگری ها [illegible] اطریش [illegible] هنگری ها [illegible]
(۱۱۵۰) وزیر اطریش [illegible] آزادی طلبان [illegible] ۱۸۴۸ بود [illegible] Bach
[illegible] وزیر [illegible] ممالک اطریش [illegible]
[illegible] ممالک اطریش [illegible] از انقلابات اطریش
[illegible] انقلابات [illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible] هنگری [illegible]

ارتجاع در قطعهٔ ممالک غربی و مرکزی

در ۱۸۴۸ انقلابات [illegible] آزادی [illegible] ۱۸۴۹ ارتجاع [illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] ممالک [illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] ۱۸۴۸ [illegible] حرکت [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible] ایتالیا [illegible] ارتجاع [illegible] ایتالیا [illegible]
[illegible] اطریش [illegible] ایتالیا [illegible] اطریش [illegible]
[illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible]

[illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] امپراطوری [illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] ارتجاع [illegible] امپراطوری [illegible]
امپراطوری [illegible]
[illegible]

پروس - در پروس [illegible] ارتجاع [illegible] ۱۸۴۹ [illegible]
کنستیتوسیون ۱۸۴۸ [illegible] کنستیتوسیون ۱۸۴۱
[illegible] کنستیتوسیون [illegible] حکومت [illegible] کنستیتوسیون [illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
کنستیتوسیون [illegible]
[illegible] Chambre des Seigneurs [illegible] کنستیتوسیون [illegible]
[illegible]
[illegible] کنستیتوسیون ۱۸۵۰ [illegible]
آزادی [illegible]

ایتالیا - بعد از شکست [illegible] شارل آلبر [illegible] ارتجاع [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] ۱۸۴۹ [illegible] اطریش [illegible]
شارل آلبر [illegible] جنگ [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] شارل آلبر [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] اطریش [illegible] شارل آلبر [illegible]

زیر سلطنت خود ترجیح داد و ویکتور امانوئل دوم را پادشاه شده با اطریش صلح کرد و بر حسب این صلح ولایت لمباردی
و ونیز را به اطریش واگذاشت و نفوذ اطریش در ایتالیا برقرار گردید در ولایات متعلقه به اطریش و سیسیل و ...
هنوز در حال تفاوت بود نسبت به آزادی طلبان سیاست ناپلئون که در روم پاپ را نگهداری کرد و دولت اطریش دو
تا این زمان ... معتبر بود در ... بیست و ترتیبات ... هم زده این تشکر و در تمام ایتالیا ارتجاع حاکم
برقرار گردید و ... سلطنت ... را ... کرد ... نظر ... حکومت ... شرایط
صلح را ... و ... شروط ... یک ... کمیته ... که در تاریخ وقایع ... ایتالیا
... فرانسه ... روم ... ایتالیا ... و ...
شد و تا جنگ ۱۸۷۱ ... روم در دست پاپ باقی ماند

که ... رهبر ... ایتالیا بود ... و ...
... garibaldi از ... ایتالیا ...
... ایتالیا با اطریش ... دولت ...
ایتالیا ... سنه ۱۸۴۹ ... ایتالیا
... در ۱۸۵۵ ... ایتالیا و ... تقربات ...

فصل دهم

مسئله شرق در نیمه اول از قرن نوزدهم

مسئله شرق یعنی مسائل سیاسی که در قسمت جنوب شرقی اروپا تجزیه عثمانی ... باز ... مسئله شرق
از ... شروع میشود زیرا که از ... ضعف دولت عثمانی ... اروپا ظاهر است ...
از جانب سیاسیون اروپا نسبت به عثمانی ظاهر میشود اما این قصد تجزیه عثمانی اگرچه ... از جانب ... انگلیس
... تا انقلاب کبیر فرانسه این نظریات ... است ... روابط ... با عثمانی
... در ... رقابت ... فرانسه و اطریش ... تجارت شرق و ... خود ...

... خود در ... بکرد (... از زمان جنگهای صلیبی ... بودند) و دولت
روس و اطریش ... بخاطر ... عثمانی ... متصرف شوند ... روسیه حمت ...
... شده زیرا که اطراف دریای سیاه و ... جزیره کریمه تا ... جنگهای ...
... روسیه ... قسطنطنیه ... خود ...
... دولت عثمانی ... دولت روس ... قسطنطنیه ... بنا ...
زیرا که ... دولت روس ... وصیت ...
قصد ... روس ... قسطنطنیه ... اروپا و ...
و سیاست ... قسطنطنیه ... روسیه ...
در جنگ ... قسطنطنیه ... روس ...
... اهمیت سیاسی ... قسطنطنیه ... دولت روس ...
... نسبت روس ... انقلاب فرانسه ... روس
رقابت ... دولت اطریش ... دولت ... انگلیس ...
... رقابت ... انقلاب فرانسه انگلیسیان ...
... انقلاب فرانسه ... لشکر ...
روس ... ناپلئون ... اهمیت آن مملکت ... انگلیس ...
... مصر ... عثمانی ... انگلیسیان ... احوال ممالک
عثمانی ... مسئله شرق ... انقلاب فرانسه ... ناپلئون ... تقسیم شده
... رقابت ... اطریش و روس ... ممالک ... رقابت فرانسه و انگلیس ... مصر و شام
... رقابت انگلیس ... روس ... قسطنطنیه
... بین ... مسئله شرق ... سیاسی اروپا گردید

این بود شرح نظریات سیاسی [illegible] که [illegible] در دوره اول [illegible] اگر دولت عثمانی
که دولت [illegible] معمول [illegible] این [illegible] نظریات [illegible]
[illegible] صرف نظر کنند [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible] اتفاق [illegible] دولت عثمانی [illegible] دولت ضعیف [illegible]
[illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
در یک طرف [illegible] از طرف دیگر [illegible] نظریات [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible]
اما [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible]
احکام [illegible]

[illegible] دولت عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] احکام [illegible]
[illegible]

شروع از جهت اداره روزبه‌روز تنزل کرده طرف ترقی نظام کرده با قشون دول دیگر هیچ از انواع بی‌نظمی کاهش
کرده بود لذا طرف دیگر انواع بی‌نظمی شروع از نظم اداره بود [illegible] چنانکه انکشاریه عثمانی به‌تنهائی قربانی انواع
بود انواع هرزه و هیچ از خود راضی و مغرور و خودسر شده بودند و ممالک عثمانی خصوصاً ولایات غیر مسلمان [illegible]
تاخت و تاز و چپاول و انواع شناعت‌های ایشان بود خلاصه عثمانی در دست انواع بی‌نظمی‌ها حال اضطراب
آخرهای روم سوم که مصمم بودند در دست قوا و اولان به اطاعت [illegible] خاتمه کلیه دربار عثمانی [illegible] حرم و
خواجگان بودند [illegible] رو به راه آن [illegible] قدرت ظاهر نکردند کلیه این مفاسد [illegible] بیداد و گذشته از
سرتاسر به روسیه و شیخ [illegible] در کار یک عیب بزرگ ریشه خونخواری [illegible] در حال عثمانی [illegible] است دولت و سلاطین
خارجی [illegible] طرفی دل دادن [illegible] و [illegible] هر جا که در بعضی از جنگها [illegible]
که بعد عثمانیان سعی شده بود از همه خودشان [illegible] حاضر نکردند

در همین اوضاع چنین [illegible] شده هر یک از ممالک بالکان [illegible] از دست عثمانی بیرون برود اول وجود [illegible]
[illegible] و [illegible] و عادات آنها نیز با عثمانیان کلیه مخالف بود [illegible] از [illegible] ایرانیان [illegible]
[illegible] گرگ [illegible] و مسلمان [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و حقوق ایشان [illegible]
[illegible] شده [illegible] در [illegible] و [illegible] قرار داده است [illegible] [illegible]
[illegible] نسبت عثمانیان [illegible] [illegible] بودند [illegible] تحرکات [illegible]
[illegible] در [illegible] ثابت [illegible] شده است [illegible] [illegible] که [illegible]
[illegible] اداره عثمانی و [illegible] تأثیر [illegible] تحرکات [illegible] در حقیقت [illegible]
نسبت داده [illegible] روسیه داده [illegible] تحرکات در [illegible] بالکان [illegible]
و [illegible] از [illegible] بالکان [illegible] و [illegible] و [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] دولت روسیه [illegible] ظاهر نکردند و [illegible] روسیه [illegible] آنها [illegible]
[illegible] [illegible] که آن [illegible] بودند [illegible] ایشان قرار داده [illegible]

در [illegible] بالکان که [illegible] قسطنطنیه برسانند در [illegible] آخر [illegible] اول [illegible] [illegible]
داخلی عثمانی [illegible] تجزیه بالکان و [illegible] شده [illegible] و [illegible] اول قشون کشی [illegible] در حال
[illegible] [illegible] و [illegible] از آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] از جانب [illegible] بالکان بوده است

در [illegible] اول [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] بالکان و ممالک عثمانی [illegible] اداره [illegible] است
اول شورش [illegible] [illegible] تشکیل حکومت داخلی [illegible] [illegible] از ۱۸۰۴ تا ۱۸۳۰
[illegible] شورش [illegible] ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۵ بوده و استقلال داخلی [illegible] در ۱۸۳۰ [illegible] شورش یونانیان از ۱۸۲۹
۱۸۳۱ و جنگ روس و عثمانی در ۱۸۲۹ که استقلال یونان [illegible] شده است [illegible] از ۱۸۳۱ تا ۱۸۴۱
[illegible] استقلال داخلی [illegible] است

اصلاحات داخلی عثمانی — در [illegible] آنها [illegible] و [illegible] عثمانی [illegible] [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] اصلاحات داخلی [illegible] [illegible] [illegible] سلطان محمود [illegible] سلطان
عبدالمجید [illegible] [illegible] سلطان [illegible] [illegible] [illegible] عثمانیان [illegible] [illegible] اصلاحات
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] عثمانی [illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سلطان محمود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۸
[illegible] ممالک [illegible] اصلاحات داخلی [illegible] [illegible] اوضاع عثمانی [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] و آداب [illegible] اصلاحات [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] شده است [illegible] اصلاحات [illegible] سلطان [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] انواع [illegible] [illegible] سلطان محمود [illegible]
اصلاحات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطان [illegible] [illegible] [illegible]

و پس از آن او از ایشان تلف شدند این لشکر منهدم گشته شد و بقیهٔ بوزن... در سنه (۱۸۲۶) از میان
دولت عثمانی زدوده شد آن انواع ینی‌چری منحل شده ترتیب قشون نظام جدید ممکن شد در سلطنت سلطان عبدالمجید
رشید پاشا صدراعظم که در فرانسه در انگلیس توقف کرده از اوضاع فرنگ آگاه شده بود خواست اصلاحات کلی
در داخلهٔ عثمانی جاری نماید از یک طرف ادارات دولت را تحت نظامی در آورده مملکت را به ادارات
دولت را سر و صورت داده ولی ضعیف و از طرف دیگر اصلاحات او در حال عموم اهالی هم
در ... میزان آن اصلاحات در امور عثمانی داخله که آن دولت به هیچ تنزل نگاه میداشتند
قدری آنکه از جانب دول اروپا تحمیل شده باشد بخیال رضا جانب ملت عثمانی بجا آورده این تشکیلات تازه را
تمام رعایای عثمانی از مسلمان و مسیحی و غیر آن در حقوق مساوی قرار داده و نقوذ این نقص و فواید از جانب
سلطان صادر که معنی قانون آورده بتنظیمات خیریه ملقب شده آن قانون اول در ۱۸۳۹ انتشار داد
لیکن در همان روز عداوت بزرگان عثمانی با رشید پاشا سبب عزل او شد و قانون کهنه پیش با مجددا
در دولت بیست آن محروم شده از اصلاحات و خواص عثمانیان ملاحظه کند بجهت در اصلاحات از اول کاری منع
نمود فقط مختصر اصلاحی در وضع گمرک عمومی هم بی تحریف شده باشد در واقع برای عثمانی خرج تازه بود هر گاه از
تمام آنکه از خارج بدولت وارد شده زیرا که اصلاحات منظوره را رشید پاشا چیز تازه بود و ضرورت نگاه داشت
و تمام ملت به آن نظر چون عثمانیان بخیال خود آن اصلاحات بودند کار بیدار نشد ملت از جانب دول
خارجه برای بانی تحمیل شده آن اصلاحات را واقعی در دل نخواستند و ترقی عثمانی را از اول مانع بودند در کشمکش
خارجی آن دولت بود که اداره حکومت دم حوزه بخیال رعیت با وسیلهٔ آن شد ملت عثمانی رو بخراب و زوال رفت
بی هیچ یک نشد عموماً و اصلاحات حال اروپا و کشمکش آن دول بر عثمانی شد برهم از اصلاحات
عثمانی یک نوع بزرگ جاری شده و آن اصلاح نظام آن دولت بود هر از نیمهٔ اول و دوم بانو دو
ترتیب صاحب منصبان آلمانی مرتب گردید و این اصلاح البته اثر مهمی در حفظ ملت عثمانی داشته زیرا که آن دولت
در مواقع سخت مدتها آن قدرت حاضر کرده است لیکن نظر به حکمای اصلاحات دیگر یک اصلاح نظامی کافی نبود

در ملت عثمانی بود از ترقی به حفظ کرده است بهیچ اصلاحات عثمانی چنین درست و کامل مملکت نشد و از جانب عثمانی
بمیزان آن حالت شده دیگر اول پایه از نظام برای عثمانی ماندهٔ نهایت در دو دهه تمام در ابطال فرنگی
هم رعایای از ترقی آن دولت حاضر کند برای عثمانی تولید نتایج کوهی هم خواهیم دید
اوضاع مصر - مصر حاکم نشین دیده ایم در دست امیران مصر موسوم به ممالیک بود و اگر هم آن بود ابدا
یک دسته قشون عثمانی مجرب میشدند لیکن ممالیک انواع ینی‌چری از حالت اطاعت گذشته هیچ جنگ در مملکت ترکی
واقع شده بودند که بجز بر تشکیل در مصر برای آنان منتهی شده بود و سطوت و ... ممالیک
تصرفات یک تغییر حال که بود در آن مملکت دایم که زیرا که میراث از دولت خود در آن مملکت
اصلاحات و آبادی‌ها بعهده داشت و هم تحقیق از علما و هم میدان وسعت بخشید و ما جان ایشان
قدیم فرنگی را او همراه آورده در مصر ترقی و نفوذ تمدن جدید باشد و شد
پس از جنگ فرانسه با مصر در ممالیک امیران ممالیک افتاده و در این حال در محمد علی پاشا دست حکم
آن مملکت افتاد این شخص بزرگ مصلح از سلسلهٔ آلبانی بوده مردی با کفایت و صاحب عزم و ثقل دارای
ذوق نظامی بوده است و در همهٔ اصلاحات خود و تأسیسات زمان تمدن تمدن اروپائی را لزوم اصلاحات
اداری و نظامی تصفیه اروپا پیش از کسب محمد علی پاشا در ابتدا از ترکیهٔ مرکزیه جدا شده و بکفایت شخصی خود حکومت
مصر رسیده و کار را به آنجا رسانیده است که فیض حکومت مصر بود در سلطنت عثمانی بهتر بوده و اگر اصلاحات
اروپا پیش از دولت عثمانی بود متعرض نمیکرد و محمد علی پاشا و سلطنت معتبری در عثمانی داده او را در مصر
با وجود اصلاحات در اروپا پایان یافت حکومت مصر بود نگاه داشت و در سنهٔ ... شده بود
در ۱۸۰۵ پس از بعضی اقدامات او نیروی خود را در مصر مستقر ساخت که وسیلهٔ روشن کشتی بمقابل
هر پاشا و سلطان حکومت مصر بود گرفته آنگاه در صدد در آمده است مرحوم تنظیمات عثمانی کند در ۱۸۱۱ ...
ایشان بود متبع کار ده دست که عموماً تقدیم شده است و همیج اقدام محمد علی پاشا مراسم سلطان
محمد و در حق صحیح او شده است محمد علی پاشا متوجه حکومت تمام اروپا متعلق گردید ... محبت داشته

سعی در بقای آنها حفظ میکرد و اقدامات نمودن او در اصلاح و تکثیر زراعت و تأسیس صنعت در مصر دنبال
کرده در برابر [illegible] برای کارهای مهم مهندسین و کارکنان از فرانسه آورد و زراعت پنبه را در مصر
معمول داشت تجارت را نیز انحصار کرد کوشید از این راه ثروت کلانی جمع نمود و همین ثروت را برای تأسیس
یک قشون منظم و یک دسته کشتی جنگی و کارخانه و لوازم نظام بکار برده برای اداره نمودن این جمله عده
زیادی مهندس و صاحب منصب فرانسوی آورد. با این لشکر دریائی و قشون عثمانی [illegible] فراغ
غیر منظم یونانیها را [illegible] قشون تام منظمی حاضر کرده بود [illegible] خیلی کار از
پیش برد [illegible] قشون [illegible] ابراهیم پاشا
خیلی پیشرفت [illegible] حال [illegible] مصر [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible]

شورش صربها و استقلال داخلی صربستان - صربها قومی [illegible] صربستان [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] صربستان [illegible]
[illegible]
[illegible] صربها [illegible]
[illegible]
[illegible] صربستان [illegible]
[illegible] در ۱۸۰۴ شورش [illegible]
[illegible]
[illegible] صربستان [illegible] سلطان [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] عثمانی [illegible] در ۱۸۰۵ [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] صربستان [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] اول [illegible]
[illegible]
[illegible] قشون [illegible]
عثمانی [illegible] در ۱۸۱۲ [illegible]
[illegible]
[illegible] در ۱۸۱۳ [illegible]
[illegible] صربستان [illegible]
[illegible] صربستان [illegible]
[illegible] در ۱۸۱۵ [illegible]
[illegible] Milosch Obrenovitch [illegible]
[illegible] صربستان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صربستان [illegible] استقلال داخلی صربها [illegible]
[illegible] صربستان [illegible]
[illegible]

در این جریان باشد ... لقب ریاست جمهوری ... محمد شد ... و احتیاط و اقدامات سیاسی و ... روسیان در ...

۱۸۲۵ تدریجاً امتیازات ... در ۱۸۳۲ از سلطان عثمانی لقب امیر جزیره ساموس (Samos)

گرفته [illegible] عنوان ... ولایت ... عثمانی ... دولت عثمانی ...

... [illegible] ... تمام ... از جزیره ساموس خارج شود ...

از قوانین عثمانی ... جزیره ... امیر ... قرآن ... داشته باشد ... [illegible]

... عثمانی تأمین شد

شورش و استقلال یونان - شورش و استقلال یونان خیلی بیش از واقعه جزیره ساموس اهمیت دارد که ...

آن ... اول آنکه یونان در آن وقت حقیقةً ... اهمیت داشته ... [illegible]

یونان و حیثیات یونان قدیم و تمدن ... یونانی ... و نفوذ یونان داشت ... کثیری

از اروپائیان ... بودند و از راه ... ادبی و غیره آن طرفدار یونان بودند

در یونان ... مردم ... بودند و ... شورش و استقلال یونان ... اول ...

... تجارت ... شده ... ثروت ... بعضی اوقات ... [illegible]

تجارت ... [illegible] ... استقلال یونان

خیلی ... شده بودند ... ایشان ... قسمت عمده تجارت ... یونانیان

بود و ... یونانی در تمام ... دریا ... میکردند ... خصوصاً ...

در ... توقف ... با این حال ... طبقه ... بودند

... [illegible] ... خارج شده ... [illegible]

در ... کردند ... [illegible] ... ولایت ... [illegible]

... [illegible] ... استقلال ... [illegible]

... [illegible] ... اروپا ... [illegible]

و رابطه آن ... عموماً چیزهای شبیه قرون وسطی و دوره‌های قدیم ... داشته و ... ایران

تاریخ یونان و اهمیت آن مملکت در تاریخ تمدن ... یونان و ... استقلال آن مملکت ...

خیال استقلال یونان ... از یونانیان ... و در ۱۸۱۵ انجمنی به اسم Hetairie

amical تشکیل ... این انجمن در یونان ... و در ۱۸۲۰ ... [illegible]

... [illegible] ... سلطان محمود ... [illegible]

برای آنکه ... عدم قدرت ... مملکت ... [illegible]

... یونانی ... شورش ... [illegible]

... [illegible] ... شورش ... یونانیان

... در ۱۸۲۱ شورش شروع شد ... یونانیان ... [illegible]

... [illegible] ... از یونان ... [illegible]

... جنگ ... در ۱۸۲۲

... استقلال یونان ... [illegible]

... [illegible] ... قسطنطنیه

... شورش یونانیان ... یک کشتی بزرگ ... [illegible]

... ۱۲۰ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... در ۱۸۲۶ ... [illegible]

۱۸۲۷ ... [illegible]

میسلنگی در محاصرهٔ این شهر که لرد بایرون شاعر بزرگ انگلیسی و دوست یونانیان در آنجا بود در همین اثنا کشته شده ولی
یونانیان شجاعت و مقاومت زیادی از خود بروز دادند و در اروپا احساساتی که نسبت به یونانیان بود حس همدردی
یونانیان را بیدار داشته بود و همین تاثیر در اروپا مردم خواستن بودند دولت روس هم از ابتدا اظهار همدردی با یونان
با ظاهر داشته و اینک به اقدام دیگر که محرک مداخلهٔ اروپا در کار یونان شد شروع شد

مراقبت کامل یونانیان مقاومت ... که در آن اتفاق افتاد و دولت روس همدردی با دولت‌های آزادی
طلبان سعی شده خاتمه یونانیان را بعد از شکست دول اروپا امر به اتفاق کرد مقاومت و ...
کم اهم نفوذ تشریح در اتفاق عثمانی با وجود معاهدهٔ دولت روس مداخلهٔ در امور یونان باید از آن شد و همچنین
دولت اروپا همراه یونان کنگره در ۱۸۲۵ آنکه در اول مذاکره شده تصمیم اول اظهار شد و عزم این
اظهار به تجزیهٔ عثمانی بیش از این بوده هیچ برای ترتیب همکاری کند و تا هم یونانیان بود
و اروپا یونانیان مرتفع با حال یونانیان که در آنجا ... نظری تصمیم و اقدام شده تصمیم اقدام در کار
یونان گرفته انگلیسیان در شرق که به تجزیه اهمیت قسطنطنیه و شد به ترقی روس مانع انگلیس است حفظ یونان
شده بود لذا مشغول شده که از ترسیان یونان در کار یونان مداخله کند با اینکه یونانیان نیز طرفدار
شده یونانیان اظهار همراهی کنند تا ... هیچ یک و فرانسه نیز همراهی که در تصمیم یونانیان قدری اثر گرفته
بالاخره سیاست ... مداخلهٔ شرکت شد معاهده در ۱۸۲۷ در لندن منعقد شد دولت انگلیس و روس و فرانسه
متعهد شدند برای آنکه از سلطان عثمانی یونانیان را استقلال داخلی در آن مملکت تقاضا کنند
و در صورت امتناع سلطان عثمانی از قبول آن اقدامات کرده شهر اسکندریه در سد دیگر دادن
یونان برآمدند و این سیاست که همه سفاین جنگی از انگلیس و فرانسه تقاضای عثمانی دادند که اعلام جنگ
بدون آنکه اعلان جنگ شده باشد در این موقع سفاین جنگی عثمانی و مصری در بندر ناوارن
دیدن با کشتی‌های عثمانی و مصری طرف سفاین فرانسه و انگلیس شکست شد با اینکه تمام تر قلب
جنگ بحری در گرفت و در عرض چند ساعت تمام سفاین عثمانی را غرق نمودند و تمام ...

و در موقع ابراهیم پاشا حاضر بود این جنگ دریائی کار تا که سلطان محمود بود به اندازه غضبناک بود
که قبول ... حاضر به مذاکرات و گفت که ... صلح و ... سلطان محمود که
در این موقع حاضر ... روس ... بعد از جنگ عثمانی ... انگلیس و فرانسه ... ...
دولت روس هم از این کار منع کنند ... در سال ۱۸۲۸ ... بعد از جنگ روس و عثمانی در ۱۸۲۸ ... جنگ
در ۱۸۲۹ ... در سال ۱۸۲۸ ... یونان ... که ... آن ... گرفته شد
... که ... ... در ... ... آورده
... آنکه قشون عثمانی ... ...
... آورده ... ... قسطنطنیه ... ... سلطان ... شد
... ... انگلیس ... ... آن ... ...
... آورده ... ... دولت عثمانی ... ...
... ...
... ...
عثمانی ... ... استقلال ... ...
... ... دولت روس ... استقلال
داخلی ... و ... ... روس و عثمانی اهمیت ... ... استقلال ...
این اهمیت ... ... بزرگ ... ...
... ... عثمانی ... ...
... ... روس ... ... عثمانی در
... ... سلطان محمود ... ...
... ... ابراهیم پاشا ... ...

به پاشای مصر رفت در قونیه در ۱۸۳۲ چنان شکستی به قشون عثمانی داد که [illegible] قراولان خود را
تا [illegible] دریای مرمره پیش فرستاد سلطان دید عنقریب قشون مصری به قسطنطنیه میرسند و از این وضع
به اندازه متوحش شده که [illegible] دولت روس شد [illegible] همیشه در فکر [illegible] امور عثمانی بود این موقع را
غنیمت دانسته یک دسته کشتی جنگی به بغاز بسفر فرستاد و یک دسته قشون ۱۵ هزار نفری در ساحل بغاز پیاده کرد
پیش آمد انگلیسیان و فرانسویان و اطریشیان بود به اندازه متوحش گردید که [illegible] ترتیب دولت عثمانی
تدریجاً تحت حمایت روس قرار گرفت [illegible] کاغذ [illegible] قسطنطنیه [illegible] شده که
برای آنکه مسئله زودتر اصلاح شود از طرف روسیان میانجیگری شده [illegible] سلطان و [illegible]
قرار داده [illegible] محمدعلی پاشا اصلاح کرد [illegible] سلطان [illegible] قبول کرد و [illegible]
در ۱۸۳۳ حکومت شام و آدنه را به محمدعلی پاشا داد بعد از صلح سلطان با محمدعلی پاشا دولت روسیان در
صدد [illegible] که [illegible] معروف [illegible] به خونکار اسکله سی ۱۸۳۳ [illegible]
[illegible] دولت روس [illegible] قشون برای دفاع [illegible] عثمانی [illegible] دولت
در مقابل دولت عثمانی [illegible] هیچ کشتی جنگی [illegible] از بغاز [illegible] عبور ندهد مگر کشتیهای جنگی روس
این کشمکش اول محمدعلی پاشا با سلطان [illegible] بزرگ داد [illegible] از جانب دول اروپا
[illegible] محمدعلی پاشا [illegible] ولایات شام [illegible] پاشای مصر
متصرف شده [illegible] پاشای مصر
قسطنطنیه نیز [illegible] دولت [illegible] از یک طرف دولت عثمانی [illegible] و از طرف دیگر [illegible]
[illegible] عثمانیان [illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] محمدعلی پاشا [illegible] از یک طرف انگلیسیان [illegible] عثمانی [illegible]
طرف دیگر [illegible] محمدعلی پاشا [illegible]
قشون خود [illegible] قشون محمدعلی پاشا [illegible]

[illegible] بودند و بعضی از ایشان در آن دوره حکومت [illegible] شرح [illegible]
[illegible] خونکار اسکله سی [illegible] نفع روس [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible] حمایت روس قرار گرفته بود [illegible] روسیان [illegible] از
دریای سیاه [illegible] از دریا [illegible]
[illegible] جنگی روس [illegible] دریای سیاه [illegible]
[illegible] دریای [illegible] خونکار اسکله سی [illegible]
[illegible] داد [illegible]
[illegible] آن نمود
[illegible] عثمانیان از [illegible] محمدعلی پاشا [illegible] سلطان محمود [illegible] شام [illegible]
[illegible] حرکت داد [illegible] ابراهیم پاشا [illegible] قشون [illegible]
[illegible] (۱۸۳۹) [illegible]
قسطنطنیه [illegible] سلطان محمود [illegible] سلطان عبدالمجید [illegible] ابراهیم پاشا
[illegible] سلطنت عثمانی [illegible] عثمانیان [illegible] محمدعلی پاشا [illegible]
[illegible] جنگی عثمانی [illegible] کشتیهای جنگی [illegible] محمدعلی پاشا [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] محمدعلی پاشا [illegible]
از این پیش آمد تمام دول [illegible] اروپا متوحش شده [illegible] آمده [illegible]
[illegible] نزدیک [illegible] عثمانیان [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] محمدعلی پاشا [illegible]
برای آنکه [illegible] قسطنطنیه [illegible] محمدعلی
[illegible] محمدعلی پاشا [illegible]

را وزنه‌ای در مقابل کوشش دول اروپا [illegible] در نتیجه [illegible] بر اطراف روس بهانه جهانگیری
بسفر قسطنطنیه را اشغال کند و از این راه جهانگیری در امور [illegible] انگلیس و اطریش مخصوصاً [illegible] تنها کند
[illegible] از جانب دول اروپا در کار عثمانی شود و [illegible] روسیه [illegible] منتهای [illegible]
دارای اول دفعه دول اروپا لایحه عثمانی را در تحت ضمانت عمومیت [illegible] گرفتند اما در نتیجه
[illegible] محرمانه [illegible] مصر و [illegible] محمدعلی پاشا [illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] ضعیف [illegible] دولتهای انگلیس [illegible] بدون اطلاع فرانسه [illegible]
[illegible] لندن [illegible] که محمدعلی پاشا حکومت ارثی
مصر و حکومت مادام العمری عکا و جنوب شام را قبول کند محمدعلی پاشا از قبول امتناع ورزید
دول [illegible] شرائط [illegible] حکومت مصر [illegible] آنکه محمدعلی
پاشا [illegible] انگلیس و اطریش [illegible] اسکندریه [illegible]
[illegible] محمدعلی پاشا [illegible]
[illegible] (۱۸۴۱) [illegible] انگلیس و [illegible] دول اروپا [illegible]
محمدعلی پاشا [illegible] دولت و ممالک [illegible] جهانگیری [illegible]
فائده کار محمدعلی پاشا [illegible] روسیه [illegible]
[illegible]
[illegible] بسفر [illegible]
و [illegible] داردانل [illegible]
(۱۸۴۱) Convention des détroits (کنوانسیون بغازها) [illegible] مائه نوزدهم [illegible]
[illegible] تاریخ [illegible] داده است

[illegible]

فصل یازدهم

اوضاع خارج اروپا در نیمه اول مائه نوزدهم

در دوره معاصر تمدن اروپا و اهمیت دول اروپائی باعث شده است که این قطعه مرکز سیاسی عالم قرار
داده و تقریباً تمام تاریخ عالم بطور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط به تاریخ اروپا میشود. اما ممالک عالم در نیمه اول
مائه نوزدهم گذشته از اروپا تقریباً منحصر به سواحل شمال افریقا و امریکا بوده است یعنی فقط ممالک ساحلی [illegible]
است. میتوان گفت تاریخ [illegible] تاریخ آن ممالک جغرافیائی داشته است مرکز افریقا و ممالک
اوقیانوسیه هنوز کاملاً کشف نشده و هر جا نیز که اوضاع جغرافیائی آن [illegible] معلوم شده هنوز اقتدار
سکنه و تمدن آن نداشته و در تاریخ عالم ذکر نشود. ممالک آسیا و افریقای شمالی و امریکا نیز هنوز [illegible]
[illegible] سیاسی عمده و تمدن عالیه داشتند و از اینجهت امور تاریخی آنها برای ما قابل ذکر است
[illegible] در نیمه اول مائه نوزدهم فقط ممالک امریکا و [illegible] از آن ممالک فقط اتازونی که استقلال
[illegible] جمهوری حاصل شده و تاریخ آن بدون آنکه مربوط به [illegible] اروپائیان باشد قابل توجه است
مملکت چین نیز در آسیا حیثیت مهمی داراست لکن [illegible] در ارتباط با اروپا [illegible] ممالک عالم برای آن
مملکت [illegible] عالم دخالت نداشته فقط [illegible] راجع بچین است و [illegible] بایا شد
و آن جنگ معروف بجنگ تریاک است. تمام امور تاریخی در خارج اروپا تقریباً منحصر به [illegible] اروپائیان
در مملکت گیری و تشکیل ممالک مستعمراتی بوده است و این مسئله نیز در نیمه اول مائه نوزدهم [illegible] نداشته بطوریکه میتوان
گفت این دوره نسبت به مائه هیجدهم و بعد هم مائه نوزدهم یک دوره فترت و یک [illegible]
اشتغال خاطر دول در داخله اروپا مخصوصاً مسئله انقلاب و راجع به آزادی و ملیت بوده است

امریکا و تشکیل دولت اتازونی — میدانیم مستعمرات انگلیسی امریکا در اواخر مائه ۱۸ یعنی در ۱۷۸۴ استقلال یافته
ممالک متحده امریکا را تشکیل داده لکن در موقع تشکیل این ممالک منحصر به اراضی شرقی میسی سی پی بوده بلکه تمام آن
اراضی را هم شامل نبوده است [illegible] جزیره فلوریدا و لوئیزیان [illegible] هر قسمتی از شرق میسی سی پی است در تصرف اتازونی نبود (اتازونی خارج بود)

کنستیتوسیون اتازونی از ۱۷۸۹ یعنی مقارن شروع انقلاب کبیر فرانسه مجری گردید که تا کنون برقرار است و از آن زمان به بعد
در اتازونی دو حزب پیدا شده اند که یکی را موسوم به Democrat و Federalist و طرفداران مرکزیت بسته
کامل بوده و در اوائل مالک نیز بعد کوشت می داشته دسته فدرالیسم یعنی مرکزیت و دسته دموکراتها طرفدار عدم
گاه بوده اتفاق طرفداران این دسته تقریبا یک طبقه از مردم شده و بجهت رفع یک حزب و هم دیگر در نما
و گفتن متمایل باین حزب بود مردم و بعلاوه جلوگیری از حزب دو کنستیتوسیون فقط همیشه مرکزیت بوده تا بسته
در انتخاب رئیس جمهور گاهی فدرالیستان و گاهی دموکراتها پیشرفت میکردند ولی غالبا رؤسای جمهوری از حزب و بعضی
دیگر از حزب دیگر انتخاب شده اند از ابتدای تأسیس و بعد در چند دوره اول رؤسای جمهوری از فدرالیستان و چند دوره
تا حدود ۱۸۲۵ دموکراتها بریاست جمهوری رسیده اند و این رؤسای جمهوری دموکرات هیچکدام دارای تمایل شدید نبودند
در صدد بر آمدند برای پیشرفت مقاصد خود قدرت دولت مرکزی را بکنند و دموکراتها در صدد
بر آمده و از این ترتیب چنین معلوم شد که هر دسته از جهت مرکزیت بعکس گفته و دموکراتها طرفدار مرکزیت
و فدرالیستان طرفدار عدم مرکزیت گردیدند اما در دوره در موضوع سیاست الحاق و الغاء هم اختلاف داشتند در حفظ مملکت
ولی حاکی اتازونی تا حدی در هم قدم بودند در زمان ناپلئون (Blocus continental)
اتازونی در مقابل سختگیریهای انگلیس در امور راجع بدریا دچار مشکلات و جنگ با انگلیس در نتیجه جنگ استقلال
محسوب میشود واقع بزرگ در اتلانتیک در ارکان صحیح موسوم بجزائر انگلیس را مجبور کرد صلح کند و یکی دیگر
دیگر استقلال اتازونی را مصدق قرار داد (۱۸۱۴) پس از این جنگ وضع اینها شد و اتازونی از آن زمان بعد
سالها از اختلافات داخلی جلوگیری کرده و بحزب دیگری که از آن جمله حزب جمهوری و ... موسوم به Whigs ... گردید
اما قبل از آنکه برای این اقدام یک حرکت سیاسی شروع شد جزیره ... اتازونی و اعزام ... این کشور
مالک اتازونی تمام ممالک ... و اهالی آن ... روشن انتظام کنترل ... اتازونی کالیفرنی ... و
۱۸۴۴ شده است کنترل ... از تمام نواحی ... مکزیک در حزب جمهوری ... و ... مکزیک مجبور شد
زیرا که ۱۸۴۸ آن کشور ... و این نواحی ... در نتیجه ... مکزیک ... جنوب ... مکزیک ... گرفتار

کشمکش های داخلی گرفتار ... واقع در جنوب غربی آن مملکت ... اداره ... از نفوذ اتازونی در
آن مملکت جلوگیری نماید اتازونی ... از آنکه ... نفوذ خود را در آن نواحی برقرار کند ... کنترل ... مالک
مجاور شمالی ... تگزاس ... مکزیک و اتازونی ... در نتیجه آن ... مکزیک و ...
نواحی بزرگ ... مکزیک ... کالیفرنی ... با اتازونی ... نتیجه ... مکزیک ... از ۱۸۴۶ تا
۱۸۴۸ ... اتازونی از ... قانون ... کمپانی ... مکزیک گرفته
در نواحی ... واقع در شمال ... مکزیک و کالیفرنی ... جمهوریها ... آزاد
مالک مجاور ... که در ... مکزیک گرفته شد ... کار را ... ترتیب تشکیل ... جمهوری
از این قرار ... در اراضی غیر مسکونه ... آبادی میکردند و بعد ولایات مسکونه
ایشان دارای ... جمعیت ... دیگر ... در ... حقوق ... در مالک اتازونی ... و
است ... از وقت این مالک ... ترتیب حکومتی ... جمهوری ... دولت ... نظام
داخلی مملکت ... وضع ... دولت اتازونی ... جمهوریها ... تشکیل ... آزادگی
در اراضی ... مکزیک ... که ... آن مالک ... در ... اشت
... اتازونی ... آن مالک ... کنستیتوسیون اتازونی مخالف نباشد و همچنین کنستیتوسیون اتازونی
... دیگر ... مالک ... در تحت آن ... کنستیتوسیون ... اتازونی
کنستیتوسیونهای داخلی ... مالک ... در ... جمهوری ... آزادیها ... تشکیل جمهوری
وضع ... اگر چه ... در نتیجه اول ... ۱۹ ... بعد از تشکیل مالک
اتازونی ... در آن مالک شده است ... اول ... دوم مالک اتازونی ...
... و ... آلاسکا ... ۱۸۶۷ ... خریده شد
اتازونی اگر چه تا ... دوم ... در ... و ... تقویت ...
... شد ... مالک ... تا ... و بعد ... جنگ ... اتحادات ... آمریکای لاتین ... مکزیک ... آمریکای مرکزی ...

شد. این نظام، مقررات بین ملل و استقلال آنها را رعایت [illegible] آتازونی بخیال انداخت که باید [illegible] دول اروپائیان

را از امریکا کوتاه کند. دوره مونرو که پنجمین رئیس جمهوری آتازونی بود سعی نمود که در ۱۸۲۳ در تقاضای معاهده

اتحاد مقدس با اسپانیولیان ترتیب دفع شورشهای امریکا نظر گرفته شد و اظهارات [illegible] آتازونی که [illegible]

در آن اظهارات [illegible] این عبارت مشهور [illegible] شده است «امریکا باید متعلق به امریکائیان باشد» بین جنگ حقوق امریکا

از نفوذ غیر امریکائی [illegible] در دائره امور سیاسی نیز [illegible] اقتصادی نیز [illegible] مرام معروف معتقده

این Doctrine Monroe شده [illegible] عقیده استقلال طلبی [illegible] نظر [illegible] شده است [illegible]

در یک قطعه [illegible] که گاهی از زبان ژاپونیان گفته میشود «آسیا باید مال آسیائیان باشد»

[illegible] عقیده [illegible] بین [illegible] امریکا [illegible] در امریکا نفوذ [illegible] باشد بلکه روح آن عقیده

این است که امریکا باید [illegible] تحت نفوذ آتازونی باشد و همچنین است موارد [illegible] از این عقیده

نتیجه میتوان گرفت که اگر ژاپونیان آسیا را برای آسیائیان بخواهند مقصودشان نفوذ ژاپن در آسیا یا اقلاً

در شرق اقصی خواهد بود. عقیده مونرو مبنی نفوذ آتازونی در کلیه ممالک امریکا [illegible]

[illegible] و کشمکش [illegible] شده [illegible] آتازونی برای این عقیده [illegible] شده است

یک مسئله دیگر [illegible] در تاریخ آتازونی ترتیب گمرکات بین مملکت [illegible] Protectionism [illegible]

ابتدای این کار از [illegible] شده است [illegible] جنگ استقلال [illegible] برای تأمین دولت آتازونی [illegible]

لازم آمد دولت [illegible] شده [illegible] لازم [illegible] برای [illegible] گمرک [illegible]

این [illegible] گمرک [illegible] قرار دادند [illegible] ترقی

صنعت [illegible] در حال [illegible] ترتیب [illegible] شد و کشمکش بین ممالک

شمالی و جنوبی در آن [illegible] آتازونی [illegible] صنعت [illegible] در آن ممالک

است کشمکش ممالک شمالی و جنوبی [illegible] جنگ [illegible] دیده (رشته دیگر از)

وقایع امریکا استقلال [illegible] (پرتقال)

وضع چین در دو جا اروپا و ژاپن با جنبه ژاپن — مالک چین اوضاع [illegible] دارد [illegible] حقیقت [illegible] اروپا و آسیای [illegible]

جنبه [illegible] که در آب و هوا و کیفیات طبیعی و دیگری زندگی [illegible] همچنین [illegible] دیگری [illegible]

[illegible] طبیعی [illegible] آداب و اخلاق [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible]

[illegible] مملکت [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible] مملکت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مملکت [illegible]

ژاپن در [illegible] برای [illegible] و [illegible] مملکت [illegible]

[illegible] ژاپن نیز مملکت خود [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible] این نظام ژاپن [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible]

[illegible] صنعتی و تجارتی [illegible]

[illegible] مملکت [illegible] ژاپن [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible] ۱۹ [illegible]

[illegible] ژاپن [illegible] چین [illegible] مملکت [illegible]

مختصر تو برای دستبرد بکنند، روس توسط نواحی شمالی مرزی و سرحدی و تجارتخانه‌ها انگلیسیان توسط ... در جنوب
همه این تجارت انگلیس فروش تریاک را در بر داشت که با رقابت چینیان منتهی به جنگ تریاک کشی نود و در ...
تریاک از هندوستان به چین حمل میشد، به جهت آنکه دولت چین ممنوع شده بود از این جهت جلوگیری کند ولی در حدود ...
گفته اند تریاک وارد چین کرد انگلیسیان منفعت دولت چین را ... در ماه ژوئن ۱۸۴۲ از صندوق تریاک
کم نائب السلطنه کانتون ... انگلیس ... از تجارت ... در حدود ... برای ...
چین ... که ... در ... دولت چین ... (۱۸۴۲) ... گرفته
... Ning - ... دولت چین ... تحقیق ...
... از تریاک ... برای خود ... انگلیس ...
Parker ... در چین رفته وارد ... چین ...
که وارد ... در ۱۸۴۲
موجب ... هنگ کنگ، انگلیس ... برای تجارت انگلیس ...
... دیگر ... تجارت در آن ... از ... تجارت ...
دیگر ... انگلیس ... کند ...
... در خارج ... در ...
... روس ... و ... به ... اول ...
... ترکستان ... که ... تمام ...
وارد ... که ... در ... در آن ...
و ... برای ... از ...
اقصی و ... ترکستان ... در ...
... ترکستان ... روس ... بوده است

که ... ترکستان ... از ... در ... و ...
... ترکستان ... ۱۸۴۲ ... از ... روس
در ... برای ... ۱۸۵۰ ...
... اول ... قفقاز ... در قفقاز ... اول ...
... قفقاز ... در ... حکومت ...
... حکومت ایران ... قفقاز و گرجستان بوده است ... از ...
قفقاز ... است ... در ... قفقاز
... ایران ... و ...
... ایران ... قفقاز ...
... ایران ... در ... گرجستان ... روس ... در ... ۱۸۰۱
... انگلیس ... گرجستان ... (۱۷۹۱) ...
گرجستان و ... ایران ... میرزا ...
... Akermann ... گرفته
... قفقاز ... ۱۷۹۵ ... گرجستان ... ۱۸۰۱ ... گلستان (۱۸۱۳)
... (۱۸۲۶) ... ترکمنچای (۱۸۲۸) ... قفقاز ... ایران ...
... قفقاز ... ۱۸۲۴ ...
... قفقاز ...
... قفقاز ...
... از ...
روس ... در ... ۱۸۵۰ ...

کلنیهای انگلیس — در قرن اول ۱۹ هم دارای کلنی بوده عبارت بودند از انگلیس و [illegible] استرالیا [illegible]

[illegible] هم [illegible] داشته است، بنابراین برتغال و اسپانیا هم [illegible] کلنیهای امریکا خود [illegible] داده

[illegible] مستعمرات خود نگاه داشته اگرچه مستعمرات [illegible] در [illegible] وقت [illegible]

[illegible] انگلیس و [illegible] کلنیهای [illegible] در این [illegible] داده [illegible] جنگ

انگلیس راجع به کلنیهای آن دولت هم جنگ بحری و تجارت انگلیس است از [illegible] ۱۷ [illegible]

[illegible] وقت [illegible] در آن [illegible] شده است بنابراین قرن اول ۱۹ [illegible]

برای انگلیس [illegible] بعد از [illegible] انگلیسها از ۱۷ [illegible] سیادت بحری [illegible] قرار داده

در [illegible] قسمت مهمی از [illegible] ممالک [illegible] در منطقه [illegible]

داشته باشند [illegible] از [illegible] صنعت [illegible]

[illegible] منطقه [illegible] ممالک [illegible]

و ممالک صنعتی [illegible] انگلیس [illegible] صنعت [illegible] احتیاج [illegible] دارند

[illegible] انگلیس [illegible] صنعت و تجارت [illegible] ترقی [illegible]

صنعت و تجارت محتاج [illegible] ممالک [illegible] سیاسی [illegible] آن [illegible]

[illegible] حصول آن [illegible] و تجارت آزاد [illegible] ممالک خارج [illegible] انگلیسها [illegible] ممالک [illegible]

در تصرف [illegible] تجارت آزاد [illegible] ممالک [illegible]

انگلیس [illegible] ممالک [illegible] هندوستان بوده و تمام [illegible] اروپا [illegible]

هندوستان [illegible] در [illegible] گذشته است [illegible] انگلیسها از

[illegible] تصرف قسمت [illegible] آن [illegible] تجارت انگلیس [illegible] هندوستان

[illegible] انگلیسها [illegible] آن [illegible] مستعمرات [illegible]

[illegible] از ۱۸ [illegible] هندوستان [illegible] انگلیس [illegible] انگلیسها [illegible]

بوده [illegible] سیاسی دیگر [illegible] هندوستان [illegible] انگلیس داشته و دارد

[illegible] کلنیهای انگلیس [illegible] مملکت [illegible] انگلیس است منظور حقیقی انگلیسها

تسلط [illegible] تجارت [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] هندوستان [illegible] مستعمرات دیگر [illegible]

[illegible] تسلط [illegible] تجارت انگلیس [illegible]

سیاسی آن دولت [illegible] امروز [illegible] آن [illegible]

[illegible] در ۱۸ [illegible] ۱۹ [illegible] تجارت [illegible]

[illegible] از مستعمرات خود [illegible]

تصرف کلنیهای [illegible] انگلیس در قرن اول از ۱۹ [illegible] کلنیها [illegible]

[illegible] آن [illegible] اروپا [illegible] بوده است

[illegible] جنگ انگلیس [illegible] گفتیم که اول سیادت بحری [illegible]

[illegible] آن دولت [illegible] شده است [illegible] ۱۸۱۵

[illegible] جنگهای [illegible]

[illegible] انگلیس بوده است [illegible] کلنیهای [illegible]

انگلیس [illegible] ۱۸۱۵ [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] انگلیسها [illegible] کلنیهای [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] هندوستان [illegible] آن

قرن اول [illegible] تسلط انگلیس [illegible] تجارت انگلیس [illegible]

[illegible] ۱۹ [illegible] دولت انگلیس [illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible] ۱۹ [illegible] انگلیس

شهر لاهور [illegible] زمان [illegible] که [illegible] نزاع [illegible] بهانه [illegible] از
از پنجاب و سند [illegible] ممالک ایشان بود مستقیماً متصرف شده یا آنها را در تحت حمایت و نظارت خود
درآورده است [illegible] ۱۱ [illegible] که به طرفیت مستقیم [illegible] و [illegible] متصرف مملکت ایشان
[illegible] مملکت [illegible] شده زیرا که [illegible] منقرض شده [illegible] انگلیسیان شده
و بعضی از ممالک [illegible] مستقل [illegible] و بعضی از طوایف [illegible] جنگ کردند [illegible]
با انگلیسیان [illegible] افغانیان [illegible]
و در ۱۷۹۹ [illegible] کمپانی انگلیس [illegible] در سنه ۱۷۸۵
انگلیسیان [illegible] مملکت [illegible] ایالات [illegible] از هندوستان [illegible] متصرف [illegible]
از ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۵ [illegible] Wellesley [illegible]
minto [illegible] تمام ممالک [illegible] طوایف سیک [illegible]
[illegible] کشمیر و [illegible] متصرف درآورد [illegible] طوایف سیک [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] پنجاب [illegible] در نواحی [illegible] طوایف [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible] طوایف در [illegible] لاجرم [illegible]
[illegible] hasting [illegible] حکومت [illegible]
کار بزرگ انگلیسیان تصرف تمام ممالک سند و پنجاب بود [illegible] افغانستان [illegible]
تصرف [illegible] Dalhousy در ۱۸۴۹ [illegible]
با وجود آنکه ممالک هندوستان [illegible] انگلیس [illegible] هندوستان [illegible]
خود [illegible] نفع خود [illegible] مملکت [illegible]
[illegible] هندوستان [illegible]
[illegible] ایران نیز از [illegible] ۱۹ [illegible]

در سال [illegible] با ایران [illegible] فرانسه و انگلیس در زمان ناپلئون شروع شده [illegible] اولین [illegible]
دولت ایران نسبت به روس و انگلیس [illegible] اقدامات [illegible] انگلیسیان [illegible] اولین [illegible]
نفوذ خود بود در ایران [illegible] انگلیس برای [illegible] از نفوذ ناپلئون و فرانسه [illegible]
[illegible] از آنکه ترس رقابت فرانسه از میان برداشته شد انگلیسیان از رقابت دولت روس [illegible]
[illegible] شده [illegible] دولت ایران [illegible] ترکمن [illegible]
[illegible] هندوستان [illegible] هرات [illegible] محمد شاه [illegible]
هرات بود [illegible] ناصرالدین شاه [illegible] از تحریکات روس [illegible] از راه افغانستان
و هرات [illegible] انگلیس [illegible]
دولت ایران تخلیه هرات [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] گذشته از
[illegible] افغانستان [illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] هندوستان [illegible]
[illegible] هرات [illegible] انگلیسیان [illegible] هرات [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] افغانها [illegible] از راه افغانستان
[illegible]
[illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] هندوستان [illegible] افغانستان [illegible]
هرات [illegible] افغانستان [illegible]
[illegible] auckland حاکم [illegible] افغانستان [illegible]

و هر وقت قهر به شکسته رفته (۱۶۴) لکن شهرش بزرگی در انگلستان درگرفت و انگلیسیان بو
در مصر خیبر تا مرتفع کنند (۱۷ هزار قرش انگلیس در موقع تقدیه شد) انگلیسیان تعدی صدمات
که با فلانستان زدند اما فلانستان بو تعرف کرده بسیار متحد بود گردانده !! دعوا به آبادی رسیده
کشتیهای فرانسه و قلع الجزایر — فرانسه در نیمه اول از ۱۹ قرن الجزایر کارها در تسلط سکنات خود کرد
و قلع الجزایر با جمیع تعدیات واقع شد و در نتیجه القصه تعدی کمی شده ملکه بزرگ جهت دنباله
جنگ قدیم فرانسه در دوره ۱۸ ترانه و از جهت دیگر از تاریخ فتوحات رابع مربوط به تجدید و اطلاعات
ورثه و الجزایر در دوران صدوده بسیار درجه ممالک عثمانی آمده لکن حقیقة تسلط عثمانیان فقط در اطراف
نادر بوده است و در این نواحی یک حاکم بزرگ در الجزایر و یکی در تونس از جانب عثمانی و دولت گرفته اند
حاکم بزرگ الجزایر بو بوانه Dey تگوینه از جانب این حاکم بزرگ که به حکام بزرگ بابا تک در
ولایت و شهرها تولد گرفته اند اما اولاد طوایف بربر و عرب و حتی الجزایر جزء آن با عاملی از این
حکومتهای خود را داشته اند با حکومتهای خود و در محل خود تقریباً مستقل بودند و حاکم کتر هیچ از آنها
منکر نمیشد در اواخر و اوایل ۱۹ حاکم کتر الجزایر و تونس نیز به دولت عثمانی [illegible]
ادبیات مستقل رفتار میکردند زیرا جهت نواحی الجزایر و تونس در قسمت ساحل غالب از اهمیت بوده و مخصوصاً
فرانسه و بعضی ممالک دیگر از الجزایر گندم خریده و از این جهت با آن مملکت روابط تجارتی داشته
اما اهمیت الجزایر بو طرف توجه اروپائیان قرار داده وجود دزدان دریائی و بحریهای این جهت بود
مهاجرت اروپائیان در دریا و سیاحی بوده اند و مالی ایشان از الجزایر بود از زمان
شارلکن اروپائیان از دست این بحریهای دزدان بحری عرب در صدد بوده [illegible]
بودند چنانکه شارلکن دریا با اقدامی کرده لکن هیچ یک موفق با اتمام کمک [illegible] نشد تا زمان
رجعت خانزاده بوربن با وجود بعضی اقدامات انگلیسیان در ابتدای ۱۹ در دزدان بحری با قائمه بودند
و در باره [illegible] الجزایر [illegible]

هر روز حیث و هم آن موضوع بعضی اختلافات شده بود و دنباله آن کار کشیده تا رجعت خانزاده بوربن
که بین حاکم کتر الجزایر و سلام [illegible] و قنسول فرانسه بحثی پیش آمده قنسول فرانسه گفته او بود
با دیزن خود یک زد [illegible] دولت شارل دهم اتفاق افتاد)
شارل از یک طرف امید داشت در قرن ۱۹ بجز [illegible] از طرف دیگر [illegible]
و حوادث [illegible] شارل [illegible] خارجی شرف [illegible] اقدامات
او در ترویج کوشش [illegible] در پیشرفت [illegible] بهمین [illegible] دولت فرانسه از
سر [illegible] حاکم الجزایر [illegible] در بحری را [illegible] کرده قشون [illegible]
بحری کافی به بندر الجزایر فرستاد
و با الزمان بندر الجزایر بو گرفته و خود [illegible] قبل از انقلاب ۱۸۳۰ [illegible]
[illegible] خانزاده بوربن [illegible] الجزایر [illegible] اشغال کرده [illegible]
بعد از [illegible] تسلط [illegible] تمام مملکت الجزایر تسلط داشتند
چون الجزایر [illegible] سلسله جبال [illegible] و طوایف متعدده از [illegible] آن در آن
نواحی سکنی داشته [illegible] مملکت مشغول [illegible] عدیده شده [illegible] در ۱۸۳۴ [illegible] تمام الجزایر [illegible]
تصرف درآورند [illegible] عبدالقادر [illegible] رؤسای عرب [illegible] دینی [illegible]
است استقلال [illegible] کرده [illegible] عبدالقادر
[illegible] لکن [illegible] فرانسه [illegible] Bugeaud [illegible]
[illegible] عبدالقادر [illegible]
[illegible] ۱۸۴۷ [illegible] عبدالقادر [illegible]
[illegible] عبدالقادر [illegible] الجزایر [illegible]
marabout [illegible] عبدالقادر [illegible]

فصل دوازدهم

تمدن، علوم و ادبیات و غیره آن

در اواخر قرن ۱۸ و ابتدای قرن ۱۹ غیر از این [illegible] ترقی فوق العاده در تاریخ تمدن اروپا پیدا
شود از حیث علوم و صنایع ترقی بسیار شده است تحقیقات و کشفیات علمای آن قرون [illegible] نتایج خوب
حاصل کرد [illegible] علوم کشف حقایق کرده و ایجاد فنون جدیده نائل شدند و در صنایع بسیار اختراعات
جدیده [illegible] آنچه از پیش اختراع شده تغییر وضع کلی داده صنایع یدی به صنایع [illegible] تبدیل [illegible] کارخانه
و کارخانه‌ها [illegible] وسعت [illegible] اهمیت خود [illegible]
اتفاقات [illegible] است یک جهت انقلاب کلی در تمام آثار تمدن از سیاست و اجتماع [illegible]
ادبیات و صنایع مستظرفه و غیره آن و البته این ترقیات همه اتفاقی نیست بلکه اقتضای طبیعی [illegible]
[illegible] ترقیات و تغییرات تدریجی [illegible] عالم تمدن حاصل شده [illegible] انقلاب کلی بوده است
از نتایج این ترقی فوق العاده علوم و انقلاب کلی در تمام آثار تمدن [illegible] چیز از
قرن ۱۸ و نیمه اول از قرن ۱۹ [illegible] رجال فوق العاده است در تمام شعب علوم و فنون حتی در سیاست
و جنگ رجال سیاسی و نظامی بزرگ [illegible] رجال و کارکنان انقلاب کبیر و امپراطوری [illegible]
زیرا که انقلاب سیاسی فرانسه [illegible] و به تناسب انعکاس [illegible] انقلاب فکری آزادی طلبی
و ملیت خواهی [illegible] در جاهای دیگر نیز [illegible] رجال کاردان [illegible]
ظهور رسیده‌اند در علوم اگرچه تمام ملل اروپای غربی و مرکزی دارای علمای بزرگ بوده [illegible]
[illegible] رجال علمی [illegible] فرانسه [illegible] در صنایع مستظرفه [illegible] نقاشی [illegible]
اما در حکمت اولین رجال بزرگ از آلمان است [illegible] انگلیس [illegible]
قدیم [illegible] در تمام ممالک [illegible] در ادبیات آلمان و انگلیس و فرانسه [illegible]
دارای رجال [illegible] ادبیات [illegible] آلمان و انگلیس [illegible] فرانسه [illegible]

در علوم دیگر از قبیل تاریخ و تحقیقات راجع به تاریخ و جغرافیا و حقوق و علوم اجتماعی و علوم راجع به [illegible]
مملکت آلمان و انگلیس و فرانسه [illegible] رجال بزرگ داشته [illegible] آلمانی‌ها در این شعبه از معارف
[illegible] دقت و حوصله و زحمت [illegible]
دارند و آلمانی‌ها [illegible] از تمام ملل [illegible] معروف [illegible] دارای این صفات [illegible]
مخصوص [illegible] آلمانی‌ها به این فن بزرگ [illegible] داده [illegible]
[illegible] قرن ۱۸ [illegible] قرن ۱۹
یک [illegible] ترقی فوق العاده در علوم و صنایع و انقلاب [illegible] آثار تمدن است [illegible]
از رجال فوق العاده [illegible] ترقیات و انقلابات [illegible]
مملکت آلمان و انگلیس و فرانسه [illegible] مملکت ایتالیا نیز [illegible]
[illegible]
حیث سیاسی و اجتماعی [illegible] تاریخ انقلاب کبیر و نتایج آن [illegible]
دیگر [illegible] عقاید [illegible] تحقیقات حکمای
قرن ۱۸ راجع به [illegible] سیاسی و اجتماعی [illegible]
[illegible] آزادی و ملیت [illegible] سوسیالیسم [illegible]
[illegible] قرن ۱۸ [illegible] تحقیقات
[illegible] آزادی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قوانین حدود زیادی گمرکی نکرد چون برده فروشی منتهی راجع به انگلستان بود و جنگهای ناپلئون ... است و به موازات دریا گاهگاهی

این مسئله هیچ وقت ملایم نشد در کنگرهٔ وینه ابتدا به سطح عمومی گفته شد و اگرچه تمام دول اسلامی ... بودند مردود

شده بود به انگلستان ترک شود لکن باز در عهد ... دیگر بعد از کنگرهٔ وینه دول دیگر انگلیسیان اقدام

این امر کردند و این مسئله برای انگلیس ... و دولت که اقدام ... که منافع ... برای

انگلیسیان اسباب ... و جلب توجه عموم شد دیگر آنکه ... از برده فروشی ... نشده

... و مردم ... از تجارت ... و الزامی ... در این ... ... اقدام

... از فرانسه مسئله ... دول دیگر ... و قرارداد ... فرانسه و انگلیس برای جلوگیری ...

برده فروشی ... و ... بسته شد و دول دیگر نیز در این قرارداد ... شد

... انگلیس و فرانسه گفتند این مسئله ... یکی از ... معروف ... نامیده

شد زیرا که انگلیسیان برای ... خود اجازه این حق را ... Droit de visite

برای جلوگیری از برده فروشی ... در این ترتیب ... حیثیات دول دیگر ... فرانسه

... از انگلیس و در ... محترم ... برده فروشی در ... ممالک

... ترک شد و در ... کشتی ... و در ... ممالک

... شد ... دیدیم

یک مسئله دیگر از مسائل اجتماعی و اقتصادی ... در این ... مطرح شد مسئلهٔ آزادی تجارت libre échange و عدم آزادی آن Protectionisme است ... در آن ... که

... در ... سیاسی ... لکن ... انگلیسیان آزادی تجارت

و ... تجربه بزرگ دیگر از این بحث ... است

ادبیات و صنایع مستظرفه — در قرون ... ادبیات ... زبان لاتین را ...

در صنایع مستظرفه و ادبیات ... در ... و ... در ... ادبیات و ...

ادبیات و از حیث تأثیر خارج که مهمترین زبان ادبی فرانسه در آن دوره و ... زبان علمی و ادبی تمام

اروپا بود ... و ... فرانسه دارای حیثیت علمی ... و ادبیات ...

اروپا ... ادبیات ... و در فرانسه و در خارج این مملکت از حیث

ادبیات ... قرن هفدهم ... اگر ... حکم ... که سبک ...

... قرن هفدهم ... زیرا که آن سبک ... ادبیات ...

صنایع مستظرفه ... قوانین ... از آن قوانین ... آن قوانین ...

... که ادبا ... قرن هفدهم ... این قوانین ... سبک ...

... و صنایع مستظرفه ... ادبیات ... قرن هفدهم

... سبک classique ... و ... مستظرفه ... و در ...

... و صنایع مستظرفه و ادبیات ... حقیقی و فصاحت و ...

... قرن ... فصحای قرن هفدهم ... قوانین ادبی ...

... زیرا که در صنایع مستظرفه ... حقیقی ...

... قرن هفدهم ... اگر ...

... و از ... آثار ایشان ... ادبا ... در صنایع مستظرفه

لکن ... و آن ... ادبی ... فصاحت ...

... آن ...

... در ... حقایق ...

... صنعت ... حقایق ... صفات ...

... قرن هفدهم ... ادبی ...

... قوانین ... فصاحت ... ادبیات ...

و این حال حقیقة در ادبیات غیر از صنایع مستظرفه مرعی و ملحوظ است اگرچه در معنی بعضی اشتباهات برای قدما و ادبا دیده
علم فصاحت پیدا نمود و لاتینی‌ها حاصل شده و بعضی تقلیدات غیر لازم برای خود درست کرده بودند از قبیل قید وحدت
وحدت زمان و مکان تا آنکه معروف شد قانون آن سه وحدت trois unités معروف است و ایشان شاعر را وابسته به آن قرار داده تا تر راجع
تنگ کرده از همین جهت تا آنکه به انواع سابقه و غیره در آرایش دیگر و بعضی امثله دیگر ... بسته به سلیقه کسی یا سلیقه
عمومی و رنگ جاره و امکان تفحص است مثلاً قدیم فصحای ... آنکه به مطبوع خوب ... استعمال کنند و این
ترتیب بود به مطبوع و ... در کلام noblesse نگفتند یعنی سلیقه‌ها و بعضی جاره‌ها مثلاً بیان زبان ...
پسندیده و بهانه صنیع ترجمه و انشاء خوش بیان و رنگ بیت و کلام را ... کار میکند لکن بعضی سلیقه‌ها ...
بعضی جاره‌ها ... است این قید ... در بیان بعضی مطالب از این قبیل اشکال حاصل شد و پس از
جزء ... است ... کار آنها ... عبارات ... ذکر آن مطالب استعمال لغات ... عوام ...
... کمال فصاحت و بلاغت ... در ... این ... هم ... بیان در
صنایع مستظرفه مرضی تقلید در تمام ممالک اروپا شده اینها تقلید ... آنکه ... پس از نقض و تزلزل
در ادبیات ... گردید و ... تقلید صرف ... در جمله ... از این تقلید
حاصل شده از جمله جهات ... : اول از جهت آنکه ... تقلید کنند از خصائص و حیثیات خود خارج
... که از جهات بزرگ ... کلام ... است ... عبارات ...
... حاصل کرده است ... که ... ادبی ... آن ... شرع ... است
سوم آنکه ... در ... آنها ... که ... آن ...
... حاصل شود ... است ...
آن ... از جهت آنکه آثار ... آن سبک مخصوص ... حاصل شود ...
... دیگر از جهت ... برای ... حاصل شود ... حاصل گشته ... ادبیات ...
هم اگرچه از ... طبیعی ... خود خارج ... است ...

در ادوار ... چنین نظر ... بعضی حکایات در عموم ممالک ... روح ...
... اول دفعه ... روز ... از ... تقلید ادبیات ...
... حاصل شده ... از طرف دیگر ... ادبیات و آثار قدیمه ... مملکت ...
... اول دفعه در آن حاصل شده ... قرون وسطی
... کمال ارتباط ... سبک ... ادبیات که ... آن ... سبک قدیم
... سبک ... قرون ... نسبت آنکه در قرون وسطی ... آثار ادبی
... مخصوص ... آن ... نسبت آنکه زبان و سبک
ادبیات و صنایع مستظرفه قرون وسطی و سبک Roman نگفته ... ادبیات ...
... قرون وسطی ... Romantique ... سبک ... ادبیات
و صنایع مستظرفه ... سبک رمانتیک ... ادبیات ... صنایع
مستظرفه ... فنون ... تاریخ ...
... سبک رمانتیک ... رمانتیک از آن ... ادبیات قدیم ...
... قرون وسطی ... رمانتیک ... قرون وسطی ... آنکه ...
... قرون وسطی ...
... تاریخ قدیم ...
... علوم و فنون و تاریخ و آثار ... قرون وسطی ... قرون وسطی ...
... آنکه ...
... سبک رمانتیک ... تاریخ و ادبیات و صنایع مستظرفه قرون وسطی ...
تاریخ ... تحقیقات ... آثار قرون وسطی ...
... سبک ... قرون وسطی ...

ای شده و در وضع شعر و انشاء او تغییر داده حتی در دورهٔ سبک رمانتیک اثر داشته تا اختصاص معنوی این سبک
[illegible] رمانتیک [illegible] در مقابل کلاسیکها و از [illegible] داده [illegible] در روی وضع
خود هم تغییر داده‌اند و گفته [illegible] آن است و موضوع شعر و انشاء و خصوصاً آثار طبیعت
و از این جهت آثار طبیعی از کوه و جنگل و آب و درخت و غیر آن در موضوع شعر و انشاء رمانتیک شد و از این جهت
[illegible] قدیم [illegible] بعضی از آثار [illegible] سبک [illegible]
سبک [illegible] توجه [illegible] طبیعت [illegible] شده بودند [illegible] تعبیرات لطیف [illegible] و عجیب و آثار [illegible]
در قطعات [illegible] مختلف [illegible] از دیدن آثار طبیعی
[illegible] در نظم و نثر خود [illegible] و از این است اصطلاح فرانسه سبک pittoresque [illegible]
رمانتیک [illegible] شده است این دو امتیاز سبک رمانتیک از جهت معنی و موضوع کلام و امتیازات آن از جهت
لفظ و ترکیب کلام [illegible] بعضی از قواعد [illegible] سبک [illegible] ترکیب کلام [illegible] جهت سبک
آثار [illegible] تغییر داده‌اند [illegible] الفاظ [illegible] مناسب الفاظ [illegible]
کرده‌اند [illegible] عروض و قافیه تصرفات نموده [illegible] کلام [illegible]
مناسب‌ترین عبارات آسان باشد و عبارت مناسب فهم و ذوق خوانندگان کند

سبک رمانتیک در نقاشی و حجاری و معماری [illegible] در حجاری و نقاشی [illegible] تمام [illegible]
[illegible]
[illegible] زمان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] Couleur locale [illegible] در حجاری [illegible] و در نقاشی
[illegible]

[illegible] بزرگترین اشخاص [illegible] سبک
[illegible] سبک رمانتیک [illegible]
[illegible] رمانتیک [illegible]
[illegible] می‌رفت

[illegible] ادبی آلمان [illegible] آلمان [illegible]
سبک رمانتیک [illegible] واقع شده [illegible] سبک رمانتیک [illegible]
[illegible] Lessing
[illegible]
[illegible] Klopstock [illegible]
[illegible]
[illegible] آلمان [illegible]
[illegible] شعرای آلمان (۱۷۴۹ - ۱۸۳۲) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شعر تر و گرم. بعد از رمانتیک آثار گذشته هم کمی دارای اثرهای متعدد است که از انواع مختلفه شعر و نثر [illegible] و بزرگ از
شاعرین آلمان [illegible] بزرگ [illegible] Rückert و در تاریخ ادبیات شرقی [illegible]
گت و شیلر [illegible] بودن آنکه در این طبقه [illegible] آلمان [illegible] بزرگ نقاشان
[illegible] طبقه [illegible] آلمان [illegible]
[illegible] گذشته [illegible]
[illegible] Schlegel و Tieck و Richter و Hoffmann در شعر و نثر [illegible] آلمان [illegible]
شعرا و [illegible] بعد از [illegible]
طبقه دیگری [illegible] ادبیات [illegible] ۱۸۴۸ [illegible]
جامعات [illegible] بزرگترین آلمان Körner و Lenau [illegible]
شعرای ۱۹ [illegible] Uhland

انگلیس — در انگلیس [illegible] وقت [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] ادبیات [illegible]
[illegible] ادبیات [illegible] ۱۹ [illegible]
[illegible] ادبیات انگلیس [illegible] ۱۷ [illegible] اهمیت [illegible] شاعر بزرگ [illegible] شکسپیر [illegible]
در [illegible] انگلیس و
خارج انگلیس [illegible] شکسپیر [illegible] شاعر بزرگ [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] ۱۸ [illegible]
[illegible] Cowper و Burns [illegible] ۱۹ [illegible]
[illegible] Southey و [illegible]
Wordsworth [illegible] lakists [illegible]

و شاعر [illegible] مهمترین [illegible]
Byron [illegible] بزرگترین [illegible] انگلیس [illegible] بزرگ [illegible]
(۱۷۸۸ – ۱۸۲۴) [illegible] Shelley [illegible]
بزرگ [illegible] شاعر بزرگ [illegible] Walter Scott [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
شعرای [illegible] انگلیس [illegible] mis cologne [illegible]
[illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible]
[illegible]
[illegible] بزرگترین شعرای [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۹ [illegible] (۱۸۰۷–۱۸۲۱) [illegible]
فرانسه — در فرانسه [illegible]
[illegible]
[illegible] بزرگترین [illegible]
[illegible] ۱۷ [illegible]
[illegible] ۱۷ [illegible]

در ادبیات نیز یک قرن تاریخی شمرده شود در این عصر نامهای مشهوری [illegible] اگر اشتباه نکنیم [illegible] در کار بوده
آن اشتباه [illegible] نیست هر یک جداگانه [illegible] اساتید بزرگ [illegible] هر یک [illegible] شعر و نثر
روح [illegible] وقت [illegible] آزادی قلم و خیال و طبع [illegible] استعداد نامهای آنان گردیده [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] مادام [illegible] دختر [illegible]
شاتوبریان بزرگترین نثرنویسان [illegible] بوده است مادام دوستال [illegible] نظم [illegible]
تحقیق [illegible] آن [illegible] کتاب [illegible] نوشته [illegible]
آداب و اخلاق [illegible] و حکمت [illegible] آن [illegible] کتاب [illegible]
را [illegible] است [illegible] شاتوبریان [illegible]
است زیرا که تمام [illegible] تاریخ [illegible]
[illegible] لطیفه [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] نظم [illegible]
[illegible] کتاب [illegible]
[illegible] کتاب [illegible]
[illegible] کتابهای [illegible]
Atala René و کتاب [illegible] آثار او
مادام دوستال و شاتوبریان [illegible]
اساتید بزرگ [illegible] لامارتین [illegible] آلفرد دو موسه و ویکتور هوگو و آلفرد
دو وینی [illegible] لامارتین [illegible]
سبک [illegible] لامارتین [illegible] ویکتور هوگو [illegible] قرن ۱۹ [illegible]

[illegible] لامارتین [illegible] ویکتور هوگو [illegible]
اگر چه لامارتین [illegible] شاعری شناخته شده لکن آثار [illegible] نثر [illegible] شمرده میشود
ویکتور هوگو [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] نظم [illegible] قرن [illegible]
[illegible] قرن ۱۹ [illegible]
[illegible] تاریخ
[illegible] ویکتور هوگو [illegible]
ویکتور هوگو [illegible] ویکتور هوگو [illegible] کتابها و آثار ویکتور هوگو [illegible]
[illegible] کتابهای [illegible]
[illegible] ادبیات [illegible] نظم و نثر [illegible]
[illegible] نظم و نثر [illegible]
[illegible] نظم و نثر [illegible]
[illegible] Drame [illegible]
[illegible] کتابهای [illegible] ویکتور هوگو [illegible]
[illegible] ادبیات و تاریخ [illegible]
[illegible] قرن ۱۹ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تحقیق [illegible]

تحقیقات علمی کمتر برجسته بوده و این کشور در فن نقاشی و ادب و نقادی تاریخی و علمی در حقیقت پیشه بزرگ در زمینه فن نقاشی است

هم در ادبیات و تاریخ و علوم معقول سهم به سزایی دارد

دو ملت دیگر نیز دارای هیچ اهمیت بیش از آنکه در فنون ادبی بوده‌اند نبوده است خاصه در میان به اول

قرن ۱۹ گذشته از اینکه نقاشان بزرگ داشته و کشورهای دیگر نیز از فنون پیشرفته بود از آن دو

زبان معروف از قبیل آنکه نامها و آثار ... prosper

و نقادان مشهور شهر Saint Beuve Edgar Quinet از بزرگترین نقادان این دوره Rumond

و مورخین و تاریخ‌نویسان مشهور اینک دارند و شهر مشهور جهان تاریخ معروف Norgard از این دو

کتب مشهور است و کشورهای اسکاندیناوی و غیره آن وجود داشتند اکنون باید تصور کرد که ممالک دیگر

نیز در آن دوران از حیث قدر اهمیت در درجه اول قرار داشته‌اند

چنانکه گفته‌ایم در صنایع مستظرفه از اوایل قرن ۱۸ به بعد فرانسه و انگلستان بر ممالک دیگر برتری داشته‌اند

و این برتری در قرن ۱۹ نیز مشهود است بین سالهای ... اول ملت در صنایع

مستظرفه پیشرو بوده و بعد از آن در رشته نقاشی آلمان روی کار آمده و بعد از آن در

قرن ۱۷ به بعد انگلستان اهمیت یافته و تا این اواخر به نقاشان مشهور فرانسه هم در زمان

داراییِ تمام شعب صنایع مستظرفه است ترقی بوده است در قرن ۱۷ و ۱۸ گفتیم سایر ممالک از لحاظ

چون سبک زمان ترقی کرده اگرچه از قرن ۱۷ به بعد در فرانسه خود نقاشان بیشماری از هر طرف

پیدا شده و اول اروپا در صنایع مستظرفه سرمشق شده و تا قرن ۱۹ سبک کلاسیک را نگاه داشته در

زمان ... و امپراطوری ناپلئون حتی بعد از انقراض ... بزرگترین نماینده سبک کلاسیک ظاهر

شده است و استاد نقاش ... David نقاش مخصوص ناپلئون است ... مخصوص از نقاشان

شاگردان او ... نقاشی تاریخی را پیروی کرده‌اند و از شاگردان مشهور او ... ولی بعد از

... Proudhon ... Gros دیگر

باید متذکر شد نقاشان رمانتیک فرانسه Gericault از بزرگترین نقاشان این دوره

را نیز نام برده‌اند و Delacroix که از بزرگترین نقاشان فرانسه و در ردیف نقاشان بزرگ عالم

دیگر Corot که در اوایل قرن ۱۹ بوده و در نقاشی مناظر مقام والایی دارد

نقاشی اگرچه در قرن ۱۹ ... ترقی کرده است و در انگلستان مجسمه‌سازی ... (کمتر بوده)

... نقاشی رسیده و ... از ذکر ... در نقاشی خاصه

... Bary و Rude ... از هنرمندان

گذشته از فرانسه در ممالک دیگر نیز نقاشی ... و کارهای بااهمیت خاصه در آلمان

Karsten و Winckelmann و molnys ... از

سبک و Schadow ... Koch و در انگلستان Thomas Lawrence Turner و در آلمان

نیز به ... در آلمان و ایتالیا و دانمارک ... اهمیت داشته‌اند

حکمت - ... اهمیت یافته حکمت و علوم معقول ... مخصوصاً

مخصوصاً ... حکمت ... در آلمان و انگلستان بوده ... و ممالک ... Kant

حکمت و فلسفه ... در قرن ۱۷ ... دارای حکمای بزرگ شده ... که ...

در حکمت ... در آلمان ... در قرن ۱۸ ... عالی‌ترین حکمای ... تکمیل

... بنیان فلسفه ... و آثار داده ... حکیم آلمانی ...

دیگر حکما ... مشهور ... در قرن ۱۸ ... در آلمان حکمت ... اول

... (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴) ... فوق‌العاده

... در حکمت ... و علوم ... اهمیت

... تمام ... حکمت ... کانت ...

... حقیقت عالم ... دیگر

هم طریقهٔ حکمی کانت قوای عقل را محدود دانسته داخل شدن در حکمت کرده [illegible]

طریقه را بسته در حکمت دیگر که بهتر است وارد شده بنام Critique انتقادی میگویند و مذهب حکمی کانت

در دو کتاب بیان شده که یکی را موسوم به Critique de la raison pure و دیگری را موسوم به Critique

de la raison pratique در عقاید [illegible] بحث اخلاق [illegible] بزرگ

کانت را [illegible] مقام [illegible] داده و مذهب اختیار [illegible] آن در زندگانی [illegible]

آزادی [illegible] پیش حکمای آلمان [illegible] Fichte [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Idéalisme [illegible]

[illegible] Schopenhauer [illegible] Schelling [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Büchner [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

Thomas Reid [illegible]

[illegible] (۱۸۰۶–۱۸۷۳) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Éclectisme [illegible] Victor Cousin [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Positivisme [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در نیقولیس هم خارج بودن ماده و اجسام از فهم انسان منفی و افکار مجردات و آنچه خارج از طبیعت است گفته
هر حال نیز نیقولیس واسطه ارتقاء علوم ریاضی و طبیعی بوده زیرا آنچه ثابت کرده‌اند نزد مشتغلین علوم مرتبه و جای خود
را [illegible] شده و چون هم راه [illegible] ترقی و رواج علوم [illegible] و [illegible] کتاب [illegible] نیقولیس نتیجه [illegible]
بهتر هم در آلمان و انگلیس هم اعتراف و توجه کرده است

تاریخ علوم مربوط به آن [illegible] بالاخره باید تاریخ علوم مربوط با بنیاد فن حکمت بسیار نزدیک است زیرا که
تاریخ تحولات علمی و تحقیقات هم در دوره باستان در این نظر نسبت [illegible] و تحقیقات تطبیقی [illegible]
در این فن [illegible] علوم او به [illegible] و حکمت [illegible] در واقع [illegible] از عالی‌ترین شعب علوم ادبی محسوب است
هر حال [illegible] حکمت در دوره [illegible] مربوط به علوم طبیعی و ریاضی شده تاریخ علوم دیگر ارتباط کامل
[illegible] از [illegible] اول آنکه تحقیق در تاریخ علوم تاریخ [illegible] وقایع تاریخی از
روی آنچه [illegible] توقف [illegible] مربوط به علوم دیگر است [illegible] در تاریخ قدیم [illegible]
روی آثار و کتیبه‌ها کشف شود [illegible] ظاهر نکرده [illegible] آنکه تاریخ [illegible] تاریخ [illegible] علوم نیز شود
[illegible] تاریخ علوم [illegible] مربوط [illegible] دیگر نیز ممکن است [illegible]
[illegible] ارتباط کامل تاریخ [illegible] علوم [illegible] است [illegible]
یک طبقه [illegible] اهمیت دارد [illegible] در تاریخ [illegible]
[illegible] طبقه دیگر [illegible] علوم [illegible] آن [illegible]
[illegible] تطبیقات [illegible] تاریخ قدیم [illegible]
قدیم [illegible] آثار و کتیبه‌ها کشف شود در [illegible] اهمیت [illegible]
[illegible] تاریخ مصر و آشور [illegible] آن

کشف تاریخ قدیم از روی آثار و [illegible] کتیبه‌ها [illegible] archéologie [illegible]
و محققین بزرگ [illegible] تاریخ قدیم [illegible] ذکر شده [illegible] Raulison

[illegible] قدیم ایران [illegible] آرکئولوژی محسوب [illegible] چون در تاریخ قدیم البته عنایت [illegible]
کاشفین تاریخ [illegible] ذکر [illegible] اشخاص بزرگ [illegible]
[illegible] تاریخ قدیم مصر [illegible] در تاریخ آشور [illegible] در تاریخ قدیم ایران [illegible]
[illegible] بزرگ دارد [illegible] تاریخ و علوم [illegible]
[illegible] کار [illegible] و [illegible] علم [illegible]
[illegible] بزرگ دارد [illegible] تاریخ و علوم مربوط به آن [illegible]
[illegible] زحمت کشیده‌اند

علوم اجتماعی [illegible] بزرگ [illegible] علوم [illegible]
علوم ریاضی و طبیعی [illegible] قرن ۱۵ [illegible] علوم [illegible] قرن ۱۶ و ۱۷
[illegible] علوم ریاضی [illegible] علوم
[illegible] در علوم طبیعی [illegible] قرن ۱۷ و ۱۸ [illegible]
[illegible] علوم طبیعی [illegible]
[illegible] ۱۵
[illegible] قرن ۱۹ [illegible]
[illegible] هیئت [illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] قرن ۱۸ و [illegible] قرن ۱۹ [illegible] ۱۵۱
[illegible]
[illegible] Buffon [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] عالم بزرگ حقوق مختصری را در [illegible] است و [illegible] لاوازیه و علمای [illegible] جمع [illegible]

[illegible] در [illegible] بیشتر تکمیل شده .

بزرگترین علمای ریاضی در [illegible] فرانسه [illegible] la grange و لاپلاس و [illegible]

لاپلاس فرانسه و [illegible] انگلیسی [illegible] Piazzi [illegible] encke [illegible] le verrier

[illegible] انگلیسی [illegible] کشف کرده [illegible]

[illegible] حساب [illegible] داشته [illegible]

[illegible] ۱۷ و ۱۸ فیزیک [illegible] در قسمت اول [illegible]

[illegible] کرده [illegible] علمای [illegible]

Wollaston [illegible] ampere و arago و fresnel و gay lussac

[illegible] انگلیسی Rumford و fulton [illegible] Volta galvani

[illegible] Bunsen [illegible] costa [illegible]

[illegible] کشف کرده [illegible]

[illegible] دارد [illegible] تجزیه و ترکیب [illegible]

[illegible]

[illegible] la Lavoisier [illegible]

[illegible]

[illegible] oxidation [illegible]

[illegible]

[illegible] زمان لاوازیه [illegible] انگلیسی [illegible] بزرگ [illegible] ber

berzelius [illegible] و dalton انگلیسی و humphry davy و thenard و toler

[illegible] sensation [illegible] لاوازیه [illegible]

[illegible]

[illegible] organique [illegible]

[illegible] کشف [illegible]

[illegible] علمای بزرگ [illegible] ۱۸ [illegible]

[illegible] عالم بزرگ [illegible] linné [illegible]

[illegible] علمای بزرگ [illegible] la marck [illegible]

[illegible] humboldt [illegible]

[illegible] حیوان [illegible] عالم بزرگ [illegible]

[illegible] حیوانات [illegible]

[illegible] عالم بزرگ [illegible] cuvier [illegible]

[illegible] حیوان [illegible]

[illegible] اعضاء [illegible] حیوان [illegible]

[illegible]

[illegible] حیوانات [illegible]

[illegible] حیوانات [illegible]

[illegible] paléon [illegible] fossil [illegible] حیوانات [illegible]

paléontologie [illegible] géologie [illegible] اعضاء

anatomie [illegible] حیوانات [illegible]

[illegible] comparée [illegible] حیوانات [illegible]

حتی اهمیت دارد و ترتیب طبقه‌بندی را با حیوانات داده و به اساس آن [illegible] و [illegible] طبیعی نگویند

چنانکه گوید اساس علمی حیوان‌شناسی نو گذاشته [illegible] علم [illegible] بوده

شناسی و مرتبه [illegible] وضع کرده است [illegible] geoffroy

[illegible] علمی و فلسفی حیوان‌شناسی و تشریح مقایسه [illegible] کار کرده است saint-hilaire

نو عالم بزرگ [illegible] lacépède و لامارک و [illegible]

[illegible] علمای بزرگ تاریخ طبیعیات [illegible]

هم [illegible] geologue [illegible] وضع شده و در [illegible] علمی [illegible] کرده

[illegible] کنندگان [illegible] علم [illegible] عالم [illegible] علمای دیگر [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] بعضی [illegible] ۱۹ [illegible]

هم [illegible] histologie [illegible] حیوانات و کشف [illegible]

[illegible] physiologie [illegible] علم [illegible] تشریح و علم وظایف الاعضاء [illegible]

[illegible] علوم [illegible] کار کرده [illegible] از اطبای بزرگ [illegible]

۱۸۰۲ Bichat بوده است علم [illegible] از علوم دیگر [illegible] تحقیق کرده است

و [illegible] بوده [illegible] است

۱۹ هم جغرافیا [illegible] مربوط به علوم طبیعی و از بعضی جهات دیگر مربوط به تاریخ و علوم اجتماعی است در قرن ۱۹

[illegible] علمی [illegible] عالم بزرگ [illegible]

[illegible] علوم طبیعی [illegible] Ritter [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] جغرافیا [illegible] و علوم [illegible] مختلفه [illegible]

[illegible] علوم [illegible] دائره علوم [illegible]

[illegible] علوم طبیعی [illegible] علمی در قرن ۱۸

و ۱۹ [illegible] جغرافیا [illegible] در قرن ۱۹ [illegible] علم جغرافیا [illegible]

[illegible] کائنات [illegible] علوم طبیعی [illegible]

اختراعات جدید [illegible] علوم [illegible] ترقیات [illegible] اقتصادی

[illegible] اختراعات جدیده [illegible] علوم [illegible]

[illegible] علوم [illegible]

[illegible] علوم [illegible] علوم طبیعی [illegible] در قرن اول [illegible]

اختراعات [illegible] علمای [illegible] نموده است

و از [illegible] علمی [illegible] صنعت [illegible]

[illegible] صنعت [illegible] اختراع [illegible] کارگاه [illegible]

یا [illegible] اختراعات [illegible] ترقیات علمی [illegible]

اختراعات جدیده [illegible] صنعت [illegible] انگلیس [illegible] اختراعات [illegible]

از [illegible] صنعت [illegible] کارگاه [illegible] ۱۹

معروف [illegible] jacquard [illegible] اختراع [illegible] کارگاه [illegible] انگلیس [illegible] کارگاه

arkwright معروف muleggenney و کارگاه cartwright [illegible])

Denis papin [illegible] اختراعات [illegible] اختراع [illegible]

James Watt ۱۷ [illegible] اختراع [illegible]

[illegible] اختراعات جدیده [illegible] اختراع [illegible]

[illegible] صنعت [illegible] اجتماعی [illegible]

انگلیس [illegible] اختراع [illegible]

[illegible] ۱۹ [illegible]

اختراع راه آهن نیز از نیمهٔ اول مائهٔ ۱۹ است و با اینکه مخترع آن معین نیست تدریجاً واقع شده، اشخاص متعدد در آن کار کرده‌اند
ولی اول [illegible] آهن [illegible] در انگلیس برای [illegible] و حرکت عراده‌های [illegible] به [illegible]
آهن [illegible] اختراع [illegible] و بزرگترین [illegible] Stephenson
[illegible] seguin نیز در [illegible] [illegible] مهم اختراعات در نیمهٔ
اول قرن ۱۹ اختراع تلگراف است [illegible] morse [illegible] اختراع [illegible]
اختراع [illegible] Breguet [illegible] حروف الفبا [illegible] انگلیس
مرسوم [illegible] در اواسط [illegible] در ممالک دیگر اروپا نیز [illegible]
گردید. استعمال تلگراف از سنهٔ ۱۸۴۰ در انگلیس شروع شده تدریجاً تا نیمهٔ دوم مائهٔ ۱۹ در ممالک دیگر معمول
گردید. یک اختراع دیگر [illegible] اختراع عکس [illegible] در اواسط مائهٔ ۱۹ [illegible]
در نیمهٔ دوم [illegible] اختراعات [illegible]
[illegible] galvanoplastie [illegible]
[illegible] در اختراعات [illegible]

فصل سیزدهم

نیمهٔ دوم قرن نوزدهم

نیمهٔ دوم قرن نوزدهم [illegible] ۱۸۴۸ [illegible] جنگهای
[illegible] اروپا [illegible] جنگها [illegible]
در ممالک [illegible] اروپا [illegible] جنگهای [illegible]
[illegible] اروپا [illegible] ۱۸۷۰ [illegible]
خارج [illegible] ترقیات [illegible] مائهٔ ۱۹ [illegible]
اروپا [illegible] امپراطوری دوم فرانسه [illegible] اروپا [illegible]

[illegible] فرانسه [illegible] ۱۸۴۸ [illegible]
[illegible] امپراطوری ناپلئون سوم [illegible] ۱۸۴۸ [illegible]
امپراطوری دوم فرانسه [illegible] ناپلئون سوم [illegible]
[illegible] امپراطوری [illegible] فرانسه [illegible] ناپلئون اول [illegible]
[illegible] خیال [illegible]
خیال اول [illegible] امپراطوری [illegible] امپراطوری
[illegible] امپراطوری
[illegible] ناپلئون سوم [illegible] ناپلئون اول [illegible]
[illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible]
اول [illegible] ناپلئون سوم [illegible]
ناپلئون [illegible] petit [illegible] ناپلئون اول [illegible] ناپلئون سوم [illegible]
[illegible] جنگهای [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] امپراطوری [illegible] (L'empire c'est la paix) [illegible]
[illegible] جنگها [illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] ناپلئون [illegible] جنگها [illegible]
[illegible] امپراطوری [illegible]
امپراطوری دوم [illegible] فرانسه [illegible] قسمت اول از ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۰ [illegible] امپراطوری [illegible]
[illegible] empire absolu [illegible] امپراطوری [illegible] liberal [illegible] امپراطوری

[illegible] parlement خوانده شد حقیقت تمام وضع حکومت [illegible] نزدیک [illegible] تغییر یافت و در حقیقت [illegible]
[illegible] گردیده است در این اطوار با همین [illegible] از جهات اقتصادی و تشکیلات ملکی و جز آن ترقیات [illegible]
ولی باید دانست همین ترقیات نیز در زمان [illegible] سلطنت [illegible] داده است

وضع روسیه — [illegible] ۱۸۲۵ سلطنت داشته و نیکولای [illegible] ۱۸۵۵ [illegible]
[illegible] حال [illegible] سلطنت [illegible] اداره نموده [illegible]
[illegible] اول سلطنت [illegible] اول [illegible]
[illegible] روسیه [illegible]
[illegible] اول [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] kanautra [illegible]
[illegible] maltika [illegible]
[illegible] تحت [illegible]
[illegible] از جهت [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
[illegible] (۱۸۶۳) [illegible]
[illegible] نظام [illegible]
[illegible] مجلس [illegible]
[illegible] تعداد زیادی [illegible]
[illegible] Chancellor [illegible]
[illegible] جنگ [illegible]
[illegible]

دولت [illegible] آن جنگ [illegible]
[illegible] Cadam [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] اداره [illegible]
[illegible] ترقیات اقتصادی [illegible] نظام [illegible]
[illegible] جنگ [illegible]
جنگ روس و عثمانی [illegible] ۱۹ [illegible]
[illegible] شرقی [illegible]
[illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] ایشان [illegible] قسطنطنیه [illegible]
[illegible] ترقیات [illegible]
[illegible] دولت عثمانی [illegible]
دولت روس [illegible] menschikof [illegible] قسطنطنیه [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible]
[illegible]
[illegible]
جنگ [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] (۱۸۵۳) جنگ بین روس و عثمانی [illegible] انگلیس و فرانسه [illegible]

دنبال کنند حتی در راه [illegible] قسمت عمده از جنگ [illegible] در رود آلما واقع شد و ۵۰ هزار فرانسوی
و ۲۵ هزار انگلیسی کمک عثمانیان رفته روسیان را مغلوب و مجبور به عقب‌نشینی کردند ولی قشون [illegible]
با قلعه‌های [illegible] دانوب دنبال [illegible] شهرت [illegible] بالاخره انگلیس
و فرانسویان [illegible] از طرف دانوب [illegible] کار تمام [illegible] اختیار کردند و تنها قلعه
خود قلعه سیواستوپول [illegible] روسیان [illegible] از طرف دریای سیاه [illegible] قرار داده
قشون انگلیسی و فرانسوی و عثمانی [illegible] از راه دریای سیاه به جزیره کریمه رفته بودند
یک جنگ در کنار Alma [illegible] سیواستوپول [illegible] سیواستوپول قلعه محکم
سنگی بود [illegible] قلعه‌های [illegible] ساخته شده [illegible] در آن قلعه [illegible] داشته مردم — [illegible]
Totleben مهندس [illegible] در قلعه [illegible] در جنگ [illegible] شده [illegible]
ساخته است [illegible] قشون [illegible] ترکستان و [illegible] قشون [illegible]
[illegible] سیواستوپول [illegible] و اول قلعه [illegible]
[illegible]
[illegible] قشون [illegible]
جنگ [illegible] سیواستوپول [illegible]
[illegible] ۱۵ هزار قشون [illegible] ایتالیا [illegible]
سیواستوپول [illegible] قشون [illegible]
[illegible] روس [illegible]
[illegible] اول [illegible]
[illegible] اول [illegible]
[illegible] این جنگ [illegible]

[illegible] malakof [illegible]
آنگاه [illegible] صلح [illegible] پاریس در ۱۸۵۶ واقع شد و عهدنامه [illegible]
دولت روس از حق حمایت خود بر ملداوی و والاشی و مداخله در امور داخلی [illegible]
ملداوی و والاشی هر کدام [illegible] تحت حمایت عثمانی [illegible]
[illegible] ۱۹ [illegible] حق حمایت [illegible] ثابت [illegible]
[illegible] دانوب آزاد [illegible]
ملداوی و والاشی [illegible] دانوب [illegible] دریای
سیاه [illegible]
[illegible] دریای سیاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در واقعه [illegible] این جنگ [illegible] آزادی [illegible]
دیگر [illegible] ملداوی و والاشی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] Provinces unies [illegible]
[illegible] hospodar [illegible]
[illegible]
[illegible] ملداوی و والاشی [illegible]
[illegible] Couza [illegible]

جنگ ایتالیا با اطریش کاویت و فرانسه ـ کاوور از ارسال قشون کمک سباستپل استفاده خوبی خواسته بود که
بین روابط ساردنی و فرانسه بهبودی حاصل گشت ناپلئون سیم دشمن اطریش، ایتالیایی‌ها هم بودند
که از جنگ کریمه در دنیا به شهرت خود بود ... مذاکره ... ناپلئون با
ساردنی در یک جنگ مشترک با اطریش کار بکند چنانکه یک ملاقات خصوصی با ناپلئون سیم کرده و
مذاکراتی که در آن ملاقات شده آشکار گردید برای ناپلئون سیم یک اتفاق کلی افتاده که از
در سیاست ایتالیایی‌ها چیز دانسته و آن اتفاق اینکه شخصی ایتالیائی سو قصدی در حق او نموده (۱)
اتفاقاً صدمه نخورد ناپلئون در مراجعت، ایتالیایی‌ها تا آخر گفته بود و ناپلئون ایتالیا و فضا
بلامه کاربناری از او توقع داشتند در پیش تعهدات قدیمه خود و راجع به ملیت ایتالیا رفتار کند گفتی
ایتالیایی مزبور دستگیر شده تقصیر ... مقتول شدن عریضه به ناپلئون نوشته ... او با
ایتالیایی‌ها درخواست کو ... در ۱۸۵۹ دولت ساردنی و فرانسه هر دو دولت با اطریش طرز رفتار
گشاده اظهار کرده و خصومت خود ... آن دولت ... اطریش خواسته ... دولت ساردنی
برای جنگ حاضر شود ... اطریش ... ساردنی ... جنگ ... خود
شد ناپلئون سیم هم ... قشون کاویت دولت ... دولت ساردنی ... آمد
... قشون حاضر داشت ... فرانسه ... ناپلئون اول ...
... جنگ ... قشون فرانسه ...
... magenta ... solferino واقع شده ...
... قشون ... جنگ ... ناپلئون اول ... ناپلئون اول ...
جنگ فرانسه و اطریش واقعه ... بزرگ ... سباستپل واقع شده است
گفتیم در پروس ... جنگ ایتالیا و اطریش ... قشون ...
ایتالیا مشغول ... قشون ... ساردنی ...

در ممالک متعلقه با پاپ شورش حاصل شده و از این ترقی یک مسئله‌ای هم که در حاصل شود ناپلئون سیم
هم از ساردنی و این وضع از اینکه مقصود ایتالیا ... دنبال کند منصرف شده تکلیف صلح به
فرانسه ژوزف نمود به اکراه قبول کرد villa franca در صلحی که ... بسته شد
در این صلح ۱۸۵۹ ... اطریش ایالت لمباردی را به ناپلئون واگذار کرد ناپلئون آن ایالت را به
دولت پیمونت ... ناپلئون نیس و ساوا ... از
... آمده و ولایات ... ضمیمه فرانسه شد
پیشرفت دولت پیمونت ... صلح ... ناپلئون نیس و ساوا ... ایتالیا را
... ناپلئون سیم دولت ساردنی ... ناپلئون وعده خود ...
... دولت پیمونت ... ولایات متعلقه ایتالیا ...
این مملکت راضی ... دولت ... ایتالیا ... کاوور
... ایتالیا ... دولت ... قشون ... پیمونت ... جنگ ... پیشرفت ...
... garibaldi ...
...
...
...
... ۱۸۶۱ ...
...
...
...
... ایتالیا ...

هشیاری ایالت ونیز هم نیز در تصرف اطریش بود و بنابراین هم ایطالیها خیلی فوری در تصرف شدن باید
بوده بود و ایطالیائیان خیلی اهمیت میدادند که این شهر را از تصرف اجانب درآورند و آنرا به تحت ایطالیا
وارد نمایند زیرا که ایطالیها بدون آن تشکیل دولت ایطالیا را ناتمام میدانستند این قطعه تمام و نیز از باب
درین مورد هم نیز تا این یک مسئله خیلی بزرگ برای دولت ایطالیا هم بود و مسئله روم question romaine
جنگ می‌شد؟ — گویم با اینها هم روس و بیزمارک بعد از آنکه قشون خود را تکیه مخصوصا نمایند
با تمام مخالفت این قشون حاضر بود در جنگ بازهم از طرف دیگر در داخله [illegible]
ایالتی شاهی هم [illegible] اول خارج کردن اطریش از هیئت اتحادیه آلمان بود [illegible]
آلمان [illegible] در یک هیئت اتحادیه در تحت ریاست پروس [illegible]
وصلی نشده بود ولی مقصد [illegible] اطریش حاضر [illegible]
پروس [illegible] جنگ با اطریش [illegible] قشون خود [illegible]
[illegible] lenbourg و holsteing و schellewick [illegible]
[illegible]
[illegible] بیزمارک [illegible] اتحادیه [illegible]
خارج بوده بیزمارک [illegible] دولت اطریش [illegible]
[illegible] دولت اطریش [illegible]
موضوع [illegible] اطریش و روس [illegible] جنگ [illegible] بیزمارک [illegible]
مجبور بودند (۱۸۶۶) بیزمارک برای آنکه بهانه جنگ [illegible]
[illegible] اطریش [illegible]
تصرف اطریش [illegible] روس [illegible] اطریش [illegible]
[illegible]

بعد از جنگ [illegible] بیزمارک ترتیب اتحادی با روس و ایطالیا [illegible] دولت ایطالیا [illegible]
[illegible] از تصرف اطریش بیرون آورد [illegible] جنگ با [illegible]
جنگ اطریش و روس — بعد از فراهم نمودن مقدمات جنگ بیزمارک [illegible]
بین روس و اطریش [illegible] و کار را بجنگ [illegible] دولت با اطریش و ایطالیا [illegible]
داخل جنگ [illegible] Benedek از [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] moltke [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] اطریش [illegible]
[illegible] اطریش [illegible]
[illegible] روس و اطریش [illegible]
[illegible] ۱۷۴ [illegible]
(۱۸۶۶) [illegible] اطریش [illegible]
این جنگ [illegible] روس [illegible]
[illegible] ایطالیائیان [illegible] اطریش [illegible]
[illegible] روس [illegible] اطریش [illegible]
دولت اطریش [illegible] روس [illegible]
و اطریش [illegible]
[illegible] روس [illegible]
[illegible]
[illegible] ۲۵۲ [illegible] ۲۳ [illegible] ایطالیا و اطریش [illegible]
[illegible] روس را اطریش [illegible] ایطالیائیان [illegible]

رو بیان ... تمامی ممالک آلمان یک قرارداد گمرکی در زیر نام Zollverein بسته شده بود و از اوایل ۱۸۱۹
شامل تمام ممالک آلمان گردیده است. این اتحاد گمرکی فواید تجارتی و اقتصادی تمام آلمان را جمع نموده که هم
در نفع هر یک از دول آلمان نیز از فواید آن بهره‌مند و این یک فایده مادی اتحاد و همکاری بود که به ملت
آلمان نشان داده اثبات نمود که فرمانها با سابقه اتحاد گمرکی که در تحت ریاست پروس تشکیل یافته بود
همکاری برای آلمان در تحت ریاست پروس کامل خواهند خواست و عادات و اخلاق آلمانها
تقویت ... بود) مقادیر آلمانها ... [illegible] ... قدری چند ... آلمان
همچنین ... و عادات ... [illegible] ... و ... وحشی ...
و روس ... آلمان شمالی ... [illegible] ... از جنگ با دول ... مرتفع شده و ... اتحاد
در دول آلمان شمالی تشکیل داد ... اتحاد آلمان شمالی ... دارای کشور ... و ...
قدرت آلمان ... [illegible] ... آلمانها ... [illegible]
جنگ فرانسه و پروس ... فرانسه ... برای آنکه ممالک جنوبی آلمان ... در تحت ریاست پروس
درآید ... برای ... [illegible] ... ملت ... و آلمان شمالی
این جاها ... [illegible] ... ممالک ... ترین ...
... جنگ بزرگی ... فرانسه ... [illegible] ... آلمانی ... تولید
حس ... نسبت به یک رقیب یا دشمن خارجی شود ... دفع آن ... زیر بار ... دول
... از جنگ با دول ... جنگ بزرگ ... [illegible] ... جنگ
... فرانسه ... [illegible] ... آمده بود ... آلمانی
جنگ ... فرانسه ... آلمان جنوبی ... اتحاد ... آنکه
... دول ... آلمان شمالی ... [illegible] ... جنگ ...
برای ... [illegible] ... جنگ ...

خواسته‌اند از خانواده‌گان سلطنتی اروپا جانشینی برای او انتخاب کنند یکی از شاهزادگان خانواده هوهنزولرن
خوبرو و ... نشان داده ... فرانسه ... از ضعف قوای خود ... [illegible]
آنجا ... ضعف ... [illegible] ... قوای فرانسه ...
وقت ضعیف شده بود) ... از جنگ با دول ... پروس ... فرانسه ...
فرانسه ... شاهزاده از خانواده هوهنزولرن سلطنت ... فرانسه ...
زمان ... [illegible] ... وزیر ... [illegible]
شد ... بیسمارک ... [illegible] ... شاهزاده ...
... [illegible] ... شاهزاده ...
سلطنت ... [illegible] ... وزیر ... [illegible]
... [illegible] ... شاهزادگان
خانواده هوهنزولرن برای قبول سلطنت ... جواب ... وزیر ...
... [illegible] ... بیسمارک ... جنگ
... [illegible] ...
... [illegible] ... بیسمارک ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ... وزیر ... [illegible]
... وزیر ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... حقیقت ... [illegible] ... جنگ ...

لشکر جزئی را هم ... کرده تسلیم کرده آلمانها نیز از جسارت و دلیری سپاه فرانسه با دشمن پروس تقدیر نمودند
لشکرهای جنگ فرانسه و آلمان فراهم شده و تمام مملکت آلمان هم با کمال شوق مشغول جنگ با فرانسه شدند (۱۸۷۰
در تمام این جنگ ناپلئون [illegible] بطوری [illegible] بود [illegible] کار [illegible] جنگ [illegible]
در حالیکه پروس [illegible] ۵۰۰ هزار قشون مسلح حاضر داشت و فرانسه [illegible] از قشون دیگر
و قشون [illegible] کرد و [illegible] که در جنگ بطوری فراهم کرده بودند و در کمال سرعت [illegible]
[illegible] حرکت کنند قشون [illegible] و دیگر آلمان نیز [illegible] اضافه شده و فرانسویان [illegible]
[illegible] لوازم جنگ [illegible] آلمانها [illegible] جنگ [illegible]
سرداران خوب [illegible] که سردار [illegible] جنگ داشتند و فرمانده جنگ هم [illegible] بود ولی در حقیقت جنگ
کار نکرد) و فرانسویان [illegible] سردار بزرگ در میدان جنگ داشتند یعنی macmahan
در جنگهای گذشته خیلی کار کرده و حقیقتاً سردار بزرگی بود [illegible] معلوم شده
و حرکات او طوری [illegible] بوده [illegible] معلوم [illegible] با این
[illegible] در این جنگ کار [illegible] آمد حال
آلمانیان وارد خاک فرانسه شده و [illegible] طرف [illegible] پاریس [illegible] گرفته و جنگها [illegible]
از [illegible] مقاومت [illegible] شهرهای دیگر اتفاق افتاده است اما بزرگترین [illegible] ۱۸۷۰ جنگ
sedan [illegible] در این جنگ [illegible] زیادی از قشون فرانسه [illegible] ناپلئون [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] ناپلئون سوم [illegible] حکومت
[illegible] حکومت [illegible] تشکیل دادند [illegible]
و فرانسویان با وجود [illegible] آلمانیان پاریس [illegible] کنند
آلمانیان پاریس [illegible] ۱۹
[illegible] طول کشیده است

در حین محاصره پاریس [illegible] آلمان در ورسای [illegible] در ۱۸ ژانویه ۱۸۷۱ در تالار [illegible]
عمارت ورسای [illegible] در آن تاج [illegible] گذاشته و [illegible]
بزرگ گرفته و گیوم [illegible] امپراطوری آلمان [illegible] در حین محاصره پاریس [illegible]
و از کارهای بزرگ [illegible] حرکت Gambetta [illegible] قشون [illegible]
[illegible] قشون [illegible]
قشون [illegible] مقاومت آلمانها
[illegible]
[illegible] تسلیم [illegible]
[illegible] (۱۸۷۱
آلمانیان [illegible]
[illegible]
[illegible] در این جنگ [illegible] بزرگ [illegible]
امپراطوری آلمان تشریح [illegible] قشون
آلمان به خاک فرانسه [illegible] داشته باشند

در پاریس با وجود آنکه قشون آلمان [illegible] آن شهر [illegible]
[illegible]
[illegible] thiers [illegible] حکومت [illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۸۷۱ [illegible]
[illegible] قشون [illegible] کشتی [illegible]

با ملاحظه بود زیرا که آلمانها تصرف ممالک [illegible] شده و قدرت آن در فرانسه خارج گردید آلمانها
دیده بودند که [illegible] خواسته ترکیه [illegible] از آنکه [illegible] جنگ [illegible] لیکن
دفع [illegible] عاقلانه [illegible] نموده بود از خطر رهانیدند
اما تاریخ جنگهای [illegible] سال دیده ایم [illegible] قرار داده است جنگ کریمه [illegible]
روسیه بود و [illegible] دولت روس بود چندی از قسطنطنیه [illegible] ممالک بالکان [illegible] ساخته جنگهای
فرانسه و اطریش [illegible] و فرانسه و آلمان [illegible] ایتالیا بود که دولت مستقل دارای [illegible]
داده و [illegible] سلطنت [illegible] از جنگ فرانسه و آلمان [illegible]
[illegible] دولت ایتالیا [illegible] که [illegible]
[illegible] و قرارداد [illegible] دولت ایتالیا بود
[illegible] و اطریش بعد از جنگ [illegible]
و اطریش [illegible] بعد از جنگ اطریش و پروس دارای [illegible]
[illegible] ممالک [illegible] اطریش و روس و
فرانسه و آلمان [illegible]
جنگ روس و عثمانی یا جنگ اول بالکان [illegible] بالکان [illegible] استقلال خود [illegible]
از تحت [illegible] عثمانی بود [illegible] دولت روس [illegible]
بعد از جنگ کریمه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] در هرزگوین و [illegible] واقع شده و عثمانیان [illegible]
دولت روس [illegible] جنگ کریمه [illegible]
[illegible] Pan-slavisme [illegible]
[illegible]
[illegible] دولت روس [illegible]
[illegible] اطریش و فرانسه [illegible]
[illegible] جنگ فرانسه و آلمان [illegible] روس [illegible]
[illegible] دولت روس [illegible] در ۱۸۷۱
[illegible] ۱۸۵۶ [illegible]
[illegible]
[illegible] جنگ فرانسه و روس [illegible]
جنگ روس [illegible] جنگ فرانسه [illegible]
بالکان [illegible]
[illegible] بالکان جنگ [illegible] عثمانی [illegible]
[illegible] هرزگوین [illegible] استقلال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بالکان [illegible]
[illegible]

به سالونیک و بلغار گرفته بودند آنان نیز بعد از کشتن دو تن از قنسولهای خارجه خطر افزودند
تشکیل اتحاد ثلاث که از طبقه های بالای این مملکت بود و پیشرفت اولین طرف سالونیک دانسته شد
و یک طریق دیگر نفوذ جنگ بود و در دولت عثمانی قرار داده بود بهر حال در تمام شورش بلغار و
هرزگوین امریکا هم از جنگ اولین در او خارج بلغاریان و ما کشته شدند در همان روزها
تزار که پیشرفت تمام مملکت و خود را حرکت داده بود بلغاریان و افرادشان را با ایشان متحد کرده بود
و تعلق این مناسبات که در ۱۸۷۶ اعلان شد بین دو هرزگوین در مقابله عثمانی تجاوز شده بود و لیکن
در دفعه آخر تا آنجا رسید که دولت عثمانی شورش را از این شورش بحرانی در ممالک بلغار حاضر شده از این
کار بلغاریان تردید نکردند که در جنگ اروپا خود پیش بیایند و این وضع مرام کوشش دولت اطریش
و آلمان شود اقدامات در دربار عثمانی شد برای آنکه همه خاطر بود هم تکدر پیدا کرده بودند
شده بود و مدعی بود که در اینگونه دولت انگلیس هم از پیشرفت روسیه خوشوقت نبود در حق این اقدامات
نشد که Bazardjik در سال اول انگلیس بلغار سلطان را ترک کرده بودند که در ۱۸۷۶ شورش در
بلغارستان بروز نمود و دولت عثمانی طرح جمعی را در این شورش بود در کوه بالکان که
شهر کوچک نیست هزار نفر که ۵ هزار نفر کشته شده از این قبیل حرکات و وقایع شورش بلغار
عثمانی شده بود در روی صفحه گویند در بلغاریان کتاب جرایدان و در همین وقت سلطان و دولت
تبارک که جنگ کردند و چون آنجا اقدامات و دیوانهای شورش و این اقدامات بعد از جنگ روس
هم که دولت روس مشغول جنگ با عثمانی شده در رودخانه دانوب و قرار از طرف دولت روس در موقع آنجا
عملیات این جنگ در ۱۸۷۷ واقع شده بعد از روسیان شروع کرده و در قسطنطنیه تا ...
همگی را پیش دارد بکفایت و شجاعت ازین به عثمان پاشا در محاصره Plevna جنگ شایانی بود کرده
و بعد از سه حمله ... پلونا را بدست گرفتند با این عثمان پاشا در کمال قدرت دفاع نمودند تا آنکه ...
هم قشون ... ... او و ... ... کند و ... ... که قلعه فاضل عثمان پاشا و قشون او دو روز را پرداخته

عثمان پاشا در کمال حفظ و دفاع کرده تا آنکه در تمام شهر در جنگ خوب و مصروف قشون روس و آنکه کشته شدند
در خود این همه مجروح و اسیر شد عثمان پاشا مشهورترین سرداران عثمانی در محاصره به تمام بست و در اوایل
واقعه مشهور شد و پاشا ... از اسیری عثمان پاشا راه قسطنطنیه دیگر بسته و روسیان با وجود مقاومت سخت
مشغول پیشرفت شدند و صوفیه و فیلیپوپل را بعد و دربار گرفته تمام قشون عثمانی و مستعد بود
محاصره ادرنه افتاده در نزدیک قسطنطنیه سید ... سلطان عثمانی ... بموجب معاهده سان استفانو تمام
روسیان بعد پیشرفت بلغارستان و مستقل داده و رومی شرقی و ... و بوسنی و هرزگوین ... دیگر
بی و هرزگوین مستقل داخل و استیلای ... برای دولت عثمانی در بالکان باقی نماند که ... حوالی
قسطنطنیه ... و سالونیک و آلبانی در سمت دریای آدریاتیک ۱۸۷
سدم است ... عثمانی ... دولت روس ... و ... و ... و منافع ... دیگر
خالف ... ... انگلیس و اطریش ... ... عثمانی ... ... انگلیس
... اطریش دولت روس ... در ... ... سان استفانو ... ... کم
کنگره برلن ... کنگره ... در ... تا ... کنگره بلغارستان
... ... قسمت ... و ... ... حکومت مستقیم عثمانی قرار داده روم شرقی ...
... ... عثمانی ... بلغارستان مستقل داده ... ...
... عثمانی قرار داده بوسنی و هرزگوین ... ... اداره اطریش داده
... ... و ... ... Dulcigno ...
... ...
... ... دولت عثمانی ... ...
... ...
دولت ... نیز ... جنگ ... ...

دولت انگلیس قبرس را از اقدام کنگره حق اشغال قبرس را از عثمانی گرفته بود و در همان کنگره دولت ایران قطعه خطه
سلطنت خود قطور را گرفت

حال ممالک بالکان بعد از کنگره برلن - در عثمانی در موقع جنگ بالکان که انقلاب از جانب بزرگان
و در اروپا پایان آمد وقت بروز کم سلطان عبدالعزیز بود بعد از آنکه مخلوع شده معزول گردید سلطان عبد
الحمید به سلطنت اختیار نمود در مقابل قانون اساسی که در عثمانی به ترتیب داده و مشروطیت آن
دولت به بعد ملغی نمودند لکن سلطان عبدالحمید سلطان با تدبیر کنار نشسته و از بیرون دخیل بود و پیش آمد
مجلس را معتمد دانسته قانون اساسی را به تدریج گذاشت و در سال ۱۹۰۸ در موقع انقلاب
ژون ترک که سلطنت او با ممالک دیگر بالکان در سال ۱۸۸۵ بعد از جنگ روس و روم آن
حاکم بود از جانب سلطان معین شده بود از قبیل ولایت روملی که در نتیجه به بلغارستان شد
و این واقعه سبب یک جنگ ۱۵ روزه بین بلغارستان و صربستان گردید در نتیجه آن پیشرفت صربستان و وقوع
جمع این آن دولت مراجعه اروپا شده و همین زود و مواعده و ... را بر صربستان در جنگ
... انتظام روی ترقی و بلغارستان بمسلحت داد و دولت عثمانی دیگر مخالفت نمود و آن هم
بر بلغارستان عنوان تزار اختیار کرد کنگره برلن و معاهده ... نگذاشت ... که ... واقعه
بزرگ بوده است در سال ۱۹۰۸ مرضی اشغال قطعی برای جنگ اروپا فراهم کرد که برای بار دوم خود
بزرگ در این جا گذاشته است معاهده ... شده از بالکان بوسنی و هرزگوین را
تولید نموده و کنگره برلن منعقد با آنها که تصرف کرده بود مجموعاً منعقد شد بعد از قرار عثمانیان
نیست مرجع های عمومی ایشان بوده است در جایی که به دست عثمانی داده بود لا ... گرفته است از ترجیح
کشتی‌های دائمی بین اتحاد عمومی عثمانی و دول عمومی بالکان و دولت عثمانی و ... شده است ... انتظام
مرضی عام دول اروپا هم آنچه مداخلت کرده اند منتشر شده است هم رویا نمایان و هم آن جزیره انتظام
آن را به همان شرح داشته و اقدامات اروپا پایان کار را با استقلال دائمی گرفت در او جزیره ... نه

بعد از یک جنگ بین عثمانی و یونان در سنه ۱۸۹۷ جنگ عثمانی بوده لکن مداخله دول اروپا بانجام بود تمام گرفته است
از دول اکثر بالکان هر کدام بعد از شکست به شرایط مختصر دارای ترتیب مشروطه شدند و هر یک دارای حدود
سرحدی برای آنکه روزی قسمت از عثمانی بود از بالکان بیرون کنند خود آرزو داشتند مرزند
در صربستان بین خانواده قره ژرژ و ابرنوویچ کشمکش شد بعد خانواده سلطنت در خانواده قره ژرژ قرار
گرفته است و اول پادشاه این سلسله پیتر اول پادشاه

بعد ایشان هم به جهت مناسبات و خود آرزوی دول بالکان در قسمت دول با یکدیگر در سلسله جنگها
جنگ عمومی بالکان در سال ۱۹۱۲ شده است بر ضد آن که برای مقابل حقوق واقعه بر ... بین
بین جنگ اول و دوم بالکان نیز در اروپا واقعه جنگ بزرگ تهیه ای ... بر خود شرح داده است

فصل چهاردهم

جنگ اروپا و در خارج اروپا و اوضاع امریکا و شرق اقصی

قرن نوزدهم تا ۱۹ محرر است که توجه اروپا تاریخ اروپا را در رشته کلمات اهمیت داده و در آن سال
ترقیات از نو تحقیق کند ممالک دیگر امریکا بیشتر بر بر و مجهول آن ترقیات و ترقی فوق العاده آن
دنیا ... که در آن دولت در خارج اروپا به تدریج توسعه یافت بیکند ... ساختند ... ممالک
خارج اروپا را نیز به تدریج متوجه دول معظم و صاحب وقایع تاریخی مهم منتشر داد بر جنگ بین الملل
اروپا و ترقیات ممالک غیر اروپایی در عرض نیم قرن اخیر ۱۹ و اوایل ۲۰ تقریباً تمام عالم بود
اهمیت تاریخی خواهد داشت چنانکه در این جا روابطی اکتشافات جغرافیایی اتفاق افتاده است تاریخ نیز تمام دنیا
جنگ اروپا و به تدریج قرن ۱۹ تغییرات کلی در جهت با جاهای کم است تا اواسط قرن ۱۹ در جنگهای جهانی
عمده از سیاست است ... ... جهت عبارت از مجمع ممالک دارای ... در تحت سلطنت یک پادشاه
و با جهت جنگ بین الملل متوجه منافع است برای پادشاهان به جا ... مداخلات ... و جنگهای ... و منافع
اقتصادی در قرون جدید به عبارت کار آمده تیکه تابع منافع و فواید ... است در تمام ۱۹۰ [illegible]

حکومتهای اروپا با منشأهای رشته و عقاید اقتصادی بیش صورت حکومت تا جائی که هم جماعات با هم مشتبه میشود دارای
تربیت و هیچ قوه دیگر نمیتواند با آن مقاومت کند سازمان اقتصادی و بسط اروپا و جمعیت و ترقی فنون و ازدیاد
صنعت و بسط تجارت و ثروت آن اروپا و جمعیت و ترقی صنعت آن کمتر رسیده و شاید متعددترین شعبه‌ها شده است این
اوضاع اسباب شده است و محرک جنگ بلوهای اروپا و جماعات ملی و منافع اقتصادی گردیده و فواید سودهای
سهولین و منشأ اغراض رجال سیاسی با پیشرفت در کار است تا برای آنکه آن فواید و اغراض پیشرفت کامل
کند و جاری به تابع منافع اقتصادی و جماعات تابع شوند یا اقلاً طلوتر و در صورت آن جماعات
و منافع مردان آینده چه آنکه نمیتوانند دنیا از جنگ سیاسی که مبنی بر منافع و نظریات شخصی خانوادگی
باشد آزاد کرده شده و مقایسه این ترتیب جنگ در دنیا با قیمت [illegible] تا فواید حقیقی ملی در جنگ این
جنگ با تمام جاهای شود که این طرز جنگ در بین جماعات تمام و فواید اقتصادی با به راه پیشرفت خود
به کنند مقدور بود از این ملاحظه و طرز جنگ قدیم بین اغراض شخصی و خانوادگی دارای سیاسی دارد و فواید
منافع اقتصادی طوری بود نظام عموم عمده گردیده و منافع هر قوم و ملت را با اقوام دیگر مخالف داشته‌اند
نیز کشمکشها و زد و خوردها هم در ریشه علت پیش آمده جماعات عداوت شخصی بین ملل و ناچیز [illegible]
اروپا تا [illegible] بوده است پس فواید اقتصادی و جماعات تمام نیز در این دوره از حیث نتیجه همان کار را میکند
و جنگهای شخصی و خانوادگی در قدیم میکرد و نتیجه‌های تحت آن جنگ بزرگتر شده زیرا که در قدیم
و خانوادگان ایشان بیکار طرف بودند و حالا این طرفیت با آن عنوان اعتبار بسته و در این
دوره تمام ملت [illegible] ملت دیگر طرف [illegible] عداوت میشوند و از این راه است
بعضی امور [illegible] نظامی اجباری صورت امکان کم است [illegible] جنگ آتش [illegible]
انداخته [illegible] زیرا که کشفیات جغرافیائی از یک طرف و احتیاجات اقتصادی از طرف دیگر
تمام دنیا را منظور نظر اروپا [illegible] و جهل [illegible] خارج اروپا [illegible] (استعمار) البته [illegible]
استعمار [illegible] آن [illegible]

ممکن مورد کار [illegible] در قسمت اخیر ماده ۱۹ و [illegible] هر جا باشد کشفیات جغرافیائی و جزء مستعمرات
اروپائی با بسط دو [illegible] در نیمه دوم ماده ۱۹ [illegible] با تمام رسیده و حکومتهای [illegible] اروپا و در اواسط [illegible] انگلیس
شده و اوضاع اقتصادی مخصوصاً ترقی صنعت و تجارت در اواسط ماده ۱۹ و اواسط [illegible] نژاد [illegible]
و کشتیهای بخار [illegible] و [illegible] کارخانه‌ها [illegible] و [illegible]
این شکل [illegible] ترقیات [illegible] کشفیات جنگ [illegible] بیشتر داده و [illegible]
جنگ [illegible] مخصوصاً [illegible] فوق العاده [illegible] قسمت عمده از [illegible] اروپا [illegible] مستعمرات [illegible]
این قطعه [illegible] سیاسی [illegible] شرق [illegible]
انگلیس [illegible] نظریات [illegible] ایشان در خارج اروپا است
با تمام این [illegible] تاریخی [illegible] مستعمرات اروپا [illegible] ذکر کنم [illegible]
[illegible] این اهمیت فوق العاده [illegible] مستعمرات [illegible] اروپا [illegible]
این دوره [illegible] اروپا [illegible] علت [illegible] مستعمرات [illegible]
در ممالک [illegible] ممالک [illegible] دیگر است [illegible]
ممالک [illegible] تاریخی [illegible] و اهمیت [illegible] ممالک [illegible] اداره اروپا [illegible]
ترقی [illegible] دیگر [illegible] قسمت [illegible] از ممالک [illegible]
[illegible] اروپا [illegible] اروپا [illegible] مستعمرات [illegible]
[illegible] مستعمرات [illegible] بزرگترین [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] مستعمرات [illegible] انگلیس [illegible]
انگلیس [illegible] انگلیس [illegible] هندوستان [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] اروپا [illegible]
مستعمرات [illegible]

برحسب این کنگره ایران مالک [illegible] و اراضی روی نقشه بین [illegible] اروپا [illegible] در جغرافیا [illegible] تقسیم شده و
بهمان اندازه [illegible] این نقطه در این [illegible] تقسیم شده روی نقشه [illegible] تصرف حقیقی [illegible]
و [illegible] مشکلات طبیعی دارد [illegible] تفاوت [illegible] [illegible]
بجهت [illegible] از مملکت اروپا [illegible] [illegible] [illegible]
نخواهیم بود و بسیار مشکل [illegible] شرح خواهیم داد

تملکات انگلیس - هندوستان و حوالی آن. — واقعه مهم در تاریخ هندوستان شورش [illegible] سنه [illegible]
شورش سپاهیان sepoys معروف شده. علت این شورش عدم رضایت هندیان از تسلط انگلیس [illegible]
ایشان [illegible] از دست انگلیسیان [illegible] بوده است [illegible] تسلط انگلیس [illegible]
[illegible] در ۱۸۵۷ هندوستان از دست انگلیس [illegible]
[illegible] شورش استعمال فشنگهای [illegible] [illegible]
[illegible] احترام [illegible] استعمال این فشنگها امتناع نمودند [illegible]
[illegible] شخص از بزرگ زادگان هندوستان [illegible] [illegible]
[illegible] هندوستان [illegible]
هندوستان شد [illegible] [illegible]
[illegible] (۱۸۵۸) [illegible]
[illegible] دولت انگلیس حکومت هندوستان [illegible] در ۱۸۷۶ [illegible]
در حوالی هندوستان انگلیسیان [illegible] افغانستان [illegible] [illegible]
[illegible] عبدالرحمن خان [illegible] شیرعلی خان [illegible]
[illegible] شیرعلی خان [illegible] افغانستان [illegible] (۱۸۷۸) انگلیسیان [illegible] مملکت [illegible]
[illegible] افغانستان [illegible] افغانستان [illegible] ۱۸۷۸

در [illegible] ترکستان [illegible] خان [illegible] حاکم شهر [illegible] در سنه ۱۸۸۵
[illegible] افغانستان و [illegible] [illegible]
[illegible] افغان [illegible]
هندوستان [illegible] انگلیسیان [illegible] هندوستان [illegible]
[illegible] (۱۸۱۹ و ۱۸۲۴) [illegible] در سنه ۱۸۵۲ [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] سنه ۱۸۹۵ [illegible]
[illegible] مصر [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] مصر [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible] condominium franco-anglais ۱۸۷۶ - ۱۸۸۲
[illegible] انگلیسی [illegible]
[illegible] مصریان [illegible]
[illegible] (۱۸۸۲) [illegible]
انگلیسیان [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible]
[illegible]

در ادارات مصر استقلال خود در آن مملکت افزودند
شورش اعراب به پاشا دفع شد لکن [illegible] شورش سودان شروع شد و در تحت ریاست مهدی
سودانی (محمد احمد که ادعای مهدویت میکرد) [illegible] خرطوم و بعد دیگر سودان را
متصرف شد و بعضی صاحب منصبان و مأمورین انگلیسی نیز [illegible] واقع شدند (۱۸۸۵) و انگلیسیان چندی
در کار سودان اقدام جدی نکردند و مهدی [illegible] درگذشت لکن سودان [illegible]
[illegible] سودان [illegible] در تصرف داشتند. انگلیسیان [illegible]
[illegible] قشون انگلیسی و مصری سودان [illegible]
کرد (۱۸۹۸) و تمام [illegible] سودان [illegible] در تصرف مصر و انگلیس
درآمد [illegible] انگلیس [illegible]
جنگ ترانسوال و اورانژ — انگلیسیان بعد از تصرف کاپ [illegible] از اطراف [illegible]
[illegible] (۱۹) [illegible] کاپ
[illegible] انگلیسیان [illegible]
در کاپ [illegible] انگلیسیان در تصرف داشته خارج شده [illegible] اورانژ و Vaal [illegible]
[illegible] جمهوری ترانسوال و اورانژ را تشکیل دادند [illegible]
با انگلیسیان [illegible] انگلیسیان [illegible]
تا معادن طلای ترانسوال کشف شد [illegible] معادن [illegible]
طلای آن [illegible]
[illegible] انگلیسی [illegible] ترانسوال و اورانژ [illegible]
[illegible] انگلیسیان [illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] انگلیسی [illegible] ترانسوال و اورانژ [illegible] انگلیسی [illegible]

تسلیم [illegible] جمهوری ترانسوال و اورانژ [illegible] انگلیس [illegible]
انگلیسی [illegible] در مستعمرات انگلیس [illegible]
و اقدامات [illegible] آنکه انگلیسیان [illegible] جنگ ۱۸۹۹-۱۹۰۲
[illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] جمهوری [illegible] ترانسوال [illegible]
[illegible] جنگ [illegible]
[illegible] ترانسوال و اورانژ [illegible]
مشهورترین رجال Kruger رئیس جمهوری ترانسوال [illegible]
مستعمرات دیگر انگلیس [illegible]
[illegible] انگلیسی [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۹ [illegible]
مستعمرات فرانسه — در مستعمرات فرانسه [illegible]
[illegible] ایتالیا [illegible]
[illegible] ایتالیا [illegible]
[illegible] فرانسه [illegible]
ایتالیا [illegible]
[illegible]

پناه برده و قشون فرانسه بندر بزرت معتبرترین بندر تونس را تصرف نموده مشغول پیشرفت بسمت شهر تونس شدند
بیک تونس مجبور گردید تقاضاهای فرانسویان را پذیرفته روابط خارجی خود را بفرانسه واگذار کند (۱۸۸۱)
لکن بعد از رجعت قشون فرانسه در تونس شورش برخاسته و فرانسویان دوباره ... مرکز آن شهر قیروان بود
قشون فرانسه مجددا برگشته بنیه شهر تونس را تحت حمایت خود درآوردند

در باب ماداگاسکار فرانسویان از زمان لوئی چهاردهم دعاوی داشتند که بنادر آنرا نیز ... دارالتجاره
متصرف بودند ولی چون انگلیسیان نیز بآن جزیره رفت و آمد داشتند حکومت بومی ماداگاسکار تصور
کرده میتوانست بقوت انگلیسیان خود را از ... مملکت خود دفع کند بالجمله در بعضی سالها شورش
گشته ... خواستند ماداگاسکار را از تحت نفوذ آن دولت بیرون آرند فرانسویان قشون بماداگاسکار
فرستاده حکومت ماداگاسکار را مجبور باظهار اطاعت و قبول حمایت فرانسه نمودند لکن بعد از چندی
در صدد مقاومت برآمدند و از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۵ یعنی مدت ده سال فرانسه با ماداگاسکار [illegible]
گرفتار بودند تا در ۱۸۹۵ دولت فرانسه قشون کشی کرده ماداگاسکار را ... حکومت آن جزیره
را ساقط نموده ماداگاسکار را فرانسه جزو مستملکات خود ... نمودند

اوقات روابط فرانسه و چین ... از اواخر مائه ۱۹ [illegible] پادشاه آنام ...
شده و صاحب ... و ... فرانسویان بآن مملکت ... و در آن ... قلعه های
نظامی در آن مملکت بنا کردند ... بنا کرده ... تا تجارتگاه ... برای کشتیهای
خود در شرق اقصی داشته باشند ... در ۱۸۵۸ یعنی ...
نسبت ... کشته ... فرانسویان ... مراجعه ... در آنام ...
مداخله و قشون کشی ... ولایت کشین (؟) ... (۱۸۶۷) ...
کشین یعنی در ۱۸۶۳ پادشاه کامبوج ... تقاضا ... نسبت مملکت خود ... تحت حمایت
فرانسه درآمد ... تونکن ... اقدامات ... کارهائی که ... فرانسه بماشد

این شخص جنرال ... که در سال ... از راه رود تونکن خود را بحدود چین ... رسانده ...
فرانسوی ... از راه این رود سوی ... چین ... تجارت ... معتبر و گاه ... کند
و چون کار ... دولت فرانسه ... از رود تونکن بسمت چین ... دولت آنام در صدد مخالفت
برآمد ... ۱۸۷۵ ...
... (۱۸۷۳) ... آنام ... رود تونکن ... تصرف ...
... فرانسه ...
... تونکن ... تجارت ... از راه رود ...
... دولت ... در ۱۸۸۱ دولت فرانسه در صدد اقدامات ...
دولت آنام ... حمایت ... چین داشت ... دولت چین ... جنگ بین فرانسه و چین
شد و چون دولت چین در این جنگ ... دست فرانسه ... تونکن ... و بعضی از آن
ممالک ... تصرف ... و بعضی را تحت حمایت خود درآورد ... فرانسه و چین ...

امریکا — در تاریخ امریکای اول ... در نیمه اول مائه ۱۹ جنگ ... و ... Guerre de Sécession
... ممالک ... سیاه ...
و آزادی سیاهان از نیمه اول مائه ۱۹ مطرح شده ... ۱۸۶۱ ...
...
... آزادی سیاهان ...
... در ۱۸۶۱ ... ریاست جمهوری ...
Abraham Lincoln ...
... آزادی سیاهان ... ۱۸۶۳ ...
حکومت ...

جلوگیری کنند و جنگ [illegible] با ممالک شمالی [illegible] و این جنگ ۴ سال طول کشید و با آنکه [illegible]
[illegible] قشون [illegible] جنگهای [illegible] بزرگ [illegible] قشون [illegible] جنگهای
[illegible] بزرگترین جنگهای [illegible] شده است [illegible]
گرفتند) عاقبت جنوبیان مغلوب شده پایتخت ایشان Richmond (در مملکت ویرژینی)
[illegible]
[illegible] nordistes
و [illegible] fédérés [illegible] sudistes [illegible] confédérés گفته

این جنگ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (۱۸۹)

شرق اقصی

چین — [illegible] چینیان [illegible]
[illegible] اروپائیان [illegible] چین [illegible]
[illegible] ۱۸۵۶ انگلیس و فرانسه [illegible]
[illegible]
[illegible] چینیان [illegible]

[illegible] چینیان [illegible]
[illegible] قشون [illegible] ۲۳ هزار [illegible]
[illegible] Pékin [illegible]
چینیان [illegible] ۱۸۶۰ [illegible] اروپائیان [illegible]
[illegible] جنگ چینیان [illegible] اروپا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جنگ چین [illegible]
[illegible] جنگ اروپائیان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۹۰۰ [illegible] اروپائیان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] چینیان [illegible]

امریکا و جمهوری‌های چین متحد با ترکیب ... در سال ۱۹۰۰ در خاتمه تاریخ ژاپن گفته است

ژاپن – نژاد ژاپن منشأ چینیان و اهالی تبت قدیم هستند اگرچه قرابت تبت با ژاپن و جزایر ... [illegible]
از جهت صنایع و کیفیات دیگر ... چینی نظیر آنها است اما ... [illegible] تمدن ژاپن از
قدیم ... تمدن ... بوده و ژاپن ... جنگ ... و در اصل ... ساده ... [illegible]
ژاپن با ... بوده ... تا ... ۱۹ ... از چین ... خارج ... [illegible]
از قرون ... مختصر تاریخ ... مملکت ... تا اواسط ۱۹ ... اروپا ... ژاپن
ژاپن ... وحشی ... یک ... نظامی بوده ... اشراف قدیم ... اروپا ... [illegible]
... اشراف ... آن مملکت ... [illegible]
اشراف ... Daimyos بودند در اواسط قرون ... قدرت زیاد ... [illegible]
... سلطنت ... [illegible]
... [illegible]
... اشراف ... سلطنت ... ۱۸۵۳ ... [illegible]
... Chogoun ... اشراف ... [illegible]
... تجارت ... [illegible]
... اروپا ... تجارت ... ژاپن ... [illegible]
... اروپا ژاپن ... [illegible]
... اروپا ژاپن ... [illegible]
... [illegible]
... matsou-hito ... اروپا ... ژاپن ... [illegible]
... اروپا ... [illegible]

... اشراف ... [illegible]
... ژاپن ... اروپا ... [illegible]
... ژاپن ... تحصیل ... اروپا ... علوم و صنایع اروپا ...
... نظام و ادارات ... ژاپن ... سرعت ... [illegible]
... ادارات ... ۱۸۷۰ ... [illegible]
... ژاپن ... [illegible]
... در ۱۸۹۹ ... ژاپن ... [illegible]
... ژاپن ... [illegible]
... حکومت ژاپن ... [illegible]
... [illegible]
... ژاپن ... [illegible]
... (۱۸۹۴) ژاپن ... جنگ ... دولت چین ... [illegible]
ژاپن ... Simonoseki ... [illegible]
... [illegible]
... ژاپن ... (۱۸۹۵) اروپا ژاپن ... ژاپن ... [illegible]
... دولت ... [illegible]
ژاپن ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... ژاپن [illegible]

داشته از راه خود در نتیجه صرف نظر نمودند که از ژاپون ها نزدیکترین خط شرق اقصی و شرقی نیک خود دو
از جانب روس داشته و منافع ژاپن و انگلیس هم بخواست از پیشرفت روس در شرق اقصی در همین زمینه
به ژاپن جلوگیری کند موافقت حاصل کند انگلیسیان به ژاپن وسیله برای ضعیف کردن و جلوگیری از
مداخله آن دولت در شرق اقصی خواسته ژاپن بوده است و ژاپونیان در جنگ خارجی با انگلیس
عقد اتحاد و قرار داد بسته در داخله مشغول تهیه کار برای جنگ روس شدند و در سال
تهیه کار خود تمام کرده بودند
گفتیم در سال ۱۹۰۴ بعد از فتح ... هم ترک پورت آرتور را نمودند دولت روس این قدر بود در بیست
حفظ نمودند و از یک طرف پورت آرتور را حفظ قلعه نظامی مستحکم کرده از طرف دیگر در داخله قوای کمی
نکشیده نظامی داده و در بحری سوران خط راه آهن سیبری قوای خود را ... ژاپونیان
در این تهیه کار جنگ بودند و فراهم کردند از حالت روس سؤال نمودند و در جواب آن دولت
نخواهد قشون خود را از منچوری ... وجود آن در منچوری ... از آن مملکت برد
ژاپونیان جواب نداشته و ... تا در این ضمن تهیه جنگ را فراهم نمودند ژاپونیان
... اولتیماتوم بدون اعلان جنگ ... در دریا ... کشتی جنگی روس حمله کردند و ... پاره
کردن قشون روس در کره شده جنگ کمال ... طول کشید و از تمام جنگهای ما ۱۹ عظیم تر گشته
و ... کرده و کیفیات نظامی در ماه ... هزار ... است در ... جنگ روسها
... سنگر ... راه آهن سیبری ... آن وقت ... خط ... شرق اقصی قوای ... ساختند
... است در این حال ... روس ... قشون که در منچوری داشته ... ترقی ...
جنگ ... در سال ۱۹۰۴ شروع شد و در ... ۱۹۰۵ ... بر پورت آرتور ...
... کرده ... ترین ... این جنگ ... در ...
... جنگ ... قشون و ... سلطنت ... روس ... نمودند

سرداران و شاهی بزرگ ژاپون در این جنگ ما مثال Oyama ... و ... و ... دیگر
از سرداران قشون بری و سردار بحری Togo ... کرده سلطنت ملک ... سردار قوی
سرداران روسی که ژاپن ... در جنگ ... و ... سردار قشون ... بوده
موجب ... بر پورت آرتور کرده بود ... ژاپن ... شده ... و ...
... بیا ... بود ژاپن ... در منچوری ... کرده ... راه آهن منچوری و
ژاپن و ... راه آهن ... ژاپونیان در ... خسارت
جنگ ... کرده بودند ... مذاکرات ... و ... خسارت ...
... ژاپن اظهار کرده ... حالت ... خسارت جنگ ...
و ... خونریزی ... و ... تمام ... ژاپن ... شده ... ساکرد

تتمه ـ اوضاع داخلی انگلیس در سال ۱۹

در انگلیس ... بعضی تغییرات ... بعضی انقلابات ... و در واقع ... اوضاع
انگلیس در ... مذهب ... کرده و این مذهب ... در انگلیس ... اول ...
در ... مذهب ... که ... از کلیسا ... انگلیسیان از
... در ... مذهب ... انگلیس ... ترقی ... حالت ... کرده
... ترقی ... انگلیسیان
... حکومت ... ترتیب ... انتخاب ... مشروطیت ... است
در سال ۱۹ ... انگلیس ... است اول ... انتخابات ... از
... ترتیب انتخابات ... آزادی ... یک
انتخابات انگلیس ... ترتیب ... شهر ... ها
... کرده بودند ... شهر ... داده بودند امتیاز

این ترتیب انتخاب بود از قرون وسطی به جا مانده و اصلاحی نکرده بودند و هم‌چنین شده بود که [illegible] از نفوس
ستاره در ترتیب انتخاب [illegible] انتخاب علنی بوده است و عاقبةً انتخاب کنندگان از تحمیل دول [illegible] (
بعضی از شهرها و قریه‌ها حق انتخاب وکیل داشتند بعضی از ایشان رفته رفته از شهرهای جدید شهرهای
صنعتی مهم و آباد بودند برخی از مهمترین شهرهای انگلیس بودند حق انتخاب وکیل نداشتند و قریه‌هایی
ویران رفته را هم باز حق انتخاب داشتند bourgs pourris گندیده و یکی این قریه‌ها از آبادی
و [illegible] سکنه نداشتند و چون نماینده یک قریه [illegible] باشد بنا باتفاق مالک [illegible] [illegible]
عده نمایندگان داشت که از نتایج وضع این ترتیب انتخابات این بود نمایندگان از مالکین [illegible]
بودند و مالکین [illegible] منافع خود بودند به جهت [illegible] وضع نکردند [illegible] گرانی ارزاق بشود
[illegible] انگلیس [illegible] [illegible] برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خارجی انگلیس کم وارد
بشود [illegible] برای آنکه آن [illegible] از میان برود در پارلمان [illegible] رجوع کرده بودند
قانون غلات [illegible] خارجی بود انگلیس [illegible] قیمت غلات که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] این قانون [illegible] قانون [illegible] [illegible] این رفتار نمایندگان [illegible] [illegible] [illegible]
انتخابات [illegible] آزادی تجارت [illegible] برای انجام این مقصود در میان انگلیسیان
[illegible] (مخصوصاً [illegible])

نسخ قانون غلات و همچنین نسخ قانون معروف acte de navigation که [illegible] [illegible]
[illegible] شده در [illegible] اول [illegible] ۱۹ [illegible] [illegible] [illegible] قانون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آزادی تجارت بود در انگلیس [illegible] بوده و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۹
[illegible] آزادی تجارت [illegible] [illegible] [illegible] برای نسخ قانون غلات و آزادی تجارت
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس [illegible] [illegible] [illegible] Cobden [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] در راه این مقصود صرف کرده است و [illegible] وزیر انگلیس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

قانون غلات [illegible] [illegible] داشته عقیده خود را موافق کرده است. آزادی تجارت [illegible] [illegible]
غلات [illegible] [illegible] اوضاع اقتصادی انگلیس [illegible] داشته زیرا که گرانی ارزاق [illegible] در زیاد
[illegible] [illegible] [illegible] کارگران و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قانون غلات در ۱۸۴۶
[illegible] [illegible] [illegible] در ۱۸۴۹ واقع شد. اما قانون انتخابات [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در ۱۸۳۲ و ۱۸۶۷
و ۱۸۸۴ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس [illegible] دارای انتخاب عمومی شده است
[illegible] آزادی تجارت [illegible] [illegible] [illegible] آزادی [illegible] [illegible] ایرلند [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس [illegible] ایرلند [illegible] [illegible] آزادی [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] (در [illegible] [illegible] [illegible] در ۱۸۲۸ [illegible]
قانون در ۱۸۲۹ [illegible] O'Connell خطیب [illegible] [illegible] ایرلندی)
مسئله ایرلند [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس بوده [illegible] [illegible] اول [illegible] [illegible] ایرلند
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انگلیسی [illegible] [illegible] مسئله استقلال [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] [illegible] ایرلندیان [illegible] انگلیسی [illegible] [illegible] انگلیس
[illegible] ایرلند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از میان [illegible] پارلمان ایرلند [illegible]
[illegible] نمایندگان ایرلند [illegible] پارلمان انگلیس [illegible] ایرلند [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایرلند واقع شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پارلمان
انگلیس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در ۱۸۷۰ [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در ۱۹۰۳ [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انگلیسی [illegible] [illegible] [illegible] انگلیسی [illegible]
مسئله استقلال ایرلند [illegible] [illegible] home rule [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

که دولت انگلیس هم او را قبول کرده لکن انگلیسیها هم در پارلمنت دو دسته اند، این قصه را مخالف بودند
با بودن همه این گفتگوها استقلال داخلی به ایرلند داده شده است و قطع نظر از نفس انگلستان جزایر آنها افتاده
در این قرن دولت انگلیس چهار پادشاه داشته است اول ژرژ سیم و دوازده سال او برادر او جز سلطنت نداشت
او بوده است دوم ژرژ چهارم پسر ژرژ سیم سال بیست و یک سلطنت سیم گیوم چهارم برادر ژرژ چهارم
چهارم ملکه ویکتوریا که در ۱۸۳۷ جلوس کرده و ۶۳ سال سلطنت نموده و دوره سلطنت او بزرگترین دوره
اعتبار انگلیس محسوب میباشد (چون در عهد سلطنت زنان ترتیب جلوس ویکتوریا سلطنت هانوور از انگلیس جدا شد)
در انگلیس بحقایق ترتیب پارلمانی وزرای اول و دولت هستند از پادشاه اهمیت دارند و اگرچه وجود
پادشاه نیز بوجود هم مسئولیت که از این جهت در امور کاری اختیارات در بعضی تراجم اثرات
بزرگ دارد) مشهورترین وزرای انگلیس در دوره انقلاب که در ۱۹ اهمیت تمام و دیگران
در این سده دو نفر هم در ۱۹ Salisbury و Gladstone بوده اند که از ایشان
از نوبه‌گیران رجال سیاسی زمان خود شناخته شده اند و گلادستون در پی ترتیب ایرلند او برای
استقلال ایرلند و سعادت اهالی آن جزیره خیلی زحمت کشیده و با قصه چون در این موضع مقصود نبوده
در کار گذاشته کم است

خاتمه

سایر قطعات عالم

معلوم است که تمام قطعات آثار قدیمه و جدیده که در تاریخ ما ذکر نام واقع شده در داخله ممالک
عالم بعضی سایر قطعات نشده، باقی مانده است همچنین بعضی سایر و مستعمرات بزرگ در دوره اطلاع ما
در عالم یافته شده، با قسمت جنوبی از سایر قطعات که بقدر خیلی مهم سایر انتظام
آمده است که قسمت در تحت حکومت اطرافش هستند و همچنین مستعمره هند با مکان همه از جنبه
دیگر آمده و امکان خیلی بزرگ ناتمام مانده لکن هنوز قدرت مستحکم گردیده است و از هم نظر اوضاع داخلی پیشرفته است
مملکت وسیع روسیه گذشته از اینکه هنوز حکومت مبنی بر آزادی ندارد در ترتیبات اجتماعی نیز خیلی از زمانه

دیگر اروپا عقب است، بواسطه جنگ که به مملکت روسیه تونستا از جهت ترتیب اداری وضع و ورود رعایا بدان
فراوان نیست و دشمنی رعایا تقریباً همه در کلیسا محسوب میشدند و هیچ از خود ملک برداشته جنگ کرده
است ایران هم که در دوره سه سال گذشته از تاریخ امپراطوری مقتدری قبول شده و جانشین او امپراطوری
هم در قطعه آسیا بسته ساخته، با جمعیت خود و نظم بزرگ داشت است از جمله تاریخی
از جهت جنگ، با سیاست خارجی روسیه وارد آمده و سیاست جمعیت داخلی هند که در آنجا سلطه نظم
خیلی فرق که با اصلاح حال رعایا، دیگر اصلاح در ترتیبات اداری از جمله جات اداری تو انسته
مملکت امام داد و در این ولایت که انجمنهای ایالتی و ولایتی معین بر دوام اعضای آن انتخاب
تعیین شده (این انجمنها مردم به Zemstvo معروف میباشد) و به از این جمعیت اداری در
ترتیب قضائی نیز اصلاح تازه آورده و هم بتدریج روسیه خوب شد ولی نه و مالک نیز آزاد
نبودند آزادی رعایا خیلی لکشهره و در تمام آن چند سال طول کشید ملکش بزرگ در کار بود
در این باب هم آزادی رعایا بدون آنکه ملک ورزعی آنان داده تنها چیزی که بود بدون
سکنه دردادند همانها و لوازم آن هم در تصرف رعایا بوده است با شأن ها به جهت آزادی
رعایا ملک اطراف هم ده و قریه به حکومت با جهت ملک آن قریه واگذار کنند و در عوض
حق وصول مالکیت آن را از رعایا هم در آن خود بتدریج از رعایا وصول کنند
جز با روسی ترجمه عموم Mir است در ایالت مانند سایر ملکها از آن استبداد هم نوشته
خوب نهیلیست بوجود آمده و نهیلیست که از مخالفین از این اندازه که ترقی جمعیت داشته
تصرفات اصلاح در دوره الکساندر دوم نتیجه شد و در حال اینکه هنوز هم حال مخالفت الکساندر دوم
آن الکساندر که کتیقه تیسکر به ترتیب داد ولی در زمان هنوز نیز هم کسی روسیه را فروشنده و دو تا ممکن هم
نهیلیست که برای او با اندازه قتل شد و در زمان الکساندر سوم روسیه باز هم او قدم برگشت آزادی کار
در زمان بیان نرفت اصلاحات اداری تازه ناصر با نهایت لکن رای به روسیه یرد و هم تا چند که بعد آمد

که مسئلهٔ گشودن بازار و دورهٔ نوشته‌هان هم دو صنعت جنگ دول و رشد این نیروی عظیم از آزادی هم است
دیگر مسئلهٔ اموال که هم مقداری از آن به تصرف مالکین درون آمده کمی صورت مالکیت اجتماعی داده
شد و در تصرف رسمی اجتماعی جدید قرار گرفت از طرف این مالکیت اجتماعی هم شخص زیادی نظر توجه است
برای رفاه حال این حرفه دارد از طرف دیگر نیز منفعت از زمانی درآمد که مستقل مالکین است دو جا
در جهت دیگری بسته و درست معلوم نیست هم بعد و این انتقال نکته با به حق شود
در انگلیس و آلمان و فرانسه سایر دول هم با اوج فقر در کار روده مسئلهٔ اصلاحات در سیاستها
در اوضاع اجتماعی و حال کارگران تقاضا میکنند و در نیمهٔ دوم ماه ۱۹ و اوایل ماه ۲۰ بعضی کشورها نمونه است
آلمان سایر ممالک هم این اصلاح عبارت بوده است از انتقال راه آهن در انگلیس و فرانسه و آلمان بوده
است بین انگلیس و آلمان از جهت رقابت سیاسی و اقتصادی بین فرانسه و آلمان از
جهت اوضاع فرانسه از آن دیگر انتقال راه آهن انگلیس و روس از جهت نظریات
روس نسبت به شرق اقصی و بین روس و آلمان و اطریش از جهت نظریات هر یک از آنها که
در بالکان داشتند و مسئلهٔ شرق اقصی هم در ضمن کشمکش های دول اروپا و ورود ایالات
در روح این مسئله نزاع روس و ژاپن و چین ایالات متحده اقتصادی در بازار آن مملکت است و نکته مهم
در اینجا این است که بعد و جنگ جهانی اهمیت چندی در این مملکت زمین وسیع و جمعیتی است
که از قدیم تمدن خیلی داشته و دولتها بعضی از تجارت اداری نظم دارند چنانکه mandarins
بین اهالی چین کمتر صنعت داشته و بر حسب اتفاق دیگر کارخانه در حال ترکیب سایر دول
تصرفات رقابت انگلیس و آلمان و فرانسه روس و فرانسه آلمان و اطریش شد این است

تمدن اروپائی در نیمهٔ دوم ماه ۱۹

در نیمهٔ دوم ماه ۱۹ تمدن اروپائی به منتهای عظمت و درجه اعلی رسید و یکی از جهات
هم تمام شعب علوم و صنایع به اندازه‌ای ترقی نموده و مباحث علمی انتشار یافت و در تمام شعب علوم

و دیگر از جهت تمدن اروپائی در این دوره حقیقت علم گیر شده و نزدیک است
که بی‌حد و حصر دانشمندان از آن تولید گردد و در تمدن تمام
شقوق و شعب مختلفه از سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سرایت کرده و این دوره که دوره
سخت‌ترین جنگهای عالم است مسئلهٔ ترک اسلحه و جنگ و گذرانیدن امور بین الملل با حکمیت
arbitrage پا به میان آمده و دولتهای عمده اهمیت داده و معاهدات نموده است
و اگر چه نتیجه عملی آن بسیار کم داده لیکن نظریات مهمه برای آینده تهیه نموده است تا ممالک
آینده و نتیجه اتفاق که سیاسی اقتصادی و اجتماعی را ذکر نموده‌ایم لهذا میخواهیم بحث
علوم و صنایع و ادبیات بپردازیم

در ادبیات و صنایع مستظرفه خیلی زیاد نداریم به دوره نسبت به زمان و حال
بوده و از این حقیقت حکم کرده‌ایم که از زمانهای گذشته اضافه نموده‌ایم گوئیم در
ادبیات فرانسه در نیمهٔ دوم ماه ۱۹ قرن و تمدن آن اهمیت بزرگی دارد و در فرانسه و انگلیس
و آلمان و روس و ایطالیا شعرا و نویسندگان بزرگ بوده‌اند لکن اهمیت آنها در مقابل قدیم است
که اجتماعی بوده و نویسندگان هر چه دیگر است و ادبیات عامه شعرا و نویسندگان
ادبیات روی قصه‌ها اهمیت داده و نمایش مخصوصاً از طبقهٔ نویسندگان شعر
folk و ... دیگر از طبقه رسیده و مخصوصاً بزرگترین قصه‌ها نمایش هست
سبک جدید ادبیات و صنایع مستظرفه در این سبک واقع است و réalisme
naturalisme و ... وصف از دقت و حقایق داده و در بودن طبیعت و نکته ...
طبیعی واقع است در صنایع مستظرفه و موسیقی نظر نیز ... در نیمهٔ اول ماه ۱۹
در حال ترقی است و گذشته از ... ادبیات هم تقریباً همین حکم را جاری
تصورات سبک ... اول ... داده و در بعضی جهات ... هم ... است

را موسیقی هم نمی‌توان از آن ذکر نکرد که مهم‌ترین عصر آن قرن ۱۸ و ۱۹ است یعنی بعد از تنزل ایطالی
در اواسط قرن ۱۸ اروپا عموماً ترقی کرده و در قرن ۱۸ و ۱۹ در همه مملکت‌ها بالاخص آلمان
و فرانسه ترقی کرده است در قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ استادهای بزرگ موسیقی در آلمان و ایطالیا
و اطریش بوده‌اند و بزرگترین آنها Betthoven آلمانی است در نیمه دوم قرن ۱۹ نیز یکی از استادان
بزرگ آلمانی زندگانی می‌کرد Wagner و او مبدع یک طریقه بزرگ موسیقی است Compo-
siteur موسیقی نه تنها نوازنده یا خواننده هستند بلکه اختراع کننده آهنگ‌ها و آوازها که مخصوصاً
در گوشه‌های مختلف هستند همراه با اشعار منظم است و گاهی یک قطعه تمام ترتیب و تصنیف می‌کنند
opera و Opéra Comique و غیره آن شود

در علوم اگرچه اشخاصی که امروز ما تذکر می‌دهیم در قرن ۱۸ و ۱۹ بزرگان محسوب می‌دارم
کم است لکن قدری از این ترتیب بیشتر از آنست که همه مقداری در سه قسمت چاپ کرده و علمای بزرگ علاقه
زیاد به دانشمندان داده و آنها جهت این علوم می‌کنند در این قسمت سه نفر عالم بزرگ فرانسوی بوده‌اند
که در علوم بزرگ‌ترین طرف توجه شده‌اند که از آنها مشهورتر از همه چاپ کرده و اول
سه نفر اول Pasteur کاشف میکروب امراض عفونی و طریقه معالجه آن بواسطه تزریق serum میکرب و اهمیت
و بهتر از علمای تاریخ طبیعی محسوب است و علاوه بر طب) و هم Berthelot بزرگترین علمای شیمی و واضع
فن Thermochimie بود و ترکیبات شیمیائی بزرگترین علما را بسیار متأثر ساخته و نیز در علم فیزیک
و در آلمان علمای بزرگ علم شیمی و طبیعی در انگلیس داشته‌اند بزرگ هم در علم فیزیک در انگلیس و آلمان
با مهارت کامل بوده است علوم دیگر در تمام ممالک متمدنه در حال ترقی بوده است از جمله بزرگترین
اکتشافات و اختراعات این زمان آنکه که مخصوصاً است توسط Branly و hertz و آلمانی
و ارتباطات بی‌سیم) و تلگراف بی‌سیم از آن نتیجه شده و اشعه (ایکس) Rontgen یعنی تصویر
اجسام که پشت دیوار باشد و عکس باطن از آن نتیجه شده و اختراع تلفن توسط grahambell و تلگراف و اختراع

و کشف دیگر آنکه توسط Marconi در ایطالیا و کشف رادیوم توسط Curie فرانسوی
در اوایل قرن ۱۹ در اروپا علمای بزرگ تاریخ طبیعی در انگلیس و فرانسه در ابطال رأی و عقیده داروین
و بیان فلسفه نظام طبیعت و این طریقه یک عالم بزرگ انگلیسی و از جمله Spencer حکمت
فلسفی و حکمتی داده و امروز فلسفه ملکی و در تاریخ طبیعی و علوم راجعه به احوال انسان
چون آنکه به کشفیات علمی به اعتقاد یک ترقی مادی طبیعی در دنیا کرده است و کیفیات از
این عناصر مشهورتر از آنست که محتاج به تذکار باشد

روز سه‌شنبه هشتم شهر شوال المکرم ۱۳۳۷
اختتام پذیرفت
عبدالحسین
هژیر

فتح ترکستان — در نیمهٔ اول قرن ۱۹ حرکت روسها در ترکستان متوجه مملکت خیوه بود از دو حمله
شان که در نیمهٔ دوم قرن ۱۹ نظر باینکه سابقاً قزاقها را زیر دست خود درآورده بودند را [illegible] داده در
کنار صحرا [illegible] روسها بعد از حرکت [illegible] و در میان آن [illegible] شروع شده بود بخیوه
[illegible] پیشرفتی بهتر از دو جهت داشتند که در ۱۸۴۷ شروع شده و در ۱۸۵۳ خاتمه یافته قلعه آق
مسجد را مطیع ساخته در دره سیحون پیش رفتند آنگاه دنبالهٔ دره سیحون را گرفته بطرف تاشکند و خجند و سمرقند
پیش رفتند و در ۱۸۶۹ وارد شهر سمرقند شدند و بعد تمام بخارا را حمله کرده آن را بحالت
دولت تحت الحمایه روسیه درآوردند بعد از آن بهانهٔ حمایت از خان خوقند هم در حمایت روسها
درآمد و بعد در ۱۸۷۶ خوقند را تصرف کردند آخر تمام ترکمنها را که ژنرال
Skobeleff بعد از فتح گوک تپه و تسخیر قلعه مستحکم ترکمنها هم مطیع ساخت ۱۸۸۱
و آخرین پیشرفت روسها فتح و تصرف مرو بود در ۱۸۸۴ و تصرف پنجده در ۱۸۸۵
فتح ترکستان روسها را از راه هرات و افغانستان بخیوه روسها و هندوستان نزدیک
کرد و مملکت انگلیس هم بترکستان متوجه بودند در آن وقت دولت افغانستان از طرف
انگلیسها بود برای جلوگیری از آخرین پیشرفتهای روسها در ترکستان خیلی کوشش کردند لیکن
سرعت پیشرفت روسها کوششهای ایشان را بی فایده نمود (اقدامات انگلیسها در ترکستان
لشکرکشی افغانستان [illegible] بسمت ترکستان و همراهی [illegible] مخفی [illegible] با افغانها
بوده) راه آهن ماوراء خزر هم در سه سال کشیده شده و در ۱۸۸۸ تا سمرقند [illegible] فتوحات
روسها را در ترکستان تکمیل نموده است روسها در آنجا در ترکستان خیلی کار کرده‌اند.